

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه مقالات

اولین همایش علمی طلاب معهد عالی
(امر به معروف و نهی از منکر)

به کوشش:

مدرسه عالی احمدیه اوز

(قسم شریعت)

معهد عالی علوم اسلامی اهل سنت و جماعت جنوب ایران

خرداد ماه ۱۴۰۳

داوران همایش :

داوود احمد یوسفی	(مدرس قسم قراءات لطیفی)
سید عبدالرحیم حسینی	(مدرس قسم شریعت اوز)
قطب الدین زاہدیان	(استادیار معہد عالی)
محمد سـروى	(عضو هیئت علمی معہد عالی)
عبدالسلام شجاعی	(استادیار معہد عالی)



سرشناسه: همایش علمی طلاب (اولین، ۱۴۰۳، معهد عالی)
عنوان: مجموعه مقالات اولین همایش علمی طلاب معهد عالی
موضوع: امر به معروف و نهی از منکر

رئیس همایش:	عبدالغفار جاوید
دبیر همایش:	فاروق سلامی سوزائی
ویراستار:	مریم شاعری
ناظر چاپ:	مسلم محمودی
نوبت چاپ:	اول
سال چاپ:	۱۴۰۳
برگزارکننده:	معهد عالی علوم اسلامی اهل سنت و جماعت جنوب ایران
مکان همایش:	مدرسه عالی احمدیه اوز (قسم شریعت)
ارسال مقالات از طریق آدرس همایش به نشانی:	hamayesh tollab@gmail.com
تلفن دبیرخانه:	۰۷۶ ۴۴۲۴ ۶۲۵۵



طبق قانون حمایت از آثار مؤلفین و مترجمین، تمامی حقوق جهت مؤلف و ناشر
براساس قرارداد فی مابین محفوظ است و هر گونه کپی برداری ممنوع و پیگرد قانونی دارد.

فهرست مقالات

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱۰
امر به معروف و نهی از منکر و روش اجرای آن با تأکید بر خوانش ابن عاشور از آیه ۱۰۴ و ۱۱۰ سوره آل عمران.....	۱۳
جاسم احمدیان	
آمران به معروف و ناهیان از منکر و تاثیر آنها در جامعه از دیدگاه قرآن.....	۲۷
ایوب بذرافکار	
بررسی امر به معروف و نهی از منکر با تکیه بر مفهوم ولایت در آیه ۷۱ سوره توبه.....	۴۳
ساجده خانه‌باز	
بررسی رابطه بین امر به معروف و نهی از منکر با حلال و حرام در قرآن.....	۵۵
کیوان مرادی	
بررسی هم‌نشینی‌های ماده «امر» و ارتباط آن با کلمه معروف در قرآن کریم.....	۷۳
علی ترشه	
تأثیرگذاری واژه خیر بر اوصاف آمران و ناهیان در قرآن کریم با تمرکز بر آیات ۱۰۴ و ۱۱۰ و ۱۱۰ سوره مبارکه آل عمران.....	۸۹
ابتهسام ابراهیمی	
جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم.....	۱۰۳
حسنا ضیایی	
حریم خصوصی و ارتباط آن با امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم.....	۱۱۱
عدنان نجینی	

- حسبه و نقش آن در افزایش تاثیرات اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر.....۱۳۲
حسان پیروزی
- حوزه معنایی معروف و منکر در قرآن کریم.....۱۵۰
نازنین گوری نژاد، سمیرا بیارش
- راهبردهای قرآنی برای امر به معروف و نهی از منکر.....۱۶۱
یوسف قلندرانی
- شاخصه امر به معروف و نهی از منکر بر اساس حدیث معاذ.....۱۸۴
مصیب نصرتی
- مفهوم و حکم امر به معروف و نهی از منکر نزد اهل سنت.....۱۹۰
افسانه کرمی نیا
- مقاصد امر به معروف و نهی از منکر از منظر قرآن.....۲۰۳
عایشه خلیلی
- ویژگی‌های آمران به معروف و ناهیان از منکر.....۲۱۵
عمران هرمودی
- واکاوی دستور العمل‌های امر به معروف و نهی از منکر در امور دینی از زبان غیر انبیاء در
قرآن کریم.....۲۲۵
فاطمه نعمتی، دریا نیک‌سرشت
- صفات آمران به معروف و ناهیان از منکر در قرآن.....۲۴۳
سمیه پراوران
- ویژگی‌های آمران به معروف و ناهیان از منکر با تکیه بر قرآن کریم.....۲۵۴
شایسته مظلوم
- ویژگی داعیان در ترویج امر به معروف و نهی از منکر (مطالعه موردی سوره نوح).....۲۶۸
مسیب محسنی

ویژگی‌های آمران به معروف و ناهیان از منکر در قرآن کریم..... ۲۸۰

افسانه محمدی، طبیبه عبدلی

البعد المقاصدی لفقه الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر في ضوء الكتاب والسنة..... ۲۹۶

خالد ملاح کنگانی

الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر (الفضائل، صفات القائمين به، الشبهات)..... ۳۰۹

یسری آریش

مقدمه

از محقق تا مقلد فرق‌هاست کاین چو داود است و آن دیگر صداست
منبع گفتار این سوزی بود و آن مقلد کهنه آموزی بود

تحقیق و پژوهش نقش حیاتی در پیشرفت علم بشری دارند و بدون آن‌ها، علم در وضعیت رکود باقی خواهد ماند. پژوهش مانند یک قطار سریع‌السیر است که با انجام مطالعات و برگزاری گفتگوهای علمی، همواره پویا و فعال می‌شود و مسیر پیشرفت و توسعه در زمینه‌های مختلف را هموار می‌سازد. پژوهش، راه‌حلی است برای چالش‌ها و مشکلاتی که در مسیر پیشرفت بشری قرار دارند و به کشف ناشناخته‌ها و رفع نیازهای بشر کمک می‌کند.

یکی از اهداف مهم معاونت پژوهشی معهد عالی جنوب ایران، ارتقای سطح علمی، نهادینه‌شدن روحیه تحقیق، پژوهش و نوآوری علمی نزد طلاب است. برگزاری همایش‌های علمی، فرصتی مغتنم است تا طلاب بتوانند یافته‌های پژوهشی خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند و از تجربیات همدیگر بهره‌مند شوند. این همایش و انتشار مجله آن، گامی مؤثر در راستای ارتقای سطح علمی مدارس دینی به شمار می‌رود. ما بر این باوریم که با برگزاری مستمر چنین همایش‌هایی و انتشار مجلات علمی، می‌توانیم به دستیابی به یک معهد علمی پویا و بالنده امیدوار باشیم.

در منهج آموزشی معهد عالی جنوب ایران، ماده‌ای تحت عنوان مقاله‌نویسی گنجانده شده است که در آن، ضوابط و معیارهای محتوایی و ساختاری مقاله‌های علمی _ پژوهشی به طلاب آموزش داده می‌شود. با این حال، از آنجایی که طلاب مقطع کارشناسی معهد عالی در ابتدای مسیر تحقیق و پژوهش قرار دارند، مقالات پذیرفته شده برای انتشار در مجله، عمدتاً مقالات علمی _ تخصصی بوده است.

شایان ذکر است که اولین همایش علمی تخصصی طلاب معهد عالی علوم اسلامی اهل سنت و

جماعت جنوب ایران با محوریت «امر به معروف و نهی از منکر» که از اصول اساسی دین اسلام و مبنای هدایت فردی و اجتماعی است، در روز شنبه مورخه ۱۲ خرداد ۱۴۰۳ در مدرسه عالی احمدیه اوز برگزار گردید. در این همایش، ۲۸ مقاله به دبیرخانه ارسال شد که از میان آنها، ۲۸ مقاله برای ارائه در همایش و ۲۲ مقاله برای چاپ در کتابچه همایش پذیرفته شدند. این مقالات به عنوان بخشی از تلاش‌های علمی، تقدیم شما طلاب و اساتید گرامی می‌شود. در پایان، لازم می‌دانم از همه عزیزانی که در برگزاری این همایش و تهیه مقالات آن همکاری داشته‌اند، به‌ویژه معاونین پژوهشی اقسام معهد عالی، صمیمانه تشکر و قدردانی کنم.

دبیر اولین همایش علمی تخصصی طلاب

فاروق سلامی سوزائی

امر به معروف و نهی از منکر و روش اجرای آن با تأکید بر

خوانش ابن عاشور از آیه ۱۰۴ و ۱۱۰ سوره آل عمران

جاسم احمدیان (طالب العلم ترم دوم رشته اعداد الاثمه و الخطباء _ پاریس)

gasem5315ahmadyan@gmail.com

چکیده

موضوع امر به معروف و نهی از منکر یکی از آموزه‌های اساسی دین مبین اسلام است. این آموزه به مسلمانان کمک می‌کند تا از انجام کارهای ناپسند جلوگیری کنند و حریم الهی و انسانی را حفظ کنند. به‌طور کلی، امر به معروف و نهی از منکر در اسلام به جهت تشکیل یک جامعه عادلانه، اخلاقی و پویا تأکید دارد. این مقاله با تکیه بر روش توصیفی و با توجه به خوانش ابن عاشور در «تفسیر التحرير التنوير»، موضوع امر به معروف و نهی از منکر را بررسی می‌کند.

یک دعوتگر دینی برای تحقق آموزه امر به معروف و نهی از منکر، باید به مجموعه‌ای از مهارت‌های لازم از جمله؛ صبر و شکیبایی در مسیر دعوت، اعتدال در سخن گفتن و همچنین به‌کارگیری روش‌های مناسب در القا و بیان مفاهیم دینی مسلط باشد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، امر به معروف و نهی از منکر، ابن عاشور.

مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر اصلی از اصول دینی در اسلام است. این اصل به تشویق به کارهای خیر و نیکو و جلوگیری از کارهای بد و ناپسند می‌پردازد. در اسلام، امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک وظیفه فردی و اجتماعی مورد تأکید قرار می‌گیرد.

در این تحقیق باتکیه بر روش توصیفی به بیان دیدگاه ابن عاشور در امر به معروف و نهی از منکر و بررسی آن، بررسی حکم امر به معروف و نهی از منکر، بیان مهم‌ترین مهارت‌ها در دعوت و ذکر نمونه‌های کاربردی در قرآن در نزد پیامبران، پرداخته خواهد شد. نویسنده در این پژوهش در پی پاسخ به سؤال ذیل است که باتوجه به آیه ۱۰۴ و ۱۱۰ سوره آل عمران خوانش و دیدگاه ابن عاشور در موضوع امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

امر به معروف به معنی تشویق به کارهای خیر و نیکو است. افراد مسلمان باید به یکدیگر در انجام اعمال خیر و احسان کمک نموده و یکدیگر را تشویق به انجام این اعمال کنند. این شامل کمک به نیازمندان، انجام اعمال خیریه و احسان و کمک به دیگران می‌شود. نهی از منکر نیز به معنی جلوگیری از کارهای بد و ناپسند است. افراد مسلمان باید از انجام رفتارهایی که به جامعه آسیب می‌زند، جلوگیری کنند. این شامل اموری مانند ممانعت از سرقت، تبلیغات مخرب، مصرف مواد مخدر و هر چیزی که به اخلاق و امنیت جامعه آسیب می‌زند، می‌شود.

۱- دلایل تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر

همان‌طور که گفته شد؛ امر به معروف و نهی از منکر از اصول مهم در اسلام است و به تشویق به کارهای خیر و نیکو و جلوگیری از کارهای بد و ناپسند می‌پردازد. پس اهمیت این موضوع را با نام بردن نتایج کلی حاصل از آن بیان می‌کنیم که آنها عبارت‌اند از:

۱. هدایت انسان: هدایت بندگان خدا از بارزترین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است. این اصل به افراد کمک می‌کند تا به کارهای خیر و احسان تشویق شوند و از کارهای بد و ناپسند جلوگیری کنند.

۲. تقویت اجتماعی: امر به معروف و نهی از منکر با ارائه یک الگوی جامع توحیدی از زندگی، بر پایه‌های ایمانی و قائل‌شدن به حق الهی انسان بر تعیین سرنوشت خود، در فراهم آمدن کمال اجتماعی و جامعه توحیدی سهم به سزایی دارد.

۳. حفاظت از حریم الهی و انسانی: امر به معروف و نهی از منکر به تعالیم دینی و اخلاقی اسلامی پایبند است. این اصول به مسلمانان کمک می‌کنند تا از انجام کارهای حرام و مکروه جلوگیری کنند و حریم الهی و انسانی را حفظ نمایند. به‌طورکلی، امر به معروف و نهی از منکر در اسلام به منظور ایجاد یک جامعه عادلانه، اخلاقی و پویا تأکید دارد. همان‌طور که در ادامه خواهیم خواند که عده‌ای از مردم به امر به معروف و نهی از منکر قبل از نزول قرآن عمل می‌کردند منتهی ناقص و به‌صورت یک وظیفه شرعی و دینی تلقی نمی‌شد.

۲- کلیت امر به معروف و نهی از منکر

اگر در قرآن بنگریم درمی‌یابیم که امر به معروف و نهی از منکر یکی از ویژگی‌های افراد مؤمن است و همچنین خداوند آن را جزء عزم الامور قرار داده است که آن به این معناست که خداوند خواستار امر به معروف و نهی از منکر است و نیز یکی از ویژگی‌های افراد نیکوکار امر به معروف و نهی از منکر است. با ملاحظه و توجه درمی‌یابیم که امر به معروف و نهی از منکر یکی از بزرگ‌ترین و بارزترین ویژگی‌های امت محمد صلی‌الله علیه و سلم است که در قرآن به صراحت به آن اشاره شده است: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (آل عمران، ۱۱۰) (ترجمه: شما (ای پیروان محمد) بهترین امتی هستید که به سود انسانها پدیدار شده‌اید (مادام که) امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب (مثل شما به چنین برنامه و آئین درخشانی) ایمان بیاورند، برای ایشان بهتر است (از باور و آئینی که بر آنند. ولی تنها عده کمی) از آنان بایمانند و بیشتر ایشان فاسق (و خارج از حدود ایمان و وظائف آن) هستند.

۳-۱- امر به معروف و نهی از منکر در لغت و اصطلاح

معروف همان گونه که در لسان العرب آمده است به معنای چهره انسان است زیرا؛ انسان با آن چهره شناخته می شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴هـ / ۱۱۱/۱۰) و بر این اساس می توان اینگونه قیاس گرفت که معروف در دین، انجام کارهایی است که دین به واسطه آنها شناخته می شود که خداوند خواستار آن است و بر ما نیز لازم است آن را به مرحله اجرا بگذاریم که می توان از جمله این کارها به ارکان اسلام اشاره نمود.

مُنْكَر عکس معروف است و در لسان العرب یکی از معانی آن، مجهول بودنش توصیف شده است و آن را در مقابل معروف قرار داده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴هـ / ۳۵۲/۱۴-۳۵۳) و منظور آن در دین نیز این است که انجام کارهایی که دین به واسطه آنها شناخته نمی شود و موجب تغییر رویکردها و تغییر دیدگاهها نسبت به دین می شوند که خداوند خواستار این است که از انجام چنین کارها نهی و جلوگیری کنیم.

۳-۲- امر به معروف و نهی از منکر نزد ابن عاشور

براین اساس بعد از اینکه به این ویژگی (امر به معروف و نهی از منکر) که یکی از ویژگی های امت محمد صلی الله علیه و سلم است پی بردیم و دانستیم که از چه کارهایی منع و در چه کارهایی سعی و تلاش کنیم که نیز خداوند خواستار آن است پی می بریم به چگونگی عمل به آن با روش های گوناگونی که به واسطه این روش ها خواسته خداوند از ما به نحو احسن به اجرا در بیاوریم. همچنان این ویژگی یعنی امر به معروف و نهی از منکر از ابتدا در امت محمد □ بوده و امت به این ویژگی عمل می کرده است. این قول دو دیدگاه در بر می گیرد:

اول؛ اینکه به خودی خود مردم آن را انجام می دادند که منظور این است که امری صورت نگرفته است.

دوم؛ اینکه حرص و مواظبت و ملازمت بر برپایی و اقامه دین که موافق واقع شده با مراد خداوند است. (ابن عاشور، ۱۹۴۸م، ۱/۱۸۹).

حال در اینجا یک سؤال به ذهن خطور می‌کند. آیا صحیح است به جای واژه «معروف» در آیه ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (آل عمران، ۱۱۰)، کلمه «خیر» به کار ببریم؟ خیر؛ زیرا در این واژه «معروف» در «مقام تعلیل خیریت» است و همچنین باید گفت که کلمه خیر عام‌تر از معروف است به گونه‌ای که شامل همه خوبی‌ها می‌شود. ولی معروف خاص‌تر است که فقط شامل اعمال درونی خوب یعنی اعمالی که دیده نمی‌شوند، ولی نتیجه آنها ظاهر و آشکار است. بنابراین تعلیل به کار برده شده است و اگر می‌شد خیر به کار ببریم لازم بود توصیف نیز همراه باشد، زیرا امکان دارد خیر اعمال و رفتار آشکار باشد و این نیاز به توصیف دارد و نه تعلیل و مقصود از امر که در آیه: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران، ۱۰۴) (ترجمه: باید از میان شما گروهی باشند که) تربیت لازم را ببینند و قرآن و سنت و احکام شریعت را بیاموزند و مردمان را دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند، و آنان خود رستگارانند، آمده است این است که در اینجا تشریع وجوب یا ابتدای وجوب امر به معروف و نهی از منکر است و امری بودن صیغه از باب تأکید و دلالت بر استمرار دارد. و همچنین در حرف (منکم) حکم استنباط می‌شود و این در حکم بودن بستگی به اینکه حرف (من) را چگونه تفسیر کنیم. با مراجعه به تفاسیر می‌توان گفت که دو قول وجود دارد:

قول اول؛ من را بیانیه در نظر گرفتند.

قول دوم؛ من را تبعیضیه در نظر گرفتند.

باتوجه به دلالت آیه نمی‌توان گفت که قول صحیح و کدام قول اشتباه است، زیرا مفسرین هر دو را ذکر کرده‌اند و هر دو قول دلایل برای اثبات دارند و این امری اجتهادی است و نمی‌توان دیگری را رد کرد و همچنین نهایت این است که حکم امر به معروف و نهی از منکر یا فرض عین و یا فرض کفایت است، زیرا اگر گفتیم که «من بیانیه» است حکم آن (امر به معروف و نهی

از منکر) فرض عین می‌شود و بر همه لازم الاجرا است؛ ولی با گفتن اینکه من برای تبعیض است حکم آن (امر به معروف و نهی از منکر) فرض کفایت می‌شود و در هر دو صورت این فعل که امر به معروف و نهی از منکر است صورت گرفته است؛ ولی همان‌طور که (ابن عاشور، ۱۹۴۸م، ۱۰/۱۰۸) ذکر می‌کند مانع نیست که من بیانیه باشد به‌طوری‌که مراد این است که بر حسب حاجت آنها امر به معروف و نهی از منکر انجام دهند و همچنین می‌گویند که این‌گونه میان اعراب نیز شایع بوده، یعنی می‌توان بر اساس این تعریف این‌گونه تفسیر کرد که من بیانیه باشد؛ ولی در عمل مانند من تبعیض عملکرد که به اندازه نیاز جامعه باشد به‌طوری‌که این عمل جاری بماند.

خلاصه می‌توان این‌گونه جمع‌بندی کرد که اگر هم من بیانیه باشد چنین می‌شود که باید همه مسلمانان یعنی عامه مسلمانان و متخصصین در دین مشغول امر به معروف و نهی از منکر شوند؛ ولی با صورت‌های متفاوت انجام شود به‌طوری‌که عالم دینی یا فردی که متخصص در امور دین و وظیفه‌اش به نسبت کسی که عوام است و عموم مردم بیشتر است و بار سنگین‌تری بر دوش دارد، و امر به معروف و نهی از منکر بین همه باید جاری باشد منتها برای کسی که عالم دینی است بیشتر است و تخصصی‌تر است و برای عوام در حد خودشان و در سطح عموم است و چه‌بسا که یک عالم دینی وظیفه‌اش در ادای امر به معروف و نهی از منکر خصوصاً در جامعه بیشتر و پررنگ‌تر است و همچنین تأثیر آن بیشتر است؛ ولی هم باید به این نکته توجه کنیم که عوام مردم باید به امر به معروف و نهی از منکر نیز پردازند؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر این‌گونه عملی است که باید همه به آن پرداخته بشود تا بتوانند آن را به‌صورت یک فرهنگ در جامعه به پا دارند و اگر ما این‌گونه عمل کنیم و بگوییم من فقط من تبعیضه است و متخصص در آن حیطه یعنی یک عالم دینی فقط می‌توان در آن مشغول باشد کار؛ بر یک عالم دینی خیلی سخت‌تر می‌کنیم و بار خودش را سنگین‌تر می‌کنیم و باید ملاحظه داشته باشیم که اگر هم این عمل صورت بگیرد و فقط مختص به عالم دینی باشد این‌گونه تأثیر در جامعه نخواهیم داشت

که مانند تأثیر همگانی که مانند من بیان که همه را ملزم به امر به معروف و نهی از منکر می‌کند دارد و افراد بیشتری تحت این معنا می‌آورد؛ چه بسا وقتی که همه افراد درگیر به امر به معروف و نهی از منکر می‌شوند قابلیت اجرای آن نیز راحت‌تر و آسان‌تر می‌شود و رواج آن نیز بیشتر و سریع‌تر و همچنین نتایج مثبت زیادی در بر خواهد داشت.

بر اساس آیه ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران، ۱۰۴) می‌توان دو وجه از آیه برداشت کرد:

✱ وجه اول: يدعون الى الخير_يا الدعوة الى الخير.

✱ وجه دوم: يأمرن بالمعروف_يا الأمر بالمعروف است. می‌توان بر اساس این دو وجه این گونه نتیجه گرفت که الدعوة الى الخير یا همان دعوة به خیر شامل همه افراد می‌شود یا به عبارتی (فرض عین) است؛ ولی معروف که قسمت و وجه دوم آیه است یا همان امر به معروف که امر در کار است نیاز به علم، و مختص افراد خاص است؛ ولی دعوت به خیر که خیر عام‌تر از معروف است وظیفه همه است، ولی امر به معروف همان‌طور که معلوم است امر، نیاز به یک سری مهارت‌های خاص که به واسطه همان مهارت‌ها فرد بتواند به نحو احسن امر خود را ادا کند.

۴- مهارت‌های دعوت

و همچنین معروف است که یک داعی (یا دعوت کننده) باید یک سری ویژگی‌ها و مهارت‌ها داشته باشد که این ویژگی‌ها و مهارت‌ها به دو گونه‌اند: در شخصیت خود و در چگونگی دعوت و رساندن رسالت خود (یا همان رفتار) است.

قسمت اول: در شخصیت خود: همان‌گونه که دعوت مهم است؛ شخصیت یک داعی در دعوت نیز مهم است، چرا که شخصیت یک داعی معیار است برای قبول دعوت و رسالت او؛ و یا رد آن. بطور مثال؛ اگر یک فرد با شخصیت و یا دارای یک مسئولیت مهم در جامعه به یک فرد دیگر نصیحت کند حتما میزان توجه به نصیحت آن فرد با شخصیت فرق خواهد داشت با

فردی که از عموم مردم که به آن نصیحت می‌کند و همچنین میزان قبولی در اولی (که باشخصیت است) بیشتر خواهد بود، لذا یک داعی باید دارای یک شخصیتی بارز باشد که به واسطه آن بتواند به میزان قبولی سخنش بیفزاید.

۵- ویژگی‌های شخصیتی

در ادامه چند ویژگی شخصیتی یک داعی از منظر قرآن کریم را نام خواهیم برد:

۵-۱- صبر

خداوند در این زمینه می‌فرماید: ﴿يَا بَنِي آدَمُ اقِمِ الصَّلَاةَ وَامُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (لقمان، ۱۷) (ای پسر عزیزم! نماز را چنان که شاید بخوان، و به کار نیک دستور بده و از کار بد نهی کن، و در برابر مصایبی که به تو می‌رسد شکیبا باش. اینها از کارهای (اساسی و مهمی) است که باید بر آن عزم را جزم کرد و ثبات ورزید.

در حدیثی از رسول الله نقل شده است که «قَسَمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَسَمًا، فَقَالَ رَجُلٌ: إِنَّهَا لِقِسْمَةٌ مَا أُرِيدَ بِهَا وَجْهُ اللَّهِ، قَالَ: فَأَتَيْتُ النَّبِيَّ ﷺ فَسَارَرْتُهُ، فَعَضِبَ مِنْ ذَلِكَ عَضَبًا شَدِيدًا، وَاحْمَرَّ وَجْهُهُ حَتَّى تَمَيَّتُ أَنِّي لَمْ أَذْكُرْهُ لَهُ، قَالَ: ثُمَّ قَالَ: قَدْ أَوْذَى مُوسَى بِأَكْثَرِ مِنْ هَذَا فَصَبِرَ» (بخاری، ۳۰۰۵/۲۷)، صبر (یا شکیبایی)؛ که منظورمان صبر در همه چیز و خصوصا در کنش‌ها و واکنش‌ها و جوابهایی که می‌دهیم؛ که باید قبل از انجام یا گفتن آنها صبر و همچنین در آن واحد فکر کرد و سپس واکنش و جواب خودمان را نشان دهیم.

۵-۲- تکبر نداشتن و اهل تواضع بودن

همچنین خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾ (لقمان، ۱۸) (ترجمه: با تکبر و بی‌اعتنائی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو، چرا که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست نمی‌دارد) اگر یک دعوتگر این ویژگی در شخصیت خود داشته باشد باید مطمئن باشد که موفق نخواهد شد و اگر دقت کنیم و

به دعوتگران موفق سابق نگاه کنیم درمی‌یابیم که در هیچ‌کدام از شخصیت آنها این ویژگی وجود نداشته و به‌عنوان نمونه؛ اشاره به بزرگ‌ترین و موفق‌ترین فرد در دعوت که آن هم رسول‌الله صلی‌الله علیه و سلم است که در خطاب خداوند به او می‌گوید که اگر تندخو و سنگدل بودی از پیرامون تو پراکنده می‌شدند که این بر تأثیر اخلاق و شخصیت با اخلاق بر دعوت اشاره دارد، و همچنین ما شاهد بر آنیم که مقبولیت و سطح قبول یک فرد با اخلاق به نسبت کسی که مشکلی در اخلاق (به عبارت بی‌اخلاق) است نزد همه بیشتر است که آن هم اهمیت این و ویژگی را به ما می‌رساند.

۵-۳- غرور نداشتن

میزان آسیمی که غرور به شخصیت فرد وارد می‌کند را می‌توان با مثالی روشن ساخت: فرض کنید باغی سرسبز و پر بار، که صاحب آن برای به ثمر نشستن درختان و میوه‌های آن زحمات زیادی متحمل شده است. اما پیش از آنکه این میوه‌ها به طور کامل برسند، آفتی به باغ هجوم آورده و نه تنها میوه‌ها، بلکه درختان و تمامی عناصر باغ را از بین می‌برد. این باغ به‌طور کامل تخریب می‌شود. غرور نیز مانند آن آفت، می‌تواند به تمامی دستاوردهای شخصیتی و اخلاقی فرد آسیب بزند و آن‌ها را نابود کند. بنابراین، لازم است ابتدا پیشگیری‌های لازم در برابر غرور انجام شود و در صورت بروز آن، اقدامات درمانی و اصلاحی به‌موقع صورت گیرد تا از خسارات جدی و غیرقابل جبران به شخصیت فرد جلوگیری شود.

۵-۴- اعتدال در سخن گفتن

﴿وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْظُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾ (لقمان، ۱۹) (ترجمه: و در راه رفتنت اعتدال را رعایت کن، و (در سخن گفتنت) از صدای خود بکاه (و فریاد مزین) چرا که زشت‌ترین صداها، صدای خران است) مواردی که ذکر شد مکمل همدیگر هستند و در کنار همدیگر یک شخصیتی که دارای مقبولیت در جامعه است را معرفی می‌کنند. مانند این موارد در

قرآن کریم فراوان است؛ ولی در اینجا قصد اختصار نمودن نیز در نظر گرفته شده است که به همین تعداد اکتفا می‌کنیم.

اعتدال در راه رفتن و حرف زدن؛ از آنجا مهم است که یک شخصیت متین و باوقاری برای صاحب خود به وجود می‌آورد.

۶- چگونگی دعوت (رفتار)

قسمت دوم: چگونگی دعوت امر به معروف و تبلیغ رسالت خود (مهارت‌ها).

همان‌طور که قبلاً گفتیم که واژه «معروف» در فرهنگ قرآن هر آنچه که دین به واسطه آن شناخته می‌شود؛ پس بر اساس این تعریف پی می‌بریم که معرفی دین باید از طریق افراد مناسب تبلیغ شود. چرا که اگر چنانچه دین به طور درست تبلیغ نشود؛ دیدگاه مخاطبین به نسبت دین عوض و یا منفی خواهد شد که به دنباله آن نتایج منفی خواهد آمد. پس یک دعوتگر باید بتواند به نحو احسن دین را تبلیغ کند (و آنها در معرض دید مخاطبین قرار دهد) زیرا خود؛ یک وجه دینی (یعنی یکی از وجّه‌های دین) محسوب می‌شود و همچنین مهم است که دعوتگر_آمر به معروف_ از روش‌های خوب و مؤثر دعوتگری استفاده کند که همه این روش‌ها را خداوند در قرآن به صورت‌های متفاوت ذکر کرده است که بعضی از آنها را نام خواهیم برد:

۶-۱- با نرمی سخن گفتن

خداوند این موضوع را این‌چنین مطرح می‌کند و می‌فرماید: ﴿فَقُولُوا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى﴾ (طه، ۴۴) (ترجمه: سپس به نرمی با او (درباره ایمان) سخن بگوئید، شاید (غفلت خود و عظمت خدا را) یاد کند و (از عاقبت کفر و طغیان خویش و عذاب دوزخ) بهراسد). گفتار نرم، با نرمی صحبت کردن؛ چگونگی یا روش القای کلام و یا دعوت که امروزه به فن بیان مشهور است بسیار نقش پررنگی در پذیرش دعوت و یا کلام و درخواست متکلم دارد که باید یک دعوتگر (یک آمر به معروف) از آن برخوردار باشند.

۶-۲- بیان راه و روش

آیه ﴿وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ﴾ (اعراف، ۸۵) (ترجمه: شعیب را هم به سوی اهل مدین که خود از آنان بود فرستادیم بدیشان گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید (و بدانید) که جز او معبودی ندارید. معجزه‌ای از سوی پروردگارتان (بر صحت پیغمبری من) برایتان آمده است). همچنین آیه ﴿وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ﴾ (هود، ۸۴)، (ترجمه: شعیب را (نیز) به سوی قوم مدین فرستادیم که از خود آنان بود. (شعیب بدیشان) گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید (و بدانید که) جز او معبودی ندارید. و از پیمان و ترازو مکاهید. من شما را خوب و بی‌نیاز (از کاستن از مقادیر و اوزان) می‌بینم (و شایسته نیست با وجود ثروتمندی از چیزهای مردم بدزدید و کم‌فروشی بکنید. اگر ایمان نیاورید و شکر نعمت را نگرارید) من بر شما از عذاب روز فراگیر می‌ترسم) بعد از اینکه پیامبر شعیب به یگانگی و توحید خداوند دعوت می‌کند، به تبیین چگونگی دست کشیدن از منکرات و خلاف آن می‌پردازد و با این روش اقامه حجت می‌کند و واضح است بدون اقامه حجت نمی‌توان کاری انجام داد.

۶-۳- بیان منکر و چگونگی دوری از آن

آیات ﴿إِذْ قَالَ لِأَيُّهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا﴾ (مریم، ۴۲) ﴿يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا﴾ (مریم، ۴۳)، ﴿يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا﴾ (مریم، ۴۴) ﴿يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا﴾ (مریم، ۴۵) (ترجمه: هنگامی (را بیان دار) که (محترمانه) به پدرش گفت: ای پدر! چرا چیزی را پرستش می‌کنی که نمی‌شنود و نمی‌بیند به هیچ وجه نمی‌تواند برای تو کاری بکند، (و اصلاً شرّ و بلایی از تو به دور نمی‌دارد؟) ای پدر! دانشی (از طریق وحی الهی) نصیب من شده است که بهره تو نگشته است، بنابراین از من پیروی کن تا تو را به راه راست رهنمود کنم.

ای پدر! اهریمن را پرستش مکن که اهریمن پیوسته در برابر (فرمان خداوند) رحمان سرکش بوده و هست. ای پدر! من از این می‌ترسم که عذاب سختی از سوی خداوند مهربان گریبان‌گیر تو شود (که آتش دوزخ است) و آن‌گاه همدم شیطان (در نفرین یزدان و عذاب سوزان) شوی.

بیان منکر و چگونگی دوری از آن در امر به دعوت (امربه‌معروف).

مهم است که مخاطب خود به منکری که موجود است پی برد، یعنی وقتی که مخاطب خود به منکری که موجود است پی برد و قانع شد که منکر است، بر دوری از آن و جایگزینی آن با معروف واقف می‌شود. زیرا مقبولیت و قبول تغییر حاصل شده است و همچنین در این حال، خود مخاطب خواهان تغییر است و برعکس آن است که خودخواهان تغییر نیست همان‌طور که در آیه ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره، ۲۵۶) (ترجمه: اجبار و اکراهی در (قبول) دین نیست، چرا که هدایت و کمال از گمراهی و ضلال مشخص شده است، بنابراین کسی که از طاغوت (شیطان و بتها و معبودهای پوشالی و هر موجودی که بر عقل بشورد و آن را از حق منصرف کند) نافرمانی کند و به خدا ایمان بیاورد، به محکم‌ترین دستاویز درآویخته است (و او را از سقوط و هلاکت می‌رهاند) و اصلاً گسستن ندارد. و خداوند شنوا و دانا است (و سخنان پنهان و آشکار مردمان را می‌شنود و از کردار کوچک و بزرگ همگان آگاهی دارد) آیه بیانگر این است که اجبار و اکراهی در پذیرش دین نیست، زیرا تا زمانی که قناعت درونی حاصل نشود آن عمل هم بی‌فایده و ظاهری خواهد بود.

البته که روش یک دعوتگر یا همان داعی نیز بستگی به شخصیت او در جامعه و بستگی به مخاطبین دعوت یا رسالت دارد که برخی از انواع آنها در قرآن کریم و در رابطه با پیامبران را ذکر خواهیم کرد:

حضرت موسی: که دعوت ایشان از فردی از عموم جامعه به پادشاه مصر.

حضرت سلیمان: که از پادشاه به پادشاه (منظور بلقیس).

حضرت ابراهیم: که در سوره مریم از فرزند به پدر.

که کل این اختلاف در شخصیت موجب تغییر در روش‌ها و مخصوصاً روش القای کلام و صحبت کردن می‌شود که در قرآن کریم نیز واضح و آشکار است.

نتیجه‌گیری

- امر به معروف و نهی از منکر باید به یک فرهنگ در جامعه تبدیل شود.
- بر همه واجب است که با شیوه‌های گوناگون این آموزه الهی (امر به معروف و نهی از منکر) را در جامعه پیاده کنند.
- صبر و تکبر نداشتن و اهل تواضع بودن، غرور نداشتن و اعتدال در سخن گفتن از مهارت‌های مهم یک دعوتگر به شما می‌آید.
- شایسته است یک دعوتگر در مسیر دعوت با نرمی سخن بگوید و با راه و روش دعوت آشنایی کامل داشته باشد و راه‌های جلوگیری از منکرات و چگونگی دوری از آن را بفهمد.
- داشتن ویژگی‌های مطلوب یکی از ویژگی‌های آمران به معروف است که باید نهایت سعی در کسب این ویژگی داشته باشند.
- شخصیت فرد آمر به معروف جزء سیمای دین تلقی می‌شود و نباید به واسطه کارهای ناپسند صورت دین را بد جلوه دهد.
- چگونگی و روش القای کلام در دعوت نقش اساسی در موفقیت ایفا می‌کند.

منابع

قرآن کریم

- ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير و التنوير، چاپ دوم، دار التونسيه، تونس، ۱۹۸۴ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، أوالفضل جمال الدين، لسان العرب، چاپ دوم، دار صادر، بيروت، ۱۴۱۴ق.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحيح البخاری، چاپ دوم، دار طوق النجاة، بيروت، ۱۴۲۲ق.

آمران به معروف و ناهیان از منکر و تاثیر آنها در جامعه از دیدگاه قرآن

ایوب بذرافکار (طالب العلم ترم دوم رشته شریعت - اوز)

ayubbazrafkar@gmail.com

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر، دو فریضه الهی هستند که در قرآن کریم به شدت بر آنها تأکید شده است. این دو فریضه، که در آن دو طرف یعنی دعوت کننده و دعوت شونده حضور دارند، نقش محوری در نظم بخشی به جامعه ایفا می کنند. از این رو، شناخت دقیق مسئولیت هر فرد در انجام این فریضه و تاثیر آن در اصلاح جامعه، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. بررسی آیات قرآن نشان می دهد که امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای همگانی است که بر دوش تک تک افراد جامعه، به ویژه مسئولین و صاحب منصبان سنگینی می کند. با انجام این فریضه مهم، این افراد می توانند به رشد و تعالی جامعه کمک شایانی کنند. آنها با مبارزه با کفر و جهل، از عذاب الهی در امان مانده و با ایجاد نظم، اتحاد و همبستگی، جامعه ای سالم و پویا را رقم می زنند.

کلیدواژه ها: معروف، منکر، امر به معروف، ناهی از منکر، قرآن، تاثیر امر به معروف، جامعه.

مقدمه

با توجه به اجتماعی بودن بشر و نیاز آن به اجتماع، انسان‌ها مدام به دنبال زندگی جمعی بودند و هستند؛ بر همین اساس جامعه را که عبارت از گروهی از انسان‌ها است که برای رفع نیازهای مادی و معنوی خود جمع می‌شوند و در کنار هم زندگی می‌کنند پدید آوردند.

هرچه تعداد افراد بیشتر باشد کنترل نظم اجتماعی مشکل‌تر و نیاز به قوانین بازدارنده و مهارکننده افزایش می‌یابد تا بتوان زندگی سالم‌تر و متمدنانه‌تر داشت.

قرآن به عنوان بهترین و هدایت‌گرترین الگو و راهبر، امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان اصلی‌ترین قانون اصلاح‌کننده و بازدارنده اجتماع معرفی می‌کند، قواعدی را تعیین و افرادی را برای انجام این فریضه منصوب می‌کند تا با انجام درست آن بتوانند جامعه را اصلاح کنند. در قرآن کریم، آیات زیادی بر امر به معروف و نهی از منکر دلالت دارند، این آیات دارای دو بعد اساسی می‌باشند، بعد فردی و بعد اجتماعی که قرآن کریم برای جامعه ترسیم کرده، وجود آمران به معروف و ناهیان از منکر است، و غایت دین و شریعت، اصلاح فرد و جامعه و هدایت آن به سوی سعادت دنیا و آخرت است.

جامعه معمولاً به گروهی از انسان‌ها اطلاق می‌شود که به منظور تأمین نیازمندی‌های مادی و معنوی خود جمع می‌شوند. این افراد برای به وجود آوردن نظم در جامعه نیازمند قواعد و ضوابطی هستند که بتوانند زندگی سالم و پیشرفته‌ای داشته باشند. از آنجایی که قرآن کریم بهترین برنامه برای فرد مسلمان به شمار می‌آید یکی از مؤثرترین ابزارهای آن را که برای ایجاد نظم در جامعه اسلامی معرفی می‌کند، امر به معروف و نهی از منکر است. برای ایجاد این نظم و جلوگیری از هرج و مرج باید افرادی باشند که قواعد و ضوابط را قانونمند بکنند و آن را به اجرا بگذارند. حال سؤالاتی مطرح می‌شود که مرجع آمر به معروف و ناهی از منکر از چه طریقی شناخته می‌شود؟ چه کسانی می‌توانند آمران به معروف و ناهیان از منکر باشند؟ و در صورت فقدان آمر به معروف و ناهی از منکر چه اتفاقاتی رخ می‌دهد و وضعیت جامعه چه می‌شود؟

مقالات زیادی در مورد امر به معروف نهی از منکر نوشته شده است که می توان به پاره ای از آنها اشاره کرد: «بررسی چگونگی بهبود و اصلاح اجتماعی از طریق امر به معروف ونهی از منکر» نوشته امیر محمد علی یاری، «روش قرآن بنیان فرهنگ سازی امر به معروف و نهی از منکر در مرحله تشکیل و استقرار جامعه دینی» نوشته طیبه حیاتی و «تبیین جهان شمولی امر به معروف ونهی از منکر برپایه آیات قرآن» نوشته فیروزه اصلانی. تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش های سابق در این است که به صورت تخصصی آمران به معروف و ناهیان از منکر مشخص کرده و تاثیر آنها در جامعه را بررسی کرده است.

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و بررسی آیات و مقالات مرتبط به موضوع جمع آوری شده و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

تبیین مفاهیم

معروف

کلمه معروف از ریشه سه حرفی (ع ر ف) بر وزن مفعول آمده است و بر آرامش و اطمینان دلالت دارد. (ر.ک: ابن فارس، ۱۹۷۹م، ۲۸۱/۴) هر چیزی که نفس آن را به عنوان خیر می شناسد و به وسیله آن به آرامش برسد. (ر.ک: اذهری، ۲۰۰۱م، ۲۰۸/۲) عریف به کسی گفته می شود که مسئولیت انجام دادن کارهای یک قوم را بر عهده گرفته است. (ر.ک: فراهیدی، بی تا، ۱۲۱/۲) معروف یعنی مشهور و شناخته شده و شهرت یافته. (ر.ک: دهخدا، بی تا، ۷۱۹/۴۷).

بنابراین با توجه به معانی ذکر شده معروف را می توان خیری دانست که نفس انسان نسبت به آن مطمئن باشد.

منکر

منکر از ریشه (ن ک ر) اسم مفعول باب افعال است که دلالت بر خلاف معروف می دهد. وَنَكَرَ الشَّيْءُ وَأُنْكَرَهُ: یعنی قلبش آن را نپذیرفت و زبانش به آن اعتراف نکرد (ابن فارس، ۱۹۷۹م، ۴۷۶/۵)

کار زشت و قبیح و نامشروعی که هر کس آن را ببیند انکار می‌کند بازداشتن از اعمال زشت و قبیح و بازداشتن از گناه و اعمال خلاف دین. (ر.ک: دهخدا، بی‌تا، ۱۳۲۵/۴۸).

بنابراین منکر عبارت از فعلی ناپسند و غیر مقبول است که نفس آن را پس می‌زند و نسبت به آن اطمینان ندارد.

آمر

واژه آمر از ریشه (ا م ر) اسم فاعل باب افعال است به کسی که امر می‌کند آمر گفته می‌شود و پنج اصل معنایی دارند ۱- کاری از کارها (الامر من الامور) ۲- امری که ضد نهی باشد ۳- امری که دلالت بر رشد و برکت دهند ۴- امری که معلوم و مشخص باشد ۵- امری که در آن تعجب باشد (ر.ک: ابن فارس، ۱۹۷۹م، ۱۳۷/۱).

ناهی

واژه ناهی از ریشه (ن ه ی) اسم فاعل باب افعال است دلالت بر نتیجه و رسیدن به یک چیزی می‌دهند. انهیته الیه الخبر: یعنی خبر را به آن رساندم. همچنین نهی برای کاری که آن را انجام می‌دهی و پس از اتمام آن کار گفته می‌شوند که این غایت کار بوده است (ابن فارس، ۱۹۷۹م، ۳۵۹/۵).

نهی خلاف امر است و وقتی گفته می‌شود که او را از فلان چیز نهی کردم او را از آن کار بازداشتیم. وتناهوا عن المنکر: یعنی افرادی افراد دیگر را از کاری بازداشتند و نهی با ضمه به عقل گفته می‌شود چون از زشتی‌ها باز می‌دارد (ر.ک: جوهری، ۱۹۸۷م، ۲۵۱۷/۶).

مرجع آمر به معروف و ناهی از منکر

«هدف و غایت دین و شریعت، اصلاح فرد و جامعه و هدایت آن به سوی سعادت دنیا و آخرت است. بنابراین، احکام آن، تابع مصالح و مفاسد و عوامل موثر در صلاح و سعادت است نه تابع محض فرهنگ و عرف موجود در جامعه. البته احکام متناسب با وضعیت جامعه و رعایت دقیق و ظریف مصالح و مفاسد آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد». (ر.ک: معتمدی، ۱۳۹۷ش، ۲۹)، لذا زمانی

که شخصی امر به معروف و نهی از منکر می‌کند باید مشخص شود که مرجع آن از طرف چه کسی است؟

۱- عقل

عقل انسان مانند دیگر ابعاد وجودیش محدود است و احاطه به همه مصالح و مفاسد و حد و مرز آنها ندارد. احکام و کارهای انسان‌ها تنها محصول عقل آنان نیست و می‌تواند از سایر قوای نفس بشری مانند: شهوت و غضب و امیال نفسانی و غرائز بلکه عوامل بیرونی نیز متأثر باشد. شارع حکیم و آگاه به همه جهات، علاوه بر تبیین احکام سازنده رابطه انسان و خدا و تأکید بر اصول اخلاقی که در شکل‌گیری و جهت‌دهی رفتار همه شئون تاثیرگذار است و آن چه را که در صلاح و سعادت بشر دخالت دارد، اما عقل بشر از درک آن قاصر است. (همان).

۲- شرع

تعالیم اسلام که نخستین منشأ آن قرآن مجید است. اگر در این موضوع آیات را تقسیم‌بندی کنیم متوجه می‌شویم که دسته‌ایی از آیات مربوط به هستی‌ها و نیستی‌ها سخن می‌گویند یا در مورد نقل و وقایع تاریخی یا در بحث اعتقادات سخن به میان آورده است؛ مانند این مثال که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ﴾ (خداوند آفریننده همه چیز است) و دسته‌ایی دیگر به بایدها و نبایدها که چه باید کرد و چه نباید کرد، دستور می‌دهد مانند این آیه: ﴿اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى﴾ (عدالت بورزید که به تقوا نزدیکتر است)، بخش اول را جمله خبری می‌باشد و بخش دوم را جمله انشائی می‌گویند. جمله انشائی را به دو بخش تقسیم کرده‌اند بخشی را در دایره تعبدیات وارد و از دایره عقلانیت خارج ساخته‌اند؛ همچون نماز، روزه و سایر احکام عبادی و دسته‌ای دیگر از احکام که بیشتر در بحث عرف و عقلانیت قرار داده‌اند؛ همچون مسائل حدود، دیات، قصاص و احکام مربوط به معاملات و اجتماعیات و احکامی که در دایره سیاسیات قرار دارد. (ر.ک: میبیدی، ۱۳۹۴ هـ، ۶۵). با توجه به معانی که برای معروف به دست آمده است اجمالاً به

این معنی می‌آید: کار پسندیده و شناخته شده و نیکو. «وامر بالعرف» یعنی: به کارهای نیک و مورد پسند امر کن. این منظور لغت عرف را این طور معنا کرده است: «العرف ضد النکر و المعروف ضد المنکر المعروف هنا يستحسن من الافعال» یعنی عرف ضد منکر است و مراد از آن افعال نیکو می‌باشد. (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۱۰هـ/۲۳۹/۹) معروف به فعلی گفته می‌شود که خوب بودن آن از طریق عقل و شرع شناخته می‌شود و منکر آن است که عقل و شرع آن را انکار کند. (ر.ک: راغب، ۱۴۲۶هـ/۳۳۴) به عنوان مثال نوشیدن شراب شارع آن را حرام دانسته است، ولی امکان این دارد که عقلاء جامعه آن را قبول کنند پس در این صورت باید به آن چیزی که شارع گفته عمل کرد یا اینکه شارع شرب خمر را حرام دانسته است و لقمه‌ای در گلوئی شما گیر کرده است و چیزی جز شراب در آنجا نباشد پس عاقلانه این است که آن شراب را بخوریم و خود را نجات بدهیم این رخصت از طرف شارع هم داده شده است.

آمران به معروف و ناهیان از منکر

آمران به معروف و ناهیان از منکر، یکی از مهم‌ترین مفاهیم اخلاقی و اجتماعی در اسلام است که به معنای دعوت به کارهای نیک و بازداشتن از کارهای زشت می‌باشد. این فریضه الهی، بارها در قرآن کریم مورد تاکید قرار گرفته و به عنوان یکی از ارکان اصلی جامعه اسلامی شناخته می‌شود. در این بخش، به بررسی این موضوع می‌پردازیم که قرآن کریم چه کسانی را آمر به معروف و ناهی از منکر معرفی کرده است.

۱- حاکم:

حکم، مستلزم حاکم است، حاکم خداوند است و جز او کسی نمی‌تواند حاکم باشد. برای آگاهی از احکام او فقط از طریق شرع ممکن است، خداوند متعال در این مورد می‌فرماید:

۱- ﴿اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ﴾ (انعام، ۱۰۶) (تابع آن باش که از خدایت بر تو وحی شده، معبودی به حق جز او نیست، از مشرکان روی بگردان).

۲- ﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ﴾ (یوسف، ۴۰) (حکم نیست مگر خدا را فرمان داد که جز او را نپرستید) نخستین آمر به معروف و ناهی از منکر خداوند است.

امر به معروف و نهی از منکر کاری است که خدا انجام می‌دهد:

۱- ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (نحل، ۹۰) خداوند عزوجل در قسمت اول از آیه امر می‌کند به عدالت و نیکوکاری و رعایت حق خویشاوندان و در ادامه از فحشا و منکر و سرکشی نهی می‌کند و ما را مورد پند و اندرز قرار می‌دهد که این کار مهم را انجام بدهیم.

۲- ﴿قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا﴾ (اعراف، ۲۹) (بگو: پروردگارم به عدل و قسط فرمان داده است)

۳- ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾ (نساء، ۵۸) (خداوند فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به اهلش بازگردانید). با توجه به آیات قرآن اولین کسانی که خداوند آنها را امر به معروف کرد فرشتگان بودند ﴿فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾ (حجر، ۲۹). و زمانی که خداوند عزوجل آدم و حوا را از درخت ممنوعه ممنوع کرد آنان فریب شیطان خوردند از طرف خداوند ندا آمد که مگر شما را از این کار باز نداشته‌ام ﴿وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَمَا الشَّجَرَةِ وَأَقُلْتُ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ (اعراف، ۲۲). کسی که در انجام این کار تلاش می‌کند برای او یک فضیلت به حساب می‌آید چرا که شروع این کار از طرف خداوند بوده است.

۲- پیامبران

خداوند سبحان پیامبرانی برای تعلیم ما انسان‌ها به کارهای خوب و دوری از آثار شرک و پرهیز از کارهای زشت فرستاده است تا مردم از ظلم و جهالت به دور باشند. پیامبران با نوری که از وحی دریافت می‌کردند به جنگ شیطان و حزب آنها می‌رفتند تا نور مبین و زنده و حیات بخش، میزان سنجش ارزشها و متمایز کننده امانت‌دار، از خیانت کار، برای همه انسانها باشند. پیامبران هم با رسیدن به فهم و درک وحی و بصیرت یافتن از جانب پروردگار خیانت در امانت را تشخیص می‌دهند. از آنجایی که عقل مستقلاً نمی‌تواند اینها را درک کنند خداوند عزوجل

پیامبرانی را فرستاد تا معروف بودن و منکر بودن چیزی را به ما یاد بدهند و معلم ما در این زندگی شوند چون دشمن قسم خورده ما انسان‌ها شیطان، برخلاف همین امر و نهی می‌کند:

- ۱- ﴿إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ﴾ (بقره، ۱۶۹) (او تنها شما را به سوی زشتکاری و گناهکاری فرمان می‌دهد)
- ۲- ﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ﴾.

قرآن کریم یکی از ویژگی‌های پیامبران، اجرای امر به معروف و نهی از منکر معرفی می‌کند:

- ۱- ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (همان کسانی که از فرستاده خدا، پیامبر امی پیروی می‌کنند، پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیلی که به صورت مکتوب نزدشان است می‌یابند که آنها را به معروف دستور می‌دهند و از منکر باز می‌دارند).
- ۲- ﴿فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ﴾ (بقره، ۲۱۳) (آنگاه پیغمبران را و مرثده دهندگان و ترسانندگان فرستاد و کتاب را با حق همراه آنان نازل فرمود تا بین مردم در آنچه اختلاف کرده‌اند حکم کنند).
- ۳- ﴿وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ﴾ (و آنکه حکم کن بین آنان به آنچه خدا نازل فرموده و از هوای آنان پیروی نکن). به عنوان نمونه به تعدادی از پیامبران الهی در قرآن پرداخته می‌شود:

أ. نوح (علیه السلام): نوح بعد از یاد گرفتن تعالیم وحی و فهمیدن امانت الهی قوم خود را انداز و بیم می‌دهد. آنها را امر می‌کند به اینکه خدا را پرستش بکنند و تقوای او را پیشه کنند و از او

اطاعت کنند: ﴿أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا﴾ (نوح، ۳).

ب. هود (علیه السلام): ﴿أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ﴾ (هود، ۲).

ج. صالح (علیه السلام): ﴿فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (اعراف، ۷۳).

د. اسماعیل (علیه السلام): ﴿وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا﴾ (مریم، ۵۵).

علاوه بر پیامبران مذکور سایر پیامبران نیز این وظیفه را بر عهده داشتند.

۳_ اولو الأمر

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (نساء، ۵۹).

سومین گروهی که کار امر به معروف و نهی از منکر در اختیار دارند اولوالأمر هستند. در تفسیر ابن کثیر آمده است که کار امر به معروف و نهی از منکر در اختیار دارند اولوالأمر هستند. در تفسیر "اولو الأمر" فقهاء و علماء هستند، ابن کثیر می گوید ظاهر آیه دلالت بر امر و علما می دهد. (رک: ابن کثیر، ۱۹۹۹م، ۲/۳۴۵). مفسرین "اولوالأمر" را به دو گروه تقسیم کرده اند: ۱. فقهاء، اهل دین و دانشمندان ۲. امر و کسانی که قدرتی در اختیار دارند. خداوند در سوره مائده آیه ۶۳ علمای یهود و نصارا، که در برابر گناهان امت خود سکوت کردند را مورد توبیخ قرار داده است. ﴿لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّائِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ چرا علمای ربانی و دانشمندان یهود و نصارا آنها را از گفتارهای گناه و رشوه خواری نهی نمی کنند؟ به راستی که چه رفتار بدی انجام می دهند. و همچنین خداوند دستور داده که گروهی در مسیر کسب علم و تفقه در دین قدم بگذارند و قوم خود را انذار دهند. ﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾ (توبه، ۱۲۲). لقمان یکی از حکیمان و دانشمندان بزرگی بود که فرزند خود را به اقامه نماز و امر به معروف و نهی از منکر سفارش می کرد. ﴿يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (لقمان، ۱۷).

کسانی که خداوند به آنها قدرتی بخشیده و توانایی اداره کردن یک جامعه بر عهده آنان است یکی از خصلت های آنان امر به معروف و نهی از منکر است. ﴿الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ (حج، ۴۱). کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می دارند و زکات را می پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و پایان همه کارها از آن خداست. نمونه بارز آن که قرآن بدان اشاره می کنند سلیمان است، زمانی که هدهد برای او خبر آورد و گفت که بدو قدرت داده شده و

خودش و قومش به جای الله، برای خورشید سجده می‌کنند سلیمان هم نامه‌ای نوشت و آن‌ها را امر کرد که تسلیم فرمان خدا شوند ﴿أَلَا تَعْلَمُوا عَلَيَّ وَأُتُونِي مُسْلِمِينَ﴾ (نمل، ۳۱).

۴- عامه مردم

یکی دیگر از گروه‌هایی که خداوند آن‌ها را برای اقامه این کار امر کرده عموم مردم هستند. عامه مردم شامل همه مسلمانان می‌شود و بایستی حس مسئولیت‌پذیری میان آن‌ها وجود داشته باشد. ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (آل عمران، ۱۱۰) طبق این آیه بهترین امت، امت محمد صلی الله علیه و سلم شناخته می‌شود، زیرا این امت عمل امر به معروف و نهی از منکر را انجام می‌دهند. و همچنین زمانی که خداوند بنی‌اسرائیل را از صید ماهی در روز شنبه منع کرد و آن‌ها از صید دست نکشیدند. گروهی از آن‌ها به گروه دیگر که کار امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند، گفتند چرا این‌ها را پند می‌دهید در حالی که خداوند این‌ها را نابود می‌کند یا به آن‌ها عذابی سخت خواهد داد آن‌ها گفتند تا عذری پیش پروردگار خود داشته باشیم. سبب گناه و تجاوز در قوم بنی‌اسرائیل این بود که یکدیگر را از منکرات نهی نمی‌کردند ﴿كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنِ مُنْكَرٍ﴾ (مائده، ۷۹).

زمانی که این امر مهم ترک شود و مردم در برابر آن بی‌تفاوت باشند و بگویند که منحصر به یک قشر و صنف خاصی است جامعه به سمت فحشا و منکر می‌رود، و اگر هر شخص نسبت به شخص دیگر مسئول باشد جامعه سالم‌تری خواهیم داشت، در همین جامعه خودمان ایران مشاهده می‌کنیم که اختلاس‌های کلانی که صورت می‌گیرد ناشی از همین مسئله می‌باشد زمانی که شخص زیردست به بالا دست خود یا رئیس تذکر بدهد یا به شخص بالاتر از او این مسئله را متذکر شود، چنین فاجعه‌ای به بار نمی‌آید و شخصی که چنین کاری انجام می‌دهد از ترس اینکه بالاتری است و به او تذکر می‌دهد یا او را برکنار می‌کنند دست از این کار می‌کشد.

یک پدر نسبت به فرزند خود و یک فرزند نسبت به پدر خود و زن و شوهر نسبت به همدیگر مسئول هستند تا همدیگر را تشویق و ترغیب کنند. پیامبر □ صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: «كُلُّكُمْ رَاعٍ، وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، الْإِمَامُ رَاعٍ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالرَّجُلُ رَاعٍ فِي أَهْلِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ فِي بَيْتِ زَوْجِهَا وَمَسْئُولَةٌ عَنْ رَعِيَّتِهَا، وَالْخَادِمُ رَاعٍ فِي مَالِ سَيِّدِهِ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ». (ر.ک: بخاری، ۱۴۲۲هـ ۵/۲). قرآن یکی از صفات انسان‌های مؤمن را چنین بیان می‌کند: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (توبه، ۷۱). و قرآن انسانی که امر به منکر و نهی از معروف می‌کند را از جمله انسان‌های منافق به شمار می‌آورد: ﴿الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ﴾ (توبه، ۶۷).

۵- هر شخص در مقابل نفس خود

شخص با آغاز امر به معروف و نهی از منکر، از نفس خود به تدریج به اصلاح خویش نزدیکتر می‌شود، و با نزدیک شدن به اصلاح خود به اصلاح جامعه نیز نزدیکتر می‌شود، ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (رعد، ۱۱) خداوند حال و وضع هیچ ملتی را تغییر نمی‌دهد، مگر این که آنان احوال خود را تغییر دهند؛ به عنوان مثال: شخصی نماز نمی‌خواند و نفس خود را وادار به خواندن نماز نکرده است چطور ممکن است که دیگران را تشویق به خواندن نماز بکند، به قول اقبال لاهوری: جان چو دیگر شد جهان دیگر شود. اینکه شخصی خودش را امر به کارهای خوب بکند و نفس خود را از کارهای بد باز دارد سبب ورود او به بهشت می‌شود و همچنین اگر نتواند نفس خود را کنترل کند سبب ورود او به جهنم می‌شود، ﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ - فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ﴾ (نازعات، ۴۰-۴۱).

قرآن کریم از سه نفس نام برده است: ۱. نفس اماره: این نفس انسان را به سمت بدی‌ها و خوبی می‌برد و زشتی‌ها و بدی‌ها را برای او زیبا جلوه می‌دهد، به عنوان نمونه در داستان یوسف هنگامی که آن زن از یوسف درخواست کام‌جویی کرد نفس یوسف او را به سمت بدی امر کرد،

اما یوسف تسلیم هوای نفس خود نشد، ﴿وَمَا أُبَرِّئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (یوسف، ۵۳). نفس، انسان را به سوی بدی و خوبی امر می‌کند و شخصی می‌تواند بر نفس خود غلبه کند که همیشه یادآور کارهای خوب و بد باشد و آن را مورد محاسبه قرار دهد، «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا» (ر.ک: ترمذی، ۱۹۹۸م، ۲۱۹/۴). ۲. نفس لوازمه: انسان را به سمت خوبی‌ها می‌برد این نفس نفس آگاه و بیداری است و زمانی که شخص در گناه بیفتد سریع به خود می‌آید و خود را ملامت و سرزنش کرده و توبه می‌کند. ۳. نفس مطمئنه: نفسی که به درجه کمال رسیده و به راحتی مغلوب نفس اماره نمی‌شود و به مقام تقوا رسیده است.

تاثیر آمران به معروف و ناهیان از منکر

در جامعه‌ای که آمر به معروف و ناهی از منکر وجود نداشته باشد در نتیجه، نبود شخصی برای اصلاح جامعه، به تدریج جامعه را به سمت فساد و تباهی خواهد کشاند.

اولین وظیفه همه انبیاء، امر به معروف و نهی از منکر معرفی شده است. بررسی داستان‌های پیامبران در قرآن نشان می‌دهد که وجود آمران به معروف و ناهیان از منکر، یکی از مهم‌ترین عوامل احیای جوامع بوده است. به عنوان مثال، موسی(ع) زمانی که به سوی فرعون رفت، با جامعه‌ای روبرو شد که فرعون ظالم، بدترین شکنجه‌ها را بر مردم روا می‌داشت و آنان را از حقوق طبیعی خود محروم کرده بود. از مهم‌ترین تأثیرات آمران به معروف و ناهیان از منکر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. از بین بردن شرک و کفر و جهالت

لقمان حکیم زمانی که پسرش را پند و نصیحت می‌کند، اولین چیزی که به او یاد می‌دهد این است که شرک به خدا نوز، همانا شرک ستمی بزرگ است ﴿يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ (لقمان، ۱۳). خداوند همه گناهان را می‌بخشد بجز شرک؛ چون هر حرکت تخریبی و ضد الهی از شرک سرچشمه می‌گیرد، و اساس حرکت‌های صحیح و سازنده توحید است.

دعوت همه پیامبران ریشه کن کردن کفر و شرک بوده است ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ﴾ (نحل، ۳۶). یکی از شروط آمر به معروف و ناهی از منکر علم و آگاهی است تا به وسیله علم و آگاهی که کسب کرده، بتواند جامعه را به رشد و تعالی برساند و از جهالت و نادانی بدور کند.

وقتی جبرئیل به سراغ پیامبر می‌آید و به او می‌گوید "اقرأ" یعنی بخوان، پیامبر می‌گوید "ما أنا بقاری" من خواندن بلد نیستم، تا این که جبرئیل سه بار این را تکرار می‌کند و او را در آغوش می‌گیرد و او را وادار به خواندن می‌کند (ر.ک: بخاری، ۱۹۹۳، ۴/۱). و همچنین هنگامی که خداوند موسی را ندا کرد او را با علم و آگاهی به سوی قوم ظالم و ستمکار فرعون فرستاد و هنگامی که ساحران علم و آگاهی موسی را دیدند به پروردگار جهانیان ایمان آوردند و از جهالت و نادانی که در آن قرار داشتند دست کشیدند ﴿قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ﴾ (اعراف، ۱۳۸).

۲. دفع هلاکت و عذاب

خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْنَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ﴾ (شعراء، ۲۰۸)، ما هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم، مگر اینکه بیم‌دهنده‌گانی داشته‌اند، یعنی کسانی بوده‌اند که آنها را به اوامر و نواهی خداوند آشنا کنند و هنگامی که وعده عذاب برای قوم لوط آمد خداوند به لوط گفت اهلت را در پاسی از شب بردار و از این شهر بیرون برو ﴿فَاسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ﴾ (حجر، ۶۵). و کسانی که مورد خشم و عذاب و هلاکت خداوند قرار گرفتند به علت نپذیرفتن امر به معروف و نهی از منکر بوده که چنان تازیانه عذاب بر سر آن‌ها فرود می‌آمد و پیامبر می‌فرماید: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيُوشِكَنَّ اللَّهُ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عِقَابًا مِنْهُ ثُمَّ تَدْعُونَهُ فَلَا يَسْتَجَابُ لَكُمْ» (ر.ک: ترمذی، ۱۹۹۸، ۲۸/۴)، قسم به کسی که جانم در دست اوست باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، وگرنه عذاب خداوند نزدیک شده و شما آن را می‌بینید و در آن هنگام دعا می‌کنید، اما دعای شما مستجاب نمی‌شود.

۳. ایجاد نظم و اتحاد و همبستگی در جامعه

هنگامی که شرک و جهالت از جامعه‌ای برداشته شود و علم و آگاهی شکوفا شود و رشد کند، اختلاف نظرها به وجود می‌آید با توجه به آیات قرآن که تشکیل شده از آیات مکی و مدنی هستند. آیات مکی بیشتر در مورد توحید و از بین بردن شرک و جهالت می‌باشد و آیات مدنی در مورد قانون و ساختار و نظم در جامعه صحبت می‌کند. به اجرا گذاشتن این قانون توسط آمران به معروف و ناهیان از منکر سبب اتحاد و یکپارچگی در جامعه خواهد شد. ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران، ۱۱۰) باید در میان شما جماعتی یا ملتی باشد که کار امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهد، طبق این آیه می‌توان چنین برداشت کرد که آمران به معروف و ناهیان از منکر تشکیل شده از یک گروه و جماعت هستند. خداوند در اوصاف مؤمنان این طور بیان می‌کند که آمران به معروف و ناهیان از منکر حافظ قوانین خدا هستند و این قوانین سبب ایجاد نظم در جامعه می‌شود ﴿الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (توبه، ۱۱۲).

و همچنین خداوند در سوره آل عمران در سیاق امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ﴾ (آل عمران، ۱۰۵) مانند کسانی نباشید که با ترک امر به معروف و نهی از منکر پراکنده شده و دچار اختلاف می‌شوند. هنگامی که قوانین خدا توسط آمران به معروف و ناهیان از منکر درست اجرا شود سبب ایجاد نظم در جامعه خواهد شد، از نتایج مهم این نظم به وجود آمدن جامعه مدنی خواهد شد اما یکی از مشکلاتی که امروزه در جوامع بشری خصوصا در دنیای اسلام مشاهده می‌کنیم، وجود حزب‌گرایی و مذهب‌گرایی مذموم است که سبب خوار و ذلیل شدن مسلمانان شده است. ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران، ۱۰۳). همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید و پراکنده نشوید.

نتیجه گیری

- "معروف" به کارهایی اطلاق می شود که عقل سلیم و دین مبین اسلام، نیک و پسندیده بودن آنها را تأیید می کنند. در مقابل، "منکر" به اعمالی گفته می شود که عقل و شرع، آنها را بد و ناپسند می شمارند.

- اولین کسی که به امر به معروف و نهی از منکر فرمان داد، خداوند متعال است. پیامبران الهی نیز به عنوان مبلغان وحی الهی، همواره بر اهمیت این فریضه الهی تأکید ورزیده اند. پس از آنان، اولوالامر که شامل حکام، علماء و هر کسی که مسئولیت هدایت جامعه را بر عهده دارد، موظف به امر به معروف و نهی از منکر هستند. گروه بعد همه مردم نسبت به همدیگر این مسئولیت را دارند که همدیگر را به بهترین راه دعوت کنند و از کارهای بد باز دارند، در نهایت، هر فردی در برابر نفس اماره ای که دارد مسئول است.

- اثرات امر به معروف و نهی از منکر را می توان به صورت زیر برشمرد؛ احیای جامعه با مبارزه با کفر و جهل که موجب زنده شدن و شکوفایی جامعه می شود و موجب دور شدن از عذاب و خشم خداوند و نزول رحمت و برکات الهی بر جامعه می گردد و سبب ایجاد نظم و انسجام اجتماعی، تقویت روابط بین افراد جامعه و افزایش همبستگی و وحدت بین آنها می شود.

منابع

قرآن کریم

- ابن فارس، احمد بن فارس، مقایس اللغة، چاپ اول، دار الفکر، ۱۹۷۹م.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، چاپ دوم، دار طیبہ للنشر و التوزیع، ۱۴۲۰ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ اول، دار الفکر، بیروت-لبنان، ۱۴۱۰ق.
- أزهري، محمد بن احمد، تهذيب اللغة، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۲۰۰۱م.
- اصفهانى، راغب، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: محمد خلیل عیتانی، چاپ چهارم، دار المعرفه، بیروت-لبنان، ۱۴۲۶ق.

بخاری، اسماعیل بن عمر، صحیح بخاری، محقق: مصطفی دیب البغا، چاپ پنجم، دار ابن کثیر دار الیمامه، دمشق، ۱۹۹۳م.

ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الکبیر، محقق: بشار عواط معروف، دار الغرب الاسلامی، بیروت، ۱۹۹۸م.
جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، چاپ چهارم، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۹۸۷م.
خرمدل، مصطفی، تفسیر نور، چاپ اول، نشر احسان، تهران، ۱۳۷۲ش. (مصدر ترجمه آیات).
دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپخانه مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، بی تا.
فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، دار و مکتبه الهلال، بی تا.

معتمدی، محمد، سیره عقلا و عرف در اجتهاد، چاپ اول، انتشارات سرایی، قم، ۱۳۹۷ش.

میبدی، محمد تقی، شریعت عرف و عقلانیت، چاپ اول، انتشارات هرمز، تهران ۱۳۹۴ش.

بررسی امر به معروف و نهی از منکر با تکیه بر مفهوم ولایت در آیه ۷۱ سوره توبه

ساجده خانه‌باز (طلبه ترم هشتم رشته شریعت _ خنج)

sajikhanebaz@gmail.com

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر از مسائل چالشی جامعه اسلام است. این مفهوم به شیوه‌های مختلف و به دلایل گوناگون در قرآن کریم و سنت نبوی مورد تاکید قرار گرفته است تا جایی که خداوند آن را شعار این امت قلمداد می‌کند. در طول تاریخ اسلامی، از عبارت‌های قرآنی مرتبط با این مفهوم برداشت‌های متفاوتی صورت گرفته و بر سر حکم اجرا و چگونگی قیام به آن میان علماء اختلاف نظر وسیعی وجود دارد. در این مقاله با تاکید بر مفهوم ولایت در آیه ۷۱ سوره توبه و بررسی اقوال مفسران، به روشن کردن جوانب متعدد این مفهوم پرداخته می‌شود. امر به معروف و نهی از منکر مفهومی است اجتماعی که در جامعه ایمانی کارایی دارد و پیش‌زمینه آن، ایجاد مفهوم ولایت بین مردان و زنان مؤمن است.

کلیدواژه‌ها: امر به معروف، نهی از منکر، ولایت مؤمنین، آیه ۷۱ سوره توبه.

مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر از جمله مفاهیم حیاتی برای جامعه اسلامی است که پویایی و فعالیت آن به این مفهوم ارتباط مستقیم دارد. در آیه ۷۱ سوره توبه بر امر به معروف و نهی از منکر تأکید شده، چرا که نقش اساسی در سلامت و تعالی جامعه اسلامی را ایفا می‌کند.

این مقاله، آیه ۷۱ سوره توبه را در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار داده و با توجه به آن، الگوی اجرایی کردن امر به معروف و نهی از منکر را بیان می‌کند و به محدوده، زیربنا و مصادیق امر به معروف و نهی از منکر و چگونه الگو گرفتن از آیه برای به کارگیری آن در جامعه پرداخته است.

اهمیت این موضوع از آنجاست که تجلی‌گاه روحیه همکاری و همدلی در جامعه اسلامی است و مؤمنان را به یکدیگر پیوند می‌دهد و آنها را در مسیر صیانت از ارزش‌های دینی و اخلاقی یاری می‌رساند. از آنجایی که ترویج اخلاق اسلامی و تقویت ایمان با انجام فریضه‌های دینی و پایبندی به آنها صورت می‌پذیرد، جا دارد که الگوی اجرایی برای این امر وجود داشته باشد.

کتاب، پایان نامه و مقالات بسیاری در موضوع امر به معروف و نهی از منکر نوشته شده است که وجه تمایز این جستار، پرداختن به محدوده و زیربنای امر به معروف و نهی از منکر بر اساس آیه ۷۱ سوره توبه است. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تمرکز بر آیه ۷۱ سوره توبه، به دنبال تبیین حدود، مبانی و مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است. با تکیه بر مفهوم عمیق «ولایت» در این آیه شریفه، تلاش می‌شود تا درک جامع‌تری از این فریضه الهی ارائه شود. به همین دلیل، عمده منابع مورد استفاده در این پژوهش، در حوزه لغت و تفسیر قرآن کریم متمرکز شده‌اند.

آیه ۷۱ سوره توبه

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه، ۷۱).

(مردان و زنان مؤمن، برخی دوستان و یاوران برخی دیگرند. همدیگر را به کار نیک می خوانند و از کار بد باز می دارند، نماز را چنان که باید می گذارند و زکات را می پردازند و از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری می کنند. ایشان کسانی اند که خداوند به زودی ایشان را مشمول رحمت خود می گرداند. خداوند توانا و کاربجاست.) (خرمدل، ۱۳۸۹، ۳۷۴).

بخش اول آیه: المؤمنون والمؤمنات

این عبارت که بخش اول آیه را تشکیل می دهد، از همان ابتدا امر به معروف و نهی از منکر را مفهوم درون ایمانی معرفی می کند؛ یعنی اجرای این مفهوم خاص جامعه ایمانی و در بین مردان و زنان مؤمن کارایی دارد. در این باره اقوالی از مفسران نقل شده است؛ از جمله:

۱. امام طبری مؤمنین را به مردان مسلمان و مؤمنات را به زنان مسلمان معنا کرده است. ایشان معتقدند که مؤمنین و مؤمنات باید دارای ویژگی هایی مانند ایمان به خدا و رسول، اطاعت و پیروی از خدا و رسولش، انجام واجبات و ترک محرمات، امر به معروف و نهی از منکر و یاری رساندن به یکدیگر باشند. (طبری، ۱۹۹۲ م، ۱۳۲/۱۹).

۲. قرطبی در تفسیر خود مؤمنین را به مردانی که ایمان به خدا و رسول خدا دارند و مؤمنات را به زنانی که اینگونه هستند معنا کرده است. (قرطبی، ۱۹۸۸ م، ۲۴۱/۱۸).

۳. ابن کثیر در تفسیر خود مؤمنین را به مردان مسلمان و مؤمنات را به زنان مسلمان معنا کرده است. ایشان معتقدند که مؤمنین و مؤمنات در ایمان و عمل شریک هستند و باید در انجام کارهای خیر و یاری رساندن به یکدیگر کمک کنند. (ابن کثیر، ۱۹۸۵ م، ۲۳۴/۱۰).

با این توضیح اگر امر به معروف و نهی از منکر مفهومی درون ایمانی است، بنابراین هر کسی نمی تواند در این حیطه فعالیت کند. آمرین به معروف و ناهیان از منکر خود باید مؤمن بوده و

مخاطبان آنها نیز در دایره ایمان واقع شده باشند. در این قسمت از آیه، محدوده اجرای این مفهوم مشخص می‌گردد.

بخش دوم آیه: بعضهم أولياء بعض

ولایت در لغت

واژه "ولایت" از ریشه "ولی" مشتق شده که به معنای قرب و نزدیکی است. ولایة الشیء قربه من غیره: نزدیکی چیزی به چیز دیگر. (ابن منظور، ۱۹۸۸م، ۴۲۱/۱۵). الولاء والتَّوَالی: متولی، سرپرستی و جانشینی: برای دو یا چند چیز به گونه‌ای اتفاق بیافتد که چیزی بین آنها نباشد. این معنا از نظر مکانی، نسبی، دینی، دوستی، حمایت، اعتقادی و حالت‌های پشتیبانی از نزدیک بودن گرفته شده است. (راغب، ۱۴۱۲هـ، ۸۸۵). واژه ولایت یا ولی با ریشه (و ل ی) دلالت بر قرب و نزدیکی می‌دهد. و یکی از معانی اولیه ولایت، نزدیکی و قرابت مکانی یا نسبی می‌باشد. (ابن فارس، بی‌تا، ۶ / ۱۴۱). ولی، متضاد دشمن است. (ابن درید، ۱۹۸۷م، ۲۴۶/۱) همچنین الولایه با فتح واو از معنای یاری دادن و نسب داشتن گرفته شده است؛ و الأولیان، یعنی آن دو نفری که شایسته‌تر هستند. (آزهری، ۲۰۰۱م، ۳۲۳/۱۵)

مفهوم ولایت در آیه ۷۱ سوره توبه

۱- محبت و دلسوزی نسبت به یکدیگر: امر به معروف و نهی از منکر برگرفته از محبت و دلسوزی و رابطه صمیمی میان مؤمنان است. (ر.ک: قرطبی، ۱۹۶۴م، ۲۰۳/۸؛ رازی، ۱۹۹۴م، ۱۳۰/۱۶؛ زمخشری، ۱۹۸۳م، ۱۲۲/۵).

۲- سرپرستی و یاری: مؤمنان موظفند در امور دینی و دنیوی یکدیگر را یاری کنند و در برابر دشمنان متحد باشند. (طبری، ۱۹۹۲م، ۲۰۳/۹).

۳- نصیحت و موعظه: مؤمنان موظفند یکدیگر را به خیر و صلاح نصیحت کنند و از گناه و معصیت بازدارند. (ابن کثیر، ۱۹۸۵م، ۲۴۲/۴).

۴- اطاعت و فرمانبرداری: ولایت گاه به معنای اطاعت و فرمانبرداری از اوامر و دستورات کسی یا چیزی نیز به کار می‌رود. (ابن عربی، ۱۹۸۳م، ۵۰۸/۱).

برخی از مصادیق عام ولایت که از این آیه استنباط می‌شود، عبارتند از:
۱- همکاری و تعاون: مؤمنان باید در برابر ظلم و ستم و تجاوز به یکدیگر یاری برسانند و از حقوق مظلومان دفاع کنند. (همان، ۱۹۸۸م، ۲۳۰/۱۲؛ قرطبی، ۱۹۸۸م، ۲۲۰/۱۰).

۲- ترویج اخلاق و ارزش‌های اسلامی: شخص مؤمن می‌بایست با ترویج اخلاق و ارزش‌های اسلامی به تحکیم جامعه ایمانی و دینی کمک کند. (فخر رازی، ۱۹۹۴م، ۱۳۱/۱۶).

۳- اطاعت از اوامر الهی و رسول خدا: مؤمنان با تسلیم و مطیع شدن به نسبت اوامر الهی، در مسیر حق و بندگی گام بردارند. (ابن کثیر، ۱۹۸۵م، ۲۳۴/۱۰).

پس از بیان محدوده اجرای مفهوم امر به معروف و نهی از منکر در بخش اول آیه، در بخش دوم پیش‌زمینه عملی کردن آن در جامعه اسلامی معرفی شده است. ولایت به عنوان رابطه زنده و پویا بین آحاد افراد جامعه، مقدمه و شرط لازم پیش از قیام به امر به معروف و نهی از منکر است.

برخی از مفسران ولایت را به معنای سرپرستی و رهبری اجتماعی می‌دانند. آنها معتقدند که این آیه مؤمنان را موظف می‌کند که در امور خیر و معروف با یکدیگر همکاری کرده و یکدیگر را یاری کنند. مؤمنان در یک جامعه واحد زندگی می‌کنند و وظایف و حقوقی به نسبت هم دارند. (قرطبی، ۱۹۸۸م، ۴۳۳/۱۰؛ طبری، ۱۹۹۶م، ۱۰۲/۱۰؛ ابن کثیر، ۱۹۸۵م، ۲۴۳/۸).

آنها به شواهد موجود در آیه اشاره می‌کنند و نتیجه می‌گیرند که ولایت در این آیه به معنای سرپرستی و اداره امور جامعه توسط مؤمنان بر اساس آموزه‌های دینی است. از جمله شواهدی که بدان استدلال کرده‌اند:

۱- امر به معروف و نهی از منکر: این دو مورد که در آیه به عنوان وظایف مؤمنان ذکر شده است، اموری اجتماعی‌اند که نیاز به همکاری و همبستگی بین مؤمنان دارند.

۲- اقامه نماز و پرداخت زکات که خود اطاعت از خدا و رسول خدا می‌باشد، از امور اجتماعی به حساب می‌آید؛ چرا که جمع مؤمنان همگی موظف به انجام آن هستند.

۳- کلمه اولیاء در لغت به معنای سرپرست و یاری‌کننده آمده است و آیه مؤمنین و مؤمنات را یک واحد در نظر گرفته و آنها را اولیاء نامیده است. این امر خود نشان می‌دهد که مؤمنین باید در امور اجتماعی یکدیگر را یاری کنند.

برخی دیگر از مفسران معتقدند که ولایت در این آیه یک مسئله فردی است و هر کس به نسبت خود موظف به انجام دستورات الهی است و ولایت را سرپرستی و اختیار شخصی می‌دانند. آنان ولایت را به معنی دوستی و محبت گرفته‌اند و معتقدند که آیه صمیمیت بین مؤمنین را مد نظر دارد. (فخر رازی، ۱۹۹۶م، ۲۵/۱۲۰؛ ابن عربی، ۲۰۰۲م، ۱/۲۰۰).

استدلال این گروه چنین است که کلمه اولیاء در قرآن کریم معانی مختلفی دارد، از جمله دوست، یار، حامی و سرپرست. در این آیه قید "بعضهم اولیاء بعض" آمده که نشان می‌دهد ولایت امری متقابل و دو طرفه است. در حالی که این امر با مفهوم سرپرستی و رهبری اجتماعی که یک امری یک طرفه است، سازگار نیست.

انتخاب بین این دو دیدگاه به برداشت کلی فرد از آیه بستگی دارد. به طور کلی می‌توان گفت که آیه ۷۱ سوره توبه بر مودّت، همبستگی، تعاون، حمایت و سرپرستی میان مؤمنان تأکید می‌کند. این امر می‌تواند در سطوح مختلف اجتماعی، فردی و خانوادگی نمود پیدا کند.

بخش سوم آیه: یاأمرؤن بالمعروف وینهون عن المنکر

این بخش محور آیه و محل بحث و بررسی جستار است. به دلیل تکرار این عبارت در آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر در قرآن، مهم است که منظور از معروف و منکر روشن شود و مصادیق آن مشخص گردد.

معروف در لغت

کلمه معروف از ریشه (ع ر ف) بر وزن مفعول آمده است که بر سکون و اطمینان دلالت دارد. (ر.ک: ابن فارس، ۱۹۷۹م، ۲/۴۸۱). هر آنچه که نفس بوسیله آن به اطمینان برسد و آرام گردد، معروف است. (ر.ک: أزهري، ۲۰۰۱م، ۲/۲۰۸). عریف به کسی گفته می‌شود که مسئولیت سامان‌دهی کارهای گروهی را بر عهده می‌گیرد. (ر.ک: فراهیدی، بی‌تا، ۲/۱۲۱).

منکر در لغت

واژه منکر از ریشه (ن ک ر) بر وزن اسم مفعول از باب افعال می‌باشد. این واژه نقطه مقابل معروف به حساب می‌آید. گفته شده: إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ: به معنای زشت‌ترین صداها است. (ر.ک: أزهري، ۲۰۰۱م، ۱۰/۱۱۰).

منکر در مقابل معروف قرار دارد، یعنی فعلی را می‌توان منکر دانست که به خاطر غرابت و عدم آشنایی، برای نفس آدمیان ناپسند و زشت جلوه می‌دهد.

معروف در قرآن

معروف در قرآن کریم به معنای کار پسندیده، شایسته و زیبا به کار رفته است؛ به عنوان مثال:

۱- ﴿فَاتَّبَاعَ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (بقره، ۱۷۸): به طرز خوب و زیبایی پردازد. (ابن جوزی، ۱۴۲۲هـ، ۱/۱۳۷).

۲- ﴿وَكَسَوْتَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (بقره، ۲۳۳): به اندازه توانایی و ظرفیت. (تفسیر الجلالین، ۵۰).

۳- ﴿فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (نساء، ۶): به اندازه دستمزد کارش. (همان، ۹۹).

۴- ﴿عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (نساء، ۱۹): با آنها به خوبی معاشرت کنید. (ابن کثیر، ۱۴۱۹هـ، ۲/۲۱۲).

منکر در قرآن

منکر در قرآن کریم به معنای زشتی، معصیت و کارهای ناپسند به کار رفته است؛ به عنوان مثال:

۱- ﴿وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ﴾ (نحل، ۹۰): از کار زشت "زنا" و ناپسند "شرک" و ستم

"کبر و ظلم" باز می‌دارد. (سیوطی، بی‌تا، ۵/۱۶۰).

۲- ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ (نحل، ۴۵): نماز از کار زشت و معاصی باز می‌دارد. (همان، بی‌تا، ۶/ ۴۶۴).

۳- ﴿وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (آل عمران، ۱۰۴): از همه معاصی نهی می‌کنند. (نیشابوری، ۱۴۱۶هـ/ ۲۲۴/۲).
مصادیق معروف و منکر

معروف و منکر دو مفهوم متقابل یکدیگر هستند. منکر به تمام کارهای زشت و ناپسند شرعی و عرفی اطلاق می‌شود که انجام آنها حرام یا مکروه است. معروف به تمام کارهای نیک و پسندیده شرعی و عرفی اطلاق می‌شود که انجام آنها واجب، مستحب یا مباح است.

شناخت مصادیق معروف و منکر، از اهمیت زیادی در انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر برخوردار است. مصادیق منکر می‌تواند با توجه به شرایط زمانی و مکانی و همچنین عرف و فرهنگ جوامع مختلف، تا حدی متفاوت باشد. مواردی که در زیر ذکر می‌شود، تنها نمونه‌هایی از مصادیق منکر و معروف هستند.

برخی از مصادیق معروف عبارتند از:

۱. در بسیاری از مواقع، معروف به معنای مقدار یا معیار تشخیص شده در شرع یا عرف جامعه می‌باشد. به عنوان مثال در آیه ۶ سوره نساء، خداوند به متولیان امور یتیمان بی‌سرپرست گوشزد می‌کند که در برابر خدمت‌رسانی به آنها چیزی را دریافت نکنند مگر اینکه خود فقیر باشند؛ در آن حالت هم جز به معروف، چیزی نگیرند. در این محل معروف به معنای دستمزد یا حق‌الزحمه تعیین شده است.

۲. از جمله صفاتی که مکرراً همراه قول در قرآن کریم آمده است، صفت معروف است. به عنوان مثال در آیه ۳۲ سوره احزاب خداوند متعال در توصیه و سفارش به همسران پیامبر می‌فرماید که در سخن گفتن با مردان بیگانه مراقب باشند، به گونه‌ای سخن نگویند که لحن یا محتوای گفتارشان زمینه طمع بیماردلان را فراهم سازد؛ و در جایگزین، سخنی معروف به زبان بیاورند.

بنابراین سخن معروف در این آیه به معنای سخنی است که زمینه سوء استفاده بیماردلان را ایجاد نکند.

۳. معروف در مسائل خانوادگی به ویژه در صحنه حل مشکلات، می تواند آن مشترکات یا مسائل مورد اتفاق عموم افراد جامعه باشد که در حین بروز اختلاف، بوسیله آن به تراضی و حل نزاع می رسانند. این مفهوم را در آیات نکاح، طلاق، رجعت و حل مسائل بین زوجین به فراوانی می توان دید. به عنوان مثال در آیات ۶ سوره طلاق، ۲۳۴ سوره بقره و ۲۵ سوره نساء این مفهوم به چشم می خورد.

برخی از مصادیق منکر عبارتند از:

۱. از آن جهت که منکر به معنای زشت، ناپسند و ناشناس می آید؛ بنابراین زمانی که منکر به عنوان صفت برای قول به کار رفته شود به این معناست که آن قول شرعا یا عرفا قابل قبول و پسندیده نیست. خداوند در آیه ۲ سوره مجادله، ظهار را نوعی قول منکر معرفی کرده است. ظهار به این معناست که مرد به همسر خود بگوید: تو مانند مادر من هستی. چگونه چنین قولی پذیرفته می شود در حالی که خدا گوشزد می کند که همانا مادران شما کسانی اند که شما را زاییده اند؛ و شما قول منکری را به زبان به می آورید.

۲. به همین ترتیب، کرداری منکر است که نامعقول و نامطلوب باشد و زشتی آن برای همگان قابل تشخیص است. لوط پیامبر در تذکر به قوم خود، فعل زشت آن ها را منکر نامید. چگونه زنان و همسران پاکی که خدا برای آن ها آفریده را رها می کنند و با مردان آمیزش می کنند؟ آیه ۲۹ سوره عنکبوت به این مفهوم اشاره دارد.

۳. در قصه پیامبر موسی و عبد صالح، زمانی که عبد صالح غلامی را در ظاهر بدون هیچ گناهی به قتل رساند، موسی به این عمل اعتراض کرد و خطاب به عبد صالح گفت: چگونه جان بی گناهی را به قتل می رسانی، به راستی که عمل تو نُکر (زشت و ناپسند) است. (خرمدل، ۱۳۸۹، ۶۰۶) در این سیاق واژه نُکر به حالت شگفتی و انکار و نارضایتی موسی اشاره دارد.

بخش چهارم آیه: و یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة

کسانی که آمران به معروف و ناهیان از منکر هستند، باید افرادی پایبند به اوامر الهی باشند و از نواهی خدا دوری کنند. شخصی که پایبند نماز است و خود را به عنوان یک مؤمن موظف به انجام آن می‌داند، قطعاً برای امر به معروف شایسته‌تر است. شخصی که زکات مال خود را می‌پردازد نیز پایبند یکی از اوامر الهی شده است. پس هر کس که قصد اصلاح و دستور به کار نیک را دارد و یا می‌خواهد کار ناپسندی را اصلاح کند، باید خود به آن کار نیک پایبند بوده و از کار ناپسند دوری گیرند.

لازم به ذکر است که مخاطب آمران و ناهیان هم باید به صورت نسبی خود را ملزم به فرائض دینی بدانند که بتوان امر به معروف و نهی از منکر را به نسبت آنها انجام داد. همانگونه که در بخش آغازین آیه گفته شد، کسی که خود را خارج از دایره ایمان می‌بیند و به سطح حداقلی دین هم التزامی ندارد، نمی‌توان در امر به معروف و نهی از منکر آن را مخاطب دانست.

بخش پنجم آیه: أولئك سیرحهم الله إن الله عزیز حکیم

هر چند که در نگاه اول امر و نهی جلوه‌ای از اقتدار و قوه قهریه داشته باشد، اما خداوند بوسیله ذکر ولایت و رحمت در این آیه، مسیر صحیح قیام به این مفهوم را برای مؤمنان ترسیم می‌کند. عبارت "سیرحهم الله" گویای رحمت و عطوفت الهی و عبارت "إن الله عزیز حکیم" گویای اقتدار و حکمت الهی است. آوردن این ترکیب کنار هم در آیه بسیار زیبا به نظر می‌رسد و جای تأمل بسیار دارد. خداوند هر رحمتی را قرین حکمت و عطوفت و اقتدار کرده و با شیوه بیانی بلیغ آن را اعلام کرده است. رد پای این مفاهیم در تمام آیه وجود دارد:

۱- ﴿يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾: بحث امر و نهی است و اقتدار را می‌رساند.

۲- ﴿بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾: بحث ولایت است و بیانگر رابطه صمیمی و نزدیک می‌باشد.

پایان آیه این نکته را گوشزد می‌کند که در مفهوم امر به معروف و نهی از منکر، اتکای بر قدرت به تنهایی مسیر را به سرانجام نامطلوبی می‌رساند؛ و همچنین اتکای بر رحمت و عطف و عدم توجه به اقتدار، نتیجه مطلوب را محقق نخواهد کرد.

امر به معروف و نهی از منکر بحثی اخلاقی است که باید با احتیاط و آگاهی کامل وارد حیطه آن شد و با توجه به این آیه بایستی تمام نکات مطرح شده را مد نظر قرار داد و در صحنه اجرا، با اتکا بر مفهومی نادرست و ناقص، ضرری را با ضرری بزرگتر جایگزین نکرد.

نتیجه‌گیری

امر به معروف و نهی از منکر مفهومی درون‌ایمانی است که در جامعه مؤمنان کارایی دارد. ایجاد رابطه ولایت بین مؤمنان است، شرط لازم و پیش‌زمینه اجرای امر به معروف و نهی از منکر است.

معروف به کارهای پسندیده و شناخته شده از جهت شرع و عرف گفته می‌شود و منکر به کارهای ناپسند و غریب از جهت شرع و عرف اطلاق می‌شود. آمران به معروف و ناهیان از منکر خود بایستی پایبند به احکام الهی باشند. از طرفی دیگر رحمت و عطف در کنار اقتدار و حکمت مکمل یکدیگر در مفهوم امر به معروف و نهی از منکر به شمار می‌رود.

مصادیق امر به معروف و نهی از منکر گستره وسیعی را شامل می‌شود و ترویج و نهادینه کردن این فرهنگ ایمانی در جامعه، نیازمند تلاش همگانی است. هر شخص باید به نسبت خود این مراحل را شناخته و انجام دهد که در نهایت با این کار، جامعه از نظر ایمانی رو به تقویت و پیشرفت می‌رود.

منابع

قرآن کریم.

- ابن العربی، محمد بن عبدالله، أحكام القرآن، چاپ سوم، دارالکتب العلمیه، بیروت-لبنان، ۱۴۲۴ق.
- ابن درید، ابوبکر محمد ابن الحسن، جمهرة اللغة، چاپ اول، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۹۸۷م.
- ابن فارس، احمد، مقایس اللغة، چاپ اول، دار الفکر، ۱۹۷۹م.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، چاپ دوم، دارالطبعة للنشر والتوزیع، ۱۴۲۰ق.
- ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، چاپ اول، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۲۰۰۱م.
- جوزی، جمال الدین ابوالفرج، زاد المسیر فی علم التفسیر، چاپ اول، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
- خرمدل، مصطفی، تفسیر نور، چاپ هشتم، نشر احسان، تهران، ۱۳۸۹ش.
- رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، چاپ سوم، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، دارالقلم و دارالشامیه، دمشق، ۱۴۱۲ق.
- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق التنزیل، چاپ سوم، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
- سیوطی، جلال الدین محمد بن احمد و جلال الدین عبدالرحمن ابی بکر، تفسیر الجلالین، چاپ اول، دارالحديث_قاهره، بی تا.
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، چاپ اول، مؤسسه الرساله، ۱۴۲۰ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، دار و مكتبة الهلال، بی تا.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، چاپ دوم، دار الکتب المصریة القاهرة، ۱۹۶۴م.
- نیشابوری، محمود، إيجاز البیان عن معانی القرآن، چاپ اول، دارالغرب الاسلامی، بیروت، ۱۴۱۵ق.

بررسی رابطه بین امر به معروف و نهی از منکر با حلال و حرام در قرآن

کیوان مرادی (طالب العلم ترم هشتم رشته شریعت _ اوز)

moradekayvan69@gmail.com

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر، از جنبه‌های مختلفی قابل بررسی و پژوهش است. این مقاله با رویکردی قرآنی، به دنبال تبیین رابطه میان امر به معروف و نهی از منکر و مفهوم حلال و حرام است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه فطرت آدمی و عقل، مبانی اولیه برای پذیرش امر به معروف و نهی از منکر هستند، اما با تدریج و با توجه به آیات قرآن، این امر به عنوان یک حکم شرعی و قانونی درآمده است. به عبارت دیگر، اگرچه اصل امر به معروف و نهی از منکر ریشه در فطرت دارد، اما تحقق و اجرای آن در چارچوب احکام و دستورات شرعی تعریف شده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، امر به معروف و نهی از منکر، حلال و حرام، سیر تدریجی، عقل و فطرت.

مقدمه

قرآن کریم به عنوان معجزه پایدار خداوند، تضمین کننده رستگاری و سعادت عموم بشر بوده و با راهنمایی‌ها و دستورالعمل‌های ارزشمند خود، او را به استوارترین راه‌ها هدایت می‌کند؛ یکی از این دستورالعمل‌ها که به وفور، مورد تأکید قرآن قرار گرفته، «امر به معروف و نهی از منکر» می‌باشد. و از سوی دیگر دین اسلام به عنوان دین فطرت و تکامل بشری، به بهترین شیوه ممکن با در نظر گرفتن جذب سودمندی و دفع ضررها از وجود انسان، بسیاری از مصالح و مفاسد را به صورت آشکار تحت عنوان حکم حلال و حرام در قرآن مطرح نموده است.

پژوهش حاضر از این جهت به عمل آمده است تا این سوال را مورد بررسی قرار دهد که چه ارتباطی بین دو مفهوم "حلال و حرام" و "امر به معروف و نهی از منکر" در قرآن، می‌توان یافت و وجه اثر بخشی آن چه می‌تواند باشد؟

بحث مفاهیم مرتبط با موضوع امر به معروف و نهی از منکر از دیرباز و از جهات متعددی از جمله مفهوم و سیر اثبات و اهمیت و سایر جهات دیگر، به وفور مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، و آثار فراوانی هم در زمینه آن در اقوال و کتب علماء و تحقیقات پژوهشگران علوم انسانی به تالیف در آمده است.

از جمله پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام گرفته، می‌توان به مقاله فیروز اصلانی اشاره نمود که در نوشتاری با عنوان "تبیین جهان شمولی امر به معروف و نهی از منکر بر پایه آیات قرآن" به برخی پیامدهای فراگیر عمل به این اصل و ترک آن پرداخته است. (اصلانی، ۱۳۹۰ش) مریم امینی نیز در نوشتاری، به بررسی سیر تدریجی تبلیغ امر به معروف و نهی از منکر در قرآن پرداخته است و توجه به امر تدریج را در اثر بخش بودن این فریضه در جامعه، ضروری دانسته است. (مریم امینی، ۱۳۹۵ش).

در گذشته در این دو زمینه به صورت مستقل پژوهش‌های متفاوت شکل گرفته و مطالب فراوانی نوشته شده است، اما نکته مهم برداشتی است که از ترکیب این دو مقدمه حاصل می‌گردد. با این وجود، بررسی تاثیر گذار بودن رابطه بین مفهوم امر به معروف و نهی از منکر با موضوع حلال و حرام در کلام الهی، کمتر مورد عنایت قرار گرفته شده است و هنوز جا برای تجزیه و تحلیل جنبه‌های متفاوت آن باز می‌باشد.

این جستار از نوع تحلیل محتوا و مبتنی بر بررسی معارف قرآنی با تکیه بر کلید واژه‌هایی مانند: امر به معروف و نهی از منکر، حلال و حرام در قرآن، صورت گرفته است. داده‌های اولیه، با بررسی آیات قرآن و تفاسیر و مقالات مرتبط جمع‌آوری گشته و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. و در نهایت استدلال‌ها و شواهد لازم برای اثبات برداشت صورت گرفته، ارائه شده است.

قبل از شروع بحث باید معنا و مفهوم واژگان اصلی مشخص گردد.

امر در لغت

معروف‌ترین معنای امر همان است که در مقابل نهی قرار دارد و به معنای فرمان و دستور و برانگیختن به چیزی است. که اگر به این معنا باشد، جمع آن "أوامر" است. (ابن فارس، ۱/۳۷؛ راغب، ۲۴/۱؛ ابن منظور، ۲۰۳/۱).

در آیاتی از قرآن به این معنا استعمال شده است: ﴿قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ﴾^۱، ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾^۲ ... (قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ)^۳ ولی اهل لغت معانی دیگری از جمله شیئی و حادثه، و به معنای کار و چیز، که در این معنا، به صورت "امور" جمع بسته

۱. بگو: پروردگار من شما را به عدل و درستی امر کرده است. اعراف / ۲۹.

۲. همانا خدا به شما امر می‌کند که امانتها را به صاحبانش باز دهید. نساء / ۵۸.

۳. (اسماعیل) جواب داد: ای پدر، هر چه مأموری انجام ده. صافات / ۱۰۲.

می‌شود؛ مانند: ﴿أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ﴾^۴. و معنای ابداع و خلق نمودن مانند ﴿أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ﴾^۵ نیز برای این واژه ذکر کرده‌اند. (ابن منظور، ۲۰۴/۱).

معروف در لغت

ضد منکر، آن چه که از افعال نیکوست، جود و بخشش. (ابن منظور، ۲۵۸۴/۲؛ جوهری، ذیل واژه عرف) راغب اصفهانی، معروف را در لغت، اسم مفعول و از ریشهٔ عرف دانسته که به معنای شناخت چیزی در اثر تفکر و تدبیر در آن است. وی معتقد است که معروف، هر آن چیزی است که عقل و شرع به نیکو بودن آن، حکم کند. (راغب اصفهانی، ۳۳۱/). در مورد معنی اصطلاحی معروف ابن اثیر می‌گوید: معروف نامی است که شامل همه چیزهای شناخته شده از اطاعت خدا، تقرب به او و احسان به مردم و تمام کارهای نیکی که شارع به آنها سفارش نموده است، می‌باشد و نیز تمام شناخته شده‌هایی که از انجام آنها، نهی می‌کند. (ابن اثیر، ذیل مادهٔ عرف).

آنچه انسان‌ها با شهادت عقل بر آن مستقر شده‌اند. (جرجانی، ۱۴۹).

نهی در لغت

منع و زجر، بازداشتن همدیگر و نیز ترک کردن. (راغب اصفهانی، ۵۰۷). ﴿كَانُوا لَا يَتَّهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ﴾^۶.

خلاف امر، نهیته عن کذا فانتهی عنه وتناهی: ای کف (باز داشت) وتناها عن المنکر: نهی بعضکم بعضا. (ابن فارس، ۳۵۹/۵).

^۴. بدانید که رجوع تمام امور (عالم آفرینش) به سوی خداست. شوری / ۵۳.

^۵. آگاه باشید که ملک آفرینش خاص خداست و حکم نافذ فرمان اوست. اعراف / ۵۴.

^۶. آنها هیچ گاه یکدیگر را از کار زشت خود نهی نمی‌کردند، و آنچه می‌کردند بسی قبیح و ناشایسته بود. مائده / ۷۹.

منکر در لغت

خلاف معروف و هر چه که قبیح و زشت باشد و از نظر شرعی کراهت داشته باشد و حرام باشد. (ابن منظور، ۴۰۱۸/۱). راغب معنی لغوی منکر را اسم مفعول، از ریشه «نکر» می‌داند که به معنای عدم شناخت چیزی است. و معتقد است که منکر، در اصطلاح به هر فعلی گفته می‌شود که عقل سلیم، به قبیح آن، حکم کند. (راغب اصفهانی، ۵۰۵).

امر به معروف در اصطلاح فقهاء، امر به اطاعت از پیامبر و دینی که از جانب خداوند آورده است، اطلاق می‌شود. (موسوعه فقهی، ۲۴۷/۶) و نهی از منکر، ترک هر آن چیزی است که مانع خشنودی خداوند می‌گردد. (همان، ۲۴۷/۶).

حلال در لغت: گشایش و باز شدن شیء، باز نمودن گره و ضد حرام می‌باشد. (ابن فارس، ۲۰/۲؛ راغب اصفهانی، ۱۲۸).

حرام در لغت: به معنای منع و تشدید و ضد حلال می‌باشد. (ابن فارس، ۴۵/۲؛ جوهری، ۷۱). در اصطلاح منظور ترک کردن هر آنچه که مورد رضایت خداوند نمی‌باشد. (موسوعه فقهی، ۲۴۷/۶). در اصطلاح، حلال به هر آنچه که شرعاً بدان اجازه داده شده باشد، اطلاق می‌گردد. و حرام، در اصطلاح اصولیون، خطاب خداوند مبنی بر ترک فعلی به صورت قطعی می‌باشد. (سبکی، ۸۰/۱). در بسیاری از آیات قرآن، تقابل این دو واژه یافت می‌شود. مانند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرَّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ﴾^۷.

^۷. ای اهل ایمان، حرام نکنید طعامهای پاکیزه‌ای که خدا بر شما حلال نموده، و (از حدود و احکام خدا) تجاوز نکنید، که خدا تجاوزکنندگان را دوست نمی‌دارد. مائده ۸۷.

روند تدریجی اثبات امر به معروف و نهی از منکر طبق آیات

در اینجا باید به این نکته توجه داشت که شارع مقدس خواسته است نخست دل‌های مسلمانان را برای پذیرش این فریضه بزرگ آماده و در این مورد زمینه‌سازی کند. سپس آن را بر آنها الزام و تکلیف نمایند؛ خداوند می‌فرماید: ﴿وَالْعَصْرُ؛ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾^۸.

این سوره علاوه بر این که در مکه نازل شده، نزول آن در آغاز بعثت بوده است. در این سوره مبارکه به دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر اشاره شده است و مفسرین بیان نموده‌اند که وجوب توصیه همدیگر به حق، اشاره به امر به معروف و نهی از منکر است. (قرطبی، ۲۰/ ۱۸۱). در جایی دیگر خداوند از زبان لقمان می‌فرماید: ﴿يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ﴾^۹. این آیه نیز در مکه در آغاز بعثت نازل شده است و بازگو کننده اندرزهای لقمان حکیم به پسرش می‌باشد.

از این آیه فهمیده می‌شود که اسلام، مسلمانان را به امر به معروف و نهی از منکر، ترغیب نموده و اشاره می‌کند که این دو فریضه دارای ارزش و اهمیت در سطح بسیار عالی در اسلام می‌باشند. و به تعبیری این آیه دلالت بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر دارد. (ابن عاشور، ۲۱/ ۱۶۵).

^۸. سوگند به عصر، بی تردید انسان در زیان کاری بزرگی است؛ مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند و یکدیگر را به حق توصیه نموده و به شکیبایی سفارش کرده‌اند. عصر / ۱-۳.

^۹. ای فرزند عزیزم، نماز را به پا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و (بر این کار از مردم نادان) هر آزار بینی صبر پیش گیر، که این نشانه‌ای از عزم ثابت (مردم بلند همت) در امور عالم است. لقمان / ۱۷

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾^{۱۰} در این آیه، به خاطر اهمیت این دو فریضه، ذات خداوند متعال به عنوان آمر به معروف و ناهی از منکر معرفی شده است.

خداوند در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾^{۱۱}. در این آیه اقامه و برپاداشتن نماز، به عنوان راز مصونیت در برابر فحشا و منکر بیان شده است. خطاب خداوند در آیه‌ای دیگر به پیامبر: ﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾^{۱۲}. این آیه نیز از آیاتی است که در مکه نازل شده است و به پیامبر دستور می‌دهد که امر به معروف و نهی از منکر نماید، ضمناً این آیه اشاره به وجوب این دو فریضه بر مسلمانان دارد ولی صراحت بر این معنا ندارد، چرا که وجوب چیزی بر پیامبر دلیل بر وجوب آن بر امتش نیست. خداوند در جایی دیگر خطاب به پیامبر می‌فرماید: ﴿وَسَلِّهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِثَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعاً وَ يَوْمَ لَا يَسْتَوْنَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ... وَ إِذْ قَالَتْ أُمَةٌ مِنْهُمْ لِمَ نَعْطُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَاباً شَدِيداً قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَىٰ رَبِّكُم وَ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾^{۱۳} این آیات در مکه نازل شده و حاکی از سرنوشت شوم کسانی است که قبل از اسلام، امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند.

^{۱۰}. همانا خدا به عدل و احسان فرمان می‌دهد و به بذل و عطای خویشان امر می‌کند و از افعال زشت و منکر

و ظلم نهی می‌کند و به شما از روی مهربانی پند می‌دهد شاید که بپذیرید. نحل / ۹۰

^{۱۱}. نماز را بجای آر که همانا نماز است که اهلش را از هر کار زشت و منکر باز می‌دارد. عنکبوت / ۴۵

^{۱۲}. طریقه عفو و بخشش پیش‌گیر و امت را به نیکوکاری امر کن و از مردم نادان روی بگردان. اعراف / ۱۹۹

^{۱۳}. و گروهی از بنی اسرائیل (که در برابر بدکاری‌های دیگران ساکت بودند، به پند دهندگان خیرخواه و دلسوز) گفتند: چرا گروهی را که خدا هلاک کننده آنان یا عذاب کننده آنان به عذابی سخت است، پند می‌دهید؟ و پند

در آیه دیگری که در مدینه نازل می‌شود، خداوند خطاب به مسلمانان می‌فرماید: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^{۱۴} و از جهت دیگر که انحصار رستگاری در انجام این امر می‌باشد. ﴿وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾. پس از دو ناحیه وجوب این فریضه مهم در آیه برای مسلمین مطرح گشته است.

اگرچه برخی از مفسرین در این آیه وجوب امر به معروف و نهی از منکر را بر وجه فرض کفایه می‌دانند، یعنی باید همواره عده‌ای از میان مسلمانان بر انجام آن پایبند باشند. (الکلیا هراسی، ۳۰۱/۲)، اما باز در نهایت نکته‌ای که حائز اهمیت شارع می‌باشد، تحقق مفهوم امر به معروف و نهی از منکر در جامعه می‌باشد. (ابن عاشور، ۳۷/۴).

تا جایی که به عنوان خصیصه‌ای برای مسلمین قرار می‌گیرد و تفاوت بارز میان منافقین و مسلمانان را مشخص می‌سازد. آنجا که در سوره توبه در دو موضع متوالی، خداوند می‌فرماید: ﴿الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^{۱۵}.

دادن شما کاری نابجاست. گفتند: برای اینکه در پیشگاه پروردگاران (نسبت به رفع مسؤولیت خود) حجت و عذر داشته باشیم و شاید آنان از گناهانشان بیریزند. اعراف/ ۱۶۳ - ۱۶۴.

^{۱۴}. و باید برخی از شما مسلمانان، خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و امر به نیکوکاری و نهی از بدکاری کنند، و اینها (که واسطه هدایت خلق هستند) رستگار خواهند بود. آل عمران/ ۱۰۴.

^{۱۵}. مردان و زنان منافق، متفق با همدیگر و طرفدار یکدیگرند، مردم را به کار بد و می‌دارند و از کار نیکو منع می‌کنند و دست خود را (از انفاق در راه خدا) می‌بندند، و چون خدا را فراموش کردند خدا نیز آنها را فراموش

و در ادامه می‌فرماید: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾^{۱۶} خداوند در این آیه امر به معروف و نهی از منکر از جمله وصف‌های خاص مومنین برشمرده است، که در بالاترین درجه آن دعوت به سوی اسلام و جهاد در راه آن مطرح می‌باشد. (قرطبی، ۴/۴۶).

در آیه‌ای دیگر خداوند خطاب به امت اسلامی می‌فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْتُونَ بِاللَّهِ...﴾^{۱۷} در این آیه "امت اسلام" به عنوان بهترین امت معرفی شده است به دلیل این که این دو وظیفه اساسی با وسعتی که در اسلام دارند از وظایف واجب آن‌هاست و در حالی که در امت‌های پیشین چنین گسترش و ابعادی برای وظیفه امر به معروف و نهی از منکر قرار داده نشده است (زحیلی، ۴/۴۰). این آیه در مدینه نازل شده است و به روشنی دلالت بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر و این که این دو وظیفه از فرایض واجب الهی، در ردیف ایمان به خداست، دارد. و سازگاری این آیه با آیه قبل (آل عمران، ۱۰۴) از این جهت است که این آیه امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه عموم مسلمین برمی‌شمارد، اما آیه قبل آن را مخصوص به جامعه خاصی نموده است. از سویی دیگر کسی که

کرد (یعنی به خود وا گذاشت تا از هر سعادت محروم شوند)، در حقیقت منافقان بدترین زشتکاران عالمند. توبه ۶۷/

^{۱۶}. و مردان و زنان مؤمن همه یاور و دوستدار یکدیگرند، خلق را به کار نیکو وادار و از کار زشت منع می‌کنند و نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و حکم خدا و رسول او را اطاعت می‌کنند، آنان را البته خدا مشمول رحمت خود خواهد گردانید، که خدا صاحب اقتدار و درست کردار است. توبه / ۷۱.

^{۱۷}. شما (مسلمانان حقیقی) نیکوترین امتی هستید که پدیدار گشته‌اید (برای اصلاح بشر، که مردم را) به نیکوکاری امر می‌کنید و از بدکاری باز می‌دارید و ایمان به خدا دارید. آل عمران / ۱۱۰.

این وصف در او مطرح نباشد، در کلام خداوند به مانند اهل کتاب مورد سرزنش قرار می گیرد.

(زحیلی ۴/۴۳). ﴿كَانُوا لَا يَتَّاهُونَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾^{۱۸}.

در ادامهٔ سورهٔ آل عمران، خداوند امر به معروف و نهی از منکر را در زمرهٔ وظایف واجب مسلمان در این امت اسلامی قرار می دهد و عمل به آن را از نشانه های قیام به وظیفه و حق و صلاح برمی شمارد: ﴿يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُؤْمَرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾^{۱۹}.

در سورهٔ حج نیز خداوند در وصف مهاجرینی که خداوند مکانت و قدرت و شوکت را برایشان هموار می سازد، این قدرت و نفوذ را در چهار ویژگی برمی شمارد که بعد از به پا داشتن دو امر مهم نماز و زکات، فریضة امر به معروف و نهی از منکر مد نظر می باشد. (زحیلی، ۱۷ / ۲۳۱). ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾^{۲۰}.

^{۱۸}. آنها هیچ گاه یکدیگر را از کار زشت خود نهی نمی کردند، و آنچه می کردند بسی قبیح و ناشایسته بود. مائده ۷۹/

^{۱۹}. ایمان به خدا و روز قیامت می آورند و امر به نیکی و نهی از بدکاری می کنند و در نکوکاری می شتابند و آنها خود مردمی نیکوکارند. آل عمران / ۱۱۴.

^{۲۰}. (آنان که خدا را یاری می کنند) آنهایی هستند که اگر در روی زمین به آنان اقتدار و تمکین دهیم نماز به پا می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و (از هیچ کس جز خدا نمی ترسند چون می دانند که) عاقبت کارها به دست خداست. حج / ۴۱.

نتیجه‌ای که از بررسی این آیات تا به این مرحله به دست می‌آید این است که آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر به طور تدریجی نازل شده و حکم آن نیز به طور تدریجی واجب گردیده است.

روند اثبات عقلی و فطری بودن امر به معروف و نهی از منکر قرائین و شواهد زیادی در قرآن کریم وجود دارند مبنی بر اینکه بحث «امر به معروف و نهی از منکر» محدود به قوم خاص یا زمان و مکان خاصی نیست و تمام بشریت را در برمی‌گیرد و یک امر فطری و معقول نزد انسان می‌باشد. مانند واژه "ناس" در آیه: ﴿كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾.^{۲۱} نحوه دلالت آیه بر عمومیت «امر به معروف و نهی از منکر» بدین صورت است که خطاب آیه، شامل مؤمنان است و زمانی که مؤمنان مخاطب واقع شوند و سخن از انسان باشد، بدین معنا است که مراد آیه از کلمه ناس، عموم بشر است؛ نه تنها مؤمنان. (زحیلی، ۴/۴۴).

تعبیر "انسان" در سوره عصر، چنین آمده است: ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾.^{۲۲} این سوره، اشاره دارد که همه انسان‌ها، به سمت تباهی و خسران می‌روند. از جمله ارکان نجات از خسران و تباهی، غیر از ایمان و عمل صالح، تواصي به حق و صبر است. و توصیه همدیگر به حق و صبر، از مصادیق "امر به

^{۲۱}. شما (مسلمانان حقیقی) نیکوترین امتی هستید که پدیدار گشته‌اید (برای اصلاح بشر، که مردم را) به نیکوکاری امر می‌کنید و از بدکاری باز می‌دارید و ایمان به خدا دارید. آل عمران / ۱۱۰.

^{۲۲}. بی تردید انسان در زیان کاری بزرگی است؛ مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند و یکدیگر را به حق توصیه نموده و به شکیبایی سفارش کرده اند. عصر / ۲-۳.

معروف و نهی از منکر" است؛ و این مطلب، حاکی از آن است که "امر به معروف و نهی از منکر" از اول آفرینش، تشریع گردیده است. (ابن عاشور، ۳۰/ ۵۳۴).

از سوی دیگر، با نظر در واژه "الإنسان" این نکته روشن می‌گردد که حکم جاری در آیات مذکور، شامل کل بشریت بوده و مختص زمان خاصی نیست و امر عقلی و فطری می‌باشد.

"امر به عدالت و احسان" در آیه ۹۰ سوره نحل، می‌خوانیم: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾^{۲۳}.

خدای متعال در آیه فوق در جهت اصلاح جامعه بشری، مردم را امر به برخی امور پسندیده نموده و از برخی امور ناپسند نهی می‌کند؛ آن امور پسندیده عبارتند از: امر به عدالت و احسان و انفاق به خویشاوندان؛ و امور ناپسند یادشده عبارت‌اند از: کار زشت، کار ناپسند، ظلم و ستم. نحوه دلالت آیات مذکور بر جهان شمولی امر به معروف و نهی از منکر و اینکه امری مخالف فطرت و عقل سالم بشری نیست، بدین صورت می‌باشد که این امر و نهی الهی شامل همه بشر است و فاقد هرگونه قید زمانی و مکانی است، و فطرت سلیم بشری نیز معروف را می‌پذیرد و منکر را رد و انکار می‌کند، بنابراین از دید قرآن امر به معروف و نهی از منکر با فطرت بشری سر و کار دارد. (ابن عاشور، ۱۴/ ۲۵۷؛ زحیلی، ۱۴/ ۲۱۴).

نتیجه‌ای که در این قسمت برای مخاطب حاصل می‌گردد این است که فریضه امر به معروف و نهی از منکر فراتر از زمان و مکان و شریعت خاصی است و بلکه جایی در فطرت آدمی دارد. و عقلاً پذیرش و اثبات آن ممکن و قابل ادراک می‌باشد، اما در ادامه با مطرح شدن مبحث حلال و حرام در قرآن، حیطة انجام‌گیری و هدف اصلی شارع در دین اسلام از وجود آن مورد

^{۲۳} . همانا خدا (خلق را) فرمان به عدل و احسان می‌دهد و به بذل و عطاء خویشاوندان امر می‌کند و از افعال زشت و منکر و ظلم نهی می‌کند و به شما پند می‌دهد، باشد که موعظه خدا را بپذیرید. نحل ۹۰/.

بررسی قرار می‌گیرد و بیان می‌گردد که تحقق این فریضه در دایره شرع می‌باشد و عقل و فطرت نیز باید در انجام آن پیرو شرع باشد.

حلال و حرام در قرآن

در مبحث حلال و حرام در آیات مربوطه، این پیام که تنها خداوند حق حلال و حرام نمودن را دارد، به وضوح قابل فهم می‌باشد.

از جمله خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرِّمُوا طَيِّبَاتٍ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾^{۲۴} در این آیه خداوند به وضوح مؤمنین را مورد خطاب قرار می‌دهد که حق حلال و حرام نمودن را متوجه خداوند قرار دهند و خود مطیع فرمان پروردگار باشند. (بیضاوی، ۱۴۱/۲).

و در جای دیگر خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَاماً وَ حَلالاً قُلْ اللَّهُ أَدْنٰ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ﴾^{۲۵}.

و نیز می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلالٌ وَ هَذَا حَرَامٌ لِيَتَفَتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ﴾^{۲۶}.

از این آیات روشن می‌گردد که تنها خداوند مالک و صاحب حق تحریم و تحلیل می‌باشد، و فقط خداوند است که در قرآن یا بر زبان پیغمبرش این حق را ابلاغ می‌نماید، و علمای اسلام

^{۲۴}. ای اهل ایمان، حرام نکنید طعامهای پاکیزه‌ای که خدا بر شما حلال نموده، و (از حدود و احکام خدا) تجاوز نکنید، که خدا تجاوزکنندگان را دوست نمی‌دارد. مائده / ۸۷.

^{۲۵}. باز (به مشرکان عرب) بگو: با من بگویید که آیا رزقی که خدا برای شما فرستاده (و حلال فرموده) و شما از پیش خود بعضی را حرام و بعضی را حلال می‌کنید، آیا این به دستور خداست یا بر خدا افترا می‌بندید؟ یونس / ۵۹/

^{۲۶}. و شما نباید از پیش خود به دروغ چیزی را حلال و چیزی را حرام گوید و به خدا نسبت دهید تا بر خدا دروغ ببندید، که آنان که بر خدا دروغ ببنند هرگز روی رستگاری نخواهند دید. نحل / ۱۱۶.

نیز به یقین این را فهمیده‌اند که اگر کسی براساس هوی و نفس خویش به تعیین حرام و حلال پردازد، به اتفاق علماء، چنین امری مردود است و اگر هم بخواهد با قوه عقل خویش به استخراج حکم پروردگار پردازد، این تنها از طریق برگشت دوباره به کلام خداوند ممکن و میسر می‌گردد و راهی دیگر برای تبیین حلال و حرام جز با آنچه خداوند از طریق پیامبران برای مردم فرستاده است، نمی‌توان یافت. (شوکانی، ۵۱۷/۲؛ زحیلی، ۲۰۶/۱۱).

چنانکه پیامبر نیز در این زمینه به وضوح بیان می‌دارد: «إِنَّ الْحَالَ بَيْنَ، وَإِنَّ الْحَرَامَ بَيْنَ، وَبَيْنَهُمَا مُشْتَبِهَاتٌ لَا يَعْلَمُهُنَّ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ» یعنی مفهوم حلال و حرام به طور واضح برای بندگان مشخص گشته و خوب و بد از طرف شارع برای امت تعیین گردیده است. (صحیح مسلم، ۱۵۹۹، ۱۲۱۹/۳). در بحث ملاک تعیین خوب و بد نیز خداوند این گونه بیان می‌دارد: ﴿أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَصْلَهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ﴾^{۲۷} که در اینجا خداوند پیامبر را به وضعیت شخصی یادآوری می‌سازد که با وجود دانش و تعقل و علم، ملاک کتاب و سنت را کنار نهاده و تکیه بر دانش خویش نموده است، که سرنوشتی جز گمراهی و انحراف را در پیش ندارد. چرا که خداوند عقل را به عنوان ملاک تشخیص خوب از بد و براساس قرآن و سنت قرار داده است، و مجرد عقل نمی‌تواند راه‌گشا باشد.

پس نیک و خوب همان چیزی است که خداوند نیک بداند و بد و زشت نیز همان چیزی است که خداوند آن را بد و زشت بشمارد. (لالکائی، ۵/۳۷).

نتیجه‌ای که در این بخش قابل درک می‌باشد این است که حلال و حرام نمودن اشیاء تنها حق خداست و کسی نمی‌تواند از جانب خویش آن را تعیین کند، چرا که حلیت بخشیدن و تحریم

^{۲۷}. (ای رسول ما) آیا می‌نگری آن را که هوای نفسش را خدای خود قرار داده و خدا او را دانسته (و پس از اتمام حجت) گمراه ساخته و مهر (قهر) بر گوش و دل او نهاده و بر چشم وی پرده ظلمت کشیده. جاثیه ۲۳.

یک امر شرعی است و محدوده عقل در آن جایگاهی ندارد و حتی در مسائل اجتهادی که مجالی را برای فعالیت عقل باز می‌گذارد نیز باید با تکیه بر شرع، عقل را به کار بست.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش با بررسی آیات امر به معروف و نهی از منکر، دو نتیجه کلی به دست آمد:

الف: موضوع امر به معروف و نهی از منکر یک امر تدریجی است و با تدریج اثبات شده است.
ب: امر به معروف و نهی از منکر محدود به زمان و مکان و شرع نیست، بلکه یک امر عقلی و فطری درون انسان است.

با توجه به نتایجی که در قسمت‌های قبلی حاصل گشت، باید اشاره داشت که اگرچه امر به معروف و نهی از منکر مانند سایر احکام دیگر از جمله حکم شرب خمر و ربا به صورت تدریجی اثبات شده و روند تدریجی را نزد شارع طی نموده‌اند و از سوی دیگر از خصیصه‌های فطرت و عقل بشری باشند، اما نهایتاً به امری شرعی تبدیل شده و از مصطلحات قرآن قرار گرفته‌اند. بنابراین باید این نکته مهم را حائز اهمیت دانست که در واقع انجام‌گیری و اثربخشی این فریضه نیز در چهارچوب شرع قرار می‌گیرد و این شارع حکیم است که معروف و منکر را برای مسلمین تعیین و تعریف می‌نماید، و نهایتاً در دایره شرع باید به دنبال معنی و تحقق امر به معروف و نهی از منکر بود.

به عبارتی دیگر، امر به معروف و نهی از منکر رابطه مستقیم و ریشه‌ای با مفهوم حلال و حرام در قرآن دارد و در واقع امر به معروف و نهی از منکر باید براساس حلال‌ها و حرام‌هایی که شارع تعیین نموده است صورت بگیرد و فضای عملکردی برای فریضه امر به معروف و نهی از منکر در آنچه خداوند حلال و یا حرام اعلام نموده است، یافت می‌شود.

منابع

قرآن کریم

ابن اثیر، مجدالدین، النهاية فی غریب الحديث والأثر، تحقیق: طاهر أحمد الزاوی - محمود محمد الطناحي، المكتبة العلمية، بیروت، ۱۳۹۹هـ / ۱۹۷۹م.

ابن عاشور، محمد طاهر بن محمد، التحرير والتنوير، الدار التونسية للنشر، تونس، ۱۹۸۴هـ
ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، عبدالسلام محمد هارون، دارالفکر، ۱۳۹۹هـ / ۱۹۷۹م.
اصفهانى، راغب، المفردات فی غریب القرآن، دار المعرفة، لبنان، بی تا.
اصلانی، فیروز، تبیین جهان شمولی امر به معروف و نهی از منکر بر پایه آیات قرآن، ۱۳۹۹ش، مجله الاهیات
قرآنی سال هشتم بهار و تابستان ۱۳۹۹، شماره ۱۴.

امینی، مریم، بررسی سیر تدریجی تبلیغ امر به معروف و نهی از منکر در قرآن، ۱۳۹۵هـ همایش کنگره علوم
اسلامی، سال ۱۳۹۵.

بیضاوی، ناصر الدین، تفسیر البیضاوی «أنوار التنزیل وأسرار التأویل»، محقق: محمد عبد الرحمن المرعشلی،
چاپ اول، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸هـ.

جرجانی، علی بن محمد، التعریفات، چاپ اول، دار الکتب العلمية، بیروت-لبنان، ۱۴۰۳هـ / ۱۹۸۳م.
جوهری، أبو نصر إسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، تحقیق: أحمد عبد الغفور عطار، چاپ
چهارم، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۷هـ / ۱۹۸۷م.

زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر فی العقيدة والشريعة والمنهج، چاپ دوم، دار الفكر المعاصر، دمشق، ۱۴۱۸هـ
زرکشی، أبو عبد الله بدر الدین محمد، تشنیف المسامع بجمع الجوامع لتاج الدین السبکی، چاپ اول، مكتبة قرطبة
للبحث العلمی وإحياء التراث، ۱۴۱۸هـ / ۱۹۹۸م.

سیوطی، عبد الرحمن بن أبی بکر، همع الهوامع فی شرح جمع الجوامع، المكتبة التوفیقیة، مصر، بی تا.
شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدير، چاپ اول، دار ابن کثیر، دار الکلم الطیب، بیروت، ۱۴۱۴هـ.
قرطبی، أبو عبد الله محمد بن أحمد، الجامع لأحكام القرآن، تحقیق: أحمد البردونی وإبراهیم أطفیش، چاپ دوم،
دار الکتب المصرية، قاهرة، ۱۳۸۴هـ / ۱۹۶۴م.

الکيا الهراسی، علی بن محمد بن علی، احکام القرآن، چاپ دوم، دار الکتب العلمية، بیروت، ۱۴۰۵هـ.

اللالکائی، أبو القاسم هبة الله، شرح أصول اعتقاد أهل السنة والجماعة، تحقیق: أحمد بن سعد بن حمدان

الغامدی، چاپ هشتم، دار طيبة، السعودية، ۱۴۲۳هـ / ۲۰۰۳م.

مسلم، صحیح مسلم، محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء التراث العربی، بیروت، بی تا.
الموسوعة الفقهية الكويتية، وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، چاپ دوم، دارالسلاسل، کویت.
الهی قمشه‌ای، محیی‌الدین مهدی، ترجمه قرآن، انتشارات فاطمة الزهراء، ۱۳۸۰ ش.

بررسی همنشین‌های ماده «أمر» و ارتباط آن با کلمه معروف در قرآن کریم

علی ترشه (طالب العلم ترم شش رشته اعداد الائمه و الخطباء_پارسیان)

alitarshah1@gmail.com

چکیده

موضوع امر به معروف و نهی از منکر از جایگاه و اهمیت والایی در آموزه‌های قرآنی برخوردار است. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از ابزار معناشناسی، به بررسی همنشینی‌های واژه «أمر» و ارتباط آن با «معروف» در قرآن کریم پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که پرکاربردترین همنشین واژه «معروف» در قرآن، ماده «أمر» است. این پژوهش، مفهوم «امر» را در قرآن به دو دسته کلی تقسیم می‌کند: امر الهی که شامل دو زیرمجموعه امر تکوینی و امر تشریعی است و امر غیرالهی که در تقابل با امر الهی قرار داشته و به گروه‌هایی مانند شیطان، منافقان، مسرفان و فرعون نسبت داده شده است. تحلیل روابط همنشینی میان «أمر» و «معروف» نه تنها به تبیین دقیق‌تر مفهوم امر به معروف کمک می‌کند، بلکه درک عمیق‌تری از جایگاه این وظیفه در نظام تربیتی قرآن و نقش مؤمنان در اجرای آن ارائه می‌دهد. کلیدواژه‌ها: امر، معروف، منکر، همنشین‌ها، معناشناسی، قرآن.

مقدمه

در آموزه‌های دینی، موضوع امر به معروف و نهی از منکر از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای برخوردار است. این دو اصل، بنیاد نبوت پیامبران الهی را تشکیل داده‌اند و قرآن کریم آن‌ها را به عنوان نخستین وظیفه همه‌ی انبیاء معرفی می‌نماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّالَّةُ فَمِنْهُمْ مَنْ فَاتَرُوا الْأَرْضَ فَأَنْظَرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ﴾ (النحل، ۳۶) که مفهوم آن این است: ما در هر امتی رسولی را برانگیختیم تا به پرستش خدای یکتا فراخوانند و از طاغوت دوری کنند.

از دیدگاه اسلام، امت اسلامی به عنوان بهترین امت‌ها شناخته شده است، زیرا به این آموزه قرآنی عمل کرده است. آنجاست که خداوند می‌فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...﴾ (آل عمران، ۱۱۰) (ترجمه: شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید: به کار پسندیده فرمان می‌دهید، و از کار ناپسند باز می‌دارید، و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند قطعاً برایشان بهتر بود؛ برخی از آنان مؤمنند ولی بیشترشان نافرمانند) مفهوم آیه، به این معنا که شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدید آمده‌اید، زیرا به معروف امر و از منکر نهی می‌کنید و به خدا ایمان دارید.

اگر این وظیفه بزرگ الهی از برنامه امت حذف شود، قطعاً خیریت و نفع‌رسانی آن به امت‌های دیگر از دست خواهد رفت، همان‌طور که اگر این وظیفه شرعی از برنامه انبیاء حذف شود، نبوت معنای خود را از دست می‌دهد. انگیزه بعثت انبیاء، تزکیه و تهذیب نفوس بوده است که در سایه امر به معروف و نهی از منکر محقق می‌شود و نتیجه آن، امنیت اجتماعی و جهت‌دادن آنها به سمت الهی است.

بزرگان و علماء امت نیز امر به معروف و نهی از منکر را از مهم‌ترین برنامه‌هایی می‌دانند که خداوند از پیامبران خواسته است. کسی که به انجام این برنامه الهی همت گمارد، در واقع همراه با انبیاء الهی به اجرای رسالت عظیم آن می‌پردازد و امنیت را در جامعه تحقق می‌بخشد. در

دوران امروزی به خاطر تهاجم‌های فرهنگی، امنیت اخلاقی و معنوی، جامعه اسلامی را به خطر انداخته‌اند، ضرورت دارد که این فریضه الهی مورد واکاوی و بررسی قرار بگیرد.

بهترین راه برای درک معانی هر زبانی، استفاده از روش‌های معناشناسی است. معناشناسی، دانش مطالعه معنا است و یکی از جدیدترین و کارآمدترین روش‌های فهم قرآن است. از آنجا که فهم قرآن سرشار از پیچیدگی‌های متنی و زبانی است، معناشناسی ابزاری مفید در جهت استخراج این معانی است. (صفوی، ۱۳۸۷، ص: ۲۷-۳۰).

از آنجایی که واژه «أمر» و «معروف» از واژگانی کلیدی و اساسی قرآن کریم است، پژوهش حاضر بر آن است که با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر روابط همنشینی، تصویری از این دو واژه و جایگاه آن در آیات قرآن کریم ارائه نماید و مؤلفه‌های معنایی این واژه و مفاهیم مرتبط با آن را بررسی نماید.

در ضمن، تحقیق حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که ماده «أمر» در قرآن کریم با چه کلماتی همنشین شده است و ارتباط آن با واژه «معروف» چیست؟

۱- تحلیل مؤلفه‌های معنایی کلمه «معروف»

قرآن کریم، به عنوان متنی منسجم، حاوی دانش و معارفی است که برای فهم و تدبر نیاز به مطالعه و تأمل دارد. هر یک از مفاهیم و عناصر محتوایی آن در ارتباط معنایی با یکدیگر قرار دارند و همگی حول محور واحدی به نام خدا (الله) در حال چرخش هستند.

برای تحلیل معنایی واژه «معروف» در قرآن و شناخت اجزای معنایی و حوزه‌های مرتبط با آن، می‌توان از روابط معنایی مطرح شده در آیات قرآن کریم استفاده کرد. این کار با بررسی مفاهیم همنشین واژه «معروف» و نیز توجه به بافت زبانی آیات انجام می‌شود تا مؤلفه‌های معنایی آن روشن گردد. در ادامه، حوزه‌های معنایی «معروف» در قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد تا جایگاه آن در نظام معنایی قرآن کریم بهتر درک شود.

واژه «معروف» در قرآن، اغلب به معنای کارهای نیک، اعمال صالح، و رفتارهایی است که در جامعه به عنوان نیک و پسندیده شناخته شده‌اند، بیان شده است. این واژه در موارد مختلفی به کار رفته و به عنوان یک اصل اخلاقی، اجتماعی و حتی حقوقی مطرح شده است. «معروف» نه تنها به عنوان یک فضیلت اخلاقی، بلکه به عنوان یک الزام اجتماعی برای حفظ نظم و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در جامعه تأکید می‌شود.

در قرآن، تأکید بر «معروف» و دوری از «منکر» (کارهای ناپسند و زشت) به عنوان دو جزء مکمل یکدیگر مطرح شده‌اند. این دو مفهوم در کنار هم چارچوبی برای تعیین مرزهای رفتاری و اخلاقی در جامعه اسلامی ارائه می‌دهند و به مسلمانان کمک می‌کنند تا در مسیر صحیح و مطابق با ارزش‌های اسلامی حرکت کنند.

۱-۱- واژه «معروف» و مشتقات آن در لغت

واژه «معروف» در قرآن کریم ۳۹ بار در ۱۲ سوره و ۳۶ آیه به کار رفته و دارای معانی گوناگونی است. بررسی ریشه «عرف» و مشتقات آن در کتاب‌های معجم عربی نشان می‌دهد که این واژه با مفاهیمی چون بوی خوش، بخشش، محل رویش پر و مو، موج دریا و مرزها مرتبط است. (فراهیدی، بی‌تا، ۱۲۱/۲)، (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۳۶/۹) ابن فارس در مقاییس اللغة با توجه به معانی فوق، می‌گوید که این واژه بر دو اصل تتابع و پیوستگی چیزی و سکون و اطمینان اشاره دارد. (ابن فارس، ۱۳۹۹، ۲۸۱/۴)، اما می‌توان میان این دو اصل چنین جمع بست که اگر چیزی به طور پیوسته و منظم در جریان باشد و از کجی و ناهمواری به دور باشد، در نهایت به سکون و اطمینان خواهد رسید.

همچنین در زبان عربی عَرَفَ الشَّيْءَ یعنی «آدرکنه»، معرفت و عرفان به معنای علم، درک کردن و دریافتن چیزی از روی اثر آن با اندیشه و تدبیر یا آگاهی‌یافتن از جزئیات یک چیز با استفاده از حواس پنج‌گانه است. (ابن سیده، ۱۰۸/۱۴۲۱، ۲؛ راغب‌اصفهانی، ۵۸۵/۱۳۶۹، ۲).

در تفاوت معنایی معرفت با علم می‌توان گفت که معرفت که از علم خاص‌تر است، به تشخیص و آگاهی از خصوصیات یک موضوع اشاره دارد. در حالی که علم به دستیابی دانش از طریق حواس پنج‌گانه مربوط می‌شود، معرفت الهی بیشتر به تأمل در آثار خداوند و نه درک ماهیت او بستگی دارد. در نتیجه، شناخت خداوند با «يعرف» بیان می‌شود، نه با «يعلم»، زیرا علم مستقیم به ذات خداوند ممکن نیست. معروف به معنای حسن و شناخته شده است که عقل سلیم و شرع آن را تأیید می‌کنند، در حالی که «منکر» نشانگر ناشناخته و مردود است که عقل و شرع آن را رد می‌کنند. (مصطفوی، ۱۴۳۰، ۱۱۶/۸).

پس با توجه به داده‌های فوق این‌گونه می‌توان جمع‌بندی کرد که «معروف» تمام چیزهایی است که در شرع به صورت وجوبی یا استحبابی به آن دستور داده شده است و عقل سلیم آن را تأیید می‌کند و در تمام موارد به معنای خوبی، صلاح، امر خیر و پسندیده به کار گرفته می‌شود. بر خلاف «منکر» که به معنای کارهای زشت و ناپسند که عقل سلیم آن را رد می‌کند.

۲-۱- ساختارهای «معروف» در قرآن کریم

واژه «معروف» ۳۹ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است که از این تعداد «بالمعروف» (۲۰ مورد)، «بمعروف» (۷ مورد)، «معرفاً» (۶ مورد)، «معروف» (۲ مورد) و «من معروف، عن المعروف، معروفة و فی معروف» هر کدام (۱ مورد) به کار رفته است.

۳-۱- بررسی پربسامدترین واژگان همنشین کلمه «معروف»

در تحلیل معنایی واژه «معروف» در قرآن، پربسامدترین مفهوم همنشین مرتبط با «معروف»، ماده «أمر» است که ۱۱ مرتبه تکرار شده است. واژه «معروف» ۹ مورد در تقابل معنایی با «منکر» قرار گرفته به گونه‌ای که امر به معروف و نهی از منکر ۸ مرتبه و امر به منکر و نهی از معروف ۱ مرتبه در قرآن کریم در کنار هم قرار گرفته‌اند. با توجه به استقراء آیات می‌توان گفت که مفهوم «معروف» در نظام معنایی قرآن کریم بیانگر تمامی امورات خیر و نیکویی است که خداوند متعال از انسان‌ها مطالبه نموده و بیان‌گر ارتباط درست بین افراد بشر است.

۲- بررسی ماده «أمر»

ماده «أمر» ۲۴۹ مرتبه در قالب‌های گوناگون فعلی (ماضی مضارع، امر) و اسم‌فاعل (آمر) در قرآن کریم به کار رفته است. امر در فرهنگ لغت عربی به دو صورت به کار گرفته شده است: الف: امری که جمع آن اوامر است. این امر ضد نهی و به معنای طلب و فرمان بوده و در این معنا مصدر و اسم مصدر است. (فراهیدی، بی‌تا، ۲۹۷/۸-۲۹۸؛ فیروز آبادی، ۱۴۲۶، ۸/۲-۹). ب: واژه «أمر» در زبان عربی به معانی مختلفی چون شأن، حال، و حادثه استفاده می‌شود. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ۴/۲۷-۳۰)، اغلب به معنای مصدر و تکلیف است. این واژه همچنین می‌تواند به معنای درخواست یا تکلیفی باشد که از سوی مولا یا فرد، به صورت صریح یا ضمنی، اعمال می‌شود. (مصطفوی، ۱۴۳۰، ۱/۱۵۷).

امر در قرآن را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: اموری مربوط به خداوند یا انسان یا شیطان که از این تعداد بیشترین نسبت واژه «أمر» مربوط به خداوند است. همچنین در متن قرآن کریم، "امر" بعضی مواقع به خداوند و گاهی به دیگران نسبت داده می‌شود. خداوند به عدل، احسان، و اعطای حقوق خویشاوندان فرمان می‌دهد و از فحشا، منکر، و ظلم نهی می‌کند. (نحل/۹۰)، در حالی که شیطان به فقر و فحشا و او می‌دارد. (بقره/۲۶۸)، این آیات نشانگر دو گونه دستور و نهی متضاد هستند. در این بخش به تحلیل این تقسیمات خواهیم پرداخت.

۲-۱- امر الهی

امر الهی در فرهنگ قرآن به دو گونه تکوینی و تشریعی مطرح شده است: امر تکوینی به تولید و ایجاد مستقیم چیزی توسط خداوند و بدون دخالت اراده انسان‌ها اشاره دارد. به عبارتی دیگر در اوامر تکوینی غیر از اراده پروردگار امر خارجی و بیرونی دیگری در این مساله دخالت ندارد و فقط صرف اراده پروردگار مطرح است؛ مانند آیه: ﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (یس، ۸۲). (ترجمه: چون به چیزی اراده فرماید، کارش این بس که می‌گوید: «باش»؛ پس [بی‌درنگ] موجود می‌شود). واژه «أمر» به معنای مقام و شأن است، یعنی شأن و مقام

خداوند متعال به گونه‌ای است که هرگاه بودن چیزی را اراده نماید به آن می‌گوید: باش، موجود شو به این معنا که آن چیز را بدون توقّف و تأخیری به وجود می‌آورد و آن ناگزیر به وجود می‌آید و حقیقت این است که هیچ چیز مانع به وجود آمدن آن نمی‌شود و آن چیز مانند مأمور فرمان‌برداری است که از طرف آمر مطاعی، دستوری به آن داده شود. (ابن عاشور، ۱۹۸۴، ۷۹/۲۳؛ مراغی، ۱۳۶۵، ۳۹/۲۳).

در حالی که امر تشریعی به فرمان‌هایی گفته می‌شود که خداوند برای اجرای آن از طریق بندگان اقدام می‌نماید؛ مانند آیه: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ يُؤْتُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه، ۷۱)، (ترجمه: و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده وا می‌دارند، و از کارهای ناپسند باز می‌دارند، و نماز را بر پا می‌کنند و زکات می‌دهند، و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند. آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد، که خدا توانا و حکیم است). و آیه ﴿يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (آل عمران، ۱۱۴) (ترجمه: به خدا و روز قیامت ایمان دارند؛ و به کار پسندیده فرمان می‌دهند و از کار ناپسند بازمی‌دارند؛ و در کارهای نیک شتاب می‌کنند، و آنان از شایستگانند)، آیات دستور به نماز و زکات و... نیز زیر مجموعه این مورد است.

به عبارتی دیگر منظور از اراده تشریعی این است که خداوند متعال از لحاظ تشریع و جعل قانون چیزی را اراده نموده است؛ یعنی چیزهایی را که می‌خواسته مردم انجام دهند تا به کمال و سعادت برسند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (المائدة، ۶)، (ترجمه: خدا نمی‌خواهد بر شما تنگ بگیرد، لیکن می‌خواهد شما را پاک، و نعمتش را بر شما تمام گرداند، باشد که سپاس او بدارید)، خدا نمی‌خواهد شما در رنج افتید،

بلکه می‌خواهد که شما را پاکیزه سازد و نعمتش را بر شما تمام کند. در اراده تشریعی منظور خداوند در نظام، تشریع و قانون‌گذاری تحقق پیدا کرده و طبق قصد و خواسته‌اش دستور نموده است.

۲-۱-۱- امر تکوینی

امر تکوینی خداوند به ایجاد فوری و بی‌واسطه اشیا توسط خداوند اشاره دارد که نیازی به زمان، مکان یا حرکت ندارد و با فرمان “کن” (باش) به وقوع می‌پیوندد. اراده تکوینی اراده‌ای است که سرچشمه وجود مخلوقات و موجودات است.

این امر به صفات، افعال و آثار ذات خداوند متصل است و بلافاصله و بدون نیاز به تکرار و زمان انجام می‌شود. موجودات خارجی، هرچند به تدریج و از طریق علل مادی آفریده شده‌اند و متناسب با زمان و مکان هستند، دارای جهتی هستند که فارغ از تدریج و مستقل از زمان و مکان است. این جهت، امر خداوند و کلام او تلقی می‌شود.

در امر تکوینی، خداوند مطلق است و هیچ‌چیز نمی‌تواند در برابر اراده تکوینی او مقاومت کند، چنانچه خداوند می‌فرماید:

﴿وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا﴾ (النساء، ۴۷)، به معنای اینکه امر خداوند همیشه عملی می‌شود و هیچ‌کس در آسمان‌ها و زمین نمی‌تواند او را عاجز و درمانده سازد. (طنطاوی، ۱۹۹۷، ۱۷۷/۳).

این عبارت هنگامی که در مورد امر تشریعی خداوند به کار رود نشان‌دهنده این است که اراده خداوند در تأیید حق و شکست دادن باطل، قطعی و غیرقابل تغییر است، همان‌گونه که در قرآن کریم آمده است: ﴿لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا﴾ (الأنفال: ۴۲)، خداوند در خلقت و امر خود مالک و حاکم است. همه اشیاء و اتفاقات جهان، از امر او سرچشمه گرفته و تحت اشراف و اراده او قرار دارند. خداوند فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ﴾ (الطلاق، ۳)، یعنی امر خداوند به انجام می‌رسد ﴿وَالِلَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾ (بقره، ۲۱۰)، به این معنا که همه امور به خدا بازمی‌گردند. این بازگشت، بازگشتی ذاتی و دائمی است، نه زمانی، زیرا تمام اشیا وابسته به خداست و از وجود

او بریده نیستند. امر، فرمان و فرمانروایی نیز از آن خداوند است و هیچ چیز و هیچ کس نمی‌تواند مانع اراده او شود.

۲-۱-۲- امر تشریعی

خداوند در قرآن کریم فرمان به عدالت، نیکوکاری و احسان به خویشاوندان را صادر کرده و از ارتکاب اعمال زشت، منکر و ستمگری بازداشته است. این دستورات که از طریق وحی آمده است، به رفتار اختیاری انسان‌ها و جنیان مربوط می‌شوند و نشان‌دهنده اراده خداوند برای تحقق یافتن این رفتارها هستند. آموزه‌های دینی مانند ضروریات و مستحبات که در آیات قرآنی مطرح شده‌اند، نمونه‌هایی از این امر الهی هستند. آیات قرآنی که به فرمان تشریعی خداوند اشاره دارند، به دودسته تقسیم می‌شوند که در ادامه بررسی خواهند شد.

۱. آیاتی که در آنها واژه امر یا ساخت‌های مختلف آن به کار رفته است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ﴾ (اعراف، ۲۹) و ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (نحل، ۹۰)، (ترجمه: در حقیقت، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می‌دارد. به شما اندرز می‌دهد، باشد که پند گیرید).

۲. آیاتی که فرمان‌های تشریعی خداوند با صیغه امر بیان شده است. در قرآن کریم آمده است: ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (حجرات، ۹)، (ترجمه: و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند، میان آن دو را اصلاح دهید، و اگر باز یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد، با آن طایفه‌ای که تعدی می‌کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد. پس اگر باز گشت، میان آنها را دادگرانه سازش دهید و عدالت کنید، که خدا دادگران را دوست می‌دارد).

و آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أُولَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ نَعِرْضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾ (نساء، ۱۳۵)، (ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید، هر چند به زیان خودتان یا [به زیان] پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد. اگر [یکی از دو طرفِ دعوا] توانگر یا نیازمند باشد، باز خدا به آن دو [از شما] سزاوارتر است؛ پس، از پی هوس نروید که [در نتیجه از حق] عدول کنید. و اگر به انحراف گرایید یا اعراض نمایید، قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است)، بررسی آیات قرآن گویایی این است که امر تشریعی الهی دارای خصوصیتی است:

- در قرآن کریم، خداوند از انسان‌ها خواسته است که با اراده و اختیار خود، دستورات الهی را اجرا کنند و یا از کارهای ناپسند دوری کنند. این انتخاب و اختیار نشان‌دهنده امکان تخلف و عصیان است که در صورت انجام، موجب مؤاخذة و مجازات الهی می‌شود.

- خداوند در قرآن می‌فرماید که هیچ‌کس را بیش از توانایی‌هایش مکلف نمی‌کند، به این معنی که دستورات الهی متناسب با توانایی‌های فردی است.

- خداوند دستوراتی را صادر می‌کند که به نفع بشریت است و هرگز به کارهای ناپسند دستور نمی‌دهد، با هدف اصلاح مفاسد اجتماعی و تأمین سعادت بشر.

۲-۲- امر غیر الهی

در متن قرآن کریم، امر الهی به معروف و نیکي دعوت می‌کند، درحالی‌که امر شیطان و گروه‌هایی مانند منافقان و فرعون به فحشا و منکر است که با امر الهی در تضاد است. همچنین دو واژه «فحشا» و «منکر» در نظام معنایی قرآن در تقابل معنایی با «معروف» قرار گرفته‌اند.

واژه «منکر» در قرآن کریم، به معنای کارهایی است که عقل و سرشت انسان‌ها آن را ناپسند می‌شمارد و دین نیز زشتی‌های آن را مورد تأیید قرار می‌دهد. این واژه بر خلاف «معرفت» است که به معنای آرامش قلبی است. (فراهیدی، بی‌تا، ۳۵۵/۵؛ ابن فارس، ۱۳۹۹، ۴۷۶/۵)، پس منکر

به کارهایی اطلاق می‌شود که نه تنها عقل آنها را رد می‌کند، بلکه دین نیز آنها را نکوهش می‌کند و برخی آن را نشانه‌ای از نادانی می‌دانند.

در قرآن کریم، «فحشا» به اعمالی اطلاق می‌شود که به شدت ناپسند و زشت هستند و خداوند از آنها نهی فرموده است. (نحل، ۹۰)، این کنش می‌تواند شامل رفتارها و گفتارهایی باشند که زشتی آنها بر همگان آشکار است و از حدود متعارف تجاوز کرده‌اند. «فحشاء» و «منکر» در قرآن، سه بار کنار هم آمده‌اند و هر دو به معنای اعمالی هستند که از نظر اخلاقی و شرعی ناپسند شناخته شده‌اند. (نحل، ۹۰؛ نور، ۲۱؛ عنکبوت، ۴۵).

۲-۲-۱- امر شیطان

خداوند در توصیف امر شیطان در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...﴾ (نور، ۲۱)، (ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید، هر چند به زبان خودتان یا [به زبان] پدر و مادر و خویشاوندان شما باشد. اگر یکی از دو طرف دعوا توانگر یا نیازمند باشد، باز خدا به آن دو از شما سزاوارتر است؛ پس، از پی هوس نروید که در نتیجه از حق عدول کنید. و اگر به انحراف گرایید یا اعراض نمایید، قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است)، شیطان به عنوان سمبل گمراهی، انسان را با وعده‌های دروغین و تزیین رفتار باطل به انحراف می‌کشانند. کسانی که از او پیروی کنند، تحت فرمان او قرار گرفته و به اعمال زشت و نادرست سوق داده می‌شوند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ﴾ (نحل، ۱۰۰)، (ترجمه: تسلط او فقط بر کسانی است که وی را به سرپرستی برمی‌گیرند، و بر کسانی که آنها به او [خدا] شرک می‌ورزند)، شیطان افراد تحت سیطره خود را به فحشا و منکر، سخن بدون علم و دلیل و دگرگون کردن خلقت خداوند امر می‌کند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (بقره، ۱۶۹)، (ترجمه: او شما را فقط به بدی و زشتی فرمان می‌دهد، و [وامی‌دارد] تا بر خدا، چیزی را که نمی‌دانید

بربندید، همچنین از زبان شیطان آمده است: ﴿وَلَا مَرْتَبَ لَهُمْ فَلَاعَيْنَهُ خَلَقَ اللَّهُ﴾ (نساء، ۱۱۹)، (ترجمه: و وادارشان می‌کنم تا آفریده خدا را دگرگون سازند).

در قرآن، شیطان فقط به اعمال زشت و منکر دستور می‌دهد و این با استفاده از حروف «إِنَّمَا» و «أَنَّهُ» که بر حصر و تأکید بر این موضوع دلالت دارند، بیان شده است. (سامرائی، ۱/۱۴۲۸، ۳۰۰)، شیطان با وعده‌ها و وسوسه‌های خود ابتدا انسان را به سوی گناه دعوت می‌کند، اما تنها زمانی بر انسان سلطه می‌یابد که فرد به جای پیروی از هدایت عقل و وحی، به این وسوسه‌ها تن دهد و او را به عنوان ولی و سرپرستی خود بپذیرد. علاوه بر مطالب فوق، در آیه ۱۱۲ سوره انعام نیز بیان شده است که جنس شیاطین دعوتگر به گناه و نافرمانی می‌توانند هم از جن و هم از انسان‌ها باشند، و هر دو می‌توانند دیگران را به اعمال ناپسند و بدعت‌ها ترغیب کنند.

۲-۲-۲- امر منافقان

خداوند در قرآن درباره امر منافقان می‌فرماید: منافقان و منافقات که از یک جنس هستند، به منکر و زشتی و خلاف شرع دستور می‌دهند و از معروف و خوبی‌ها باز می‌دارند و دست‌های خود را فشرده نگه می‌دارند. آن‌ها خدا را فراموش کرده‌اند، پس خدا نیز آن‌ها را فراموش کرده است. بهراستی که منافقان، فاسقان هستند. (توبه/۶۱).

با توجه به این آیه می‌توان گفت که ترک امر به معروف، نهی از منکر و انفاق در راه خدا، نشانه فراموش کردن خداست. (شعراوی، ۱۹۹۷م، ۵۲۶۷/۹؛ زحیلی، ۱۴۱۸هـ، ۲۹۶/۱۰).

این آیه در تقابل معنایی با آیه ۷۱ توبه است: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ در شماری از آیات قرآن کریم نیز پدیده ایمان در تقابل معنایی با واژه کفر قرار گرفته است.

در قرآن، نفاق و ایمان به عنوان دو گزاره متضاد توصیف شده‌اند. منافقان، باوجود اظهار ایمان زبانی، در باطن کافر هستند و از ایمان بعید هستند. خداوند منافقان را به دلیل فرمان به منکر و

نهی از معروف، فاسق می‌خواند و به خصوصیتی همچون دروغ‌گویی، ترک جهاد، کسالت در نماز، ریا، استهزاء، آزار رساندن به پیامبر، سوءظن به خدا، فراموشی خدا اشاره می‌کند.

۲-۲-۳- امر مسرفان

خداوند در قرآن فرمان می‌دهد که از دستورات مسرفین پیروی نکنیم. واژه «اسراف» از ریشه «سَرَف» به معنای تجاوز از حدود مرز اعتدال در هر کار است. (ابن فارس، ۱۳۹۹، ۱۵۳/۳)، راغب اصفهانی در توصیف این واژه می‌نویسد: «السَّرَفُ تَجَاوُزُ الْحَدِّ فِي كُلِّ فِعْلٍ يَفْعَلُهُ الْإِنْسَانُ اسْرَافًا» عبارت است از تجاوز کردن از حدّ در هر کاری که انسان انجام می‌دهد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۳، ۲۱۰/۲). پس اسراف به معنای رفتاری است که از چارچوب عقل و عرف تجاوز کرده و با نادانی و اشتباه و غفلت همراه است. مسرف کسی است که در دنیا غرق شده و از حقیقت و آخرت غافل است، از مسیر هدایت منحرف شده و به سمت گمراهی می‌رود. خداوند می‌فرماید که کسانی که اسراف می‌کنند و به آیات او ایمان ندارند، پاداش خود را دریافت می‌کنند که در اینجا به کفر به آیات الهی اشاره دارد. هم چنین در قرآن کریم آمده است: ﴿قَالُوا طَائِفُكُمْ مَعَكُمْ أَنْبَ دُكْرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ﴾ (یس، ۱۹)، (ترجمه: رسولان گفتند: «شومی شما با خود شماست. آیا اگر شما را پند دهند [باز کفر می‌ورزید؟ نه!] بلکه شما قومی اسراف‌کارید) و آیه ﴿وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلِ الْبَيِّنَاتِ فَمَا زُلْتُمْ فِي شَكٍّ مِّمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّى إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُّرْتَابٌ - الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ﴾ (غافر، ۳۴-۳۵)، (ترجمه: و به یقین، یوسف پیش از این، دلایل آشکار برای شما آورد، و از آنچه برای شما آورد همواره در تردید بودید تا وقتی که از دنیا رفت، گفتید: «خدا بعد از او هرگز فرستاده‌ای را برنخواهد انگيخت.» این گونه، خدا هر که را افراط‌گر شکاک است، بی‌راه می‌گذارد.

در آیات قرآنی، اسراف به ابزار عامل انکار پیامبران و عدم‌پذیرش مطرح شده است. به‌ویژه در سوره غافر، شک و تردید به‌عنوان سرانجام اسراف بر شمرده شده‌اند. این امر ناشی از این حقیقت است که کسانی که از حق روی‌گردان می‌شوند، در دل خود شک و تردید را جایگزین

ایمان می‌کنند و به هیچ دلیلی اعتماد نمی‌کنند. علاوه بر این، هنگامی که آیات الهی با خواسته‌های نفسانی فرد مغایرت دارند، بدون هیچ دلیل موجهی آن‌ها را رد کرده و به جدال‌های بی‌پایه و بی‌اساس می‌پردازند. در جنبه عملی، قرآن کریم در چهار آیه به استفاده نادرست و بیش از حد از نعمت‌های دنیوی و همچنین زیاده‌روی در انفاق اشاره کرده و آن را اسراف می‌نامد.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ و ﴿وَاتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ (اعراف، ۳۱)، (ترجمه: ای فرزندان آدم، جامه خود را در هر نمازی بپوشید، و بخورید و بیاشامید ولی زیاده‌روی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی‌دارد. هم چنین در مورد رفتار انفاق گونه آمده است: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ (فرقان، ۶۷)، (ترجمه: و کسانی‌اند که چون انفاق کنند، نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند، و میان این دو [روش] حد وسط را برمی‌گزینند)، همچنین در سایر آیات اسراف علاوه بر مسائل مادی و انفاق در قتل و خونریزی نیز قابل توصیف است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ﴾ همچنین در آیه دیگری نیز خداوند متعال در توصیف افراط فساد می‌فرماید: ﴿وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ - الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ﴾ (شعراء، ۱۵۱-۱۵۲)، در این آیه مسرفان کسانی هستند که صفت فساد و عدم اصلاح از صفات برجسته آنها است. از آنجایی که اطاعت از مسرفین مستلزم پیروی از دستورات آنها است، خداوند از واژه «أمر» برای تبعیت از فرمان‌ها استفاده کرده است که در تقدیر آن گفته شده است «وَلَا تُطِيعُوا الْمُسْرِفِينَ فِيمَا أَمَرُوا بِهِ». (هرری شافعی، ۱۴۲۱، ۲۰/۲۹۰).

۲-۲-۴- امر فرعون

خداوند متعال در همنشینی واژه أمر با فرعون می‌فرماید: ﴿وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ﴾ در زبان عربی، «رشد» به معنای رسیدن به خیر و صلاحیت است و به فردی که به درستی هدایت می‌شود و مسیر صحیح را می‌پیماید، اطلاق می‌شود. (فراهیدی، بی‌تا، ۲۴۲/۶؛ راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ۷۶/۲-۷۸)،

در بافت قرآن، واژه «رشید» به کسی اشاره دارد که دارای بصیرت و هدایت الهی است. (جن، ۲)، اما در مورد فرعون که سبلی از کفر و ظلم بود و ادعای الوهیت و ربوبیت می‌کرد، قرآن اظهار دارد که او فاقد «رشد و صلاح» است. فرعون با ادعای هدایت مردم به سوی راه رشد و صلاح، در واقع به گمراهی و نادانی دچار بود و نه تنها خود را، بلکه دیگران را نیز به گمراهی سوق می‌دهد. (ابن عاشور، ۱۹۴۸م، ۱۲/۱۵۶).

این تناقض بین ادعاهای فرعون و واقعیت امر او، در آیات قرآنی به خوبی بیان شده است. فرعون ادعا می‌کرد رهنمودهایش مردم را به سوی رشد و صلاحیت می‌برد: ﴿وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ﴾، اما خداوند امر او را بی رشد و ناصواب معرفی می‌کند: ﴿وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ﴾ این تقابل نشان‌دهنده اهمیت تشخیص حق از باطل و پیروی از هدایت الهی در مقابل خواسته‌های نفسانی و ادعاهای دروغین است.

همچنین در آیات دیگر، قرآن کریم فرعون را به عنوان یکی از مصادیق مسرفان معرفی کرده و می‌فرماید: ﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ﴾ (یونس، ۸۳)، (ترجمه: و در حقیقت، فرعون در آن سرزمین برتری جوی و از اسرافکاران بود)، رفتار اسراف‌گرانه فرعون در این آیه معانی ظلم و ستم، خونریزی و فساد را در خود انباشته است و می‌توان برداشت کرد که تمام اوامر و دستورات فرعون در آیات قرآن منجر به هلاک و نابودی شد. (ابوسعود، بی تا، ۴/۱۷۱).

نتیجه‌گیری

۱- «معروف» در لغت چیزی است که از نظر عقل و فطرت سالم، شناخته شده و مشخص است، به گونه‌ای که عقل سلیم آن را می‌پذیرد و شرع آن را موافق عقل و به دنبال آن موافق حق می‌داند.

۲- «معروف» از نوع امر تشریعی الهی است. همنشینی «أمر» و «معروف» نشان می‌دهد که یکی از مؤلفه‌های معنایی «معروف» مطلوب بودن آن است، لذا مأمور به بوده و بدان دستور داده شده است.

۳- پربسامدترین واژه همنشین «معروف»، «امر» است. امر دو نوع است: امر الهی که به امر تکوینی و امر تشریعی تقسیم می‌شود و امر غیر الهی که در مقابل امر الهی است و به گروه‌هایی مانند شیطان، منافقان، مسرفان، فرعون نسبت داده شده است.

منابع

قرآن کریم.

- ابن سیده، أبو الحسن علی بن إسماعیل، المخصص، چاپ اول، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۲ق.
- ابن عاشور، محمد الطاهر، التحرير و التنوير، دار التونسیه، تونس، ۱۹۸۴ق.
- ابن فارس، احمد، مقاییس اللغة، محقق محمدحسین شمس‌الدین، چاپ اول، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، دار صادر بیروت، ۱۴۱۰ق.
- أبوسعود، محمد بن محمد بن مصطفى، تفسیر أبی السعود، دار إحياء التراث العربی، بیروت، بی‌تا.
- اصفهانی، راغب، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، دار القلم، بیروت، ۱۴۱۲ق.
- زحیلی، وهبه بن مصطفى، التفسیر المنیر، چاپ دوم، دار الفکر، دمشق، ۱۴۱۸ق.
- سامرائی، فاضل صالح، معانی النحو، چاپ اول، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، اردن، ۱۴۲۰هـ.
- شعراوی، محمد متولی، تفسیر الشعراوی، مطابع أخبار الیوم، ۱۴۱۸هـ.
- صفوی، کورش، درآمدی بر معناشناسی، سوره مهر، تهران، ۱۳۸۷ش.
- طنطاوی، محمد سید، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، چاپ اول، دار نهضة مصر للطباعة والنشر، القاهرة، ۱۹۹۷م.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، محقق مهدی المخزومی، مکتبه الهلال، بی‌تا.
- فولادوند، محمد مهدی، ترجمه قرآن، چاپ دوم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ایران، ۱۳۸۷ش.
- فیروزآبادی، مجدالدین، القاموس المحيط، چاپ هشتم، مؤسسة الرساله، لبنان، ۱۴۲۶ق.
- مراغی، احمد بن مصطفى، تفسیر المراغی، شركة مکتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده، مصر، ۱۳۶۵.
- مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن، چاپ اول، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ق.
- هرری شافعی، محمد امین بن عبدالله، تفسیر حدائق الروح والريحان فی روابی علوم القرآن، چاپ اول، دارطوق النجاة، لبنان، ۱۴۲۱ق.

تأثیرگذاری واژه خیر بر اوصاف آمران و ناهیان در قرآن کریم با تمرکز بر آیات ۱۰۴ و ۱۱۰ سوره مبارکه آل عمران

ابتسام ابراهیمی (طالب العلم ترم هشتم رشته شریعت _ خنج)

jaberihosna@gmail.com

چکیده

شارع حکیم در کلام خود جایگاه رفیعی برای فریضه امر به معروف و نهی از منکر قائل شده و با حکمت خود مصادیقی را برای این فریضه بیان نموده است. یکی از این مصادیق، تقدم لفظ "خیر" بر "معروف" و "منکر" در آیات ۱۰۴ و ۱۱۰ آل عمران و تأخیر آن در آیه ۱۱۴ همین سوره است. این مقاله به بررسی هم‌نشینی واژه خیر با معروف و منکر می‌پردازد و شناخت مسائلی را که آمران و ناهیان در اجرای صحیح این دو فریضه باید به آنها توجه کنند، آشکار می‌سازد. این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی انجام شده است و نویسنده با مراجعه به آیات و روایات، به تبیین جایگاه و اهمیت خیر در امر به معروف و نهی از منکر پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که عدم توجه به حکمت‌ها، مصادیق، شروط و فقه امر به معروف و نهی از منکر، گاه عامل عدم پذیرش این فریضه در جامعه در طول تاریخ بوده است. هم‌نشینی واژه خیر با معروف و منکر بیانگر این نکته است که اجرای صحیح این دو فریضه، نیازمند شناخت دقیق خیر و مصادیق آن در هر زمان و مکان است. با درک صحیح حکمت‌ها و مصادیق امر به معروف و نهی از منکر و فراهم کردن پیش زمینه مناسب برای اجرای صحیح آن، می‌توان شاهد پذیرش این فریضه و شکوفایی جامعه بود.

کلیدواژه‌ها: امر به معروف، نهی از منکر، خیر، حکمت، فقه.

مقدمه

کتاب خدا مشحون از گزاره‌هایی است که مؤمنین را به انجام امور گوناگون ترغیب می‌نماید. بعضی از این آموزه‌ها، نتایج دنیوی یا اخروی عمل به آن را معطوف به شخص انجام دهنده می‌نماید، اما برخی دیگر از آموزه‌ها، جامعه را بهره‌مند از عمل به آن می‌داند.

میان فرایض متعدد دینی، اصل امر به معروف و نهی از منکر، اهمیت بسیار بالایی نسبت به سایر فرایض دارد.

با بررسی متون دینی اقامه این فریضه، امت اسلام را به بهترین امت تبدیل می‌نماید و باعث ایجاد و تقویت حکومت صالحان، و گسترش قسط و عدل، و سامان یافتن امور می‌شود. اگر این اصل منسوخ شود جامعه اسلامی آنگونه که مقصد شرع است، برپا نخواهد شد و تمام تعلیمات اسلامی از میان رفته است.

از آن جا که در اقامه این فریضه لزوماً شخص سومی مطرح است، پس رعایت یک اصل مهم، یعنی حکمت در این موضوع امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.

فهم و رعایت حکمت در آدای این تکلیف از دو جهت مورد اهمیت است؛ اول: سبب معرفی بهتر معروف و منکر به جامعه خواهد شد، دوم: پذیرش و اجرای آن برای جامعه و شخص سوم آسان‌تر خواهد بود و آمران به معروف و ناهیان منکر مذموم شناخته نخواهند شد.

از میان تألیفات گذشتگان، کتاب و مقالاتی در موضوع امر به معروف و نهی از منکر به رشته تحریر در آمده‌اند که به نقش حکمت در این فریضه نیز اشاره نموده‌اند؛ مانند: تمایز بین «دعوت به خیر» با امر به معروف و نهی از منکر و تأثیر آن در سیاست‌گذاری و نهادسازی فرهنگی -

حقوقی در جمهوری اسلامی ایران؛ نوشته: اکبر طلاکی و محمود واعظی، و الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر؛ نوشته: ابن ابی الدنيا (۲۸۱ هـ ق)، و الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر؛ نوشته: تقی الدین ابن تیمیه (۷۲۸ هـ ق)، و بررسی علل عدم پذیرش امر به معروف و نهی از

منکر در جامعه؛ نوشته: محمد رضا جواهری، و امر به معروف و نهی از منکر از منظر دین و شرایط اقامه آن؛ نوشته: سید اسماعیل حسینی اجداد و سیده اکرم رخشنده نیا.

نقطه تمایز این جستار از دیگر نوشته‌ها برجسته ساختن مفهوم واژه خیر و مصادیق آن از خلال آیات متعدد که تا به حال کمتر مورد توجه قرار گرفته است تا بتوان هدف و مقصد شارع را از امر به معروف و نهی از منکر را به بهترین شکل ممکن عملی کرد.

این پژوهش درصدد بررسی و پاسخ به دو پرسش اساسی است: ۱. واژه خیر در آیات ۱۰۴ و ۱۱۰ آل عمران چرا بر معروف و منکر مقدم شده؟ ۲. مصادیق خیر در آیات متعدد چه تأثیری در عملی کردن این فریضه خواهد گذاشت؟

این جستار درصدد آن است که با ارائه توصیف‌های لغوی و بررسی آیات مرتبط به موضوع و بهره‌گیری از دیدگاه مفسران به موضوع جنبه‌های مهم و اثرگذاری مفهوم شرعی امر به معروف و نهی از منکر را بررسی کند.

۱- مفهوم خیر:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران، ۱۰۴).

برای فهم آیه فوق لازم است هفت کلمه کلیدی آن از جمله: أُمَّة، يدعون، خیر، یأمر، معروف، منکر را شناخت سپس به کمک اعراب، به کاربرد اصلی آن پی برد.

۱-۱ أُمَّة:

گروهی که علم و عمل صالح را بر می‌گزینند و برای سایرین الگو و اسوه هستند. (راغب، ۱۹۳، ۱۳۷۶).

۱-۲ يدعون:

تمایل و ترغیب بسوی آن چیز است. (راغب، ۱۳۷۶، ۶۷۸).

۳-۱ خیر:

پیامبر این آیه را قرائت کرد و سپس فرمود: خیر، یعنی تبعیت از قرآن و سنت من است. (سیوطی، ۱۴۲۴هـ، ۶۲/۲).

خیر گاهی نقطه مقابل شر و بدی است و گاهی در برابر زیان و ضرر. (راغب، ۱۳۷۶، ۶۴۳).
خیر چیزی است که همه کس به آن ترغیب می‌شوند؛ مثل عقل، عدل، فضل و هر چیز سودمند دیگر، نقطه مقابل خیر، شر است. خیر دو گونه است:

- ۱- خیر مطلق، یعنی چیزی که در هر حال و بنظر هرکس پسندیده و مورد رغبت است.
- ۲- خیر و شر مقید، به این معنی است که چیزی برای یکی خیر است و برای دیگری شر، مثل مالی که ممکن است برای زید خیر باشد و برای عمرو شر و بدی، از این رو خدای تعالی خیر را با دو امر توصیف کرده است. (راغب، ۱۳۸۸، ۶۴۱).

۴-۱ یا مرون:

واژه امر معانی مختلفی دارد که دو معنای آن رایج تر است:

یک) دستور و فرمان؛ نظیر این دو آیه قرآن: ﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْءًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ فرمان او جز این نیست که چون چیزی را بخواهد بدو می‌گوید: باش! بی‌درنگ خواهد بود، ﴿أَمْرٌ تَعْبُدُوا إِلَهًا﴾ دستور داده که جز او را نپرستید.

دو) کار و حادثه؛ نظیر این دو آیه قرآن: ﴿وَشَاوَرَهُمْ فِي الْأُمْرِ﴾ و در کارها با آنان مشورت کن. ﴿وَالِلَّهِ تَرْجِعُ الْأُمُورُ﴾ و کارها به سوی خدا بازگردانده می‌شود. جمع امر در این معنا امور است. (رک: آراسته، ۱۳۹۲ش، ۱۶).

۵-۱ معروف:

ابن فارس می‌گوید: عرف در اصل به دو معنا دلالت دارد: یک) پی در پی بودن چیزی به صورت پیوسته، به یال اسب، به جهت پی در پی بودن موها به عرف الفرس می‌گویند. دو) سکون و آرامش، اما معرفت، عرفان و معروف از ریشه معنای دوم هستند، زیرا انسان به آنچه می‌شناسد

(معروف) آرامش می‌یابد و از آنچه نمی‌شناسد، وحشت‌زده شده و فرار می‌کند. عرف (بوی خوش) از همین باب است، زیرا نفس انسان به واسطه آن به سکونت و آرامش می‌رسد. به اعتقاد راغب؛ معرفت و عرفان، شناخت چیزی همراه با تفکر و تدبر است که اخص از علم می‌باشد. برخی دیگر گفته‌اند: اصل در این ماده اطلاع بر امری و آگاهی از خصوصیات و آثار آن است. معرفت اخص از علم است، زیرا علم به خصوصیات است، بنابراین هر معرفتی، علم است ولی هر علمی معرفت نیست. (ر.ک: آراسته، ۱۳۹۲، ش، ۱۸).

۱-۶ پنهون:

ماده (ن ه ی) در زبان عربی اصلی است که بر غایت و نهایت یک کار دلالت دارد. (ابن فارس، ۱۹۷۸، م، ۳۵۹/۵) و انتهی عنه و تناهی، یعنی دست کشید. (جوهری، ۱۹۸۷، م، ۲۵۱۷/۶).
۱-۷ منکر:

منکر به طور معمول در سه معنا به کار می‌رود:

یک) نفی شناخت که نقطه مخالف معرفت است. راغب معنای اصلی انکار را نوعی جهل دانسته است.

دو) عدم پذیرش، انکار در برابر اعتراف: ابن فارس می‌گوید: "نکر الشیء و انکره: لم یقبله قلبه و لم یعترف به لسانه؛ قلبش آن را نپذیرفت و زبانش به آن اعتراف نکرد".

سه) امر زشت، ناپسند و قبیح. (ر.ک: آراسته، ۱۳۹۲، ش، ۲۱).

از نظر پژوهشگر با توجه به کاربردهای این واژه پی می‌بریم که منکر ریشه در همان معنای اول دارد و طبیعتاً وقتی در مقابل معروف که شناخته شده است قرار گیرد پذیرفته نخواهد شد و چیزی که جامعه آن را نپذیرد قطعاً در اذهان، امری زشت و ناپسند خواهد بود.

۲- اعراب آیه

کان: در بسیاری از توصیف‌ها درباره صفات خداوند خبر از معنی ازلیت می‌دهد. و هرگاه واژه «کان» به صورت ماضی و متعلق به صفت در چیزی که هنوز وجود دارد به کار رود آگاهی بر

این است که آن وصف و صفت ملازم آن چیز است و کمتر می‌شود که از او جدا شود. (راغب، ۳۹۷، ۱۳۸۸).

برای فعل کان سه مواضع ذکر شده:

۱. به صورت تام: فقط اسم دارد و به معنی حدث و وقوع است.
 ۲. به صورت ناقصه: ملزوم اسم و خبر است و دلالت بر زمان می‌دهد.
 ۳. به صورت زائده: برای تأکید کلام است و ملزوم اسم و خبر نیست. (حمیری، ۱۴۲۰هـ-۵۹۲۹).
- نظر نگارنده بر این است که تکن فعل تام است و يدعون صفت برای امت است، و إلى الخير متعلق به يدعون می‌باشد. امتی که می‌تواند با ثبات این وصف، در اجرای دو فریضه، به درجه رستگاران رسد.

۳- تقدیم خیر بر معروف و منکر:

سوال مطرح می‌شود که چرا خیر مقدم شده بر این دو امر؟
در خصوص مفهوم خیر در ذیل آیه ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران: ۱۰۴) مباحث زیادی مطرح شده است، برخی از مفسران منظور از خیر را اسلام می‌دانند. جوادی آملی، به نظر برخی مفسران اشاره می‌نماید و بیان می‌کند که سرّ تقدم دعوت به خیر بر امر به معروف و نهی از منکر آن است که دعوت به خیر یعنی دعوت به اسلام، اما امر به معروف و نهی از منکر یعنی فرمان دادن به مسلمان برای انجام وظایف دینی و نهی او از ارتکاب گناهان است. (آملی، بی‌تا).

برخی خیر را لفظ مجمل و امر به معروف و نهی از منکر را تفصیل آن می‌دانند. به اعتقاد ابن منیر، ذکر این دو فریضه بعد از دعوت به خیر، از باب ذکر خاص بعد از عام نیست، زیرا خیر مورد نظر در آیه کاملاً منطبق بر فعل مامور یا ترک منهی است و چیز دیگری وجود ندارد که ذکر این دو مورد به خاطر تمایزشان از دیگر مواردی باشد که عمومیت خیر شامل آنها می‌شده است. (ر.ک: مرتضی گودرزی، جایگاه اصل امر به معروف و نهی از منکر در گسترش امور خیر از منظر مطهری).

مطهری، علی‌رغم اینکه تعریف روشنی از مفهوم خیر ارائه نداده است، ایشان خیر را برابر با معروف و شر را برابر با منکر می‌دانند. نکته مهم، که در آثار مطهری قابل تأمل است، تأکید اساسی بر دعوت مردم به خیر و معروف با اقدام عملی است؛ به نظر ایشان، در دعوت عملی به خیر و نیکی به جای آنکه از زبان استفاده شود، می‌بایست نمونه عملی و عینی معرفی و ایجاد کرد. به تعبیر دیگر، ایشان بیشتر به معرفی یک مدل یا الگو از رفتار خیر و معروف اهمیت می‌دهند. بهشتی نیز در کتاب "بایدها و نبایدها" ذیل عنوان "خیر" و "دعوت به خیر" بیان می‌نماید که عامل پیشرفت و گسترش دین اسلام از طریق دعوت به خیر به صورت عملی بوده است. بدین معنی مردم مشاهده می‌کردند که با دین اسلام عدالت و زندگی بهتری شکل می‌گیرد، ولی در حکومت‌های محلی سابق چنین چیزی نمی‌دیدند. با این نوع نگاه، بهشتی ساختن یک جامعه کوچک نمونه اسلامی را چه برای داخل و چه برای خارج بهترین تبلیغ می‌داند. (بهشتی، ۱۳۸۸ش، ۲۷).

نکته قابل ذکر این است که اگر منظور از خیر همان معروف است، دوگانگی تعبیر به چه منظور صورت گرفته است و چرا در مورد اول دعوت و در مورد دوم امر مطرح شده است. شاید بتوان دلیل تفاوت در تعبیر را توجه به بعد ایجابی و سلبی دانست که به صورت توأمان در معروف و منکر مطرح هستند، ولی خیر صرفاً ناظر بر بعد ایجابی است. این نکته را نیز از نظر نباید دور داشت که معروف و منکر اصطلاحی کاملاً شناخته شده در دین هستند و در مورد کاربرد آنها کاملاً عنایت وجود دارد؛ بنابراین، بسیار به جاست که وقتی دعوت به خیر مطرح می‌شود، مومنان به فعل معروف و ترک منکر توجه داده شوند. تفاوت در تعبیر دعوت و امر نیز روشن است، زیرا دعوت به خیر ماهیت تعلیمی دارد، بر خلاف امر به معروف و نهی از منکر. این نکته برخی مفسران متذکر شده و گفته‌اند: در مرحله اول باید به خیر دعوت نمود و آنگاه است که نوبت به امر و نهی می‌رسد. پیش از دعوت شایسته، امر و نهی‌ای مطرح نیست. (آراسته، ۱۳۹۲ش، ۱۴).

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ ءَامَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (آل عمران، ۱۱۰).

هرکس می‌خواهد در این امت قرار گیرد باید شرطی را که الله بر این امت قرار داده است به جای آورد و هر کس که چنین صفتی نداشته باشد شبیه اهل کتاب است که الله این گونه آنان را سرزنش می‌کند ﴿كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ (مائده، ۷۹) آنها از کار زشتی که انجام می‌دادند یکدیگر را نهی نمی‌کردند. (ر، ک: ابن‌کثیر، ۱۴۱۹هـ / ۳۷۴/۱).

﴿يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (آل عمران، ۱۱۴).

یعنی بر انجام کارهای نیک و طاعت می‌شتابند از ترس اینکه مبادا به سببی مانند مرگ آنها را از دست بدهند یا اعمال صالح را با رغبت و بدون تنبلی انجام می‌دهند این حالت صفت جامعه‌ای است که انواع فضیلت‌ها و نیکی‌ها را در بر می‌گیرد و بیان آن به سستی و تنبلی یهود در انجامش اشاره دارد. (ر، ک: آلوسی، ۱۴۱۵هـ / ۳۴/۴).

با توجه به آنچه گفته شد در سه آیه ۱۱۴، ۱۱۰، ۱۰۴ آل عمران:

سه نکته حائز اهمیت می‌باشد:

۱- وقتی به این آیات نگاه می‌کنیم در هر سه آیه با توجه به تقدیم و تاخیر عام و خاص به نوعی بنا بر حال مخاطب و اهمیت موضوع، از صنعت اطناب استفاده شده است.

۲- با توجه به مفهوم و معنای خیر، همراهی لفظ خیر در این آیات و خصوصا تقدم لفظ خیر در دو آیه ۱۰۴ و ۱۱۰ یادآور این موضوع می‌شود که جهت اصلاح جامعه باید منکر دفع و رفع گردد و آن میسر نیست مگر با ایجاد بستر مناسب.

۳- لفظ خیر را با فعل "یدعون" و لفظ معروف را با "یأمرون" بیان کرده است و این بدان خاطر است که در خیر چون قصد و هدف شناساندن و نهادینه کردن مفهوم خیر در جامعه است از لفظ "یدعون" که نوعی ملاطفت به همراه دارد استفاده شده، اما در معروف چون باید به خیری که

شناسانده شده و معروف شده گردن نهاد از لفظ "یا مرون" استفاده شده که نوعی قدرت و قهر به همراه دارد. و اما در آیه ۱۱۴ با توجه به آیات قبل و خود لفظ یسارعون به جای یدعون چنین نشان می‌دهد که بستر آماده شده و اکنون در این موضوع نوعی تلاش مضاعف انجام می‌دهند.

۴- همنشینی لفظ خیر و مصادیق آن در امر به معروف و نهی از منکر

آیه ۱۷۴ از کتاب خدا مشتمل واژه خیر است که تنها به بررسی چند آیه از آن پرداخته می‌شود و حکمت گفتار و عملکرد آمران و ناهیان ذیل این آیات مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- ﴿قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذَى وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَلِيمٌ﴾ (بقره، ۲۶۳).

شارع حکیم یکی از جایگاه‌های خیر را سخن نیک و بخشش شمرده است، از این رو صفات بارز گفتار یک دعوتگر که سنجیده سخن گفتن و چشم پوشی از خطای مخاطب است را ذیل آیه ﴿قُلْ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ (سبأ، ۲۵) می‌توان چنین شرح داد: فعل "أجرمنا" به صورت ماضی به کار رفته که دلالت بر ثبوت می‌دهد؛ چرا که از طرف مشرکان محقق بود که دعوتگران گناه کارند و برای آنها حکم صادر شده بود، اما دعوتگر این حکم را به مخاطب صادر نمی‌کند. فعل "تعملون" مضارع به کار رفته بر خلاف ماضی، یعنی پرونده آنها بسته نشده و امیدی است و نزد خودت و پروردگار بایستی فرصت هدایت بخشید.

۲- ﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (بقره، ۲۶۹).

با حکمت سخن گفتن و عمل کردن، خیر عظیمی است که منصوب به خردمندان است. یکی از مصادیق حکمت آیه ﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَى هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ (سبأ، ۲۴) می‌باشد که می‌توان سخن را با ساده‌ترین و بدیهی‌ترین امور روزمره که همه آن را قبول دارند، شروع کرد و از ثمره وجه مشترک خود و دیگران، مخاطب را به چالش کشاند تا با بیان ساده‌ترین چیزی که در ذهن‌ها مشترک‌اند آنها را به حرکت درآورد. و آنگاه

که با پرسش، مخاطب را به فکر واداشتی، گاهی از سر غرور یا عناد پاسخ سوالت را نمی‌دهد، پس بایستی دعوتگر پاسخ پرسش را با نرمی و مهربانی بدهد تا افکار مخاطب را به سوی هدف سوق دهد.

۳- ﴿إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ (بقره، ۲۷۱) صدقه پنهانی مصداق خیر است، ذیل آیه ﴿قُلْ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ (سبأ، ۲۵) با تعریف کردن فعل خود، به "جرم" و فعل مخاطب به "عمل" چنین برداشت می‌شود که با مخفی شمردن عمل مخاطب و قضاوت نکردن آنها وهمچنین عدم امر به معروف و نهی از منکر در جمع می‌توان به مصداق خیر دست یافت.

۴- ﴿وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (بقره، ۲۸۰).

از مفهوم این آیه چنین برداشت می‌شود که آسان نمودن یکی دیگر از مقصد خیر است که ذیل آیات ﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي - وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي﴾ (طه، ۲۵-۲۶) که به مفهوم ظریفی اشاره دارد: مد طولانی در «یسرلی» بیان کننده طولانی بودن مسیر دعوت و همزه در کلمه «امری» سختی و شدت این مسیر را می‌رساند. آمران هم مانند موسی علیه سلام برای طی کردن مسیر دعوت بایستی موانعها و سختی‌هایی که در آغاز حرکت دعوت هویدا می‌شوند را طی کنند که اولین قدم استعانت جستن از قدرت مطلق است که به تمام مسیرها آگاه است و به آسان نمودن آن تواناست.

۵- ﴿وَمَكْرُوهٌ وَالْمَكْرُوهُ خَيْرٌ لِّمَا كَرِهْتُمْ﴾ (آل عمران، ۵۴).

چاره‌جویی یکی دیگر از مصادیق خیر است که الله بهترین چاره‌جویان است. چاره‌های متعددی در کتابش بیان کرده یکی از آن ذیل آیه ﴿وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ (سبأ، ۲۴) اسلوب دعوت را با نفی جمع نقیضین بیان می‌کند یعنی از دو حالت خارج نیست؛ یا ما بر هدایتیم یا شما، یا ما بر گمراهی هستیم یا شما، امکان ندارد که دو نفر مخالف هم باشند و هر دو آنها حق بگویند، پس حق یکی است. لفظ خود آیه با اسلوب لف و نشر مرتب، بیان

شده که دلالت بر هدایت دین اسلام می‌دهد و این چنین ادبیات گفتار با مخالفین را می‌آموزد که خروجی این ادبیات این است: ۱. آمران و ناهیان بایستی نهایت انکسار ظلم، و از کبر و غرور به دور باشند. ۲. با ابراز کردن احتمال خطای خود، نشان دهنده عدالت خویش باشند. ۳. خودداری از حق به جانب حرف زدن.

۶- ﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ (آل عمران، ۱۸۰). مفهوم دیگر خیر، صبر کردن است. ﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ (العصر، ۳).

نفی خسران انسان‌ها بعد از ایمان راسخ و به مرحله عمل در آوردن آن، به حق و صبر سفارش کردن است و همچنین شرح صدر نوعی صبر محسوب می‌شود ﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي﴾ (طه، ۲۵)، صبر؛ لازمه طی کردن در این مسیر ناهموار است.

۷- ﴿وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (توبه، ۶۱).

استعمال لفظ "أذن" به معنای عضو شنوایی و در اصطلاح خوش باور را از این جهت خیر شمرده که مانند عضو گوش، باید خوب توجه کرد و شرایط فردی و زمانی مخاطب را بررسی کرد تا متناسب با شناخت شخص منکر او را امر و نهی کرد.

مصادیق کلمه خیر در کتاب خدا بسیار است که این جستار تنها به تعدادی از آن پرداخته است. نتیجه‌گیری

با توجه به شروط و آداب امر به معروف و نهی از منکر پژوهش شده در این جستار، خصوصاً توجه به سه آیه سوره مبارکه آل عمران (۱۰۴ - ۱۱۰ - ۱۱۴) می‌توان نتیجه را چنین ثبت و تقریر نمود:

- ۱- قوام و پویایی جامعه سالم مبنی بر حس مسئولیت آحاد جامعه می‌باشد که از مصادیق آن توجه به مسألهٔ امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد.
- ۲- جهت اجرای این امر نیاز به گروهی فهیم و با درک بالاست که با تخصص در این موضوع و در سایهٔ اصول کلی شریعت این امر مشروع و لازم را به جا آورند.
- ۳- ادای این فریضه، نیازمند شناخت خیر و نهادینه کردن مصادیق آن در ضمیر آدمی است.
- ۴- حوزه آزادی فردی اشخاص محترم شمرده شود.
- ۴- حکمت در گفتار و کردار آمران و ناهیان، نشان دهندهٔ رشد علمی و روحی آنهاست.
- ۵- صرفاً توجه به امر و نهی شرع نباشد، بلکه هر آنچه که جلب منفعت و دفع مضرتی برای جامعه می‌کند مورد توجه قرار گیرد.
- ۶- قلب و گوش شنونده برای پذیرش امر و نهی نیازمند کلامی شیوا و بلیغ سرشار از عدالت و صبر است.
- ۷- برای نهادینه کردن و شناساندن خیر به جامع نیاز به ادبیات لین و نرم است.

منابع

قرآن کریم.

- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، چاپ اول، دارالکتب العلمیه_بیروت، ۱۴۲۲ق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، چاپ دوم، دار طیبہ للنشر و التوزیع، ۱۴۲۰ق.
- اصفہانی، راغب، مفردات الفاظ قرآن، چاپ دوم، انتشارات مرتضوی، ۱۳۵۷ش.
- آلوسی، شهاب الدین، روح المعانی، چاپ اول، دارالکتب العلمیه_بیروت، ۱۴۱۵ق.
- بهشتی، محمد حسین، بایدها و نبایدها، چاپ پنجم، بقعه، ۱۳۷۹ش.
- جوان آراسته، حسین. اصل هشتم قانون اساسی؛ بایسته‌های فقهی و حقوقی امر به معروف و نهی از منکر، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، قم و مشهد، ۱۳۹۲ش.
- سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور، چاپ اول، مکتبه قاهره، ۱۴۲۴ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۳۸ق.

قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
گودرزی، مرتضی، جایگاه اصل امر به معروف و نهی از منکر در گسترش امور خیر از منظر شهید مطهری،
۱۳۹۵ش.

مطهری، مرتضی، اصول فقه، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۹۴ش.
جواهری، محمدرضا، بررسی علل عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، پژوهش‌های اجتماعی
اسلامی، سال بیستم_شماره ۱۰۲، پاییز ۱۳۹۳.

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم

حسنا ضیایی (طالب العلم ترم دوم رشته شریعت _ خنج)

hsnadyayy@gmail.com

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر، دو فریضه الهی و از ارکان اساسی جامعه اسلامی است که در قرآن کریم بارها مورد تاکید قرار گرفته است. این پژوهش به بررسی تاریخچه، حکمت و حکم امر به معروف و نهی از منکر با رویکردی استقرایی و با هدف بررسی جایگاه و اهمیت این فریضه در قرآن، به تحلیل آیات مرتبط پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که امر به معروف و نهی از منکر در طول تاریخ، از سوی خداوند و پیامبران الهی مورد تأکید قرار گرفته است. قیام به این فریضه، رستگاری فرد و جامعه را به دنبال دارد و اهمال آن، به نابودی و هلاکت منجر می‌شود. همچنین، امر به معروف و نهی از منکر، هویت امت اسلامی و نشانه‌ای از امت برتر بودن آن است.

کلیدواژه‌ها: امر به معروف، نهی از منکر، معروف، منکر، امر و نهی، قرآن کریم، استقراء.

مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر را می‌توان از جمله مفاهیم قرآنی دانست که بسیار بر آن تاکید شده و به عنوان وسیله و راه نجات معرفی گردیده است. زنده نگه داشتن این مفهوم از دغدغه‌های همیشگی علما^۱ در طول تاریخ اسلام بوده و همچنان است. گام اول در احیای این مفهوم حیاتی دینی، فهم صحیح آن و داشتن تصویری کامل و جامع از اهمیت و جایگاه آن می‌باشد.

در میان نوشته‌های گذشتگان می‌توان به این دو اثر اشاره کرد: الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر نوشته ابن ابی الدنيا (۲۸۱هـ) و الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر نوشته ابن تیمیه (۷۲۸هـ). از معاصرین نیز افراد زیادی این موضوع را مورد توجه قرار داده‌اند که از این میان می‌توان به احکام الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر نوشته شیخ صالح آل الشیخ و حاجة البشر إلى الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر نوشته ابن جبرین اشاره کرد. در این مقاله آنچه بیشتر مورد توجه است، استقرای آیات قرآن کریم جهت دسترسی به تصور دقیق، صحیح و کامل از این مفهوم محوری است. در واقع این جستار در صدد پاسخ به این پرسش است که: امر به معروف و نهی از منکر تا چه اندازه اهمیت دارد و جایگاه آن در قرآن کریم چگونه است؟

با بهره بردن از روش پژوهشی استقرایی و توصیفی، می‌توان این نتیجه را به دست آورد که اهمیت امر به معروف و نهی از منکر به اندازه‌ای بالاست که خداوند متعال خود را نهی‌کننده از منکر توصیف می‌کند: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (نحل، ۹۰) پیامبرانش را با این خصوصیت معرفی می‌کند ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (اعراف، ۱۵۷).

و هویت و شعار امت برتر را در به پا داشتن این مفهوم مهم عنوان می‌نماید ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (آل عمران، ۱۱۰)؛ بلکه عدم قیام به این مفهوم را سببی برای هلاکت یک امت قرار می‌دهد ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (آل عمران، ۱۰۵).

تاریخچه امر به معروف و نهی از منکر

موضوع امر به معروف و نهی از منکر یک موضوع ریشه‌ای است، یعنی از همان ابتدای زندگی حضرت آدم و حوا بحث امر به معروف و نهی از منکر وجود داشته است. شاهد این مسئله همان گفت و گوی زیبایی است که خداوند در بخشی از آن به حضرت آدم می‌فرماید: ﴿وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (بقره، ۳۵) ﴿اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ﴾ مصداقی از مصادیق معروف و ﴿وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ﴾ عنوانی از عناوین منکر شمرده شده است. این موضوع در پی چرخیدن چرخ هستی و تطورات مختلف مکتبی و طبیعی همچنان در رشد و نمو است.

خداوند در سوره آل عمران آیه ۲۱ می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّاتِ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ (کسانی که به آیات خدا کفر می‌ورزند، و پیغمبران را به ناحق به قتل می‌رسانند، و کسانی از مردمان را می‌کشند که به عدالت و دادگری فرمان می‌دهند، پس آنان را به عذاب دردناکی بشارت بده) (رک: خرمدل، ۱۳۸۹، ۹۹) همچنین در سوره مائده می‌فرماید: ﴿لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ - كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ (کافران بنی اسرائیل بر زبان داود و عیسی پسر مریم لعن و نفرین شده‌اند. این بدان خاطر بود که آنان پیوسته سرکشی می‌کردند و از حدّ می‌گذشتند. آنان از اعمال زشتی که انجام می‌دادند دست نمی‌کشیدند و همدیگر را از زشتکاری‌ها نهی نمی‌کردند و پند نمی‌دادند. و چه کار بدی

می‌کردند). (ر.ک: خرمدل، ۱۳۸۹، ۲۱۶). قرآن در جایی می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (نحل، ۹۰) این آیات و دیگر آیاتی که در قرآن آمده دال بر این است که امر معروف و نهی از منکر برای همه امت‌ها بوده و به دین اسلام اختصاص ندارد.

بررسی مفاهیم

امر؛ در معنا ضد نهی است و امر نیز با حرکت فتح میم به معنی نما و برکت است. (ابن‌فارس، ۱/۱۳۷). در جایی دیگر طلب انجام فعلی از فاعل که حاضر است؛ در معنای افعَل طلب انجام کاری از سوی گوینده (ر.ک: جرجانی، ۳۷) و امر به معروف از نظر جرجانی راهنمایی کردن به سوی راه‌های نجات دهنده (ر.ک: جرجانی، ۳۶)، و همچنین امر به معنای طلب فعل به وسیله قول بر شخصی دیگر که وجوب را می‌رساند استعمال می‌شود. (ر.ک: جوینی، ۱۳). معروف؛ در لغت از عرف گرفته شده و هر عملی که عقل یا شرع آن را نیک می‌داند و هر آن چیزی که معلوم می‌باشد، زیبا و پسندیده است؛ و اطاعت خدا را نیک می‌دانند؛ زیرا کاری است که اهل ایمان آن را می‌دانند و از انجام آن اهانت نمی‌کنند. (ر.ک: راغب اصفهانی، ۵۶۱). نهی؛ نقیض امر (ر.ک: فراهیدی، ۲۹۸/۸) و بر خلاف معنای دوم امر که گفته شد یعنی دست کشیدن و ترک کردن آن عملی که از آن نهی شده است. (ر.ک: ابن منظور، ۳۴۳/۱۵). منکر؛ از انکار به معنای فعلی است که عقل صحیح یا شرع به زشتی و قبح آن حکم می‌کنند. در نتیجه منکر به هر فعلی گفته می‌شود که عرف جامعه از آن ناراضی باشد و آن را قبول نکند. (ر.ک: راغب اصفهانی، ۵۶۱).

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

هدف اسلام ایجاد جامعه‌ای امن و با ثبات است که در آن محبت حاکم باشد و اعضای آن با همکاری نیکی و تقوا گرد هم آیند تا همگان بتوانند وظیفه خلافت را در زمین انجام دهند و به هدف اصلی خلقت انسان که همان عبادت است برسند. خداوند فرمود: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ

﴿إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات، ۵۶)، زیرا مردم همیشه نیازمند نظامی هستند که از آن پیروی کنند و لازم است فردی باشد که این موضوع را به مردم یادآوری کند و پایبندی آنها به آن را پیگیری کند و انجام امر به معروف و نهی از منکر ضامن اجرای تمام فرائض الهی و سبب امنیت و آبادی و گسترش عدالت است. کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند جانشین خداوند و پیامبرش در روی زمین است. این دو فریضه الهی، بقیه فرایض برپا می‌شود خداوند می‌فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (آل عمران، ۱۱۰).

حکمت مشروعیت

ابلاغ دعوت اسلامی به تمام معانی آن در مفهوم امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد. و بخشی از حکمت مشروعیت امر به معروف و نهی از منکر جلوگیری از عذاب و فرود آمدن رحمت الهی است. تبیین آن این است که معصیت سبب است برای مصیبت‌ها و عذابی که بر مردم نازل می‌شود، خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ﴾ (شوری، ۳۰) و هر مصیبتی به شما می‌رسد به خاطر آنچه به دست آورده‌اید و بسیاری را می‌بخشد. اگر کفر و فسق و نافرمانی موجب بلا و هلاکت باشد ممکن است شخصی یا گروهی گناه کنند و همان گونه که نافرمانی موجب بلا و عذاب است، اطاعت نیز مایه فضل و سعادت و خشنودی خداوند متعال است و بدین ترتیب سنت خداوند متعال به اجرا در آمده است.

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر

در مورد اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر آیات زیادی است که در اینجا نمونه‌هایی از آنها آورده می‌شود:

الف) استقرار عدل

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (نحل، ۹۰): (خداوند به دادگری و نیکوکاری و نیز بخشش به نزدیکان دستور می‌دهد و از ارتکاب گناهان بزرگ و انجام کارهای ناشایست و دست درازی و ستمگری نهی می‌کند. خداوند شما را اندرز می‌دهد تا اینکه پند گیرید. خداوند متعال به کارهای نیک امر و از کارهای زشت باز می‌دارد). (ر.ک: خرمدل، ۱۳۸۹، ۵۴۹).

ب) تبعیت از پیامبر در همه ابعاد زندگی

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ ۙ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (اعراف، ۱۵۷) (کسانی که پیروی می‌کنند از فرستاده پیغمبر امی که در تورات و انجیل نگاشته می‌یابند. او آنان را به کار نیک دستور می‌دهد و از کار زشت باز می‌دارد و پاکیزه‌ها را برایشان حلال می‌نماید و ناپاک‌ها را بر آنان حرام می‌سازد و فرو می‌اندازد بند و زنجیر را از ایشان به در می‌آورد. پس کسانی که به او ایمان بیاورند و از او حمایت کنند و وی را یاری دهند و از نوری پیروی کنند که به همراه او نازل شده است بی‌گمان آنان رستگارانند). (ر.ک: خرمدل، ۱۳۸۹، ۳۱۹).

حکم امر به معروف و نهی از منکر

آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد که دال بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر است این آیات عبارت اند از:

الف) ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران، ۱۰۴) (باید از میان شما گروهی باشند که دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنان خود رستگارانند). (ر.ک: خرمدل، ۱۳۸۹، ۱۱۶).

ب) ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (آل عمران، ۱۱) (شما بهترین امتی هستید که به سود انسانها آفریده شده‌اید. امر به معروف و نهی از منکر می‌نمائید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب ایمان بیاورند، برای ایشان بهتر است از آنان با ایمانند و بیشتر ایشان فاسق هستند). (ر.ک: خرمدل، ۱۳۸۹، ۱۱۷).

در آیاتی که ذکر شده دلیل بر فرض کفایه بودن امر به معروف و نهی از منکر است. (ر.ک: ابن ابن عربی، ۳۸۳/۱) وجه استدلال: باتوجه به آیه ۱۰۴ سوره آل عمران ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ﴾ کلمه «ولتکن» امر است و وجوب را می‌رساند که از صیغه افعلو صریح تر است. و در این آیه توضیحی است مبنی بر اینکه رستگاری منوط بر آن است، زیرا به طور حصر بیان کرده و فرموده است: ﴿اولئك هم المفلحون﴾ و نیز در آیه آمده است که این عمل واجب کفایی است نه واجب عینی، زیرا وقتی که گروهی اقدام کردند از دیگران ساقط می‌شود.

نتیجه گیری

۱. امر به معروف و نهی از منکر از جمله مفاهیم قرآنی است که بر آن تاکید شده و از گذشته تا به امروز یکی از دغدغه‌های همیشگی علماء در طول تاریخ می‌باشد.
۲. جامعه‌ای که در آن امر به معروف و نهی از منکر باشد جامعه‌ای امن و با ثبات خواهد بود که مردم آن با نیکی و تقوا گرد هم می‌آیند.
۳. یکی از حکمت‌های مشروعیت امر به معروف و نهی از منکر، جلوگیری از عذاب و فرود آمدن رحمت الهی است.
۴. امر به معروف و نهی از منکر فرض کفایه است و هرگاه شخصی صلاحیت نظر و استقلال جدال داشته باشد این کار فرض عین می‌شود.

منابع

قرآن کریم.

- ابن العربی، محمد بن عبدالله ابوبکر، احکام القرآن، دار الکتب العلمیه بیروت _ لبنان، چاپ سوم، ۱۴۲۴ق/ ۲۰۰۳م.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار الصادر _ بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
- اصفهانى، راغب، مفردات راغب، دار القلم الدار الشامیه _ دمشق بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- جرجانی، علی بن محمد، التعریفات، دار الکتب علمیه بیروت _ لبنان، چاپ اول، ۱۴۰۳هـ/ ۱۹۸۳م.
- جوینی، عبدالملک بن عبدالله بن یوسف بن محمد، الورقات، عبدالطیف محمد العبد، بی نا، بی تا، بی جا.
- خرمدل، مصطفی، تفسیر نور، نشر احسان، چاپخانه اسوه، چاپ هشتم، ۱۳۸۹.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، مهدی مخزومی ابراهیم سامرائی، دار المکتب الهلال.

حریم خصوصی و ارتباط آن با امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم

عدنان نجینی (طالب العلم ترم دوم رشته شریعت _ اوز)

adnannajini4001@gmail.com

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر و رابطه آن با حریم خصوصی افراد از مباحث مهم اجتماعی و شرعی است. حق حریم خصوصی، محدوده شخصی هر فرد است که مایل نیست دیگران بدون اجازه وی به آن دسترسی داشته باشند. مهمترین محدوده حریم خصوصی عبارت است از: منازل و اماکن خصوصی، جسم افراد، اطلاعات، ارتباطات و مانند آن. وجود ابهاماتی در تعریف، مبنا، قلمرو و مصادیق این حق، آن را از جهت نظری نیازمند مباحث ویژه‌ای کرده است. در این نوشتار به شیوه توصیفی و با استقرای آیات قرآنی نسبت حق حریم خصوصی با امر به معروف و نهی از منکر تبیین شده است. به نظر می‌رسد این دو امر هیچ‌گونه تعارضی با یکدیگر ندارند و هر دو در جای خود مفید و ضروری هستند.

کلیدواژه‌ها: حریم خصوصی، امر به معروف، نهی از منکر، معروف، منکر.

مقدمه

نگاهی اجمالی به تاریخ زندگی انسان‌ها حاکی از ترسیم قلمرویی است که انتظار آن بوده است دیگران اعم از افراد و دولتها بدون اذن و رضایت صاحب قلمرو وارد آن نشوند؛ هر چند که در قلمرو آن اختلاف نظر بسیار است و با بررسی نظری این حق می‌توان به یک راه حل منصفانه رسید. همانطور که حریم خصوصی در گذشته مفاهیم خود را داشته، امر به معروف و نهی از منکر هم از دیرباز مورد توجه بوده است. رعایت و شناخت دامنه هر کدام از امر به معروف و نهی از منکر و حریم خصوصی سبب حفظ زندگی اجتماعی و جلوگیری از زوال یک سری قوانین اجتماعی می‌شود تا بدین سبب مانع هرج و مرج در جامعه شود. شاید یکی از معضلات و مشکلات خیلی از خیر خواهان و مدد جوین جامعه برای انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر تشخیص ندادن آن با شرایط موجود باشد که آیا این کار مصداق امر به معروف و نهی از منکر است یا این کار دخالت در حریم خصوصی می‌باشد؟ به چه علت قرآن از سمتی حریم خصوصی را تعیین کند و از طرف دیگر آن را با امر به معروف و نهی از منکر نقض کند؟ آیا اجرای دستور الهی به معنای نادیده گرفتن حق حریم خصوصی افراد است؟ آیا هر فردی، دیگری را به کار نیکویی تشویق نماید یا از عملی ممنوع باز بدارد، در حریم او دخالت کرده است؟ به طور کلی چه رابطه‌ای بین امر به معروف و نهی از منکر و حریم خصوصی وجود دارد؟ این مقاله قصد دارد حق حریم خصوصی و فعل امر به معروف و نهی از منکر را بررسی نموده و رابطه آنها را با همدیگر تبیین نماید. در این زمینه پژوهش‌هایی صورت گرفته است مانند: حریم خصوصی و امر به معروف و نهی از منکر، اثر مسعود راعی؛ تاملی در حریم خصوصی و محدود ساختن امر به معروف و نهی از منکر در رفتارهای علنی از منظر فقه و قانون از حسین جوان آراسته؛ واکاوی ارتباط حریم خصوصی اشخاص با امر به معروف و نهی از منکر اثر

مشترک محمدمهدی کریمی نیا، محمدرضا باقری مفرد و مجتبی انصاری مقدم و کتاب حریم خصوصی و امر به معروف و نهی از منکر اثر مرضیه سادات موسوی زاده. در پژوهش‌های سابق رابطه بین این دو مسئله از جنبه حقوقی بررسی شده است، اما پژوهش حاضر بیشتر با تکیه بر آیات و مفاهیم قرآنی، ارتباط دو پدیده را تحت بررسی قرار داده است.

مفهوم شناسی حریم خصوصی

حریم در لغت به معنای چیزی است که لمس آن ممنوع باشد، مکانی که حمایت و دفاع از آن واجب باشد، آنچه شکستن حرمت آن جایز نیست و آنچه به خاطر آن جنگ کنند؛ مانند خانواده. (فراهیدی، بی تا، ۳، ۲۲۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ، ۱۲، ۱۲۰). مفهوم حق حریم خصوصی بسیار گسترده است. با اینکه حریم خصوصی مفهوم ملموس دارد، اما صاحب نظران مطرح دنیا بر سر آن اتفاق نظر ندارند. در ادامه به تعاریفی از حریم خصوصی پرداخته شده و بهترین تعریف آن معرفی می‌گردد:

۱. حریم خصوصی، حق افراد برای تنها بودن است.

اولاً: این تعریف جامع نیست؛ چون مواردی که در ارتباط فرد با دیگران است را شامل نمی‌شود. در صورتی که حریم خصوصی در مقابل آنها نیز وجود دارد.

ثانیاً: تمام لوازم حریم خصوصی بر آن مترتب نمی‌شود؛ اگر فرضا کسی بدون اینکه تنهایی شخصی را بر هم زند، بر او نظارت داشته باشد، آن شخص حق اعتراض نخواهد شد. (مصطفی اسکندری، ۱۳۸۹، ۱۵۳ و ۱۵۴).

۲. حریم خصوصی، قلمروی از زندگی هر فرد است که آن فرد نوعاً و عرفاً یا با اعلان قبلی انتظار دارد که دیگران راجع به آن قلمرو، دسترسی نداشته باشند یا به آن قلمرو وارد نشوند، یا

به آن قلمرو نگاه یا نظارت نکنند یا به هر صورت دیگری وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار ندهند.

اولاً: «انتظار» تعبیر حقوقی نیست و برای دیگران الزام آور نمی‌شود.

ثانیاً: طبق این تعریف حریم خصوصی نسبی خواهد بود و زمانی که نسبی شود، چون نسبت‌ها متفاوت است، پس حریم خصوصی نیز متفاوت می‌شود. (همان، ۱۵۵).

۳. حریم خصوصی حوزه‌های مختلفی را دربرمی‌گیرد که عبارت است از: «حریم خصوصی اعتقادی، حریم خصوصی جسمانی، حریم خصوصی اماکن و منازل، حریم خصوصی ارتباطات، حریم خصوصی اطلاعات و ...» (مسعود راعی، ۱۳۸۹، ۱۱۶).

به نظر می‌رسد بهترین تعریف حریم خصوصی، تعریف ذیل باشد:

حریم خصوصی آن بخش زندگی هر انسان است که در آن، شخص از آزادی در برابر بازخواست و کیفر حقوقی برخوردار می‌باشد و هرگونه تصمیم‌گیری درباره آن و نیز اطلاع ورود و نظارت بر آن منحصر در اختیار او است و مداخله دیگران در آن یا دسترسی به آن بدون اذن آن شخص غیر مجاز است. (همان، ۱۵۷).

ویژگیها و عناصر درونی حریم خصوصی اعم از خصوصی بودن، آزادی از محدودیت‌های حقوقی، استقلال انحصاری در تصمیم‌گیری، عدم جواز دخالت و نظارت دیگران بر آن، عدم ورود بدون جواز و ... را شامل می‌شود.

مبانی نظری حریم خصوصی از قرآن

قبل از بررسی ارتباط حریم خصوصی با امر به معروف و نهی از منکر باید حریم خصوصی را در قرآن پیدا کرد. با تامل در آیات قرآن می‌توان دو حق بنیادی انسان، یعنی امنیت و آزادی را

یافت. با تفکر در امنیت و آزادی می‌توان به حریم خصوصی رسید، پس در ابتدا باید توضیح این دو حق را بیان کرد.

آزادی

یکی از اهداف هر شخصی رسیدن به کمال آزادی است. قبل از این که یک پدیده اجتماعی و سیاسی و حتی قوانین بین ملتها باشد، یک قضیه فطری و درونی است. تعریفی در مورد آزادی مرسوم است که عبارت است از اینکه شخص اختیار انجام هر کاری دارد منوط بر اینکه به دیگری ضرر نرساند. خداوند هم آزادی عمل و اختیار را تایید می‌کند و این خود دلیلی بر اثبات این است که هر کس می‌تواند به گونه‌ای که می‌خواهد عمل کند و حریمی را برای خود تعریف کند. در قرآن خداوند بندگان را امر و نهی می‌کند، اما اختیار قبول یا رد مسئله را به او می‌دهد. خداوند می‌فرماید: ﴿مَنْ عَمِلْ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ﴾ (فصلت، ۴۶) «هر کس که کار نیک بکند به نفع خود می‌کند، و هر کس که کار بد بکند به زیان خود می‌کند و پروردگار تو کمترین ستمی به بندگان نمی‌کند». و در جایی دیگر می‌فرماید: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ (انسان، ۳) «ما راه را بدو نموده‌ایم، چه او سپاسگزار باشد یا بسیار ناسپاس».

هیچکس به بهانه اینکه آزاد است، نمی‌تواند آزادی دیگری را سلب کند. هم خداوند در قالب اسلام بر او عواقبی تعیین کرده است و هم قوانین بشری، پس می‌توان نتیجه گرفت که آزادی نشان از حریم خصوصی دارد و اگر آزادی وجود نداشته باشد، حریم خصوصی معنا پیدا نمی‌کند. (کریمی نیا، باقری مفرد، انصاری مقدم، ۱۴۰۰، ۷۵).

امنیت

امنیت؛ انتظار نخست انسانها از حکومتها است که امروزه ابعاد گسترده‌ای به خود گرفته است. اگر مفهوم آزادی در جامعه وجود داشته باشد، ولی امنیت به معنای خود وجود نداشته باشد حریم شخصی تحقق پیدا نمی‌کند؛ چرا که خداوند یکی از اهداف اسقرار حاکمیت خویش را، استخلاف صالحان می‌داند تا امنیت را برقرار کند و به زندگی مطلوب دست یابند. خداوند می‌فرماید: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (نور، ۵۵) «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که آنان را قطعاً جایگزین (پیشینیان، و وارث فرماندهی و حکومت ایشان) در زمین خواهد کرد (تا آن را پس از ظلم ظالمان، در پرتو عدل و داد خود آبادان گردانند) همان‌گونه که پیشینیان (دادگر و مؤمن ملت‌های گذشته) را جایگزین (طاغیان و یاغیان ستمگر) قبل از خود (در ادوار و اعصار دور و دراز تاریخ) کرده است (و حکومت و قدرت را بدانان بخشیده است). همچنین آئین (اسلام نام) ایشان را که برای آنان می‌پسندد، حتماً (در زمین) پایرجا و برقرار خواهد ساخت و نیز خوف و هراس آنان را به امنیت و آرامش مبدل می‌سازد، (آن چنان که بدون دغدغه و دلهره از دیگران، تنها) مرا می‌پرستند و چیزی را انبازم نمی‌گردانند. بعد از این (وعده راستین) کسانی که کافر شوند، آنان کاملاً بیرون شوندگان (از دایره ایمان و اسلام) بشمارند (و متمرّدان و مرتدّان حقیقی می‌باشند)».

خداوند شهری که امنیت دارد را کمال مطلوب می‌داند و از نعمت خود می‌داند. خداوند می‌فرماید: ﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِيَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ (نحل، ۱۱۲) «خداوند (برای آنان که کفران نعمت می‌کنند، داستان) مردمان شهری را مثل می‌زند که در امن و امان بسر می‌بردند و از هر طرف

روزشان به گونه فراوان به سویشان سرازیر می‌شد، اما آنان کفران نعمت خدا کردند و خداوند به خاطر کاری که انجام دادند، گرسنگی و هراس را بدیشان چشاند (و نعمتها را از ایشان سلب گردانید و بلاها بدانان رسانید)». امنیت جامعه زمانی حاصل می‌شود که هر شخص امنیت فردی داشته باشد و امنیت فردی حاصل نمی‌شود تا هنگامی که به حریم همدیگر پایبند باشند، پس امنیت مساوی است با حفظ حریم خصوصی. (همان، ص ۷۸). بر این اساس پاسداشت حریم خصوصی یک اصل دینی است.

در ادامه به مسائلی که سبب نقض این اصل می‌شود پرداخته می‌شود.

راه‌های ورود به حریم خصوصی

الف) تجسس

موضوعی که نیاز به بررسی دارد این است که چه مسائلی حریم خصوصی را نقض می‌کند. یکی از راه‌های ورود به حریم خصوصی تجسس است.

واژه تجسس به معنای شناخت چیزی با دریافت نامحسوس و ظریف می‌باشد و جاسوس نیز از همین ریشه است، زیرا او هر خبری را که بخواهد به آرامی و بی‌سروصدا به چنگ می‌آورد. (ابن فارس، ۴۱۴/۱). برخی دیگر گفته‌اند تجسس، جست و جوی عیوب است و تحسس گوش فرا دادن است و گفته‌اند هر دو به یک معنا هستند. (ابن منظور، ۳۷/۶).

خداوند در منع تجسس می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَغْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾ (حجرات، ۱۲) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمانها بپرهیزید، که برخی از گمانها گناه است و جاسوسی و پرده‌داری نکنید و یکی از دیگری غیبت ننمایید؛ آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ به یقین همه شما از

مرده‌خواری بدتان می‌آید (و از آن بیزارید، غیبت نیز چنین است و از آن بهره‌یزید و) از خدا پروا کنید، بی‌گمان خداوند بس توبه‌پذیر و مهربان است».

اهمیت منع تجسس از آنجا مشخص می‌شود که خداوند ذریعه آن یعنی سوء را نیز به صورت مستقیم نهی کرده است. علت نهی از تجسس به صورت مطلق خود نشان از این دارد که حریم خصوصی تا چه اندازه مهم است، چون تلاش برای ورود به این حریم را تجسس می‌نامند. (آراسته، ۱۴۰۰، ۱۷۴).

(ب) ورود بدون اذن

یکی دیگر از راه‌های ورود به حریم خصوصی ورود بدون اذن صاحب ملک است. خداوند برای آموزش این کار در قرآن به این مسئله می‌پردازد. خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ - فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ (نور، ۲۷-۲۸). «ای مؤمنان! وارد خانه‌هایی نشوید که متعلق به شما نیست، مگر بعد از اجازه گرفتن (با زنگ زدن یا در کوبیدن و کارهائی جز اینها) و سلام کردن بر ساکنان آن. این کار برای شما بهتر است (از ورود بدون اجازه و سلام). امید است شما (این دو چیز را به هنگام رفتن به منازل دیگران رعایت و آنها را) در مد نظر داشته باشید».

در هر جامعه، چه مسلمان و چه غیر مسلمان ورود بدون اذن ممنوع است و از لحاظ شرعی و قانونی جرم محسوب می‌شود. خداوند حتی شرایط دیگری را نیز بیان می‌کند که اگر کسی در ملک خود نباشد هم حق ورود به آن را ندارد و باید از او اجازه بگیرد و قطعا برای اجازه از صاحب ملک، همیشه پاسخ مثبت نیست و پاسخ منفی هم از او صادر می‌شود. خداوند این را برای جامعه‌ای بیان کرده است که خبری از تکنولوژی و رسانه و اینترنت نبوده است. اگر مسئله در قالب جامعه امروزی بررسی شود در حوزه‌های بیشتر و بزرگتری قرار می‌گیرد؛ مثلا توسعه

فضای مجازی و فعالیت‌های گسترده شبکه‌های اجتماعی باعث شده در جامعه پدیده‌ای تحت عنوان بررسی تلفن همراه یا دیگر وسایل ارتباطی به وجود آید، با نگاه قرآنی به این مسئله می‌توان آن را همچون خانه و دیگر حریم‌های شخص دانست، حق ورود به آن بدون اذن جایز نیست و قانون به هیچ فردی حق ورود به آن را نمی‌دهد و مجازات‌هایی را برای آن مقرر کرده است. این حق حتی برای همسران نیز به رسمیت شناخته شده است.

تعریف امر به معروف و نهی از منکر

در شروع بحث امر به معروف و نهی از منکر ابتدا واژگان این اصطلاح و سپس تعریف اصطلاح آن بیان خواهد شد. در پایان این بخش تاریخچه‌ای از امر به معروف و نهی از منکر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. مفهوم شناسی

الف) امر

امر در لغت دارای دو ساختار معنایی است: ابتدا فرمان، طلب و حکم. امر در این ساختار معنایی در مقابل نهی قرار گرفته و جمع آن اوامر است (ابن فارس، ۱۴۰۴ هـ، ۱، ۱۳۷). سپس کار، حادثه، واقعه، شأن که جمع آن امور است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ، ۸۸). آنچه در این پژوهش مورد نظر است، معنای نخست امر یعنی دستور دادن، می‌باشد.

ب) نهی

نهی به معنای بازداشتن، منع کردن و برحذر داشتن کسی از چیزی یا کاری است. (اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ، ۲۳۲). مقابل آن، امر به معنای فرمان و طلب است. (ازهری، ۱۴۲۱ هـ، ۶/۲۳۱).

مشهورترین معنای آن همان منع کردن و بازداشتن است که در این پژوهش نیز همین معنا مورد نظر است.

ج) معروف

معروف به معنای کار یا شیء شناخته شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹هـ، ۱۲۱/۲) که نفس آن را به خوبی می‌شناسد و نسبت به آن اطمینان حاصل می‌کند (ازهری، ۱۴۲۱هـ، ۲۰۷/۲). معروف به هر آنچه نزد عقل و شریعت به نیکویی شهره باشد، اطلاق می‌گردد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲هـ، ۵۶۱). افزون بر این، آنچه با ذائقه افراد یک جامعه سازگار و در میان آنان مرسوم، مقبول و متداول باشد و مورد پذیرش عرف اجتماعی قرار گیرد، معروف نامیده می‌شود.

د) منکر

منکر به هر کاری گفته شده، که عقل سلیم به زشتی و قبیح آن حکم نماید یا اینکه در بیان قبیح و حسن آن سکوت کند، سپس شریعت به بدی و زشتی آن اذعان نماید (اصفهانی، ۱۴۱۲هـ، ۸۲۳). پس منکر یعنی چیزی که شرع به تنهایی یا هم عقل و هم شرع آن را قبیح بدانند.

ه) امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف در اصطلاح به معنای فرمان دادن به هر کاری که حُسن آن از نظر عقل و شرع کاملاً مشخص می‌باشد، است. نهی از منکر نیز یعنی اینکه اگر فردی کاری را باب میل خود انجام دهد، اما به وسیله امر و نهی به معنای بازداشتن از هر کاری است که حُسن آن از دید عقل و شرع نامتعارف باشد یا به قبیح آن حکم شده باشد. در امر به معروف و نهی از منکر کمتر به رضایتمندی افراد توجه می‌شود؛ به طوری که اگر وی را وادار به کار دیگری کنند، او از جهت تغییر مقاومت می‌کند ولی از جهت شرعی یا عرفی مجبور به تغییر کار خود می‌شود. حداقل چیزی که برای امر به معروف و نهی از منکر می‌توان متصور شد، فرض کفایی بودن آن است.

تاریخچه امر به معروف و نهی از منکر

در این قسمت آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر بررسی خواهد شد.

خداوند از زبان لقمان حکیم می‌فرماید: ﴿يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (لقمان، ۱۷). «ای پسر عزیزم! نماز را چنان که شاید بخوان، و به کار نیک دستور بده و از کار بد نهی کن، و در برابر مصائبی که به تو می‌رسد شکیبا باش. اینها از کارهای (اساسی و مهمی) است که باید بر آن عزم را جزم کرد و ثبات ورزید». در پندهای لقمان به فرزندش، امر به معروف و نهی از منکر مشاهده می‌شود و خداوند با ذکر پندهای لقمان آنها را تایید می‌کند. پس امر به معروف و نهی از منکر در شرائع گذشته نیز مورد توجه بوده است.

ربانیون و احبار

﴿لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِنَّمُ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ (مائده، ۶۳). «چرا پیشوایان مسیحی و علماء یهودی آنان را از سخنان گناه آلود و خوردن مال حرام نهی نمی‌کنند و باز نمی‌دارند؟ آنان (هم با ترک نهی و لب فرو بستن از اندرز و ارشاد) چه کار زشتی می‌کنند». خداوند پیشوایان و رهبران نصاری و یهود را به خاطر ترک نهی از منکر مورد مذمت قرار می‌دهد. پس در ادیان گذشته مانند یهود و نصاری هم این امر مورد توجه بوده است.

اصحاب سبت

﴿وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَىٰ رَبِّكُم وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾ (اعراف، ۱۶۴). «و (به یاد یهودیان بی‌اور) هنگامی را که گروهی از (صلحای اسلاف) ایشان (که همچون دیگران نافرمانی و بزهکاری نمی‌کردند) به کسانی می‌گفتند (که سرکشان و گناهکاران را پند می‌دادند و موعظه می‌کردند) چرا مردمانی را پند می‌دهید که خداوند آنان را (به سبب کفر و معاصی، در دنیا) نابود می‌کند یا (در آخرت) عذاب شدیدی خواهد داد؟ (مگر نمی‌دانید که پند و اندرز در اینان تأثیری ندارد و نرود میخ آهنین در سنگ؟)»

می‌گفتند: (ما به وظیفه خود که امر به معروف و نهی از منکر است عمل می‌کنیم) تا در پیشگاه پروردگارتان معذور بوده (و رفع مسؤولیت از خویشتن کرده باشیم) و شاید هم (این بیچارگان از گناه باز ایستند و نور ایمان زوایای درونشان را روشن سازد و راه) تقوا و پرهیزگاری در پیش گیرند». از آیه چنان دانسته می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همگانی است که یا پند می‌گیرد یا آمران و ناهیان در پیشگاه خداوند معذور هستند. خداوند برای تایید این مسئله داستان اصحاب سبت را بیان می‌کند. (اصلائی، ۱۳۸۹، ۱۲۵، ۱۲۶ و ۱۲۷).

پیشینه آیات نشان از آن دارد که در اقوام گذشته، انسانها چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی فعل امر به معروف و نهی از منکر را انجام می‌داده‌اند. دستور فعل امر به معروف و نهی از منکر در آیات، جنبه شرعی به خود گرفته است که توسط پیامبران از جانب شارع درستی و نادرستی آن مشخص شده است.

از فهمیدن اینکه در گذشته امر به معروف و نهی از منکر وجود داشته می‌توان نتیجه گرفت که این فرمان الهی خاص دین اسلام نیست و در ادیان الهی گذشته نیز وجود داشته است. پس در اقوام گذشته راه و روش‌های مخصوص انجام دادن امر به معروف و نهی از منکر را می‌دانسته‌اند و رعایت حقوق دیگران را که حریم خصوصیشان باشد را در نظر می‌گرفته‌اند. در گذشته تشخیص این دو مسأله الهی راحت و آسان‌تر بوده است، اما در حال حاضر با به وجود آمدن مسائل جدید و پیشرفت تکنولوژی تشخیص این دو فریضة الهی قدری دشوار شده است.

رابطه حریم خصوصی و معروفات و منکرات

قبل از ورود به رابطه این دو مسئله برای تبیین بهتر موضوع باید در نظر گرفت که آیا حریم خصوصی از عرف شناخته می‌شود یا شرع؟ و آیا معروفات و منکرات را شرع تعیین می‌کند و

به مسائل اساسی دین برمی‌گردد یا عرف آن را مشخص می‌کند؟ در این باره دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه گروه اول: (موافقان شرعی بودن امر به معروف و نهی از منکر)

الف) چون ترک امر به معروف و نهی از منکر عقوبت دارد و فعل آن ثواب دارد امری شرعی است و مخاطب آن با رها کردنش دچار سرزنش می‌شود.

﴿كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ (مائده، ۷۹). «آنان از اعمال زشتی که انجام می‌دادند دست نمی‌کشیدند و همدیگر را از زشتکاریها نهی نمی‌کردند و پند نمی‌دادند. و چه کار بدی می‌کردند! (چرا که دسته‌ای مرتکب منکرات می‌شدند و گروهی هم سکوت می‌نمودند، و بدین وسیله همه مجرم می‌گشتند)».

ب) چون منافقان با آن شناخته می‌شوند، چرا که جای معروف و منکر را در جامعه عوض می‌کنند و معروف و منکر از نظر شرع مشخص و واضح است و اگر عرفی باشد معنا پیدا نمی‌کند. ﴿الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (توبه، ۶۷). «مردان منافق و زنان منافق همه از یک گروه (و یک قماش) هستند. آنان همدیگر را به کار زشت فرا می‌خوانند و از کار خوب باز می‌دارند و (از بذل و بخشش در راه خیر) دست می‌کشند. خدا را فراموش کرده‌اند (و از پرستش او روی‌گردان شده‌اند)، خدا هم ایشان را فراموش کرده است (و رحمت خود را از ایشان بریده و هدایت خویش را از آنان دریغ داشته است). واقعاً منافقان فرمان‌ناپذیر (و سرکش و گناهکار) هستند».

ج) مخاطب آیه مردان و زنان مومن هستند، پس آشکار می‌گردد که افراد عالم و عامل به دین آن را انجام می‌دهند. ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ

حکیم» (توبه، ۷۱). «مردان و زنان مؤمن، برخی دوستان و یاوران برخی دیگرند. همدیگر را به کار نیک می‌خوانند و از کار بد باز می‌دارند، و نماز را چنان که باید می‌گذارند، و زکات را می‌پردازند، و از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری می‌کنند. ایشان کسانی‌اند که خداوند به زودی ایشان را مشمول رحمت خود می‌گرداند. (این وعده خدا است و خداوند به گزاف وعده نمی‌دهد و از وفای بدان هم ناتوان نیست. چرا که) خداوند توانا و حکیم است».

د) فریضه امر به معروف و نهی از منکر در کنار دو اصل مهم دین یعنی نماز و زکات قرار دارد. ﴿الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ (حج، ۴۱). «(آن مؤمنانی که خدا بدیشان وعده یاری و پیروزی داده است) کسانی هستند که هرگاه در زمین ایشان را قدرت بخشیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند و سرانجام همه کارها به خدا برمی‌گردد (و بدانها رسیدگی و درباره آنها داوری خواهد کرد، همان گونه که آغاز همه کارها از ناحیه خدا است)». (ها) اصلاح و تصحیح امور زمین توسط شرع و افراد صالح می‌باشد. ﴿وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (اعراف، ۵۶). «در زمین بعد از اصلاح آن (توسط خدا یا بر دست انبیاء علی‌الخصوص محمد مصطفی) فساد و تباهی مکنید. و خدا را بیمناکانه و امیدوارانه به فریاد خوانید؛ (بیم از عدم پذیرش، و امید به رحمتش). بیگمان رحمت یزدان به نیکوکاران نزدیک است. (پس نیکوکار باشید تا دعای شما پذیرفته گردد و رحمت خدا شامل شما شود)».

دیدگاه گروه دوم: (موافقان عرفی بودن امر به معروف و نهی از منکر)

الف) معتزله؛ همانطور که روش عقلگرایی را سرلوحه مبانی خود قرار داده، دلیل بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر را نیز عقل می‌داند، چون قائل به حسن و قبح ذاتی هستند.

ب) چون مسائل معروف و منکر را مردم از طریق گذشته و یا خود مردم آن را به وجود می‌آورند و در زندگی خود انجام می‌دهند؛ لذا معروف و منکر عرفی هستند، چون مسائل آن حول محور فرهنگ و هنجارهای اجتماعی قرار دارد و در مرور زمان تغییر پذیر هستند.

ج) در ادیان دیگری هم مسائل امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد که دلالت عرفی بودن دارد. ﴿وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعِذَةُ إِلَى رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾ (اعراف، ۱۶۴) «و (به یاد یهودیان بیاور) هنگامی را که گروهی از (صلحای اسلاف) ایشان (که همچون دیگران نافرمانی و بزهکاری نمی‌کردند) به کسانی می‌گفتند (که سرکشان و گناهکاران را پند می‌دادند و موعظه می‌کردند) چرا مردمانی را پند می‌دهید که خداوند آنان را (به سبب کفر و معاصی، در دنیا) نابود می‌کند یا (در آخرت) عذاب شدیدی خواهد داد؟ (مگر) نمی‌دانید که پند و اندرز در اینان تأثیری ندارد و نرود میخ آهنین در سنگ؟) می‌گفتند: (ما به وظیفه خود که امر به معروف و نهی از منکر است عمل می‌کنیم) تا در پیشگاه پروردگارتان معذور بوده (و رفع مسؤولیت از خویشتن کرده باشیم) و شاید هم (این بیچارگان از گناه باز ایستند و نور ایمان زوایای درونشان را روشن سازد و راه) تقوا و پرهیزگاری در پیش گیرند».

د) جای معروف و منکر می‌تواند تغییر کند، چون جامعه در حال تغییر و تحول است ﴿لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ﴾ (رعد، ۱۱)، «برای او (انسان) که در پی در پی (صبح و شام) از پیش رویش و پشت سرش او را به امر خدا حفظ می‌کنند، بی‌گمان خداوند حالت (و سرنوشت) هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد، تا وقتی که آنان آنچه در ضمیرشان است، تغییر دهد. و هنگامی که خداوند برای قومی (بخاطر اعمالشان) بدی را اراده کند، پس هیچ چیز مانع آن نخواهد شد و آنان را جز او هیچ کارساز نیست. دلالت بر آن دارد که افراد قوم از لحاظ

رفتاری دچار تغییر می‌شوند که بعد از گذشت چند نسل هنجار و فرهنگ‌های درست یا نادرست آنان نیز به تبع تغییر می‌کند.

اگر قائل به شرعی بودن مسئله باشد، پس موضوع دیگری هم باید در نظر گرفت که شارع است و بنابراین دایره حریم خصوصی منحصر به فرد نمی‌شود. در توجه به مخاطبان دو گروه را باید در نظر گرفت، اول گروهی که شارع را قبول دارند و دوم گروهی که شارع را قبول ندارند. پس در مواجهه با گروه اول که مخاطب شما با شما هم‌فکر است شاید خیلی از مسائل را تجسس و دخالت در امور خود نپندارد، چون آن را از طرف شرع می‌دانند و با معروف و منکرات دین اسلام آشناست، اما در مواجهه با گروه دوم باید جامعه را در نظر گرفت که آیا جامعه اسلامی است یا غیر اسلامی. اگر جامعه اسلامی باشد پس امر به معروف و نهی از منکر باید صورت گیرد و مخاطب طبق قوانین الهی و جامعه موظف به رعایت آن می‌باشد، اما اگر جامعه غیر اسلامی باشد، شخص طبق شرایطی که بر جامعه حاکم است رفتار می‌کند و لذا با شرایط امر به معروف و نهی از منکر نیز مد نظر قرار می‌دهد.

از جهت دیگر اگر عرف را ملاک تعیین معروف و منکر قرار دهیم، همیشه تشخیص درست و غلط بودن مسائل را نمی‌توان به درستی یافت؛ مثلاً: زنده به گور کردن دختران در گذشته و همجنس‌گرایی جوامع امروز توسط قوم‌هایی مورد تایید قرار گرفته است در صورتی که در جامعه بشری به شدت مورد مذمت قرار می‌گیرد.

فعل امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک فعل شرعی در بردارنده یک سری شرایط است. یکی از آن شروط تشخیص جایگاه امر به معروف و نهی از منکر که آیا فعل منکر جنبه اجتماعی دارد یا در حیطه حریم خصوصی قرار می‌گیرد؟ در مورد امر به معروف جنبه عام‌تری وجود

دارد و می‌توان مخاطب خاصی را مورد خطاب قرار نداد و حریم خصوصی را نقض نکرد، اما در نهی از منکر دو وجه را می‌توان متصور شد، اول به صورت عام این کار را انجام داد و دوم به صورت خاص شخصی را مخاطب قرار داد، پس نقض حریم خصوصی در گروه دوم اتفاق می‌افتد، پس اگر فعل منکر در حریم خصوصی قرار گیرد، راه رسیدن به فهم و درک کار منکر برای مومن وجود ندارد، مگر با تجسس و هتک حریم خصوصی که این کار در دین اسلام مورد مذمت قرار دارد.

پس امر به معروف و نهی از منکر در مواردی که حریم خصوصی دیگران نقض می‌شود، جایز نیست. شاید اینطور برداشت شود که این دو امر شرعی باهم منافات دارند و همدیگر را نقض می‌کنند، اما همانطور که قبلاً بیان شد دامنه هر کدام از منظر قرآن مشخص و هر کدام مورد تایید و تاکید شارع قرار گرفته است.

مثلاً حجاب مسأله‌ای شرعی است که در حریم خصوصی، هر فرد آزاد است آن را رعایت کند یا آن را ترک کند، اما زمانی که در جامعه حضور پیدا کند حق سومی را هم باید متصور شد که آن حق الله است. چون شارع کشف حجاب را منکر می‌داند، پس لازم است که به او تذکر داده شود و در صورت عدم پذیرش، مورد مواخذه قرار گیرد. ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (نور، ۵۹) «ای پیغمبر! به همسران و دختران خود و به زنان مؤمنان بگو که ردهای خود را جمع و جور بر خویش فرو افکنند. تا این که (از زنان بی بندوبار و آلوده) دست کم باز شناخته شوند و در نتیجه مورد اذیت و آزار (اوباش) قرار نگیرند. خداوند (پیوسته) آمرزنده و مهربان بوده و است (و اگر تا کنون در رعایت کامل حجاب سست بوده‌اید و کوتاهی کرده‌اید، توبه کنید و از این کار دوری کنید، تا خدا با مهر خود شما را ببخشد)».

حریم خصوصی ضرورتاً در ابعاد اجتماعی دچار نقض واقع می‌شود؛ مثلاً در ایست‌های بازرسی یا نظارت بر مکالمات و پیام‌های شخصی توسط دولتها به بهانه تسلط بر برقراری امنیت صورت می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله با توجه به ارتباط رعایت حریم خصوصی و امر به معروف و نهی از منکر که هر دو فریضه الهی محسوب می‌شوند، نکات زیر را می‌توان دریافت:

- ارتباط تنگاتنگی بین امر به معروف و نهی از منکر با حریم خصوصی وجود دارد.
- بین اصل رعایت حریم خصوصی افراد و امر به معروف و نهی از منکر هیچ تعارضی وجود ندارد. خداوند این دو حق را واجب کرده است.

- طبق آیات قرآن هیچ کس حق دخالت در حریم خصوصی اشخاص ندارد؛ مگر اینکه این اقدام برای حفظ نظم اجتماعی ضرورت داشته باشد و این ضرورت حقیقی و واقعی بوده نه صوری و خیالی و این کار توسط حاکمان و افراد ذی صلاح صورت می‌گیرد. قلمرو حریم خصوصی در اندیشه اسلامی نسبت به جوامعی که از تفکر آزادی کامل برخوردار هستند، چارچوب و زوایای مشخص‌تری دارد. به همین علت است که هرج و مرج‌های اجتماعی کمتر است.

منابع

قرآن کریم

- ابن منظور، ابوالفضل محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- ازهری، ابو منصور محمد بن احمد، تهذیب اللغة، تحقیق: محمد بن عبدالمنعم خفاجی و محمود فرج العقدة، بی جا، بی تا.
- اسکندری، مصطفی، ۱۳۸۹ش، ماهیت و اهمیت حریم خصوصی، حکومت اسلامی، شماره ۴.
- اصلانی، فیروز، ۱۳۹۹ش، تبیین جهان شمولی امر به معروف و نهی از منکر بر پایه آیات قرآن، الالهیات قرآنی، شماره ۷.
- جوان آراسته، حسین، ۱۴۰۰، تأملی در حریم خصوصی و محدود ساختن امر به معروف و نهی از منکر در رفتار های علنی از منظر فقه و قانون، حکومت اسلامی، شماره ۴.
- خرمدل، مصطفی، تفسیر نور، انتشارات احسان، ۱۳۷۱
- راعی، مسعود، ۱۳۸۹ش، حریم خصوصی و امر به معروف و نهی از منکر، حکومت اسلامی، شماره ۲.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، چاپ سوم، دار الکتب العلمیة، بیروت ۲۰۰۸م.
- فراهیدی، خلیل بن احمد ابی عبدالرحمن، العین، چاپ دوم، دار الإحياء تراث العربی، ۱۴۲۶/۵/۲۰۰۵م.
- فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، دار الفکر، بیروت، ۱۴۲۸-۲۹ق/۲۰۰۸م.
- کریمی نیا، باقری فرد، انصاری مقدم، ۱۴۰۰ش، واکاوی ارتباط حریم خصوصی اشخاص با امر به معروف و نهی از منکر، مطالعات و تحقیقات در علوم رفتاری، شماره ۸.

حسبه و نقش آن در افزایش تاثیرات اجتماعی امر به معروف و

نهی از منکر

حسان پیروزی (طالب العلم ترم دوم رشته شریعت - اوز)

hpirooziii@gmail.com

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر، از واجبات دینی و اخلاقی است که نقش محوری در اصلاح جامعه و ارتقای سطح اخلاقی افراد دارد. این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر آیات قرآن و روایات، به بررسی ویژگی‌های حقیقی یک محتسب و نقش او در توسعه جامعه می‌پردازد. بر اساس آموزه‌های اسلامی، محتسب علاوه بر ایمان قوی و آشنایی عمیق با احکام شرعی، باید دارای ویژگی‌هایی همچون حکمت، موعظه نیکو، صبر و بردباری، شجاعت و قاطعیت در برابر منکرات و دلسوزی برای جامعه باشد. همچنین، او باید از روش‌های مناسب و مؤثر برای امر به معروف و نهی از منکر استفاده کرده و از هرگونه تندروی و خشونت پرهیز کند. با توجه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی، محتسب باید خود را با شرایط جدید تطبیق داده و با بهره‌گیری از دانش و مهارت‌های لازم، به عنوان یک الگو برای جامعه عمل کند. این پژوهش نشان می‌دهد که محتسب، با دارا بودن ویژگی‌های شخصیتی و علمی مناسب، می‌تواند نقش مؤثری در اصلاح جامعه و ارتقای سطح اخلاقی افراد ایفا کند.

کلیدواژه‌ها: محتسب، امر به معروف و نهی از منکر، قرآن، ویژگی‌های فردی محتسب، توسعه جامعه.

مقدمه

از بدو حیات انسان همواره برای حفظ و بقای نسل خود به زندگی اجتماعی وابسته بوده، این اجتماعی بودن انسان بدون قانون و ضابطه خاصی ممکن نبوده؛ لذا جمع شدن انسان‌های مختلف در یک موقعیت برابر با اجتماع چندین سلیقه و طرز تفکر است که سبب اختلاف و هرج و مرج می‌شود؛ پس انسان برای دوری از این هرج و مرج‌ها، پیشرفت و بالابردن سطح رفاه اجتماعی خود به مجموعه‌ای از قوانین و ضوابط نیازمند است. یکی از مهمترین این قوانین امر به معروف و نهی از منکر است، اما امر به معروف و نهی از منکر وابسته به مجموعه‌ای از قوانین و پیش زمینه‌های خاصی است، که شخص برای اقامه حسبت بایستی از این پیش زمینه‌ها برخوردار باشد. امر به معروف و نهی از منکر یکی از قطب‌های اصلی دین اسلام است و در همین راستا قرآن کریم و احادیث نبوی به عنوان دو اصل و قانون برای جامعه اسلام همواره به این موضوع اهتمام ورزیده‌اند، چنانچه الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران، ۱۰۴) آیه مذکور یکی از دلالت‌های مبنی بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر است. احادیث نبوی هم خالی از این تاکیدها نبوده و رسول اکرم همواره امت اسلام را بر اقامه این امر توصیه فرموده، چنانچه در روایتی از ابوسعید می‌فرماید: «مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ يَدُهُ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فِلِسَانُهُ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فِئْطَلْبِهِ، وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ» (ر.ک: مسلم، بی‌تا، ۶۹/۱) حدیث گویای اهمیت و وجوب مسئله امر به معروف و نهی از منکر، بر حسب میزان توانایی فرد می‌باشد، زیرا دین اسلام دینی نیست که نسبت به افعال ناشایست و منکرات بی تفاوت باشد، اما محتسب برای اقامه امر به معروف و نهی از منکر به شکل صحیح، علاوه بر روایات مذکور بایستی در تمامی روایات و علومی که سبب مؤثر واقع شدن حسبت وی، در جامعه می‌شود تأمل نماید.

تالیفات متعددی در موضوع امر به معروف و نهی از منکر از گذشتگان به جا مانده؛ مانند الأمر بالمعروف و نهی عن المنکر نوشته ابن ابی الدنيا (۲۸۰هـ ق) و همچنین الأمر بالمعروف و نهی

عن المنکر نوشته الخلال بغدادی (۳۱۱ه.ق). در میان معاصرین نیز افراد متعددی به این مقوله توجه داشته‌اند و از نمونه‌های آن می‌توان به مقالاتی مانند: امر به معروف و نهی از منکر از منظر دین و شرایط اقامه آن نوشته اسماعیل حسینی اجداد و سیده اکرم رخشنده نیا و همچنین فقه الدعوة إلى الله والأمر بالمعروف والنهي عن المنکر نوشته أبو فیصل البدرانی.

وجه تمایز این جستار از سایر نوشته‌ها، برجسته ساختن سه نکته است که تاکنون مورد توجه چندانی قرار نگرفته است؛ یک: در تالیفاتی که در این زمینه وجود دارد شرایط جامعه امروزی چندان مدنظر قرار گرفته نشده و قطعاً روزرسانی برخی مسائل در شیوه امر به معروف و نهی از منکر در عصر حاضر لازم است. دو: ارتباط بین شخص آمر و ناهی و انجام دهنده فعل منکر مانند رابطه پزشک و بیمار است، لذا شخص محتسب بایستی با سنجش شرایط و شناخت خود نسبت به افراد و منکرات آنان وارد مبحث حسبت شود و برای اصلاح هر فعل منکری داروی خاص خود را داشته باشد. سه: بر اساس آیات ۴۳ و ۴۴ سوره طه فضا و مبحث امر به معروف و نهی از منکر دارای یک بنیان و پیش زمینه اخلاقی، خیرخواهانه و پر محبت می باشد. سه نکته مذکور از نتایج مهم این جستار می باشد.

این پژوهش در پی پاسخگویی به دو پرسش اساسی است: ۱. در جامعه امروزی با وجود تغییرات فرهنگی و اجتماعی بشریت، شخص محتسب برای اقامه این موضوع باید دارای چه پیش زمینه‌های باشد؟ ۲. پیش زمینه‌های شخص محتسب چه تاثیری بر توسعه جامعه دارد؟ جستار در صدد این است که با رویکردی تحلیلی-توصیفی با توجه به آیات قرآنی و همچنین با در نظر گرفتن شرایط جامعه کنونی و نیز با کمک گرفتن از توصیه‌های علمی روانشناسی به بررسی اهمیت و نقش امر به معروف و نهی از منکر بر جامعه، در عصر حال حاضر بپردازد.

۱. مفهوم شناسی امر به معروف و نهی از منکر

الله متعال در کلام خود به صورت مکرر به اصطلاح «امر به معروف و نهی از منکر» اشاره داشته، لذا این اشارات گویای اهمیت این مسئله و جایگاه ویژه آن نزد شارع است و تمامی کلمات

بکار گرفته شده توسط خداوند دارای حکمت خاص خود بوده و این اصطلاح نیز خالی از حکمت نیست؛ لذا در ابتدا به بررسی شش واژه اساسی یعنی «معروف، منکر، امت، امر، نهی، محتسب» پرداخته می‌شود.

۱-۱. معروف

واژه معروف از ریشه (ع ر ف) بر وزن مفعول است و نیز دلالت به سکون و اطمینان هم دارد. (رک: ابن فارس، ۱۹۷۹م، ۲۸۱/۴). همچنین واژه عریف برای شخص سامان دهنده مسائل قومی و اجتماعی به کار برده می‌شود. (رک: فراهیدی، بی‌تا، ۱۲۱/۲). علاوه بر این معروف به معنای آنچه مورد مقبولیت یک جامعه قرار گرفته و میان آنان مشهور است اطلاق می‌شود. (دهخدا، بی‌تا، ۱۷۶/۳۴). بنابراین واژه معروف علاوه بر سکون و آرامش بر آنچه از نظر عرفی و اخلاقی میان یک جامعه مشهور و مقبول است نیز دلالت می‌دهد.

۱-۲. منکر

واژه منکر از ریشه (ن ک ر) اسم مفعول باب افعال است و از لحاظ معنایی در مقابل واژه معروف قرار می‌گیرد. به چیزی که قلب آن را نپذیرد هم گفته می‌شود: فلان شخص چیزی را انکار کرد و با زبانش به آن اقرار نکرد. (رک: ابن فارس، ۱۹۷۹م، ۴۷۶/۵). ناشناخته بودن امری را نیز گویند. (رک: دهخدا، بی‌تا، ۷۲۷/۵۱). همچنین در قرآن چنین ذکر شده: «قال انکم قوم منکرون»، به این معنا که: (لوط) گفت همانا شما قومی ناآشنا هستید. لذا معنای واژه منکر در نقطه مقابل واژه معروف قرار می‌گیرد؛ به این معنا که به خاطر ناشناختگی و غریب بودن آن، مورد مقبولیت نفس و ذات انسان قرار نمی‌گیرد.

۱-۳. امت

واژه امت مشتق از ریشه (ا م م) است، همچنین بر اساس دیدگاه ابن فارس این ریشه دارای چهار دلالت یعنی: اصل، مرجع، جماعت و دین می‌باشد. (رک: ابن فارس، ۱۹۷۹م، ۲۱/۱). به جماعتی که به سوی ایشان پیامبری آمده باشد نیز گفته می‌شود. (رک: دهخدا، بی‌تا، ۱۶۱/۸). لذا

به گروهی امت گفته می شود که مجموعه ای از افراد بر اساس یک محور مشترک پیوند میانشان پایدار است و هر نسل از جامعه بشریت را به تنهایی می توان یک امت نامید.

۱-۴. امر

واژه امر در لغت عربی دارای پنج اصل معنایی است که یکی از این معانی دلالت بر خلاف نهی می دهد. (رک: ابن فارس، ۱۹۷۹م، ۱/۱۳۷)، لذا معنای واژه امر دلالت بر فرمودن و دستور دادن به انجام کاری می دهد.

۱-۵. نهی

نهی از ریشه (ن ه ی) بر نهایت و غایت یک فعل دلالت دارد. (رک: ابن فارس، ۱۹۷۹م، ۵/۳۵۹). در لغت فارسی نهی دلالت بر بازداشتن و منع کردن شخص از چیزی دارد. (دهخدا، بی تا، ۵۱/۹۶۷).

۱-۶. محتسب

محتسب اسم فاعل از ریشه (ح س ب)، کسی که ولایت و حساب رسی قومی را بر عهده دارد. (رک: معجم اللغة العربية المعاصرة، ۱۴۲۹هـ ۱/۴۹۲)، بنابراین به کسی که مسئولیت حساب رسی و اصلاح یک جامعه را بر عهده دارد محتسب می گویند.

پیش زمینه های فردی محتسب و اثر آن در توسعه جامعه

بصیرت و آگاهی محتسب

بصیرت و آگاهی از مهمترین پیش زمینه های لازم اقامه برای امر به معروف و نهی از منکر است، اما آگاهی نه تنها به معنای آگاهی به معروفات و منکرات بلکه آگاهی به هر علمی که در مسیر اقامه امر به معروف و نهی از منکر به شخص محتسب کمک می کند، قرآن کریم همواره به فضیلت اهل علم اهتمام ورزیده، چنانچه می فرماید: ﴿وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (نحل، ۷۸)، به این معنا که: انسان در ابتدای تولد خالی از هرگونه معرفت و علم است، سپس خداوند سمع را برای شنیدن نصوص

کتاب و سنت و استدلال، ابصار را برای دیدن مخلوقات و عجایب جهان هستی و افئده را برای تفکر و آموختن علوم در انسان قرار می‌دهد. (رک: خازن، ۱۴۱۵هـ/۳/۹۱)، برای شما این ابزار را قرار داد تا به وسیله آن علم و آگاهی کسب کنید. (رک: ابی سعود، بی‌تا، ۱۳۱/۵). در جامعه امروزی با وجود تغییرات فرهنگی شخص محتسب باید از شرایط جامعه آگاه باشد و همچنین با کمک گرفتن از علومى مانند روانشناسی و جامعه‌شناسی، به اوضاع جامعه و شیوه بر خورد با افراد آگاهی پیدا کند و یافتن بصیرت و آگاهی در علوم به معنای خبره شدن در آن علم نیست، بلکه محتسب بر حسب توانایی خویش می‌تواند از علوم بهره‌گیری کند، لذا شخص بدون بصیرت و آگاهی و شخص جاهل اگرچه سعی بر اصلاح داشته باشد باز هم به افساد می‌کشد.

امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای ساقط شدنی نیست که با ادعای جهالت از امت مسلمین سلب شود و وجود عقلی که خداوند در انسان قرار داده و وسیله‌ای برای کسب آگاهی و علم است، بزرگترین دلیل بر رد اشخاصی است که به بهانه جاهلی از اقامه این مسئولیت سر باز می‌زنند، خداوند همواره انسان‌ها را بر کسب علم و خرد ورزی توصیه نموده، چنانچه خطاب «تَعْقِلُون» ۲۴ بار در قرآن ذکر شده، بنابراین وسیله برای کسب علم عقل، و وظیفه استفاده از این وسیله بر عهده خود انسان است.

نقش بصیرت و آگاهی محتسب در توسعه فردی و جامعه

یکی از موثرترین پیش زمینه‌های محتسب که تاثیر قابل توجهی در توسعه جامعه دارد بصیرت و آگاهی است، همچنین فوائد و محاسن علم و بصیرت دارای دو جنبه فردی و اجتماعی است، جنبه اول به خود شخص محتسب بر می‌گردد، به این معنا که محتسب با کسب علوم راه حق را یافته و گرفتار باطل نمی‌شود، یکی از نمونه‌های منفعت فردی بصیرت و آگاهی، مربوط به ساحران زمان حضرت موسی علیه السلام است، چنانچه در قرآن ذکر شده: ﴿وَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (اعراف، ۱۲۱-۱۲۲)، به این معنا که: و هنگامی که ساحران

قدرت خداوند را مشاهده کردند، سرهای خود را به سجده فرو بردند و گفتند همانا ما به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم، (ر.ک: طبری، ۱۴۲۰هـ / ۱۳ / ۳۲).

این آیه یکی از بزرگ ترین دلایل برای فضیلت علم و آگاهی است که منفعت آن به خود شخص بر می گردد، لذا که ساحران به حقیقت سحر آگاهی داشتند و زمانی که معجزه موسی بر آنان آشکار شد، دریافتند که این معجزه فراتر از سحر و جادو و بلکه معجزه‌ای الهی است. (رازی، ۱۴۲۰هـ / ۱۴ / ۳۳۷)، بنابراین اگر آگاهی و بصیرت ساحران نبود احتمال شناخت مسیر حق نیز کاهش می یافت، علاوه بر این، علم مسبب کسب احترام چه در جامعه و چه نزد خداوند است، قرآن نیز همواره متذکر تفاوت میان اهل علم و اهل جهالت بوده و برتری علماء نسبت به افرادی که اهل تحقیق و علم نیستند را بیان نموده، چنانچه خداوند می فرماید: ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَئِذَا الْأَبَابُ﴾ (زمر، ۹)، آیه به این معناست که: بگو آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند با یکدیگر برابرند؟ قطعاً تنها خردمندان هستند که عبرت می گیرند؛ مراد از پرسش، نفی برابری قوم عاقل با قوم جاهل است. (بیضاوی، ۱۴۱۸هـ / ۵ / ۳۸)، بنابراین جنبه علمی اول که به خود شخص باز می گردد ارتباط مستقیم با جنبه اجتماعی بصیرت و آگاهی دارد لذا فرد دارای معلومات، و شخصی که اهل تحقیق و کسب علم باشد با دستی پر وارد جامعه می شود، بنابراین امر و نهی همچنین شخصی بر مبنای استدلال بوده و با سخن بیهوده و بی اساس سبب بیزاری افراد نسبت به معروفات نمی شود.

محتسب با بصیرت و آگاهی مانند پزشکی است که برای هر بیماری نسخه مشخصی تجویز می کند، زیرا که به حال بیمار آگاه است و بر اساس شناختی که از مخاطب خود دارد او را امر یا نهی می کند، حضور همچنین افرادی در جامعه که بر اساس دانش و علم امر به معروف و نهی

از منکر را به پا می‌دارند به تدریج علاوه بر افزایش سطح علمی جامعه مسبب اصلاح در سایر عرصه‌های اجتماعی نیز می‌شود و با انجام فعالیت‌های هوشمندانه در زمینه حسبت تاثیر قابل توجهی در رشد و اصلاح جامعه خواهند داشت و بالعکس شخص جاهل و بدون بصیرت با امر و نهی‌های ناآگاهانه علاوه بر بیزارى مردم نسبت به معروفات، سبب از بین بردن احترام و شخصیت خود و سایر اشخاصی که در جامعه عمل امر به معروف و نهی از منکر را انجام می‌دهند نیز می‌شود.

اخلاق و حدود محتسب

یکی از مسائلی که قرآن کریم همواره نسبت به آن اهتمام ورزیده مبحث اخلاق نیک و شایسته است، اخلاقی که سبب محبت و همبستگی یک امت نسبت به همدیگر شود و خلاف عرف، عقل و شرع نباشد. آیات متعددی در مبحث رابطه میان امر به معروف و نهی از منکر با اخلاق نیک در قرآن ذکر شده، از جمله آیات اساسی در مبحث امر به معروف و نهی از منکر آیه: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران، ۱۰۴) می‌باشد، به این معنا که: و بایستی از میان شما گروهی باشند که با برخورداری از برخی پیش زمینه‌های لازم دیگران را به خیر دعوت کنند و از منکرات باز بدارند، (زمخشری، ۱۴۰۷هـ/ ۳۹۶/۱)، اما برای فهم بیشتر این آیه و نیز مبحث اخلاقی امر به معروف و نهی از منکر، شناخت آیاتی که به احسان و نیکی اشاره داشته و همچنین آیاتی که سرشار از توصیه‌های اخلاقی است لازم است.

امر خداوند به موسی برای انداز به فرعون، نمونه بارز امر به معروف و نهی از منکر با چهارچوبی اخلاقی است چنانچه خداوند می‌فرماید: ﴿اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ﴾ (طه، ۴۳) یعنی اینکه: با برادرت به سوی فرعون بروید همانا او سرکشی کرده است، (قرطبی، ۱۳۴۸هـ/ ۱۹۹/۱) امر خدا به رسولش برای انداز فرعون، در آیه مذکور قابل مشاهده است، اما در ادامه آیه نوع و شیوه انداز را مشخص می‌کند: ﴿فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيْنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ﴾ (طه، ۴۴) به این معنا که: پس

با او به نیکی و نرمی سخن بگویند شاید که او بپذیرد یا پند گیرد، (قرطبی، ۱۳۴۸هـ/۱۱/۲۰۰) چنانچه بیان شده امر به نیکی در آیه پوشانده نیست، خداوند در حال آماده سازی ذهن موسی برای یک امر به معروف با نیکی و نرمی است، گرچه قابل ذکر است که منکری که فرعون در حال انجام آن بود بدترین نوع منکر و گناه یعنی شرک بود اگر چه شرک فرعون نه از روی جهالت بلکه از روی تکبر، غرور و خودبینی بیش از حد وی بود، اما با وجود این مسائل باز هم توصیه خداوند بر قول «لین» و سخن آرام و نیکو بوده نه بر تندخویی و خشم لهذا که امر به معروف و نهی از منکر باید نسبت به گوینده تولید احترام کند نه تولید نفرت در همین سیاق خداوند می‌فرماید: ﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾ (أعراف، ۱۹۹)، یعنی اینکه: بخشش و گذشت را پیشه کن و دیگران را به کارهای نیک توصیه کن و از نادانان روی بگردان. مراد از (خذ العفو) ترک تشدید و سخت گیری در مسائلی که مربوط به حقوق مالی افراد است و همچنین شامل رفتار نیکو با مردم است، (ر.ک: رازی، ۱۴۲۰هـ/۱۵/۴۳۴)، منظور از عفو تسهیل و آسان گیری است، (ر.ک: الکيا هراسی، ۱۴۰۵هـ/۳/۱۴۱)، لذا غلبه صبر و اخلاق محتسب بر غضبش یکی از نشانه‌های قدرت وی است چنانچه در حدیث روایت شده: «لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرْعَةِ، إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ» (ر.ک: بخاری، ۱۴۲۲هـ/۸/۲۸)، به این معنا که: نیرومند کسی نیست دیگران را به زمین می‌زند بلکه نیرومند کسی است که در هنگام خشم خود را کنترل کند.

بنابر مفهوم حدیث قدرت حقیقی در کنترل نفس و عصبانیت است نه در قوه جسمانی، قوه اخلاقی محتسب حین سختی و عصبانیت بایستی بر غضب و خشمش چیره شود و به مقتضی عصبانیت عمل نکند، مطابق حدیث: «مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيَعْرِضْ بِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَيَلْسَانِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَيَقْلِبْهُ، وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ» (ر.ک: مسلم، بی تا، ۶۹/۱)، یعنی اینکه: هر کسی از میان شما منکری را دید، پس با قوای جسمی و دست آن را تغییر دهد، پس اگر نتوانست با زبانش، پس اگر مجدداً نتوانست با قلبش و این ضعیف‌ترین ایمان است؛ امر به معروف و نهی

از منکر دارای سه مرحله است یعنی قلب، زبان و عمل به صورت مستقیم، اما برخی افراد چه از باب جهالت چه از باب تفریط به جای درک خلوص نیت، حسن ظن و دلسوزی نسبت به سرنوشت مسلمانان از واژه قلب تنها نفرت، کینه ورزی و خشم را درک می کنند.

همچنین مفهوم لسان را در توصیه و موعظه های حکمت آمیز نمی بینند بلکه با ناسزا گویی و سخن بیهوده تنها باعث نفاق و بیزاری اشخاص نسبت به معروفات می شوند. عده ای از اشخاص به جای اینکه تدبیر عملی و حسن عمل را از مرحله عملی دریافت کنند تنها برداشتی که از این واژه دارند خشونت است. (ر.ک: ده گفتار، بی تا، ۹۰، با تخلص)، با جمع بندی میان حدیث مذکور و حدیث: «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَبَدَنِهِ»، (ر.ک: مسلم، بی تا، ۶۵/۱)، به این معنا که: (مسلمان کسی است که سایر مسلمانان از زبان و دست او در امان باشند).

اهمیت مبحث اخلاق در اقامه امر به معروف و نهی از منکر و همچنین رعایت حد و حدود مشخص می شود به این معنا که توصیه های زبانی و عملی نباید از حدود مشخصی تعدی کنند و سبب از بین رفتن آرامش دیگران شوند. امر به معروف و نهی از منکر باید برای شخص مقابل مشوق اصلاح باشد و محتسب نباید با بی خردی و بی اخلاقی، تنها سبب عصبانیت و گریز شخص از معروفات شود، در این سیاق خداوند مومنان را این چنین توصیف می کند: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (توبه، ۷۱)، به این معنا که: مردان مومن و زنان مومن ولی و یاور یکدیگراند، به نیکی فرمان می دهند و از منکرات نهی می کنند، لذا منشاء مبحث امر به معروف و نهی از منکر وجود محبت و دلسوزی مومنان نسبت به یکدیگر است (ر.ک: رازی، ۱۴۲۳، ۱۳۴/۸).

این مسئله وجه تمایز مومنان از منافقان است لذا در نقطه مقابل آیه مذکور آیه: ﴿وَالْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ﴾ (توبه، ۶۷)، : مردان و زنان منافق همانند و مشابه یکدیگراند، لذا خداوند امر به معروف و نهی از منکر را فرقی میان مومنین و منافقین قرار داده، (قرطبی، ۱۹۶۴م، ۴/۴۷)، مقصد از ﴿بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ﴾، آشکارسازی تفاوت مومن با منافق

است، مبنای اعتقادی و عملی منافق بر اساس پیروی و تقلید است اگرچه این پیروی در راستای شرارت و منکرات باشد، لذا در میان آن‌ها شخصی برای اصلاح منکرات و از بین بردن شرارت‌ها وجود ندارد بلکه همگی در مسیر نفاق قرار دارند، (ر.ک: شعراوی، بی‌تا، ۲۳۷).

یکی از ویژگی‌های مهمی که از طرف خداوند به پیامبر داده شد و وی را در مسیر دعوت یاری کرده ویژگی حسن الخلق بودن و نیک بودن است، چنانچه در قرآن ذکر شده: ﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْقَضُوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ (آل عمران، ۱۵۹)، و اگر بد اخلاق و سخت دل بودی از اطرافت پراکنده می شدند و در کنار تو آرام نمی گرفتند (ر.ک: بیضاوی، ۱۴۱۸ هـ ۴۵/۲)، واژه «فظا» به معنای بد اخلاقی و کج خلقی استعمال می شود (ر.ک: اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ ۶۴۰)، علاوه بر این دعوتگر و شخص محتسب تنها در مقام دعوتگری خود است و نه در مقام قاضی یا صادر کننده حکم چنانچه خداوند می فرماید: ﴿لَعَلَّه يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى﴾ (طه، ۴۴) به این معنا که: شاید پند پذیرد یا بترسد، طبق این آیه محتسب نباید از حدودی که بر وی تعیین شده یا فراتر بگذارد لذا که قضاوت فقط کار خداوند است و در آیه دیگر می فرماید: ﴿فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ﴾ (غاشیه، ۲۱-۲۲)، یعنی: پس هشدار ده که تو تنها هشدار دهنده‌ای، بر آنان تسلط نداری، لهذا شخص محتسب مسئول اجرای حکم بر دیگران نیست و تنها وظیفه وی انذار است، در جامعه امروزی نه شخص خطا کننده از فرعون طاغی گتر است و نه محتسب از موسی اولی تر است لهذا وجوب مسئله نیک خویی و خوش رویی برای شخص محتسب لازم است.

تاثیر رعایت اخلاق و حدود در توسعه جامعه

توسعه اخلاقیات و پیشرفت سطح اخلاقی عموم مردم، از نتایج و تاثیرات امر به معروف و نهی از منکر بر جامعه است.

امتی که در آن اشخاص با دلسوزی و مسئولیت پذیری، یکدیگر را از هرگونه رذایل اخلاقی باز می دارند و افراد جامعه را به نیکی، خوش اخلاقی و مهربانی توصیه می کنند، در نتیجه همین افراد مسبب ایجاد جامعه‌ای اخلاق مدار و محترم می شوند، بعلاوه جامعه اخلاق مدار متضمن

ایجاد امنیت نیز می باشد، لذا ارتقای سطح اخلاق عوام باعث افزایش حس مسئولیت پذیری نیز می شود و در صورت ایجاد ناامنی اشخاص نسبت به یکدیگر بی تفاوت نخواهند بود، از جمله مسائلی که سبب از بین رفتن امنیت میان یک قوم یا نابودی آن می شود، بی توجهی افراد نسبت به یکدیگر است و یکی از دلایل آن عدم دلسوزی افراد جامعه نسب به یکدیگر است چنانچه در حدیث ذکر شده: «فَإِنْ يَتْرُكُوهُمْ وَمَا أَرَادُوا هَلَكُوا جَمِيعًا، وَإِنْ أَخَذُوا عَلَى أَيْدِيهِمْ نَجَوْا، وَنَجَّوْا جَمِيعًا» (ر.ک: بخاری، ۱۴۲۲هـ/ ۱۳۹۳)، پس اگر آنان را رها کنند و مانع کارشان نشوند، همگی هلاک خواهند شد، اما اگر مانع کار آنها شوند هم خودشان و هم سایر سر نشینان نجات خواهند یافت؛ مفهوم حدیث این گونه است که مثال قومی در کشتی در دو طبقه بالا و پایین قرار دارند، افراد طبقه پایین برای دسترسی به آب، کشتی را سوراخ می کنند، لذا اگر سر نشینان مانع این کار نشوند همگی هلاک خواهند شد و اگر مانع کار این اشخاص شدند به سلامت به مقصد خواهند رسید، حدیث مذکور مصداق امت مسلمین است، لذا که همگی دارای یک هدف هستند و در راه رسیدن به این هدف اگر افراد نسبت به یکدیگر مسئولیت پذیری نداشته باشند و یکدیگر را از منکر نهی و به معروف توصیه نکنند، در نتیجه فساد به تدریج کل امت را فرا می گیرد، زیرا که طبیعت روحی و اخلاقی آدمی مانند آب است و تحت تاثیر اشیاء مجاور قرار می گیرد، بنابراین بستر آلوده یعنی محیط اجتماعی آلوده وی را نیز آلوده می کند و به شکل طبیعت در می آورد. (حکمت‌ها و اندرزها، بی تا، ۱۹۱/۲).

بنابراین اخلاق محتسب و جامعه تاثیر مستقیم بر هم دارند، محتسب با اخلاق نیک و شایسته در جامعه، الگویی برای افراد خواهد بود، لذا با ارتقای سطح اخلاقیات حس دلسوزی و محبت نیز میان جامعه شکل خواهد گرفت. رعایت حدود اشخاص نیز اخلاق نیک است و شخص با رعایت حدود، ناقل احساس اختیار به افراد خواهد بود، و بالعکس اگر محتسب از حدود تعدی کند و با خشونت قصد تحمیل معروفات را داشته باشد تنها مسبب زدگی افراد نسبت به معروفات

شده و در نتیجه در جامعه‌ای که محتسب به عنوان یک الگو به حد و حدود دیگران احترام نگذارد به تدریج احترام به حریم افراد نیز از بین خواهد رفت و سبب ایجاد ناامنی نیز می‌شود. خودسازی محتسب

علاوه بر مبحث اخلاق یکی از پیش زمینه‌های لازم برای شخص محتسب شروع اصلاح از خود شخص است، به این معنا که جدا از امر و نهی دیگران ابتدا خود را به معروف توصیه و نفس خویش را از منکر باز دارد، و همچنین به همان شکل که مردم را به معروفات توصیه و از منکرات باز می‌دارد خود نیز توانایی پذیرش امر و نهی را داشته باشد و تکبر ورزی نکند، چنانچه خداوند می‌فرماید: ﴿اتَّامِرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنَسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾ (بقره، ۴۴)، به این معنا که: آیا مردم را به نیکی توصیه می‌کنید و خود را از یاد می‌برید. نمونه های شروع اصلاح از خود را می‌توان در قرآن یافت چنانچه خداوند چنین ذکر می‌کند: ﴿وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ (حشر، ۱۰)، و در دل‌های ما کینه‌ای نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند قرار مده، پروردگارا قطعا تو مهربان و رحیمی؛ ابتدا طلب تزکیه نفس از حسادت و سپس قدر شناسی و دعای خیر برای پیشینیان در آیه مشهود است، و در ادامه آیه، پاکی و خالصی قلب از هرگونه کینه، دشمنی و صفات ناشایست را از خداوند طلب می‌کنند.

مسائل مذکور دال بر این نیست که شخص محتسب برای اقامه امر به معروف و نهی از منکر باید معصوم و خالی از تمام ناشایستی‌ها باشد، بلکه اصلاح از خود و خودسازی بایستی با جامعه سازی همگام باشد، علاوه بر این چنانچه در قرآن ذکر شده: ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾ (هود، ۱۱۴)، به این معنا که: قطعا خوبی‌ها بدی‌ها را محو و نابود می‌کنند، بنابراین محتسب می‌تواند با دعوت خالصانه خود نفس خود را نیز از ناشایستی پاک سازی کند علاوه بر این چنانچه در قرآن ذکر شده: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (محمد، ۷)، به این معنا که: ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر خداوند را یاری کنید او نیز شما را یاری می‌کند و قدم‌های شما را استوار می‌سازد؛ یکی از معانی «تَنْصُرُوا اللَّهَ» یاری

کردن امت و جامعه است (ر.ک: رازی، ۱۴۲۰هـ، ۴۲/۲۸)، بنابراین امر به معروف و نهی از منکر رابطه مستقیم با یاری رساندن خداوند به محتسب دارد، لذا با جمع‌بندی میان آیات ذکر شده، می‌توان مفهوم هماهنگی میان خود سازی و جامعه سازی را دریافت، تلاش محتسب برای اصلاح نفس خویش رابطه مستقیم با تلاش خالصانه برای اصلاح جامعه دارد.

تاثیر خودسازی محتسب در توسعه جامعه

مسئله خودسازی نه تنها در بحث حسبت شخص تاثیر بسزایی دارد، بلکه افرادی که شخص محتسب را به عنوان یک الگو می‌بینند، از وی تاثیر می‌پذیرند و این نیز نوعی امر به معروف و نهی از منکر است اگرچه به صورت مستقیم نباشد. نزدیکان و به ویژه کودکان که در سنین کم و در طی مراحل رشد به طور ویژه‌ای از رفتار اشخاص تاثیر گذار زندگی خود چه پدر و مادر و چه معلم تاثیر می‌پذیرند، خوب بودن یا بد بودن این تاثیر به رفتار اشخاصی برمی‌گردد که به عنوان الگو قرار گرفته شده‌اند، بنابراین شخصی که در جایگاه محتسب همواره در پی اصلاح و جبران کمبود و کاستی‌های خود باشد علاوه بر ارتقای سطح معنوی و شخصی خود، اثر مستقیم بر روی جامعه‌ای که در آن حاضر است نیز دارد، لذا چنانچه ذکر شد، شیوه اخلاق و رفتار محتسب همواره بر اطرافیان خود تاثیر دارد، بنابراین محتسب با شروع اصلاح خودسازی از خود به عنوان الگو، محتسب می‌تواند مسبب ترویج معروفات در جامعه باشد.

پیش‌زمینه‌های اجتماعی محتسب

یکی دیگر از پیش‌زمینه‌های اخلاقی لازم برای شخص محتسب داشتن روابط اجتماعی قوی در جامعه است، شخصی که در جامعه دارای محبوبیت و مقبولیت باشد، و همواره نقش پررنگ و فعال در جامعه داشته باشد به نسبت تاثیر گذاری بالاتری در ایفای نقش امر به معروف و نهی از منکر نسبت به افراد کم نقش و منفعل در جامعه دارد. آیات متعددی در بیان توصیه به برقراری ارتباط با جامعه و مردم در قرآن ذکر شده از جمله: ﴿وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا﴾ (حجرات، ۱۳)، و شما را گروه‌ها و قبیله‌های مختلف قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛

واژه «تعارفوا» به معنای آشنایی با یکدیگر (ر.ک: اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ، ۵۶۱)، شما را قوم‌های مختلفی قرار داد تا میان شما هماهنگی و الفت ایجاد شود نه اینکه میان شما سبب دشمنی و اختلاف شود، (ر.ک: صابونی، ۱۴۱۷ هـ، ۲۱۹/۳). از این جهت که یکی از مهمترین رسالت پیامبران اقامه امر به معروف و نهی از منکر بوده، بنابراین پیامبران نیز از شخصیت اجتماعی و فعال در جامعه برخوردار بوده‌اند و اگر غیر از این بود دعوتی نیز انجام نمی‌گرفت و امت واحدی تشکیل نمی‌شد، لذا یکی از شاخصه‌های اصلی پیامبر با توجه به وظیفه و جایگاه نبوت، ایفای نقش فعال و مفید در جامعه و همچنین تعامل نیک با افراد جامعه بوده است، چنانچه خداوند می‌فرماید: ﴿وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (نحل، ۱۲۵) و با ایشان به بهترین شکل و با نرمی و خوش رویی مجادله کن، (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷ هـ، ۶۴۴/۲).

از آیه می‌توان چنین برداشت کرد که تعامل با افراد جامعه با اخلاق نیک و شایسته، متضمن فراهم سازی محیط مناسب برای اقامه امر به معروف و نهی از منکر است، در جامعه‌ای که محیط مناسب برای اقامه امر به معروف و نهی از منکر فراهم باشد، در نتیجه عمل حسبت نیز دشوار نخواهد بود و در توسعه جامعه نقش موثری خواهد داشت. بنابراین حضور فعال و هوشمندانه در جامعه با اخلاق نیک و نیتی خالصانه از مهمترین شاخصه‌های اخلاقی محتسب است.

نقش پیش زمینه‌های اجتماعی محتسب در توسعه جامعه

محتسب با حضور فعال در جامعه در ابتدا نقش موثری در شناخت مردم نسب به معروف‌ها و منکرها خواهد داشت، لذا ممکن است عده‌ای از افراد منکری را از روی عدم آگاهی نسبت به منکر بودن آن فعل انجام داده باشند، اما محتسب با حضور پر نقش در جامعه سبب ترویج معروف‌ها در جامعه و همچنین سبب کاهش سطح افعال منکر می‌شود.

یکی دیگر از تاثیرات اجتماعی بودن محتسب و حضور وی در اجتماع، آشنایی با حال جامعه و مسائل مربوط به اوضاع جامعه است، لذا محتسب با کناره‌گیری و عدم حضور فعال در جامعه از محبوبیت و مقبولیتی که شخص حاضر در جامعه برخوردار است بهره‌مند نخواهد بود و

بالعکس محتسب با حضور فعال علاوه بر آشنایی با افراد جامعه با شاهد بودن عمق منکرات و معروفات، در اکثر موارد نقش مستقیم در از بین بردن یک منکر یا ترویج یک معروف دارد. بنابراین حضور فعال محتسب در جامعه سبب آگاهی مردم نسبت به منکرات و معروفات می‌شود و بعلاوه محتسبی که می‌خواهد با توجه به شناخت افراد آنان را به کارهای نیک توصیه و از کارهای زشت باز دارد هنگامی که در میان مردم حضور داشته باشد، علاوه بر شناخت و آگاهی یافتن نسبت به حداقل ویژگی‌های افراد، سبب ایجاد همبستگی میان مردم نیز می‌شود و در نتیجه حس مسئولیت‌پذیری نسبت به افراد در جامعه ترویج پیدا کرده و این مسئله می‌تواند مسبب تشکیل جامعه منسجم و یک دست نیز باشد.

نتیجه‌گیری

۱. امر به معروف و نهی از منکر از مباحث اساسی برای بقا و پایداری یک جامعه است.
۲. میزان توانایی محتسب در امر حسب، ارتباط مستقیم با ارتقای توسعه در جامعه دارد.
۳. اشخاص برای اقامه امر به معروف و نهی از منکر بایستی از پیش زمینه‌های خاصی از جمله، پیش زمینه‌های علمی، اخلاقی، خودشناسی و روابط اجتماعی برخوردار باشند.
۴. چنانچه آگاهی یکی از شرایط امر به معروف و نهی از منکر است، اما این حکم با بهانه جهالت از اشخاص سلب نمی‌گردد، زیرا شخص بر حسب توانش مکلف به کسب علم است.
۵. بنیان و اساس مبحث امر به معروف و نهی از منکر بر پایه محبت و دلسوزی است، لذا انداز مورد توجه در این مسئله از حس دلسوزی و مسئولیت‌پذیری نشأت می‌گیرد.

منابع

قرآن کریم

- ابن فارس، ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا، مقاییس اللغة، چاپ اول، دار الفکر، ۱۹۷۹م.
 ابی سعود، محمد بن محمد، إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم، دار إحياء التراث العربی _ بیروت، بی‌تا.
 اصفهانی، راغب، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، دار القلم، الدار الشامیة، دمشق _ بیروت، ۱۴۱۲ق.

- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، چاپ اول، دار طوق النجاة.
- بیضاوی، ناصر الدین أبو سعید عبد الله بن عمر، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- خازن، علاء الدین علی بن محمد، لباب التأویل فی معانی التنزیل، چاپ اول، دار الکتب العلمیة-بیروت، ۱۴۱۵ق.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران، بی تا.
- رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، چاپ سوم، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.
- زمخشری، محمود بن عمرو بن احمد، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ سوم، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
- شعراوی، محمد متولی، اصول الدعوة، المكتبة التوفيقية، مصر، بی تا.
- صابونی، محمد علی، صفوة التفاسیر، چاپ اول، دار الصابونی للطباعة والنشر والتوزيع - القاهرة، ۱۹۹۷م.
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، چاپ اول، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۰ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، دار و مکتبه الهلال، بی تا.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، چاپ دوم، دار الکتب المصریة، القاهرة، ۱۹۴۶م.
- الکیاهراسی، عماد الدین علی بن محمد بن علی، أحكام القرآن، چاپ دوم، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۵ق.
- مختار، احمد، معجم اللغة العربية المعاصرة، چاپ اول، عالم الکتب، ۱۴۲۹ق.
- مطهری، مرتضی، حکمت ها و اندرز ها، انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی، ده گفتار، انتشارات صدرا. النجاة، ۱۴۲۲ق.
- نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، دار إحياء التراث العربی، بیروت، بی تا.

حوزه معنایی معروف و منکر در قرآن کریم

نازنین گوری نژاد (طالب العلم ترم چهارم رشته شریعت _ خنج)

nazaningorinezhad@gmail.com

سمیرا بیارش (طالب العلم ترم چهارم رشته شریعت _ خنج)

biyareshsamira@gmail.com

چکیده

معروف و منکر، دو مفهوم کلیدی در قرآن کریم هستند که به ترتیب به امور پسندیده و ناپسند اشاره دارند. این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی، به بررسی گستره معنایی این دو واژه در قرآن کریم، با تمرکز بر کاربردهای اجتماعی آنها، پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مفاهیم معروف و منکر عمدتاً در حوزه روابط اجتماعی، حقوق و تکالیف فردی در جامعه و حقوق مالی بین زوجین مورد استفاده قرار گرفته‌اند. به عبارت دیگر، این دو واژه در قرآن بیشتر برای تعریف و تبیین رفتارهای اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی به کار رفته‌اند تا مسائل فردی و شخصی یعنی در حوزه رفتار و مسائل فردی از بسامد بالایی برخوردار نیستند.

کلیدواژه‌ها: حوزه معنایی معروف و منکر، قرآن کریم، مفاهیم اجتماعی، رفتارهای فردی.

مقدمه

معروف و منکر از جمله مفاهیم تکرار شده و مهم در قرآن کریم است. قدم اول در برپایی و زنده کردن این مفهوم قرآنی، فهم صحیح و دقیق آن می‌باشد. تکرار این معانی با همین واژگان در قرآن کریم و عدم استفاده از اصطلاحات هم‌خانواده و هم‌معنا نشانگر این موضوع است که خود این واژگان مقصودند. کارهای پسندیده در قرآن با الفاظی همچون خیر، عمل صالح، حسنة، معروف و... عنوان شده‌اند؛ همچنین اعمال ناپسند با واژگانی همچون سیئة، ذنب، خطیئة، منکر و... مطرح شده‌اند. بررسی معنای دقیق و شناخت حوزه معنایی معروف و منکر از مهم‌ترین مسائلی است که مقدمه برپایی امر به معروف و نهی از منکر به شمار می‌روند. عدم شناخت دقیق از این دو واژه یا جابجا انگاشتن آن با واژگان دیگر، می‌تواند منجر به انحراف جدی در فهم و اجرای مفهوم امر به معروف و نهی از منکر شود.

از جمله کارهای صورت گرفته در این زمینه می‌توان به مقالات بررسی معناشناسانه معروف و منکر و حوزه‌های معنایی آن در قرآن نوشته ابراهیم جهانبخش و بررسی رویکردها به معروف و منکر در فرق اسلامی نوشته علی آقاجانی و پایان نامه معناشناسی معروف در قرآن کریم با تاکید بر روابط همنشینی و جانشینی اثر فاطمه کاشانیان اشاره کرد. پرداختن به حوزه معنایی این دو واژه به صورت مستقل از جمله کارهای جدید پژوهشی است که نظیر آن در مؤلفات گذشته دیده نمی‌شود.

در این مقاله آنچه بیشتر مورد توجه است، استقرای مصادیق معروف و منکر در قرآن و مشخص کردن حوزه معنایی آن‌ها است. معنی واژه «معروف» در لغت چیست و در قرآن کریم تا چه اندازه‌ای به کار رفته است؟ همچنین، واژه «منکر» در لغت به چه معناست و حوزه معنایی آن در قرآن تا کجاست؟ این مقاله با بررسی واژه‌های «معروف» و «منکر» در معاجم لغوی متقدم و انجام استقراء بر مصادیق و کاربردهای این واژه‌ها در قرآن کریم، به این نتیجه دست یافته

است که «معروف» به کارهای پسندیده و نیکو در حوزه رفتارهای اجتماعی اطلاق می‌شود، در حالی که «منکر» به کارهای ناپسند و مذموم در همین حوزه اشاره دارد.

مفهوم معروف در لغت

معروف از ریشه "ع ر ف" بر وزن مفعول است و دلالت بر سکون و آرامش می‌دهد. این امر معروف است، چون به سوی آن سکون حاصل می‌شود و نفس‌ها به سوی آن آرامش می‌یابد. (ابن فارس، ۱۴۲۳هـ/۲۸۱/۴). العرف و العارفة و المعروف یکی است و آن هر چیزی است که نفس آن را خیر می‌داند و به سوی آن آرامش می‌یابد. (رک: ازهری، بی‌تا، ۳۴۴/۲).

عریف یعنی: شخصی که مسئولیت قومی را بر عهده دارد، چون به این اسم او را می‌شناسند. (فراهیدی، ۱۴۲۶هـ/۴۲۳، ابن درید، ۱۹۸۷م، ۷۶۶/۲، زبیدی، ۱۴۲۶هـ/۳۷۴/۱۲، زمخشری، ۱۴۲۲هـ/۴۹۵). به طبیب یا کاهن عرّاف می‌گویند، چون هر کدام با علمشان شناخته می‌شوند. (رک: ابن درید، ۱۹۸۷م، ۷۶۶/۲، زبیدی، ۱۴۲۶هـ/۴۲۵، ۳۷۴/۱۲). تعارفوا: بعضی از آنها بعضی دیگر را شناخت. (رک: زبیدی، ۱۴۲۵-۱۴۲۶هـ/۳۷۴/۱۲).

در تعلقات جاهلی نیز می‌توان رد پای این واژه را پیدا کرد که به همان معنای ذکر شده آمده است:

وَمَنْ يَجْعَلِ الْمَعْرُوفَ فِي غَيْرِ أَهْلِهِ يَكُنْ حُمْدُهُ دَمًا عَلَيْهِ وَيَنْدَمُ

یعنی: هر شخصی معروف (احسان) را در حق کسی انجام دهد که شایسته آن نیست، سپاسگزاری‌اش تبدیل به نکوهش می‌شود و در آخر پشیمان می‌شود. (رک: زوزنی، ۱۴۲۳هـ/۱۵۰). با توجه به ریشه‌یابی‌های صورت گرفته می‌توان گفت که معروف به معنای سکون و آرامش می‌باشد. از آنجا که انسان در کارهای که خیر و بهره‌وری مفید به خود و دیگران را در آنها می‌بیند و می‌شناسد، احساس آرامش می‌کند و فکر و ذهن او نسبت به این کارها آسوده می‌شود.

مفهوم منکر در لغت

منکر از ریشه "ن ک ر" بر وزن اسم مفعول ساخته شده است و آن اصل صحیحی است که

دلالت می‌دهد بر خلاف معرفتی که قلب به سوی آن آرامش می‌یابد. شخصی چیزی را انکار کرد: یعنی قلبش قبول نکرد و زبانش به آن چیز اقرار نکرد. (ر.ک: ابن فارس، ۱۴۲۳هـ/۴۷۶/۵). منکر: متضاد معروف است، هر فعلی که عقل صحیح به قبض حکم کند یا اینکه توقف کند پس شریعت حکم بر قبض می‌دهد. (ر.ک: زبیدی، ۱۴۲۶هـ/۵۵۷/۷). النکراء: کاری بسیار سخت. التنكر: منتقل شدن از حالی که خوشحال می‌شود به حالی که خوشش نمی‌آید. (ابن فارس، ۴۷۶/۵). النکر: زیرکی (ر.ک: ابن درید، ۱۹۸۷م، ۷۹۹/۲، فراهیدی، ۱۴۲۶هـ/۹۸۶). النکرة: نقیض معرفه است و النکیر اسم برای انکار چیزی که منظور از آن تغییر است. (فراهیدی، ۱۴۲۶هـ/۹۸۶). المناکرة: محاربة (ر.ک: ازهری، بی‌تا، ۱۹۱/۱۰، زمخشری، ۱۴۲۲هـ/۷۷۷) و أنکر الأصوات یعنی زشت‌ترین صداها (ر.ک: ازهری، بی‌تا، ۱۹۱/۱۰).

این واژه با همین معنا در تعلقات جاهلی مثل معلقه لبید یافت می‌شود:

نَكَرْتُ بِاطْلَاهَا وَ بُؤْتُ بِحَقِّهَا عِنْدِي وَلَمْ يَفْخَرْ عَلَيَّ كِرَامُهَا

یعنی: ادعاهای باطل و پوچ آن مردان را انکار کردم و به سخنان حق آن‌ها اقرار کردم؛ و بزرگوارانشان نتوانستند حتی بر من فخر بفروشند. (ر.ک: زوزنی، ۱۴۲۳هـ/۱۹۷). از این رو واژه منکر بر امر ناپسند و زشتی دلالت می‌دهد که از نظر و دید انسان‌ها ناخوشایند می‌آید که به خوبی از او امر درست و زیبا قابل تفکیک است.

مفهوم معروف در قرآن

مفهومی که از معروف در لغت بر آمد، مؤیده‌های فراوانی در قرآن کریم دارد. این مؤیده‌ها عبارتند از:

- الف) ﴿الَّذِينَ آمَنُوا هُمْ يُعْرِفُونَ﴾ (انعام، ۲۰): کسانی که کتاب آسمانی بدانان داده‌ایم، او را می‌شناسند، چنانکه فرزندان خود را می‌شناسند. (ر.ک: خرمدل، ۱۳۸۹ش، ۲۳۳).
 ب) ﴿وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ﴾ (یوسف، ۵۸): و برادران یوسف پیش او آمدند و او ایشان را شناخت، ولی آنان وی را نشناختند. (ر.ک: خرمدل، ۱۳۸۹ش، ۴۶۸).

ج) «يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ» (نحل، ۸۳): نعمت خداوند را می‌شناسند سپس آن را انکار می‌کنند و بیشترشان کافرند. (ر.ک: خرمدل، ۱۳۸۹ش، ۵۴۷).

واژه معروف و مشتقات آن در آیات ذکر شده حول همان معنای لغوی، یعنی شناخته شدن و پسندیدن آمده است.

مصادیق معروف در قرآن

مفهوم لغوی معروف، مصادیق فراوانی در قرآن دارد. پاره‌ای از این مصادیق عبارتند از:

الف) متعه طلاق، معروف است:

«وَلِلْمُطَلَّاقَاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» (بقره، ۲۴۱): (و برای زنان طلاق داده شده هدیه مناسبی بدهید و این حق بر مردان پرهیزگار است). (ر.ک: خرمدل، ۱۳۸۹ش، ۷۷).

هنگامی که پیوند زناشویی به وسیله طلاق از هم گسسته می‌شود، در اکثر اوقات حالات روحی هر دو طرف و به خصوص زنان حالت مناسبی نمی‌باشد. از آنجایی که خداوند رحیم و رحمان در تمام لحظات به فکر بندگان خویش بوده و همه حالات احتمالی را برای زندگی بندگان در نظر می‌گیرد، در این آیه توصیه می‌کند که اگر دو نفر در مرحله طلاق قرار گرفتند، شوهر که از نظر روحی قوی‌تر باشد به نسبت همسرش احسان به خرج دهد و در ازای از هم پاشیدن زندگی حتی المقدور کالایی ارزشمند و هدیه‌ای مناسب در شأن زن به او بپردازد. و به نسبت همسر سابقش که تا چندی قبل جزئی از خانواده‌اش بوده حقوق مالی و خانوادگی را به نیکی به جای بیاورد، تا در حدی به وسیله این هدیه ضربه روحی زن کاسته شود. از این رو خداوند از معروف در این آیه به عنوان کالایی مناسب و نیک یاد کرده است.

ب) بهره بردن از اموال یتیمان بایستی بر اساس معروف باشد:

«وَابْتَغُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا» (نساء، ۶): (و یتیمان را بیازمایید تا آن گاه که به سن بلوغ

برسند اگر در ایشان رشد یافتید، اموالشان را به آنها بدهید و آن را با اسراف و تبذیر پیش از آن که بزرگ شوند نخورید. هر کس که ثروتمند است خودداری کند و هر کس نیازمند باشد به طرز شایسته از آن بهره ببرد. هنگامی که اموالشان را به خودشان باز پس دادید، برآنان شاهد بگیرید، و کافی است خداوند حسابرس و مراقب باشد). (ر.ک: خرمدل، ۱۳۸۹ش، ۱۴۱).

از فردی که در سن کمتر از بلوغ پدرش را از دست داده باشد به عنوان یتیم یاد می‌شود. انسان به طور طبیعی این نیاز را دارد که در دامن پدر و مادر خویش بزرگ شود و از نعمت والدین برخوردار باشد. حال اگر فردی از این نعمت فارغ شود اطرافیان باید بیشتر از مواقع دیگر او را حمایت کنند، علاوه بر اطرافیان آن کسی که همیشه شخص را حمایت می‌کند خداوند کریم است. در این آیه خداوند توصیه به رسیدگی و رعایت حقوق مالی فرد یتیم توسط صاحبان قدرت که اختیار اموال یتیم در دستشان است می‌کند، تا یتیم درد نبود پدر را کمتر احساس کند و کمی احساس امنیت بیشتری کند، از این رو حقوق مالی به عنوان معروف نام برده شده است. (ج) نگه داشتن یا رها کردن زن در پایان عده بر اساس معروف:

﴿فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهَدُوا ذَوِي عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَمْ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾ (طلاق، ۲): (هنگامی که مدت عده آنان نزدیک به پایان آمد، یا ایشان را به طرز شایسته‌ای نگاه دارید، و یا به طرز شایسته‌ای از ایشان جدا شوید و برآنان دو مرد عادل از میان خودتان گواه کنید و گواهی دادن را برای خدا ادا کنید. این چیزی است که کسی بدان پند و اندرز می‌گردد که به خدا و روز آخرت ایمان داشته باشد. هر کس هم از خدا بترسد و پرهیزگاری کند، خدا راه نجات را برای او فراهم می‌سازد). (ر.ک: خرمدل، ۱۳۸۹ش، ۱۱۹۱).

در این آیه، خداوند خطاب به مردان می‌فرماید هنگامی که مدت عده زنان مطلقه به پایان نزدیک می‌شود، تکلیف زن خود را مشخص کنید تا زن از حالت بلا تکلیفی بیرون بیاید و بتواند تصمیم درست برای خود و فرزندش بگیرد. بنابراین یا زنان در عده را به طور شایسته و نیکو برای

ادامه زندگی بهتر نگه دارید و یا اگر صلاح را در پایان دادن به این زندگی می‌دانید به طرز شایسته و متعارف از ایشان جدا شوید. خداوند برای ادای دین مرد نسبت به زن و رعایت حقوق خانوادگی زن از کلمه معروف به معنای روش نیکو و شناخته شده و هم ردیف با عرف می‌باشد که آن برای همگان کاملاً روشن است.

(د) قول معروف از صدقه همراه با آزار بهتر است:

﴿قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى وَاللَّهُ عَنِّي حَلِيمٌ﴾ (بقره، ۲۶۳): (گفتار نیک و گذشت، بهتر از بذل و بخششی است که اذیت و آزاری به دنبال داشته باشد و خداوند بی‌نیاز و بردبار است). (ر.ک: خرمدل، ۱۳۸۹، ۸۵).

(ه) قول معروف هنگام تقسیم ارث:

﴿وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِّنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا﴾ (نساء، ۸): (و هرگاه خویشاوندان و یتیمان و مستمندان در تقسیم ارث حضور پیدا کردند، چیزی از آن اموال را بدانان بدهید و به گونه زیبا و شایسته با ایشان سخن بگوئید). (خرمدل، ۱۳۸۹، ۱۴۲). در این دو آیه "قول" با صفت معروف آمده است و در این سیاق به معنای سخنی نیکو، پسندیده و مورد قبول است که ثواب عمل را تباه نکند یا ناراحتی و کدورت ایجاد نکند. آیات ذکر شده در حوزه حقوق مالی و مسائل خانوادگی و همچنین توصیف گفتار به این واژه، به عنوان مثال‌هایی از مصادیق معروف در قرآن به شمار می‌روند که همگی در حوزه رفتارهای اجتماعی افراد قرار می‌گیرند.

مفهوم منکر در قرآن

مفهوم لغوی منکر مؤیده‌های فراوانی در قرآن کریم دارد. این مؤیدها عبارتند از:

(الف) ﴿فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نُّكْرٍ﴾ (قمر، ۶): (بنابرین از ایشان روی بگردان. آن روزی که فرا خواننده به سوی چیز ناخوش آیندی فرا می‌خواند). (ر.ک: خرمدل، ۱۳۸۹، ۱۱۲۹).

ب) ﴿وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ﴾ (یوسف، ۵۸): (و برادران یوسف وقتی به پیش یوسف آمدند و او ایشان را شناخت، ولی آنان وی را نشناختند). (خرمدل، ۱۳۸۹ش، ۴۶۸).

ج) ﴿وَهَذَا ذِكْرُ مُبَارَكٍ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ﴾ (انبیاء، ۵۰): (این پنددهنده پرخیر و برکتی است که آن را نازل کرده‌ایم. آیا شما آن را منکر می‌شوید و ناشناخته‌اش می‌گیرید؟)

در این آیات، منکر و مشتقات آن به همان معنای لغوی تفریر شده آمده است.

مصادیق منکر در قرآن

مفهوم لغوی منکر مصادیق فراوانی در قرآن دارد. نمونه‌ای از این مصادیق‌ها عبارتند از:

الف) اعمال زشت و ناپسند، منکراند:

﴿إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّيْلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ﴾ (عنکبوت، ۲۹): (آیا شما با مردان آمیزش می‌کنید، و راه را می‌بندید و در باشگاه‌ها و مجالس خود کارهای زشت و ناپسند انجام می‌دهید؟) (ر.ک: خرمندل، ۱۳۸۹ش، ۸۴۰).

خداوند به طور ذاتی و فطری در وجود هر مرد و زنی میل و گرایش نسبت به جنس مخالف را قرار داده است. در این میان افرادی هستند که با نادیده گرفتن سرشت بشری و عفت و حیا دست به آمیزش با هم‌جنسان خود می‌زنند که نتایج زیانبار و جبران‌ناپذیری را برای جامعه بشری به دنبال خواهد داشت. بر همین اساس خداوند در این آیه قوم لوط را که مشغول به هم‌چین عملی (لواط) بوده‌اند مورد خطاب و سرزنش قرار داده و از این عمل زشت به نام منکر یاد می‌کند که راه تولید و تکثیر نسل بشری را بسته و آنان را به عذاب دردناک وعده می‌دهد.

ب) ظاهر، منکر است:

﴿الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُم مِّنْ نِّسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُورٌ غَفُورٌ﴾ (مجادله، ۲): (کسانی که از زنان خود ظاهر می‌کنند، آنان مادرانشان نمی‌گردند، و بلکه مادرانشان تنها زنانی هستند که ایشان را زائیده‌اند. چنین کسانی

سخن ناهنجار و دروغی را می‌گویند. خداوند بسیار باگذشت و آمرزنده است. (ر.ک: خرمدل، ۱۳۸۹ش، ۱۱۶۳).

ظهار این است که مردی به زنش بگوید: تو برایم مثل مادرم هستی. (جرجانی، ۱۴۰۳هـ، ۱۴۴). از اعمال دوران جاهلیت می‌باشد که در اسلام نهی شده و انجام دهندگان آن گناهکارند و در صورت پشیمان شدن از حرفشان باید کفاره دهند؛ به این صورت که برده‌ای آزاد کنند و در صورت نیافتن شصت روز پی در پی روزه بگیرند و در صورت نتوانستن شصت فقیر غذا دهند. خداوند در این آیه افرادی که ظاهر می‌کنند را مخاطب قرار داده و سرزنش می‌کند و از این گفته آنان که شما مانند مادرانمان هستید (ظهار) به عنوان منکر و قول زور که سخنی دروغ و ناشایست می‌باشد یاد کرده است.

(ج) قتل، منکر است:

﴿فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقْتَلْتَنِي بِغَيْرِ زَكَاةٍ ۖ بَعِيرٍ ۖ نَفْسٍ لَّقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا﴾ (کهف، ۷۴): (به راه خود ادامه دادند تا آن گاه که به کودکی رسیدند. (خضر) او را کشت! (موسی) گفت: آیا انسان بیگناه و پاکی را کشتی، بدون آن که او کسی را کشته باشد؟! واقعاً کار زشت و ناپسندی کردی). (ر.ک: خرمدل، ۱۳۸۹ش، ۶۰۶).

قتل فرد بی‌گناه، از گناهان کبیره می‌باشد که انجام دهنده آن قصاص می‌شود و یا در صورتی که قتل خطا بوده باید دیه آن را بپردازد. در این آیه به قسمتی از داستان موسی و خضر اشاره شده است که هنگام سفر به کودکی رسیدند و خضر او را کشت و موسی او را به خاطر این کار سرزنش کرد و در پایان از این کارش (قتل فرد بی‌گناه) به عنوان کار ناپسند و زشت یاد نموده است.

در آیات مذکور به کارهای ناپسند در حوزه خانواده و روابط جنسی، لفظ و قول ناپسند و قتل فرد بی‌گناه با منکر و مشتقات آن توصیف شده است که همه این موارد از مفاهیم اجتماعی می‌باشند و از حوزه اعمال فردی و شخصی به دور است.

نتیجه‌گیری

- معروف در لغت به معنای کاری شناخته شده و پسندیده است که نفس نسبت به آن آرام می‌گیرد. منکر در لغت به معنای کاری ناشناس و غریب و ناپسند است که برای انسان‌ها ناخوشایند است. معروف و منکر در قرآن نیز به همین معانی به کار گرفته شده‌اند.
- در قرآن واژه معروف در رابطه با حقوق و مسائل خانوادگی بسامد بالایی دارد و در توصیف گفتار نیز به کار گرفته شده است.
- از مصادیق منکر در قرآن: لواط،ظهار، قتل و قول ناپسند است.
- بررسی مصادیق معروف و منکر در قرآن نشان می‌دهد که کارایی این دو واژه در حوزه مسائل اجتماعی است و در حوزه فردی کارایی قابل ملاحظه‌ای ندارد.

منابع

قرآن کریم.

- ابن درید، محمد بن حسن، *جمهرة اللغة*، تحقیق: الدكتور رمزی منیر بعلبکی، دار العلم للملایین، بیروت-لبنان، چاپ اول، ۱۹۸۷م.
- ابن فارس، احمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، چاپ اتحاد الکتاب العرب، ۱۴۲۳هـ/ ۲۰۰۲م.
- ازهری، محمد بن احمد، *تهذیب اللغة*، تحقیق: محمد علی نجار، بی‌نا، بی‌تا.
- جرجانی، علی بن محمد، *کتاب التعریفات*، دار الکتب العلمیة بیروت-لبنان، چاپ اول، ۱۴۰۳هـ/ ۱۹۸۳م.
- خرمدل، مصطفی، *تفسیر نور*، نشر احسان، چاپخانه اسوه، چاپ هشتم، ۱۳۸۹.
- زبیدی، محب الدین، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقیق: علی سیری، دارالفکر، بیروت-لبنان، چاپ اول، ۱۴۲۶-۱۴۲۵هـ/ ۲۰۰۵م.
- زمخشری، محمود بن عمرو، *أساس البلاغة*، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت-لبنان، چاپ اول، ۱۴۲۲هـ/ ۲۰۰۱م.
- زوزنی، حسین بن احمد، *شرح المعلقات السبع*، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۳هـ/ ۲۰۰۲م.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت-لبنان، چاپ دوم، ۱۴۲۶هـ/ ۲۰۰۵م.

راهبردهای قرآنی برای امر به معروف و نهی از منکر

یوسف قلندرانی (طالب العلم ترم ششم رشته شریعت - اوز)

yousef.gh6495@gmail.com

چکیده

تاریخ نشان می‌دهد که در هر دوره انسان‌ها به مسائل خاصی توجه داشته‌اند و پژوهش‌های فراوانی در مورد آن انجام داده‌اند، مانند مسأله جبر و اختیار در قرن دوم و سوم هجری و عصر حاضر مانند سایر دوران چالش‌های خاص خود را دارد. یکی از این چالش‌ها مسأله امر به معروف و نهی از منکر است که به معضلی پیچیده تبدیل شده و اجرای نادرست و نسنجیده آن، جامعه را به قهقرا کشانده است.

پژوهش‌های متعددی در مورد این موضوع انجام شده است و این پژوهش نیز یکی از آنها است. استقرای آیات قرآن گویای آن است که امر به معروف و نهی از منکر از دستورات الهی است؛ بنابراین اولین داعی به خیر، خدا است که پس از خود این بار مهم و خطیر را بر دوش پیامبران و مؤمنین نهاده است تا جامعه را اصلاح کنند. از آن جایی که دعوت به خیر، امر خداوند و قرآن دعوت‌نامه خدا است، پیامبران و مؤمنان در این مسیر باید به فرمول‌های الهی که روشنگر راه هستند، تمسک جویند و به آن چنگ زنند. این فرمول‌ها شامل رعایت اصل حکمت، رابطه ولایی، شناساندن مدعو به، تقدیم امر به معروف بر نهی از منکر و آراسته بودن داعی به مدعو به می‌شود.

کلیدواژه‌ها: امر به معروف، نهی از منکر، قرآن، رب، رابطه ولائی، حکمت.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین اصول قرآنی که مورد تاکید فراوان قرار گرفته است، توجه به عمل‌گرایی و انجام اعمال صالح و مفید برای جامعه می‌باشد؛ چرا که انجام اعمال صالح و مشکل‌گشا منجر به اصلاح مفاسد، حل معضلات و ارتقای سطوح مختلف خانوادگی و اجتماعی می‌شود. یکی از شروط لازم برای انجام هر فعلی، فهم درست یا نادرست بودن آن است که با فعالیت‌های علمی مشخص می‌شود؛ بنابراین فعالیت‌های علمی باید در راستای تشخیص اعمال صالح و عمران‌ساز باشد؛ بنابراین فعالیت‌های علمی که در راستای حل مشکلات جامعه و دربردارنده پیامدی مثبت نباشد، فعالیت‌های ناقص، ناکارآمد و مغایر با منهج الهی است.

این مقدمات نگارنده را بر آن داشت تا با توجه به آشفتگی‌ها و اختلاف‌نظرهای موجود درباره مسئله امر به معروف و نهی از منکر و تلاش برای حل آن، مقاله‌ای را تدوین کند. موضوع حاضر چالش‌ها و نقاط کور بسیاری دارد از جمله: ماهیت امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ دعوت به خیر وظیفه چه کسی یا کسانی است؟ شروط دعوت به خیر و ویژگی‌های داعی چیست؟ این پژوهش با محور قرار دادن قرآن، به صورت تحلیلی-توصیفی مسائل را بررسی کرده و به آن‌ها پاسخ می‌دهد.

از آثار موجود در این زمینه «امر به معروف و نهی از منکر»، اثر محمد مجتهد شبستری است. مولف، امر به معروف و نهی از منکر را از منظر قرآن، روایات، ائمه و مراجع تقلید بررسی کرده است. اما محور بحث حاضر صرفاً رویکرد قرآنی به این موضوع است. اثر دیگر «ده درس پیرامون امر به معروف و نهی از منکر» از محسن قرائتی با محوریت قرآن و روایات است. تفاوت این با پژوهش سابق، علاوه بر تفاوت در رویکرد پژوهش، اختلاف در نحوه بررسی است و پژوهش حاضر از تحقیقی دقیق‌تر و جامع‌تر نسبت به اثر ایشان برخوردار است.

تبیین مفاهیم

با توجه به اهمیت ویژه لغات قرآن در فهم آن، به بررسی کلمات کلیدی بحث می‌پردازیم.

"عرف؛ ضد نکر" است و در مقایسه اللغه دو اصل تتابع و اتصال دو شیء و سکون و طمانینه برای آن ذکر شده است و بنا به قول خلیل ابن احمد عریف به معنای فردی است که برای مردم شفاف سازی می‌کند.

اطلاعات ناکافی و غرابت نسبت به موضوع فرد را پریشان و مشوش می‌کند، اما در مقابلش شناختن و احاطه به موضوع فرد را به سکون و اطمینان می‌رساند و بر همین اساس عرف به معنای اطمینان آمده است. (ابن فارس، ۱۹۷۹ م، ۲۸۱/۴؛ فراهیدی، بی تا، ۱۲۱/۲).

همانطور که گفته شد "نکر؛ ضد عرف" و به معنای چیزی است که قلب مطمئن به آن نیست و آن را نمی‌پذیرد. (ابن فارس، ۱۹۷۹ م، ۴۷۶/۵).

ابن فارس امر را ضد نهی و به معنای "افعل کذا" آورده است. (ابن فارس، ۱۹۷۹ م، ۱۳۷/۱).
 "رب" در لغت به معنای تربیت کردن و پرورش دادن است و قرابت معنایی آن با ریشه ربو به معنای رشد کردن هم گویای همین مطلب است.

رب یکی از اسماء خداوند و مشتق از ریشه ربب به معنای مربی و پرورش دهنده است. مربوب به معنای پرورش یافته است. ربیبه یکی دیگر از مشتقات این ریشه و به معنای دختر همسر است که در خانه شوهر تربیت و رشد می‌یابد. (جوهری، ۱۹۸۷ م، ۱۳۰/۱؛ فراهیدی، بی تا، ۲۵۶/۸ و ۲۵۷).
 "ولی" در لغت به معنای بارانی که پشت سر هم و پیایی می‌آید، و به معنای قرابت، معتق، صاحب، ناصر، جار و ... وارد شده است که قرابت و همبستگی قدر مشترک همه آنها است. (ابن فارس، ۱۹۷۹ م، ۱۴۱/۶).

دیدگاه مفسرین

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران، ۱۰۴).^{۲۸}

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (آل عمران، ۱۱۰).^{۲۹}

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه، ۷۱).^{۳۰}

با توجه به صیغه و دلالت "ولتكن" که از دیدگاه مفسرین فعل امر است، حکم به وجوب آن داده‌اند، اما با توجه به حرف "من" دو دیدگاه فرض عین یا کفایی بودن امر به معروف و نهی از منکر مطرح شده است. (ابن کثیر، ۱۹۹۹م، ۷۸/۲؛ تحریر و تنویر، ۱۹۸۴هـ، ۳۷/۴ و ۳۸؛ مفاتیح‌الغیب، ۱۴۲۰هـ، ۳۱۴/۸ و ۳۱۵؛ الکشاف، ۱۴۰۷، ۳۹۶/۱).

درباره دلالت حرف "من" در آیه ۱۰۴ سوره آل عمران در بین مفسرین اختلاف نظر وجود دارد و بر مبنای تفاوت دلالت این حرف جاره مفاهیمی متفاوت از آیه استنباط کرده‌اند.

- گروهی از مفسرین با استدلال به "فاجتنبوا الرجس من الأوثان" که "من" را تبیین می‌دانند و نه تبعیضیه، دلالت "من" در این آیه را هم برای تبیین ذکر کرده‌اند؛ بنابراین امر به معروف و نهی از منکر با دست و زبان و قلب و وظیفه تک تک افراد امت است.

^{۲۸} و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند.

^{۲۹} شما بهترین امتی هستید که [برای اصلاح جوامع انسانی] پدیدار شده‌اید، به کار شایسته و پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند و زشت بازمی‌دارید، و [از روی تحقیق، معرفت، صدق و اخلاص] به خدا ایمان می‌آورید. و اگر اهل کتاب ایمان می‌آوردند قطعاً برای آنان بهتر بود؛ برخی از آنان مؤمن [به قرآن و پیامبرند] و بیشترشان فاسقند.

^{۳۰} و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و نماز را بر پا می‌کنند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است.

-دومین گروه از مفسرین "من" را برای تبعیض خواندند که در این صورت گروهی از افراد جامعه مثل زنان، مریضان و عاجزان از این تکلیف معاف می‌شوند.

-سومین گروه از مفسرین که دیدگاهشان با دیدگاه مؤلف همخوانی بیشتری دارد گروهی‌اند که امر به معروف و نهی از منکر را امری تخصصی قلمداد می‌کنند؛ بنابراین آن‌را مختص علما و مبتنی بر علم می‌دانند، زیرا جاهلان به خاطر عدم شناخت ممکن است امر به منکر و نهی از معروف بکنند و یا برخوردی نامناسب داشته باشند؛ هرچند با توجه به گفته پیامبر (صلی الله علیه و سلم) «مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ يَدِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فِلِسَانِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَيَقُلْهُ وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ» وَفِي رِوَايَةٍ: وَلَيْسَ وَرَاءَ ذَلِكَ مِنَ الْإِيمَانِ حَبَّةُ خَرْدَلٍ» امر به معروف و نهی از منکر وظیفه جمیع افراد است و هرکس به نوبه خود باید به آن عمل کند.

-چهارمین دیدگاه، نظر مفسرینی است که امر به معروف و نهی از منکر نزد آن‌ها مختص صحابه که متعلمان مکتب رسول، وارثان و حافظان و معلمان رسالت او هستند، است.

-آخرین گروه، گروهی‌اند که با توجه به سیاق آیات، "من" در عبارت "منکم" را تبیینیه و مختص صحابه می‌داند؛ منتها به طریق قیاس این فریضه را تسری می‌دهد و آیندگان را هم در بر می‌گیرد. (مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰هـ ۳۱۴/۸ و ۳۱۵)، (الکشاف، ۱۴۰۷، ۳۹۶/۱)، (ابن کثیر، ۱۹۹۹م، ۷۸/۲)، (تحریر و تنویر، ۱۹۸۴هـ ۳۷/۴ و ۳۸)، . (بغوی، ۱۹۹۷م، ۸۴/۲).

"أُمّه" نزد مفسرین بر جماعتی اطلاق می‌شود که قصد و هدف آن‌ها یکی است و حول محوری واحد مانند دین جمع شده‌اند. (تحریر و تنویر، ۱۹۸۴هـ ۳۷/۴ و ۳۸).

مفسرین "الخیر" را اسلام، و عبارت "یدعون إلى الخیر" را دعوت به شریعت اسلام تفسیر کرده‌اند؛ همچنین عبارت "یأمرون بالمعروف" را اتباع از محمد و شریعتش و "ینهون عن المنکر" را تحذیر از کفر به خدا و تکذیب محمد و آموزه‌های الهی تفسیر کرده‌اند. (طبری، ۲۰۰۰م، ۹۰/۷ و ۹۱).

مفسرین افراد باقی در بهشت را مصداق "المفلحون" می‌دانند؛ همچنین فخر رازی در ذیل عبارت "و أولئك هم المفلحون" فاسقین را با این توجیه که آنها مفلح نیستند، از دعوت به خیر منع می‌کند و با اشاره به آیات ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْهَوْنَ عَنْفُسَكُمْ — لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ اصلاح نفس آمر/ ناهی را مقدمه امر به معروف و نهی از منکر می‌داند. (مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰هـ. ۳۱۴/۸ و ۳۱۵؛ طبری، ۲۰۰۰م، ۹۱/۷).

فخر رازی ذیل آیه ۱۱۰ آل عمران علت قرار دادن پیروان محمد (صلی الله علیه و سلم) در کنار اهل کتاب (با توجه به عصیان و تمرد آنها) و مخاطب قرار دادن مسلمانان با عبارت ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾ را بازداشتن مسلمانان از تجاوز و تعدی بیان کرده است تا بدینوسیله عبرت گرفته و بتوانند افضلیت خود در لوح محفوظ را پاس بدارند. (مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰هـ. ۳۲۳/۸ و ۳۲۴) "کنتم خیر امة" عبارت دیگری است که چند دیدگاه درباره آن مطرح شده که عبارتند از:

- "کان" تامه و بدون نیاز به خبر است؛ بنابر این به معنای "وجدتم/خلقتم خیر امة" است.

- "کان" ناقصه است و ممکن است خبر بودن غیر دائمی و زوال پذیر باشد.

- "کان" زائده باشد؛ به گونه‌ای که اظهار و اضممارش مساوی است؛ مگر اینکه برای تأکید باشد.

- "کان" به معنای "صار" و برای صیروت باشد؛ که در این حالت امری انتسابی و ذاتی نیست؛

بلکه وصفی اکتسابی است که با دعوت به خیر و ایمان به خدا حاصل می‌شود؛ بنابراین اتصاف

اهل کتاب به این صفت امری محال نیست و با امر به معروف و نهی از منکر، در کنار ایمان به

خدا قابل وصول است.

- "کان" دلالت بر وقوع در گذشته دارد و ممکن است در آینده همچنان موجود باشد مانند

عبارت "و کان الله غفورا رحیما" که غفران و رحمت خداوند مستمر است.

- "کان" به این معنا که در علم خدا بهترین امة هستید و یا هم در بین گذشتگان به بهترین بودن

معروف بودید.

- ابن عباس و مجاهد و عطیة العوفی و عكرمة و عطاء و الربیع بن أنس ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾ را " خَيْرَ النَّاسِ لِلنَّاسِ " و " أَنَّهُمْ خَيْرُ الْأُمَمِ وَأَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ " تفسیر کرده‌اند؛ بنابراین "تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ" که زمینه‌ساز خیر بودن هستند در ادامه عبارت "كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ" ذکر شده است.

- بغوی سبب نزول آیه ۱۱۰ آل عمران را این‌گونه بیان می‌کند که آیه درباره ابنِ مَسْعُودٍ وَأَبِي بَنِ كَعْبٍ وَمُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ وَسَلِيمِ مَوْلَى أَبِي خَدِيفَةَ و در جواب افراد یهودی که خود و شریعت خود را برتر می‌دانستند نازل شده است و منظور از "خیر اُمه" هم مهاجرین یا اصحاب رسول □ است.

گروهی دیگر از مفسرین هم وجود دارند که با استدلالی دیگر و با توجه به مصاحبت صحابه با خیر الرسل و روایت "خیر القرون قرنی" صحابه را بهترین افراد و مصداق عبارت "كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ" دانسته‌اند. (مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰هـ / ۸/۳۲۳ و ۳۲۴)، (الكشاف، ۱۴۰۷، ۱/۴۰۰)، (ابن کثیر، ۱۹۹۹م، ۲/۸۰)، (تحریر و تنویر، ۱۹۸۴هـ / ۴/۴۸ و ۴۹)، (بغوی، ۱۹۹۷، ۲/۸۹).

آخرین و از کلیدی‌ترین آیات این مبحث که نزد مفسرین آن‌گونه که باید به آن توجه نشده است آیه ۷۱ توبه است.

گروهی از مفسرین ولایت مؤمنان دیگر در عبارت ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾ را در دین و نصرت و عون ذکر کرده‌اند و گروهی دیگر عبارت را با استفاده از روایات «الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْأُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا» و «مِثْلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ كَمِثْلِ الْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالْحَمَى وَالسَّهَرِ» تبیین کرده‌اند.

برخی دیگر تقابل دو عبارت "والمؤمنون و المؤمنات بعضهم أولياء بعض" و "المنافقون و المنافقات بعضهم من بعض" را بیانگر وجود ولایت اسلامی بین مؤمنین می‌دانند، اما مؤلف نتوانست مفسری را بیابد که به ارتباط رابطه ولایی بین مؤمنان و دعوت به خیر پرداخته باشد.

(ابن کنیر، ۱۹۹۹م، ۴/۱۵۳ و ۱۵۴)، (بغوی، ۱۹۹۷، ۴/۷۲ و ۷۳)، (تحریر و تنویر، ۱۹۸۴هـ، ۱۰/۲۶۲ و ۲۶۳).
با توجه به نقل قول‌های ذکر شده مرکز توجه و اختلاف مفسرین درباره دلالت "ولتکن" و حرف
"من" در آیه ۱۰۴ آل عمران و "کان" در آیه ۱۱۰ سوره آل عمران بود و اینکه امر به معروف
و نهی از منکر امری شرعی است.

عرف و نکر در قرآن

عرف و نکر دو ریشه پر تکرار قرآنی است که به ترتیب بیش از ۷۰ و ۳۰ بار در قرآن به اشکال مختلف اسمی و فعلی کلمه نظیر عرفات، لتعرفنهم، عرفناهم، عرف، تعارفوا، معروف، نکرا، انکر، تنکرون، منکر و منکر آمده‌اند.

معروف و منکر از جمله اسم‌های مشتق از همین دو ریشه‌اند که روی هم رفته بیش از ۵۰ بار در قرآن در مباحث مختلف و با ترکیب‌های متفاوت استعمال شده است؛ برای مثال واژه "معروف" جدا از مبحث "امر به معروف" در بحث قصاص، وصیت، طلاق، رضاع، مهریه و ... به کار رفته است که خداوند با استفاده از این امر به معروف‌ها به دنبال سازماندهی و نظام‌مند کردن جامعه بر اساس قوانین شناخته شده و مأنوس است.

واژه "منکر" نیز سوای از مبحث "نهی از منکر" در داستان مهمانان حضرت ابراهیم، رفتار منافقین و نشانه‌های شناختی کفار به چشم می‌خورد.

در قرآن علاوه بر تکرار ۱۱ بار ترکیب "امر به معروف یا نهی از منکر"، بارها امر به معروف یا نهی از منکر با تعبیراتی چون "تواصو بالحق، تواصو بالصبر، لولا ینهاهم الربانیون و الأحبار عن قولهم الإثم و اكلهم السحت، ینهی عن الفحشاء، ینهون عن الفساد، قلن قولا معروفا، و امر أهلك بالصلاه، یأمر أهله بالصلاه و ... " تکرار شده است و جدای از آیاتی که به طور مستقیم "امر به معروف و نهی از منکر" را تبیین و قوانین آن را تحدید می‌کنند، باقی قرآن مصادیقی از اجرای این فریضه الهی و اعمال این قوانین است. به عبارتی دیگر می‌توان گفت کل قرآن چیزی جز امر به معروف و نهی از منکر نیست. به این صورت که معظم قرآن نظیر دعوت پیامبران به یکتا پرستی، انجام اعمال صالح، اقامه صلاه، ایتاء زکاه، احسان، صبر، عفو و گذشت، بر، توجه به وصیت و خانواده و ... که مستقیماً مربوط به مبحث امر به معروف هستند و در مقابل آن تحذیر از ظلم، فحشاء، منکر، بغی، اثم، سرقت، دروغ، کفر، کتمان حقیقت، رشوه، قتل، ربا خواری و ...

مستقیماً به مبحث نهی از منکر برمی‌گردد و باقی آیات در مورد آفاق، قیامت، حساب و کتاب و در نتیجه سعادت و شقاوت، عذاب دنیوی و اخروی اقوام بزه‌کار و ... به صورت تلویحی مقدمه یا مؤخره امر به معروف و نهی از منکرهای قرآنی و ضامنی بر اجرای خیرها هستند.

بررسی آیات

ارتباط مقام ربوبی خدا با امر به معروف و نهی از منکر

قبل از ورود به آیات و بررسی آنها لازم است به تلازم و ارتباط مقام ربوبی خداوند با دعوت به خیر پرداخته شود.

با توجه به معنای لغوی رب که در مقوله بررسی‌های لغوی به آن پرداختیم، رب عبارت از پروردگار و خداوند پروردگار جهانیان است؛ یعنی کسی که مسئولیت آموزش و پرورش بندگان، جمادات و نباتات را بر عهده دارد. خداوند در قرآن با اجرایی کردن آن و ذکر مصادیقی قضیه را برای مخاطبین واضح‌تر کرده که در این جستار نمونه‌هایی از آن ذکر می‌شود؛ برای مثال خداوند در قرآن خودش را محسن خطاب کرده، لذا خواهان انجام عمل محسنانه از بندگان هم می‌باشد در قرآن بیان داشته که کمترین ظلمی نمی‌کند و بر همین اساس بندگان را هم به دوری از ظلم سفارش می‌کند رحمت گستر و مهربان است و پیامبرانش را هم به این امر سفارش کرده و آنها را مهربان توصیف کرده و حکیم و سنجیده کار است؛ شرایط و نیاز بندگان را درک کرده و براساس آن حکم می‌کند؛ بنابراین پیامبران را به تعلیم و مخاطبین را به تعلم حکمت فراخوانده و در آخر، کل قرآن لبریز از امر به معروف و نهی از منکرهای خداوندی است که انجام آن بوجه احسن را از مؤمنین هم می‌خواهد.

﴿فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ، الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ، يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ، اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ - إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ، وَلَا يَظْلَمُونَ قَلِيلاً، حَرَّمَ ... الْبَغْيَ بَغْيَ الْحَقِّ، إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ - وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، رَبُّنَا وَسِعَتْ كُلُّ شَيْءٍ الرَّحْمَتَا وَعِلْمَا، كِتَابُ مُوسَى إِمَاماً وَرَحْمَةً، وَلَتَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِّنَّا، وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ، لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ

حَوْلِكَ. إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ. يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِهِ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ. وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ. ﴿١٠٤﴾

قرآن مملو از این دست مثال‌ها است و امر به معروف و نهی از منکر نمونه‌ای از کارهایی است که خداوند بر اساس مقام ربوبی‌اش متخلق به آن است و تخلق به آن‌را از مؤمنین می‌خواهد.

بنابراین اولین و عالی‌ترین داعی به خیر، خدا و قرآن، نمونه‌ای از دعوت خداوند است.

حال که امر به معروف و نهی از منکر از افعال ربوبی خداوند است و دوام و قرار آن بر دوش مؤمنین گذاشته شده، مؤمنین باید آن‌را به گونه‌ای که پروردگار در قرآن انجام داده و شرایطی که معرفی کرده است انجام دهند.

امر به معروف و نهی از منکر مهم‌ترین وظائف پیامبران

اولین و دومین وظایف پیامبران به عنوان مصلحان اجتماعی که با دلسوزی و اخلاص به آن می‌پردازند امر به معروف ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ﴾ و نهی از منکر ﴿اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ است.

ایمان و دعوت به خیر

اولین آیه‌ای که در این مبحث به آن پرداخته می‌شود، آیه ۱۰۴ آل عمران است. خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾.

آیه در سیاق تمسک به حبل الله و عدم تفرقه وارد شده است و پیروان پیامبر را مأمور دعوت به خیر کرده است؛ امر به معروف و نهی از منکر ابزار دعوت به خیر است که اصلاح جامعه، اتحاد جامعه مؤمنین و رستگاری را در پی دارد.

مفهوم این آیه در آیه ۱۱۴ همین سوره از اوصاف مؤمنین اهل کتاب قلمداد شده که سبب اصلاح آنها می‌شود. اصلی‌ترین غایت امر به معروف و نهی منکر، اصلاح جامعه و حذف فساد

از آن است که فرجام آن رستگاری ابدی است. ﴿يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُؤْمِنُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾.

سومین آیه در این مبحث، آیه ۱۱۰ سوره آل عمران است که امر به معروف و نهی از منکر در کنار ایمان به خدا را یکی از شروط بهترین بودن برای مردم می‌داند؛ بنابراین کسی که در کنار آراستگی خود به ایمان، امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهد، از بهترینان برای مردم و مصلحان اجتماعی می‌شود و در نتیجه لاخوف علیهم ولا هم یحزنون.

آیه‌ای دیگر که به همسویی و ارتباط تنگاتنگ ایمان به خدا و امر به معروف و نهی از منکر اشاره دارد آیه ۱۱۰ توبه است که در آنجا امر به معروف و ناهی از منکر بودن را از اوصاف مؤمنین می‌داند.

از مسئولیت‌های انسان مؤمن همانطور که از صیغه‌اش پیداست امنیت‌آفرینی است که از لوازم ایمانش است و یکی از راه‌هایش امر به معروف و نهی از منکر است.

مفهوم منعکس در آیه ۱۰۴ آل عمران که در آنجا خداوند فرموده: "برای دعوت به خیر، گروهی با هدف واحد باشند تا پس از شناخت معروف و منکر، جامعه را به آن، امر و یا از آن برحذر دارند" انعکاس این مضمون در داستان اصحاب سبت و آیه ۱۱۷ سوره هود هم قابل مشاهده است. ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ ﴿وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَى رَبِّكُم وَ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾^{۳۱} (اعراف، ۱۶۴) ﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِیَهْلِكَ الْقَرَىٰ بِظُلْمٍ وَ أَهْلِهَا مُصْلِحُونَ﴾^{۳۲}.

بنابراین آیات دعوت به خیر از اقتضائات ایمان و وظیفه مؤمنین است که سبب اصلاح و تزریق امنیت به جامعه می‌شود و حیات طیبه دو جهان را در پی دارد.

^{۳۱} و آنگاه که گروهی از ایشان گفتند برای چه قومی را که خدا هلاک‌کننده ایشان است یا آنان را به عذابی سخت عذاب خواهد کرد پند می‌دهید گفتند تا معذرتی پیش پروردگارتان باشد و شاید که آنان پرهیزگاری کنند.

^{۳۲} و پروردگار تو [هرگز] بر آن نبوده است که شهرهایی را که مردمش اصلاح‌گرند به ستم هلاک کند.

ویژگی‌های شیاطین انس و جن

امر به منکر و نهی از معروف عملکردی خلاف منهج خدا و از علامات پیروان شیاطین انس و جن می‌باشد. ﴿الْمَنَافِقُونَ وَ الْمَنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَنكَرِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ — وَ مِنْ يَتَّبِعِ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَ الْمَنكَرِ﴾.

امر به منکر، علت لعن بنی اسرائیل

با توجه به آیه ۷۸ سوره مائده علت لعن بنی اسرائیل عصیان و تعدی آنها است که نمونه‌ای از نافرمانی‌های آنها نهی نکردن از منکر بود. مصداقی دیگر از این مقوله را در آیه ۶۳ همین سوره و توبیخ ربانیون و احبار می‌توان یافت. ﴿لَعَنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ، كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مَنكَرٍ فَعَلُوهُ — لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّائِيُّونَ وَ الْأَجْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَ أَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾.

امر به معروف و نهی از منکر در زبان لقمان علیه السلام

امر به معروف و نهی از منکر از زبان لقمان در زمره بهترین پند و اندرزها وارد شده است.

شرایط و لوازم امر به معروف و نهی از منکر

اصل حکمت در دعوت به خیر

شالوده و اساس دعوت به خیر که سایر مباحث گوشه‌ای از آن هستند، این است که امر به معروف همانند پروردگار و فرستادگانش "أَدْعِ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ — قَوْلُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا" سرلوحه مسیر دعوتش باشد. اصلی که از بارزترین صفات خدا است و آخرین فرستاده‌اش را مأمور آموزش آن به امتش قرار داده. ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَ مِنْ اتَّبَعَنِي — إِنَّ رَبِّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ — إِنَّ رَبِّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ — وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يَزَكِّيهِمْ﴾.

برای تبیین بهتر موضوع به دو نمونه از حکمت‌های قرآنی اشاره می‌شود:

خداوند در آغاز تحظیر و ممنوع کردن شرک‌ورزی خیلی دقیق و حکیمانه مقدمات را فراهم کرده و با ذکر نعمت‌ها و برکاتش آن‌ها را برای پذیرش مواعظش آماده می‌سازد. ﴿الذی جعل لکم الأرض فراشا و السّماء بناءً و أنزل من السّماء ماءً فأخرج به من الثّمّرات رزقاً لکم - فلا تجعلوا لله أنداداً و أنتم تعلمون﴾ (بقره، ۲۲)۳۳.

از قبیل این مثال‌ها، مقدمه‌چینی‌ها و مکالمات منطقی در آغاز دعوت به خیر در سوره‌های دیگر قرآن؛ مثل اعراف و مریم و انبیاء و عنکبوت و... بسیار فراوان است که باید الگو و سرمشق مؤمنین در این مسیر باشد و منهج خود را بر اساس آن بریزند.

دومین مثال در مبحث حکمت، مثالی است که عملکرد خداوند با توجه به وسع و توانایی بندگان در پذیرش و انجام احکام را به تصویر می‌کشد، جریان تحریم تدریجی خمر است که به وضوح می‌توان انعکاس رحمت خدا در احکامش را مشاهده کرد که چگونه ظرفیت بندگان را در نظر گرفته و با تعبیر مختلف آن‌ها را برای پذیرش حکم ﴿یا ایها الذین آمنوا إنما الخمر و المیسر رجسٌ من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون﴾ آماده می‌کند. ۱- یسلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما إثمٌ کبیرٌ و منافع للناس و إثمهما اکبرٌ من نفعهما ۲- لا تقربوا الصّلاه و أنتم سُکّاری﴾.

تشخیص معروف و منکر

جامعه با هنجارها و ارزش‌های خود، معروف و منکر را تشخیص می‌دهد. شرع پس از اثبات معروف یا منکر بودن فعل توسط جامعه، به آن امر یا از آن نهی می‌کند. نمونه بارز این موضوع، تحریم خمر در قرآن است. خداوند پس از آنکه شرب خمر در جامعه عرب به عنوان منکر شناخته شد، فرمود: ﴿إِنَّمَا الخمر و المیسر رجسٌ من عمل الشیطان﴾.

۳۳ همان [خدایی] که زمین را برای شما فرشی [گسترده] و آسمان را بنایی [افراشته] قرار داد و از آسمان آبی فرود آورد و بدان از میوه‌ها رزقی برای شما بیرون آورد پس برای خدا همتیانی قرار ندهید در حالی که خود می‌دانید.

بنابراین با توجه به آیات ﴿وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا﴾ _ ذالک أن لم یکن ربک مُهلِک القرى بظلم و أهلها غافلون﴾ تا زمان عدم تشخیص معروف یا منکر نمی‌توان عاملان به منکر یا تارکان معروف را توبیخ یا ملامت کرد.

تقدیم امر به معروف یا نهی از منکر؟

از حکمت‌های دیگر این مبحث در دعوت به خیر با توجه به ترتیب امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و آیات سوره نحل و اعراف، تقدیم امر به معروف بر نهی از منکر می‌باشد که خداوند فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ _ لا تفسدو فی الارض بعد اصلاحها﴾ همانطور که می‌بینیم خداوند امر به معروف را بر نهی از منکر مقدم داشته است.

رابطه ولایی

خداوند می‌فرماید: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾. از اصلی‌ترین و ابتدایی‌ترین شروط وضع شده در قرآن برای امر به معروف و نهی از منکر، وجود رابطه ولایی بین دو طرف مسئله یعنی آمر و مأمور- ناهی و منهی است و همانطور که در بحث لغوی به آن اشاره شد رابطه ولایی ارتباطی فراتر از پیوند دوستی است؛ رابطه‌ای که مدار توارث است و در آن تبادل منافع رخ می‌دهد.

خداوند در مقوله ارث می‌فرماید: ﴿وَلِكُلٍّ جَعَلْنَا مَوَالِي مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ﴾ یعنی وارثین میت با او رابطه ولایی دارند و در دو جای دیگر رابطه ولایی را توضیح می‌دهد که: ﴿أَبَاءُكُمْ وَ أُمَّهَاتُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيْهَمُ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا وَ عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ﴾ یعنی رابطه ولایی که مبنای ارث و از مبانی امر به معروف و نهی از منکر است عبارت از این است که بین پدران و فرزندان منافع مبادله شود و اگر سرپرست خانواده توانایی پرداخت خرج و مخارج را نداشت، وارثینش که با سرپرست رابطه ولایی دارند، این مسئولیت را برعهده گیرند.

خداوند در خلال توصیف صحنه‌های هولناک و مخوف قیامت که هیچ‌کس توانایی حل مشکلی از دیگری را ندارد می‌فرماید ﴿يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا﴾ عبارات گویای آن است که در اینجا حتی از دست کسانی که در دنیا غم‌خوار هم بودند هم کاری بر نمی‌آید و از یک‌دیگر می‌گیرند. ﴿يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ، وَأُمُّهُ وَأُيُوبِهِ﴾.

تعبیر قرآنی با خطاب قرار دادن جامعه قرآنی به عنوان جسدی واحد به ما می‌فهماند که چشم‌انداز و مقصد قرآن موجودیت رابطه ولایی بین مؤمنین است، اما اگر شخص دیدی واقع‌گرایانه داشته باشد متوجه می‌شود که به هر دلیلی بین جامعه و مقصود خداوند شکافی وجود دارد و مد نظر قرار دادن این اختلافات ضروری است. ﴿اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾ _ لقد من الله على المؤمنين إذ بعث فيهم رسولا من أنفسهم _ كما أرسلنا فيكم رسولا منكم _ إنما وليكم الله ورسوله والذين آمنوا الذين يُقيمون الصلاة و يُؤتون الزكاة و هم راکعون﴾.

از فروع دیگری که در مقوله وجود رابطه ولایی بین طرفین دعوت به خیر یعنی داعی و مدعو مطرح می‌شود این است که آیا بین خدا و مدعویین رابطه ولایی برقرار است؟

بله؛ خداوند در قرآن مکررا رابطه ولایی بین خودش و مؤمنین را اعلام و آن را به تصویر می‌کشد. خداوند با تلاوت آیات ایمان‌زا آن‌ها را مؤمن و پس از آن به دعوت آنها پرداخته. ﴿ثَلَيْتَ عَلَيْهِمْ آيَاتَهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا﴾ _ أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ _ الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ _ الَّذِينَ آمَنُوا بَنَاتِنَا وَ كَانُوا مُسْلِمِينَ _ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُم رَاكِعُونَ _ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ _ هُوَ مَوْلَاكُمْ _ رُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقَّ﴾.

چنین رابطه‌ای باید بین مؤمنین برقرار باشد تا امکان دعوت به خیر بدون تنش‌زایی باشد؛ آن وقت است که امر کردن به معروف و نهی از منکر نتیجه می‌دهد و تنشی در پی نخواهد داشت؛ مانند پدری که به فرزندش می‌گوید: "اقم الصلاة و امر بالمعروف و انه عن المنکر" و فرزندش آن را می‌پذیرد.

قطع رابطه ولایی

با توجه به اصل موجودیت رابطه ولایی بین پدر و فرزند گاهی رخ می‌دهد که با اتفاقاتی نظیر درگیری و نزاع، رابطه ولایی مخدوش، ارتباط قطع و تبادلات منافع راكد می‌شود؛ شبیه همین حادثه بین خدا و بندگانش رخ می‌دهد و به سبب عواملی متعدد مثل کفر، تکذیب، نشناختن، عدم رسیدن به ایمان، یقین و...، رابطه ولایی بین خدا و بندگانش قطع می‌شود و در چنین حالتی فرد مخاطب دعوت‌های خداوند نیست و خداوند در کتابش صراحتاً از انقطاع رابطه ولایی‌اش با منافقین منکر و مجرم خبر می‌دهد. ﴿مَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾.

دو صد گفته چون نیم کردار نیست

از آخرین موضوعاتی که در این جستار به آن پرداخته می‌شود رابطه و تناسب بین داعی و مدعوبه است. مبحث مهمی است و در به ثمر نشستن دعوت نقش بسزایی ایفا می‌کند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ، كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ (صف، ۲ و ۳) ۳۴. ﴿اتَّامُرُونَ النَّاسَ بِالْبُرِّ وَ تَسْؤُونَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (بقره، ۴۴) ۳۵. چنین و انتخاب واژگان آیات به وضوح گویای تأکید خداوند بر انجام مدعوبه از سمت داعی است، تا اینکه آمر به معروف یا ناهی از منکر چیزی را نگویند که به آن عمل نمی‌کند، زیرا چنین وضعیتی سبب کم شدن تأثیر دعوت داعی در مدعو؛ خداوند از چنین عملکردی که خلاف منهجش است بسیار ناراضی است و نهایت خشمش شامل حال چنین داعیانی که تعقل و خودداری نکردند، می‌شود.

۳۴ الا ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی به زبان می‌گویید که در مقام عمل خلاف آن می‌کنید؟

این عمل که سخن بگویند و خلاف آن کنید بسیار سخت خدا را به خشم و غضب می‌آورد.

۳۵ آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید با اینکه شما کتاب [خدا] را می‌خوانید آیا

[هیچ] نمی‌اندیشید؟!

همانطور که خداوند از بندگان خواسته مطابق گفتارشان عمل بکنند و از گفتن کاری را که انجام نمی‌دهند خودداری بکنند، خودش هم به اقتضای مقام ربوبی و الگو بودنش، این را در دعوتش رعایت کرده که به نمونه‌هایی از آن در مقوله "ارتباط بین مقام ربوبی خداوند و دعوت به خیر" اشاره شد؛ بنابراین در این مجال به بیان یک مثال اکتفا می‌شود که خداوند در مبحث عفو و گذشت، پس از اتصاف خودش به این اوصاف، بندگان را هم به این خیر دعوت می‌کند و همانطور که خودش واعظ غیر متعظ نیست، این را از بندگان هم می‌طلبد. ﴿إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ الرَّحِيمُ﴾ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا _ فاعفوا واصفحوا حتى يَأْتِيَ اللَّهُ.

آیا اجبار و الزام دیگران به انجام خیر موضوعیتی دارد؟

حیات و تجربه بشر گویای آن است که اتحاد ذهنیات و یکی بودن افکار انسان‌ها امری محال است که خداوند در خلقت انسان‌ها در پی آن نبوده و انسان‌ها را متفاوت خلق کرده است تا تعارف و تعامل صورت گرفته و زندگی جریان یابد. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (حجرات، ۱۳).^{۳۶} ﴿أَهْمُ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُلْحِرًا وَرَحْمَةً رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾. (زخرف، ۳۲).^{۳۷}

همانند اختلافات ذهنیات افراد، خداوند امت‌ها را هم مختلف خلق کرده است، اما بر وحدت و اتحاد امت (افرادی دارای هدف و چشم‌اندازی واحد که حول ملت و آیینی جمع شده‌اند) تاکید کرده است تا امت‌های مختلف با حفظ اتحاد و انسجام درونی در انجام نیکی‌ها و اعمال صالح دائما در حال مسابقه و سبقت گرفتن بر یک‌دیگر باشند. ﴿وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا— وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِيمَا آتَاكُمْ فَاسْتَقُوا الْخَيْرَاتِ — إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ — وَ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ﴾.

با توجه به اختلافات فطری افراد و در نتیجه امت‌ها، مسلماً اختلاف نظر و عمل، پیش می‌آید.

^{۳۶} ای مردم! ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی تردید خداوند دانای آگاه است.

^{۳۷} آیا آنانند که رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند ما [وسایل] معاش آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم و برخی از آنان را از [نظر] درجات بالاتر از بعضی [دیگر] قرار داده‌ایم تا بعضی از آنها بعضی [دیگر] را در خدمت گیرند و رحمت پروردگار تو از آنچه آنان می‌اندوزند بهتر است.

تمام انسان‌ها در کرامت و انسانیت برابرند. تنها شاخصی که برای تفضیل برخی بر برخی دیگر وجود دارد، تقوا است که آن هم عند الله است؛ نه عند الناس و دنیوی. بنابراین عدالت این است که همه در حقوق اجتماعی برابر باشند. ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾ ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾. مسئله عدالت، از محکمت قرآن و یکی از اصلی‌ترین مسائل اجتماعی به شمار می‌رود که شالوده جوامع انسانی است و سبب حفظ آن می‌شود، دایره‌ای بسیار گسترده دارد. خداوند در آیات بسیار زیادی به آن پرداخته است که به دو آیه محوری در این مبحث می‌شود. ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ ﴿وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا﴾.

آزادی بیان و عمل هم یکی از مسائل دیگری است که عدالت اجتماعی ضامن آن است. با توجه توصیه‌های اکید خداوند بر عدالت در قرآن، انسان‌ها در حقوق عمومی و اجتماعی برابر هستند و هیچ‌کس بر دیگری امتیاز و برتری ندارد؛ بنابراین هیچ‌کس حق خودبزرگ بینی، غرور، ظلم به دیگران، تعرض به حقوق آنها، سلب آزادی، تسلط بر آنها و تحمیل عقایدش بر آنها را ندارد و بر همین اساس خداوند به پیامبرش فرمود ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ لِّسَاسٍ عَلَيْهِمْ بِمُصِطَرٍّ﴾. ﴿إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ. إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ. مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ. مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ. فَهَلْ عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ. وَ مَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا وَ مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ. فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ الْمُبِينُ. فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَ عَلَيْنَا الْحِسَابُ. وَ إِنْ تَطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ. لَا أَكْرَاهُ فِي الدِّينِ. وَلَتَصْغِي إِلَيْهِ أَفْنَدُهُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَ لِيَرْضَوْهُ وَ لِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ. وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِظٌ عَلَيْهِمْ وَ مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ. فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ. قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ﴾.

بنابراین آیات هرکسی در انتخاب افکارش مختار است و کسی حق تحمیل عقائدش به دیگری را ندارد و داعیان هم از این اصل مستثنی نیستند؛ بنابراین اگر داعی به خیر با سودای دعوت به خیر به حقوق دیگری تعدی بکند و آزادی او را سلب کند، چنین شخصی، ظالمی است که

﴿يَعْنُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ﴾ را به اجرا گذاشته و وظیفه جامعه است که او را آگاه و مهار کند.
(لا يحب الله الجهر بالسوء من القول) ﴿إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا﴾ (نساء، ۱۴۸) ۳۸.

۳۸ خدا افشای بدی‌های دیگران را دوست ندارد، جز برای کسی که مورد ستم قرار گرفته است [که بر ستم‌دیده برای دفع ستم، افشای بدی‌های ستمکار جایز است] و خدا شنوا و داناست.

﴿وَمَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا﴾ (نساء، ۷۵).^{۳۹}

﴿وإن طائفتان من المؤمنين اقتتلوا فأصلحوا بينهما فإن بغت إحداهما على الأخرى فقاتلوا التي تبغي حتى تنفيء إلى أمر الله فإن فاءت فأصلحوا بينهما بالعدل وأقسطوا إن الله يحب الْمُقْسِطِينَ﴾ (حجرات، ۹).^{۴۰}

نتیجه گیری

- با توجه به مقام ربوبی، اولین و بهترین داعی خداوند است و قرآن بهترین نمونه از دعوت به خیر است که علاوه بر نمونه‌های عالی دعوت به خیر خداوند، خود نیز داعی به خیر و حامل اصول و قواعد این فریضه است.
- پس از پرورش پیامبران و مؤمنین توسط رب، دعوت به خیر بر دوش پیامبران و مؤمنین است تا جامعه را اصلاح کنند.
- دعوت به خیر که سبب اصلاح جامعه می‌شود از اقتضائات ایمان بین مؤمنین به تمامی شرایع است که نهایتاً منجر به رستگاری پایدار می‌شود؛ به عبارتی دیگر ضامن حیات طیبه در دو جهان است.
- امر به منکر و نهی از معروف از ویژگی‌های پیروان شیاطین است.
- ترک دعوت به خیر و عدم اصلاح جامعه توبیخ خدا را در پیش دارد و علت لعن بنی اسرائیل و توبیخ احبار و ربانیون، نهی نکردن از منکر بود.

^{۳۹} شما را چه شده که در راه خدا و [رهایی] مردان و زنان و کودکان مستضعف [ی که ستمکاران هر گونه راه چاره را بر آنان بسته‌اند] نمی‌جنگید؟ آن مستضعفانی که همواره می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهری که اهلش ستمکارند، بیرون ببر و از سوی خود، سرپرستی برای ما بگمار و از جانب خود برای ما یآوری قرار ده.

^{۴۰} و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند میان آن دو را اصلاح دهید و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد با آن [طایفه ای] که تعدی می‌کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد پس اگر باز گشت میان آنها را دادگرانه سازش دهید و عدالت کنید که خدا دادگران را دوست می‌دارد.

- توجه به دو اصل رعایت حکمت در این مسیر و رعایت رابطه ولایی بین طرفین دعوت ضروری است.
- شناساندن خیر و تقدیم امر به معروف بر نهی از منکر از لوازمات دعوت به خیر است.
- تنها شاخص تعیین برتری افراد تقوا است که آن هم مؤلفه‌ای نزد خداست؛ نه مردم.
- هیچ‌کس حق تضییع حقوق اولیه انسان‌ها مثل اجبار و تحمیل عقائدش بر دیگری را ندارد.

منابع

قرآن کریم

- ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير والتنوير، الدار التونسية للنشر - تونس، ۱۹۸۴م
- ابن فارس، احمد بن فارس، مقایس اللغة، تحقیق عبد السلام محمد هارون، چاپ اول، دار الفكر، ۱۹۷۹م.
- ابن کثیر، إسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق محمد حسین شمس الدین، چاپ دوم، دار طيبة للنشر والتوزيع، سامی بن محمد سلامة، ۱۹۹۹م
- آیات و واژگان کلیدی در مبحث توسط نگارنده ترجمه شده است، اما برای ترجمه باقی آیات، پارس قرآن استفاده شده است. www.parsquran.com
- البغوی، محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، تحقیق عبد الرزاق المهدی، چاپ چهارم، دار طيبة للنشر والتوزيع، ۱۹۹۷م
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، تحقیق أحمد عبد الغفور عطار، چاپ چهارم، دار العلم للملايين، بیروت، ۱۹۸۷م.
- رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، چاپ سوم، دار إحياء التراث العربی - بیروت، ۱۴۲۰هـ.
- زمخشری، محمود بن عمرو، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ سوم، دارالکتاب عربی - بیروت، ۱۴۰۷هـ.
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، چاپ اول، مؤسسه الرسالة، ۲۰۰۰م.
- فراهیدی، خلیل ابن احمد، العین، تحقیق د مهدی المخزومی، د إبراهيم السامرائی، دار و مکتبه الهلال، بی تا.

شاخصه امر به معروف و نهی از منکر بر اساس حدیث معاذ

مصیب نصرتی (طلبه ترم دوم رشته دعوت و اصول دین _ بندرعباس)

samoilraaz@gmail.com

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از اصول بنیادین اسلام نقش مهمی در رشد و ترقی جامعه دارد، اما تاثیر آن زمانی در جامعه بیشتر می شود که با الگو و اسوه مقتداری همراه باشد. پیامبر با رفتار و سیره خود بهترین نمونه ها را برای پیروانش ارائه داده است. این جستار به روش کتابخانه ای- توصیفی با محوریت حدیث معاذ به ویژگی های داعی و اسلوب دعوت می پردازد. این تحقیق بیانگر این است که شاخصه های آمران به معروف و ناهیان از منکر بر اساس حدیث معاذ عبارت اند از: توانایی و قدرت، در نظر گرفتن شرایط مخاطبین، در نظر گرفتن اولویت ها، تدریجی بودن دعوت، مقدم بودن در اولویت ها نماز و روزه، اخلاص و علم. کلیدواژه ها: معروف، منکر، آمر، معاذ، دعوت.

مقدمه

توصیه‌ها و راهنمودهای پیامبر اسلام درباره امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان یکی از اصول اساسی دینی، نقش مهمی در ساختاردهی جامع و تربیت اخلاقی فردی دارد. اهمیت این مسئله تا جاییست که الله متعال ایشان را یک الگوی مقتدری معرفی می‌کنند. در زندگی پیامبر، علاوه بر تعالیم وحی الهی، توجه ویژه‌ای به اجرای این اصل و ارائه توصیه‌هایی در این خصوص دیده می‌شود و در این خصوص نیز پژوهش‌های پراکنده‌ای در کتابها و مقاله‌ها وجود دارد از جمله:

کتاب اصول الدعوة، نوشته عبدالکریم زیدان و همچنین کتاب فتح‌المجید شرح کتاب التوحید، تالیف: عبدالرحمن حسن آل‌شیخ و مقالة تعامل الدعوة مع العصاة، مولف: فاطمه سیدمصطفی.

در این کتابها و مقالات به صورت کلی به مسئله دعوت پرداخته‌اند، اما این مقاله به صورت خاص نمونه‌ای از توصیه‌های پیامبر را مورد بررسی قرار می‌دهد.

پژوهش پیش رو به روش کتابخانه‌ای-توصیفی با پشتوانه منابع معتبر در پی آن است که توضیحی بر حدیث معاذ باشد. زمانیکه ایشان را به یمن فرستاد به ایشان فرمود: «إِنَّكَ تَأْتِي قَوْمًا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ، فَلَئِنْ أَوَّلَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» وفي رواية: "إِلَى أَنْ يُوحِدُوا اللَّهَ فَإِنْ هُمْ أَطَاعُواكَ لَئِنْ فَاعَلَمَهُمْ أَنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ خُمْسَ صَلَوَاتٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ، فَإِنْ هُمْ أَطَاعُواكَ لَئِنْ فَاعَلَمَهُمْ أَنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ صَدَقَةً تُؤْخَذُ مِنْ أَغْنِيائِهِمْ فَتَرُدُّ عَلَى فَقَرَائِهِمْ، فَإِنْ هُمْ أَطَاعُواكَ لَئِنْ فَإِيَّاكَ وَكَرَائِمَ أَمْوَالِهِمْ، وَاتَّقِ دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَإِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ اللَّهِ حِجَابٌ». (صحيح البخاري، ۱۴۹۶).

ابن عباس رضی الله عنهما روایت می‌کند: هنگامی که رسول الله ﷺ معاذ را به سوی یمن فرستادند، به او فرمودند: "شما به سوی قومی می‌روید که اهل کتاب هستند، پس اولین چیزی که آنان را به سویی دعوت می‌کنید، شهادت "لا إله إلا الله" است، در روایت دیگری آمده: "تا اینکه الله را به یگانگی قبول کنند"، اگر این را از شما پذیرفتند و اطاعت کردند، پس به آنان یاد دهید که الله متعال بر آنان نمازهای پنجگانه را در طول هر روز و شب واجب کرده است، اگر

این را از شما پذیرفتند و اطاعت کردند، پس به آنان یاد دهید که الله متعال بر آنان زکات واجب کرده است که از ثروتمندانشان گرفته می‌شود و به نیازمندانشان برگردانده می‌شود، اگر این را از شما پذیرفتند و اطاعت کردند، پس هرگز بهترین اموالشان را بر ندارید و از دعای مظلوم بترسید برای اینکه بین آن و بین الله متعال پرده‌ای وجود ندارد.

در این حدیث به هر سه عنصر تبلیغ به صورت دقیق اشاره شده است که عبارتند از:

پیام‌دهنده (مبلغ)

پیام‌گیرنده (مخاطب)

محتوای تبلیغ (متن)

مفهوم شناسی معروف و منکر

در تفسیر المنار آمده معروف آن است که عقل سلیم حُسن و نیکویی آن را شناخته و به سبب سودمندی آن قلب‌های پاک به آن اشتیاق و تمایل می‌یابند و سازگاری آن با فطرت‌ها به گونه‌ای است که اگر در شرع وارد شود انسان عاقل و پاک فطرت نمی‌تواند آن را رد کند و یا بر آن اعتراض نماید. و منکر آن است که عقل‌های سالم آن را زشت می‌شمارند و قلب‌های پاک از آن متنفر و بیزارند و از آن دوری می‌جویند. (رشید رضا، ۱۲۲۳هـ/۱/۲۲۷).

وهبة الزحیلی در تعریف معروف و منکر می‌نویسد: معروف آنچه را که شرع و عقل نیک بشمارند و منکر آنچه را که شرع و عقل آن را زشت می‌پندارند. (وهبة الزحیلی، ۱۴۱۸هـ/۲/۳۹). این تعریف علماء از معروف و منکر برگرفته از فرمایشات پیامبر صل الله علیه وسلم است. وابصة بن معبد رضی الله عنه روایت می‌کند که نزد پیامبر رفتم و پیامبر فرمود: «جئت تسال عن البر» آمده‌ای تا از نیکی (معروف) و احسان سوال کنی؟ گفتم بله فرمود: «استفت قلبک. البر: ما اطمانت الیه النفس واطمان الیه القلب» از قلب خود پرس نیکی (معروف) عبارت است از آن چیزی که درون قلب انسان به آن مطمئن و آرام شود و بدی منکران چیزی است که درون و قلب انسان به آن تردید ایجاد می‌کند. (محمد ناصر الدین آل‌بانی، ۱۴۲۱هـ/۱۷۳۴).

شاخصه‌های آمران به معروف و ناهیان منکر

۱. توانایی و قدرت

تغییر اساسی در جامعه زمانی رخ می‌دهد که حکام یا رهبران دینی حرکت کنند یا همکاری و همیاری داشته باشند. در امر دعوت به خاطر اینکه آن‌ها سلطه و قدرت و توانایی منع منکر را دارند.

۲. در نظر گرفتن شرایط مخاطبین

«انک تاتی من اهل الکتاب» پیامبر صلی الله علیه و سلم به معاذ فرمودند: تو به طرف اهل کتاب می‌روی، این امر اشاره دارد که مخاطبین در یک سطح نیستند و بین اهل کتاب و مشرکین و همچنین بین عالم و شخص عامی فرق است. و بر این امر دلالت می‌کند که داعی باید در دین خود دارای بینش و آگاهی باشد و آمادگی کامل داشته باشد که با هر نوع مخاطب روبرو شود، و به گونه‌ای باشد که اگر از طرف مقابل شبهه‌ای مطرح شد، بتواند شبهات را رفع کند و در دین خود دچار فتنه نشود و به خاطر همین معاذ به پرهیز از شبهه و تلاش بر طلب از دیاد علم گوشزد شد.

۳. در نظر گرفتن اولویت‌ها در دعوت

«فلیکن اول ماتدعوهم شهادة ان لا اله الا الله» اولین چیزی که به آن دعوت می‌دهید شهادت دادن به «لا اله الا الله» باشد و در حدیث دیگر وارد شده است «الی ان یوحده الله» اولین چیزی که به آن دعوت می‌دهید این باشد که الله متعال به تنهایی عبادت شود.

این مسئله اشاره دارد که داعی به اولویت‌ها در دعوت دقت داشته باشد. شخصی که مشکل فکری و عقیدتی داشته باشد، به نماز یا مسائل فروعی اسلام دعوت داده نمی‌شود؛ چرا که اولویت، اصلاح عقیده است. اگر شخصی مشکلات عقیدتی داشته باشد و انواع شرکیات و کفریات را انجام می‌دهد، نماز خواندن برای او سودی ندارد. الله متعال خطاب به پیامبر می‌فرماید: (لئن اشرکت لیحطن عملک) اگر تو ای پیامبر! شرک بورزی تمام اعمال نابود می‌شود.

۴. دعوت باید تدریجی و گام گام باشد

دعوت همیشه تدریجی بوده است، همان طور که پیامبر به معاذ توصیه می‌کردند اول دعوت به توحید بعد نماز و دیگر مسائل ظاهری اسلام. اگر به نزول تدریجی قرآن توجه کنیم، متوجه می‌شویم که همین نزول تدریجی یکی از اسباب و ایراد دشمنان اسلام قرار گرفته است. که چرا قرآن یک مرتبه نازل نمی‌شود؟ و یک باره در اختیار مردم قرار نمی‌گیرد؟ بدون شک هم از نظر تلقی وحی و هم از نظر ابلاغ احکام اسلامی به مردم، اگر مطلبی به طور تدریجی و مطابق نیاز باشد پیاده کردن آن راحت‌تر می‌شود و برای هر مطلبی اگر شاهد یا مصداق عینی وجود داشته باشد بسیار موثرتر خواهد بود. اصول تربیتی چنین ایجاب می‌کند که مربی باید قدم به قدم پیش برود و برای هر روز آن‌ها برنامه‌ای تنظیم شود تا از مرحله پایین شروع شود و به مرحله عالی برسند که هم برای گوینده و هم برای شنونده دل چسب‌تر باشد.

۵. بزرگترین چیزی که داعی از اعمال عبادی به آن دعوت می‌دهد، نماز و زکات باشد. «فان هم اطاعوا لذلك فاعلمهم ان الله افترض عليهم خمس صلوات في كل يوم و ليلة» اگر توحید را قبول و اطاعت کردند پس به آن‌ها یاد دهید که الله متعال برای آن‌ها در طول شبانه روز، پنج نماز را فرض نموده است. بعد از دعوت به توحید بزرگترین چیزی که به آن دعوت داده می‌شود، نماز است. پیامبر صل الله علیه وسلم در مورد اهمیت نماز و پرداخت زکات می‌فرمایند: فرمان یافته‌ام با مردم بجنگم تا اینکه شهادت دهند به لا اله الا الله و محمد فرستاده اوست و نماز را برپا دارند و زکات را بپردازند و اگر این کار را انجام دادند مال و جان آن‌ها از تعرض محفوظ می‌ماند، مگر که حق آن و حسابشان با خداست. (صحیح بخاری ۱/۹۴-۹۵).

نتیجه‌گیری

از این مقاله نتیجه گرفته می‌شود که معروف آن است که شریعت اسلام انجام آن را به صورت واجب یا مندوب خواسته و این خواسته شرعی را عقل سالم، پاک و درست می‌شمارد و منکر

آن است که شریعت اسلام آن را به صورت تحریمی یا کراهیت نهی کرده است و فطرت‌های سالم آن را زشت و ناپسند می‌دانند. ویژگی‌های حدیث معاذ:

۱- داعی باید توانایی و قدرت داشته باشد ۲- درنظرگرفتن شرایط مخاطبین ۳- درنظرگرفتن اولویت‌ها در دعوت ۴- تدریجی و گام به گام بودن دعوت ۵- نماز مهمترین چیز است که باید در صدر دعوت بعد از توحید قرار داده شود.

منابع

قرآن کریم.

آل شیخ، عبدالرحمن بن حسن، فتح المجید شرح کتاب التوحید، بی‌جا، دارالسلام، بی‌تا.

آلبانی، محمد ناصرالدین، صحیح الترغیب والترهیب، مکتبة المعارف، ریاض، ۱۴۲۱هـ.

بخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، الجامع المسند الصحيح المختصر من امور رسول الله صل الله علیه وسلم سننه وایامه، مؤسسة الرسالة، دمشق-سوریه، ۱۴۳۱هـ.

رشید رضا، محمد، التفسیر المنار، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳هـ.

زحیلی، وهبة، التفسیر المنیر فی العقيدة والشریعة والمنهج، دارالفکر، دمشق، ۱۴۱۸هـ.

مفهوم و حکم امر به معروف و نهی از منکر نزد اهل سنت

افسانه کرمی نیا (طالب العلم ترم دوم رشته شریعت _ خنج)

afsanehkaraminia@gmail.com

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر یکی از واجبات دین اسلام است که در قرآن و سنت تأکید شده است. گاهی اوقات از این دو فریضه در کنار ایمان به خدا و ایمان به آخرت یاد شده است. خداوند متعال امت اسلام را به خاطر اینکه امر به معروف و نهی از منکر انجام می‌دهند، بهترین امت معرفی کرده است. معروف چیزی است که عقل یا شرع به خوب بودن آن اذعان دارد و منکر چیزی است که عقل یا شرع به بد و ناپسند بودن آن حکم کند. با وجود اهمیت و ضرورت این فریضه، در مورد احکام فقهی آن مبنی بر واجب عینی یا کفایی بودن آن اختلاف وجود دارد. هدف این پژوهش تبیین مفهوم امر به معروف و نهی از منکر، شرایط و مراتب آن و همچنین بیان دیدگاه‌های مختلف در مورد وجوب عینی و کفایی بودن و ترجیحی در بین آنها است. این مقاله به روش توصیفی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای نشان می‌دهد علماء نسبت به وجوب امر به معروف و نهی از منکر اتفاق دارند و اختلاف آنها از جنبه کفایی یا عینی بودن این فریضه است. به نظر می‌رسد امر به معروف و نهی از منکر در برخی موارد واجب کفایی است و در مواردی که معروف یا منکر برای همگان قابل تشخیص است واجب عینی به حساب می‌آید. کلیدواژه‌ها: امر، نهی، معروف، منکر، واجب عینی، واجب کفایی.

مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر یکی از اصلی‌ترین مفاهیم اخلاقی و اجتماعی در اسلام است که به ترویج نیکی و جلوگیری از بدی در جامعه می‌پردازد. این مفهوم در قرآن کریم و سنت رسول الله تأکید زیادی شده است. خداوند امت اسلام را به سبب اجرا نمودن امر به معروف و نهی از منکر، بهترین امت نامگذاری کرده است. ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (آل عمران، ۱۱۰) «شما بهترین امتی هستید که به سود انسانها آفریده شده‌اید، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید».

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک اصل اسلامی به فرد مسلمان تأکید می‌کند که مسئولیت اصلاح جامعه را به عهده دارد و لازم است در حفظ ارزش‌های اسلامی مشارکت داشته باشد. طبق احادیث پیامبر ترک امر به معروف و نهی از منکر پیامدهای ناگواری در پی دارد که از آن جمله می‌توان به نزول عذاب الهی و بی‌فایده بودن دعا اشاره کرد. (ترمذی، ۱۴۲۷هـ/۴۶۸/۴؛ ابن حنبل، ۲۰۰۱م، ۱/۱۷۸).

این پژوهش با تبیین مفهوم امر به معروف و نهی از منکر، شرایط و مراتب آن و با بیان دیدگاه‌ها و دلایل مطرح شده در بین علمای اهل سنت به حکم امر به معروف و نهی از منکر اشاره می‌کند. در زمینه امر به معروف و نهی از منکر مقالات و پایان‌نامه‌های زیادی نوشته شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود؛

مقاله: حریم خصوصی و امر به معروف و نهی از منکر، نوشته مسعود زارعی، چاپ شده در مجله حکومت اسلامی، سال پانزدهم، شماره دوم، تابستان ۸۹.

مقاله: امر به معروف و نهی از منکر بایدها و نبایدها، نوشته اصغر عابد زاده، چاپ شده در فصلنامه مطالعات قرآنی، سال دهم، شماره ۳۷، بهار ۱۳۹۸.

مقاله: امر به معروف و نهی از منکر و گناهان پنهان و آشکار، نوشته سید جواد ورعی، مجله حکومت اسلامی، سال هفدهم شماره سوم، پاییز ۹۱.

هیچکدام از مقالات فوق به صورت مجزا به حکم امر به معروف و نهی از منکر در مذاهب اهل سنت نپرداخته‌اند. از این رو پژوهش حاضر در نوع خود جدید به حساب می‌آید.

مفهوم شناسی

واژگان امر، معروف، نهی و منکر جزء واژگان کلیدی امر به معروف و نهی از منکر هستند. از این رو بعد از بیان معنای لغوی آنها به معنای اصطلاحی امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازیم.

امر در لغت

این فارس می‌گوید: این واژه پنج اصل معنایی دارد:

- امری که جمع آن امور است. مانند: هذا أمر رضیته. یعنی این کار یا وضعیتی است که به آن راضی شده‌ام.

- امری که جمعش اوامر است و در معنای ضد نهی به کار می‌رود. مانند: افعَلْ کذا. یعنی فلان کار را انجام بده.

- امری که به معنای رشد و نمو و برکت است. مانند: أمر بنو فلان أُمرة. یعنی افراد فلان قبیله زیاد شدند و چهار پایانشان زاد و ولد کردند.

- امری که به معنای نشانه و علامت است. مانند: أمار الطريق. یعنی نشانه‌های راه.

- امری که به معنای کار عجیب و وحشت‌آور است. مانند: «لقد جئت شیناً إمرأ». یعنی واقعاً

کار بسیار بدی کردی. (رک: ابن فارس، ۱۹۷۹م، ۱/۱۳۸-۱۳۹).

امری که مد نظر ما در این مقاله است همان امری است که ضد نهی بوده و به معنای دستور و فرمان می‌باشد.

نهی در لغت

از دیدگاه ابن فارس اصل واژه نهی بر پایان و رساندن دلالت می‌دهد. *أَنْهَيْتُ إِلَيْهِ الْخَبَرَ*: یعنی خبر را به او رساندم. و به انتهاء و پایان اشیا نیز *"نَهَايَةُ كُلِّ شَيْءٍ"* گفته می‌شود. و برای تقاضای پایان دادن به کاری که دیگری انجام می‌دهد نیز فعل *"نَهَيْتُهُ عَنْهُ"* به کار می‌رود؛ زیرا زمانیکه از شخصی می‌خواهی کاری را انجام ندهد و او نیز از آن کار دست می‌کشد، پس همان فعلی که قبلاً انجام داده است انتهاء و پایان آن کار محسوب می‌شود. و از آنجایی که عقل، انسان را از انجام کارهای ناشایست باز می‌دارد به عقل نیز *"نَهْيَةٌ"* گفته می‌شود. (ابن فارس، ۱۹۷۹م، ۵/۳۵۹). راغب نیز نهی را به معنای «بازداشتن از چیزی» می‌داند. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴هـ، ۸۲۶).

معروف و منکر در لغت

معروف از ماده عرف به معنی شناخته شده است. راغب می‌گوید: *المعرفة والعرفان* به معنای درک نمودن چیزی با اندیشه و تفکر از روی نشانه و اثر آن است. و *نقطة* مقابل آن انکار است. و معروف اسمی است برای هر کاری که از دیدگاه عقل یا شرع پسندیده باشد. و منکر چیزی است که عقل یا شرع آن را ناپسند بداند. (مفردات راغب، ۱۴۰۴هـ، ۳۳۱). ابن منظور هم می‌نویسد: معروف ضد منکر است و معروف به معنای هر چیزی است که نفس به خوب بودن آن آگاه است و از آن خشنود می‌شود و به آن اطمینان دارد. (ابن منظور، ۱۴۱۴هـ، ۹/۲۳۹).

امر به معروف و نهی از منکر در اصطلاح

جرجانی در این باره می‌نویسد: «امر به معروف، به معنای راهنمایی به سوی راه‌های نجات است. و نهی از منکر، به معنای بازداشتن از چیزی است که با شریعت سازگاری ندارد. و گفته شده: امر به معروف، فرمان دادن به چیزی است که با قرآن و سنت موافقت داشته باشد. و نهی از منکر، بازداشتن از چیزهایی است که نفس و شهوت به آن تمایل دارد. (جرجانی، ۱۴۰۳هـ، ۱/۳۶).

امر به معروف و نهی از منکر در اصطلاح فقهاء به معنای پیروی از محمد □ و دین او است که از سوی خداوند برای مردم آورده است. و خود معروف، به معنای هر کاری است که در نزد اهل ایمان به زیبایی و ناپسند نبودن شناخته شده باشد و از انجام آن نفرت نداشته باشند. و منکر، به معنای هرسخن یا عملی است که مورد رضایت خدا نباشد. (موسوعة الفقهية الكويتية، ۶/۲۴۷).

با توجه به تعاریف می توان گفت که امر به معروف یعنی فرمان دادن به چیزی که عقل و شرع آن را خوب می دانند و نهی از منکر، بازداشتن از چیزی است که عقل و شرع آن را ناپسند می دانند.

۱. دلیل مشروعیت

برای اثبات مشروعیت امر به معروف و نهی از منکر می توان به دو منبع اصلی شرع یعنی قرآن و حدیث استناد کرد:

الف: قرآن

قرآن کریم با تعبیر مختلف به موضوع امر به معروف و نهی از منکر پرداخته است. خداوند می فرماید: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران، ۱۰۴) «باید از میان شما گروهی باشند که دعوت به نیکی کنند، و امر به معروف و نهی از منکر نمایند، و چنین کسانی رستگارند» و امر به معروف و نهی از منکر را ملاک بهترین امت بودن می داند و می فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ (آل عمران، ۱۱۰) «شما بهترین امتی هستید که به سود انسانها آفریده شده اید و امر به معروف و نهی از منکر می نمایید و به خدا ایمان دارید.» و همچنین امر به معروف و نهی از منکر را ملاک دوستی مؤمنانه دانسته و می فرماید: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه، ۷۱) «مردان و زنان مؤمن، برخی دوستان و یاوران برخی دیگرند. همدیگر را به کار نیک می خوانند و از کار بد باز می دارند، و نماز را چنان که باید می گزارند، و زکات می پردازند، و از خدا و رسولش فرمانبرداری می کنند. ایشان

کسانی اند که خداوند به زودی ایشان را مشمول رحمت خود می گرداند.» ظاهر این آیه بیانگر این است که امر به معروف و نهی از منکر، وظیفهٔ کل افراد جامعه اعم از مرد و زن است؛ چون خداوند امر به معروف و نهی از منکر را شرط مومن بودن دانسته است.

و لقمان حکیم نیز فرزندش را به امر به معروف و نهی از منکر فرا می خواند و می فرماید: ﴿يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (لقمان، ۱۷) «ای پسر من! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن» این آیه نیز تأکیدی بر اهمیت امر به معروف و نهی از منکر دارد. و در داستان گروهی از بنی اسرائیل که صید روز شنبه بر آنها حرام بود، و گروهی از آنان روز شنبه دام می انداختند و روز یکشنبه دامها را از آب می کشیدند و بدین صورت حرمت روز شنبه را می شکستند، مؤمنان در مواجهه با آنان به دو گروه موعظه کننده و غیر موعظه کننده تقسیم شدند، و همین موعظه کردن موعظه کنندگان موجب نجاتشان شد می فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَتْ أُمَةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعْبُدُونَ قَوْمًا لَّهِ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعْدَرَةٌ إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَسْقُونَ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعِقَابٍ بَيَسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾ (اعراف، ۱۶۴-۱۶۵) «گروهی از آنان گفتند: چرا کسانی را پند می دهید که خداوند آنان را نابود خواهد کرد، یا عذاب سختی گرفتارشان خواهد ساخت؟ پاسخ دادند: تا عذری نزد پروردگارتان باشد (که ما انجام وظیفه نموده ایم) و شاید آنها نیز تقوا پیشه کنند. و چون پندی که به آنها داده شد از یاد بردند، کسانی را که از بدی ها باز می داشتند نجات دادیم، و ستمکاران را به سبب نافرمانی و فسقی که مرتکب می شدند، به عذاب سختی گرفتار نمودیم».

ب: حدیث

احادیث متعددی در بیان ضرورت امر به معروف و نهی از منکر آمده است. ابو سعید خدری روایت می کند: «سمعت رسول الله يقول: «من رأى منكم منكرا فليغيره بيده، فإن لم يستطع فبلسانه، فإن لم يستطع فبقلبه، وذلك أضعف الإيمان»». (صحیح مسلم، ۶۹/۱) «از رسول الله شنیدم که می فرماید: هرکس از شما کار ناشایستی را دید، باید با دستش آن را تغییر دهد. اگر نتوانست، با زبانش آن را تغییر دهد، و اگر با زبانش هم نتوانست، پس با قلبش از آن منکر متنفر باشد. و این ضعیف ترین درجه ایمان است».

همچنین از حذیفه بن یمان روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: «والذي نفسي بيده لتأمرن بالمعروف وتنهون عن المنكر أو ليوشكن الله أن يبعث عليكم عقابا منه ثم تدعونه فلا يستجاب لكم» (ترمذی، ۴/۴۶۸) «قسم به کسی که جانم در دست اوست، باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه بیم آن می‌رود که خداوند عذابی بر شما نازل کند که در آن وقت، هر چند دعا کنید، دعای شما مستجاب نگردد».

۲. شرایط امر به معروف و نهی از منکر

۱- اسلام؛ مسلمان بودن شخص، شرط صحت عمل شرعی است. چون این عمل از کافر پذیرفته نمی‌شود. خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (آل عمران، ۸۵) «هر کسی غیر از اسلام، آئینی برگزیند، از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زمره زیانکاران خواهد بود».

۲- شناخت معروف و منکر؛ امر به معروف و ناهی از منکر قبل از هر چیز باید معروف و منکر را بشناسد، مبادا به منکری امر نموده یا از معروفی نهی کند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾ (یوسف، ۱۰۸) «ای پیامبر! بگو این راه من است؛ من با آگاهی و بینش به سوی خدا دعوت می‌کنم، و پیروان من (نیز چنین می‌کنند)». همچنین می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾ (اسرا، ۳۶) «از چیزی پیروی نکن که از آن ناآگاهی! چشم و گوش و دل همه مورد پرس و جوی از آن قرار می‌گیرد».

۳. مراتب امر به معروف و نهی از منکر

مراتب و درجات امر به معروف و نهی از منکر بسته به شرایط و موقعیت‌های فردی که امر و نهی می‌کند و فردی که مورد امر و نهی قرار می‌گیرد متفاوت است، زیرا هر وضعیتی دارای شرایط خاصی است که برخورد مناسبی را می‌طلبد. شاید در بعضی مواقع شدت به خرج دادن

و در برخی مواقع نرم‌خویی مناسب باشد. ممکن است در بعضی مواقع استفاده از کلام مناسب مفید باشد و گاهی هم اقدام عملی مفیدترین گزینه باشد. از ابوسعید خدری روایت است که از رسول‌الله شنیدم که می‌فرمایند: «من رأی منکم منکرا فلیغیره بیده، فإن لم یستطع فلبسانه، فإن لم یستطع فبقبله، وذلك أضعف الإیمان» (صحیح مسلم، ۶۹/۱) «هر کسی از شما منکری را دید آن را با دستش تغییر دهد اگر نتوانست با زبانش و اگر نتوانست با قلبش و آن ضعیف‌ترین درجهٔ ایمان است.» بر اساس این حدیث، ابن تیمیه مراتب امر به معروف را به سه دستهٔ دست، زبان و قلب تقسیم‌بندی کرده است. (ر.ک: ابن تیمیه، مجموع فتاوی، ۱۲۷/۲۸). غزالی نیز به صورت مفصل به درجات امر به معروف و نهی از منکر پرداخته است. خلاصهٔ آن اینگونه است: ابتدا باید برای آمر به معروف و ناهی از منکر اثبات شود که معروفی کنار گذاشته شده یا منکری در حال انجام شدن است. در ضمن حق ندارد برای اطلاع یافتن از کار دیگران در امور آنها تجسس نماید. سپس باید فرد را به خطایی که مرتکب می‌شود آگاه نماید. چه بسا بخاطر ناآگاهی دست به این کار زده باشد و در صورتی که با آگاهی از منکر بودن آن بر تکرار فعل خود اصرار دارد، او را پند و اندرز می‌دهد. چنانچه پند و اندرز کارساز نباشد از گفتار همراه با خشونت استفاده می‌کند. همانند قول ابراهیم که می‌گوید: ﴿أَفَ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (انبیاء، ۶۷) «تنگ بر شما و معبودانی که جز الله می‌پرستید. آیا نمی‌اندیشید؟» سپس تغییر با دست؛ همانند خرد کردن آلات لهو و لعب یا ریختن خمر. و در صورت کارساز نبودن می‌تواند او را تهدید به مجازات نماید. چنانچه تهدید هم کارساز نباشد می‌تواند بدون بکارگیری اسلحه، با کشیده و لگد او را تنبیه نماید. و در صورتی که خودش نتواند او را تنبیه نماید می‌تواند با کمک از دیگران و بکارگیری اسلحه اقدام نماید. (ر.ک: غزالی، بی‌تا، ۳۲۹/۲-۳۳۴).

۴. حکم امر به معروف و نهی از منکر

در اینکه امر به معروف و نهی از منکر واجب است بین علماء و فقهاء اختلافی نیست. اما در این زمینه که واجب کفایی است یا واجب عینی اختلاف وجود دارد. در اینجا ابتدا به تعریفی از انواع واجب به نسبت شخص مکلف پرداخته می‌شود:

الف: واجب عینی؛ واجبی است که همه افراد مکلف باید آن را انجام دهند و با انجام دادن تعدادی، از گردن بقیه ساقط نمی‌شود. مانند: نماز و روزه. (ر.ک: زرکشی، ۱۴۱۴هـ ۳۲۱/۱-۳۲۶).
 ب: واجب کفایی؛ واجبی اصل که در اصل به همه افراد مکلف تعلق می‌گیرد، اما با انجام دادن بعضی از گردن بقیه ساقط می‌شود و اگر هیچ کس انجام ندهد همه گناهکارند. مانند نماز میت. (همان).
 اختلاف علما در حکم امر به معروف و نهی از منکر، گروهی قائل به این هستند که امر به معروف و نهی از منکر بر همه مسلمانان فرض عین است. (ر.ک: ابن تیمیه، ۴۰-۴۶). عده‌ای دیگر معتقدند که فرض کفایه است. (همان). تعدادی دیگر می‌گویند: فرض کفایه است، اما برای کسی که قدرت جلوگیری دارد فرض عین می‌شود. (ماوردی، ۱۴۰۹هـ ۲۸۴). گروهی دیگر می‌گویند امر به واجب، واجب است و امر به مستحب و مندوب، مندوب است و نهی از منکر به طور کامل واجب است. یکی از علماء برجسته معاصر می‌گوید: امر به معروف و نهی از منکر بر هر مسلمان با توجه به توانایی شخصی او، به‌ویژه در زمانی که جهل و اعمال منکر در جامعه مسلط شده فرض عین است. اما اگر کسی یا گروهی وجود داشته باشد که این وظیفه را بر عهده بگیرد و به درستی آن را انجام دهد، در این صورت امر به صورت سنت مؤکده تلقی می‌شود ولی برای علماء و حاکمان فرض عین است. (بن باز، دعوة الی الله، ۱۱).

استدلال کسانی که امر به معروف و نهی از منکر را واجب کفایی می‌دانند:

استدلال به آیه ۱۰۴ آل عمران: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾. این گروه «من» در «منکم» را تبعیضه دانسته و وجوب کفایی

را از آن استنباط کرده‌اند. یعنی چنانچه گروهی از مؤمنان امر به معروف و نهی از منکر انجام دهند، واجب از بقیه ساقط می‌شود، زیرا امر به معروف و نهی از منکر از وظایفی است که نیاز به علم و دانش دارد و تنها کسانی که به آن آگاهی دارند و آن را به خوبی اجرا می‌کنند، می‌توانند در این کار موفق باشند. و شخصی که آگاهی و علم کافی نسبت به این موضوع نداشته باشد ممکن است به اشتباه امر به منکر یا نهی از معروف کند یا در جایی که باید نرمی به خرج دهد شدید برخورد بکند یا برعکس. (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷ هـ - ۱۳۹۶/۱).

استدلال گروهی که امر به معروف و نهی از منکر را واجب عینی می‌دانند: این گروه به عموم آیات و احادیثی که مؤمنان را به امر به معروف و نهی از منکر فرا می‌خواند استناد می‌کنند. مثلاً می‌گویند: در آیه ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (آل عمران، ۱۱۰) خطاب متوجه عموم مسلمانان است. این گروه «مِنْ» را در آیه ۱۰۴ سوره آل عمران، بیانیه می‌دانند و آیه را اینگونه معنا می‌کنند: شما باید امتی باشید که به خیر دعوت می‌نمایند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کند.

نظریه راجح

از آنجایی که شرط اساسی امر به معروف و نهی از منکر شناخت معروف از منکر است و این مهم نیز جز با فراگیری علم و دانش اسلامی میسر نخواهد شد، می‌توان با توجه به آیه ۱۲۲ سوره توبه که فراگیری علوم دینی را واجب کفایی می‌داند، حکم امر به معروف و نهی از منکر را نیز واجب کفایی دانست. و از آنجاییکه برخی از معروف‌ها و پاره‌ای از منکرها برای تمام مؤمنان قابل تشخیص است؛ همانند وجوب نماز و روزه و حرمت شراب و ... می‌توان در چنین مسائلی همه مؤمنان را مسئول دانست. همان‌گونه که پیامبر اسلام می‌فرمایند: «أَلَا كُنْتُمْ رَاعٍ، وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، فَالْأَمِيرُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ، وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ، وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ، وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ، وَالْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ، أَلَا فَكُلُّكُمْ رَاعٍ، وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ». (مسلم، ۱۹۵۵ م، ۱۴۵۹/۳)

«بدانید که هریک از شما مسئولید و دربارهٔ زیردستانتان بازخواست می‌شوید، فرمانروایی که بر مردم گمارده شده مسئول آنان است و نسبت به زیردستانش بازخواست می‌شود. مرد، مسئول اهل خانهٔ خود است و دربارهٔ آنان بازخواست می‌شود. و زن، مسئول خانهٔ شوهر خود و فرزندان اوست و دربارهٔ آنان بازخواست می‌شود. و برده، مسئول مال مالک خود است و دربارهٔ آن بازخواست می‌شود، پس بدانید که همهٔ شما مسئولید و همهٔ شما دربارهٔ زیردستانتان بازخواست می‌شوید».

نتیجه‌گیری

یکی از شاخصه‌های مهم جامعه اسلامی وجود امر به معروف و نهی از منکر است. شناخت معروف از منکر جزء شرایط اساسی و تعیین‌کنندهٔ حکم امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. امر به معروف و نهی از منکر در مسائلی که حکم آن برای همگان آشکار است واجب عینی است و در مسائلی که حکم آن بر همگان آشکار نیست واجب کفایی است.

منابع

قرآن کریم.

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ هـ.

ابن تیمیه، تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحليم، الحسبة، بی‌تا، بی‌نا.

ابن تیمیه، تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحليم، مجموع فتاوی، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، مدینه منوره، ۱۴۱۶ هـ/ ۱۹۹۵ م.

ابن تیمیه، تقی الدین أحمد بن عبد الحليم، وظيفة الحكومة الاسلامية، تحقیق محمد المبارک، بیروت، بی‌تا.

ابن حنبل، احمد، مسند امام احمد بن حنبل، چاپ اول، مؤسسه الرساله، ۱۴۲۱ هـ/ ۲۰۰۱ م.

ابن فارس، احمد، مقایس اللغة، دار الفكر، ۱۳۹۹ هـ/ ۱۹۷۹ م.

ابوداود، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، مكتبة العصرية، صیدا- لبنان، بی‌تا.

بن باز، عبدالعزيز، دعوة الى الله، دار الافتاء، ریاض، بی‌تا.

ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، محقق احمد شاکر، شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي، مصر، چاپ از سال ۱۴۰۴هـ/۱۴۲۷هـ

جرجانی، علی بن محمد، التعريفات، چاپ اول، دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، ۱۴۰۳هـ/۱۹۸۳م.
راغب اصفهانی، أبو القاسم الحسين بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، چاپ دوم، دفتر نشر الكتاب، ۱۴۰۴ق.
زركشي، ابو عبدالله بدر الدين محمد بن عبدالله، بحر المحيط فی اصول الفقه، چاپ اول، دار الكتب، ۱۴۱۴هـ/۱۹۹۴م.

زمخشري، جارالله، الكشف عن حقائق غوامض التنزيل، چاپ دوم، دار الكتاب العربي، بيروت، ۱۴۰۷هـ
غزالی، أبو حامد محمد بن محمد، إحياء علوم الدين، دارالمعرفة، بی تا.
فراهیدی، خليل بن أحمد، العين، محقق: د مهدي المخزومي، د إبراهيم السامرائی، چاپ دوم، ناشر: دار ومكتبة الهلال، ۱۳۹۵هـ/۱۹۷۵م.

ماوردي، علی بن محمد، احكام السلطانية و الولايات الدينية، محقق احمد مبارك بغدادی، مكتبة دار ابن قتيبة، كويت، ۱۴۰۹هـق/۱۹۸۹م.

الموسوعة الفقهية الكويتية، وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، الكويت.

نیشابوری، مسلم بن الحجاج، صحيح مسلم، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء التراث العربي، بيروت.

مقاصد امر به معروف و نهی از منکر از منظر قرآن

عایشه خلیلی (طالب العلم ترم دوم رشته شریعت - خنج)

Aish9172952713@gmail.com

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر از واجبات الهی است که هدف آن ترویج نیکی و جلوگیری از بدی در جامعه است. این فریضه، مردم را به سوی عدالت و اخلاق نیکو هدایت کرده و از فساد و بی‌عدالتی بازمی‌دارد. در قرآن کریم، مقاصد امر به معروف و نهی از منکر بیانگر نگاهی جامع به سعادت فرد و جامعه است. این مقاصد با ترویج ارزش‌های اخلاقی و مقابله با ظلم، زمینه‌ساز عدالت، برابری و همبستگی اجتماعی می‌شوند و نشان‌دهنده رحمت و حکمت خداوند هستند. این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی به بررسی آیات و روایات پرداخته و اهدافی چون تحقق عدل، حفظ ارزش‌های اسلامی، پیشگیری از فساد، تقویت تعاون، ترویج اخلاق نیکو، ایجاد جامعه‌ای با ایجاد مشارکت اجتماعی بالا، حفظ سلامت معنوی جامعه، مبارزه با ظلم و ستم و ارتقاء امنیت اجتماعی را برجسته می‌کند.

کلیدواژه‌ها: امر به معروف، نهی از منکر، مقاصد، قرآن کریم، عدالت، ارزش‌های اسلامی.

مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر یک فریضه الهی است که اشاره به وظیفه مسلمانان برای تشویق به خیر و جلوگیری از بدی در جامعه دارد. این امر شامل هدایت مردم به سوی عدالت‌گستری و جلوگیری از فساد و بی‌عدالتی است.

در قرآن کریم، آیات فراوانی در مورد امر به معروف و نهی از منکر آمده است که بر اهمیت آن در ساختن جامعه نیکو تأکید دارد. از جمله این اهداف عبارتند از:

۱. تحقق عدل و مساوات: امر به معروف و نهی از منکر در مقابله با ظلم و ستم موجب افزایش عدالت و برابری افراد جامعه می‌شود.

۲. حفظ ارزش‌های اسلامی: امر به معروف و نهی از منکر در جهت حفظ و ارتقای ارزش‌های اصیل اسلامی در جامعه است.

۳. مصون ماندن از فساد و منکر: امر به معروف و نهی از منکر به حفظ جامعه از فساد و منکر و رسیدن به آرامش و ثبات کمک می‌کند.

۴. تقویت تعاون و همبستگی: امر به معروف و نهی از منکر همکاری و همبستگی بین افراد را برای ایجاد جامعه‌ای قوی افزایش می‌دهد.

موارد فوق تنها برخی از اهداف اساسی امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم است. مقاصد امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم بیانگر بینش جامع اسلامی برای فرد و جامعه است؛ ایجاد فرد و جامعه‌ای با مشارکت اجتماعی بالا که جهت ترویج نیکی، عدالت و اخلاق نیکو تلاش می‌کند. این مقاصد نشان‌دهنده رحمت و حکمت خداوند است که با ترویج ارزش‌های نیکو و جلوگیری از بدی‌ها به دنبال رسیدن به سعادت جامعه است.

پژوهش حاضر به دنبال جمع‌آوری مقاصد امر به معروف و نهی از منکر از منظر قرآن است دو مورد از آثاری که به این موضوع اشاره‌هایی داشته‌اند عبارتند از: کتاب «علم اهداف الشریعه» تألیف نورالدین خادمی که در آن به مقاصد امر به معروف و نهی از منکر در علم شریعت پرداخته

شده است و مقاله‌ای با عنوان «الامر بالمعروف و النهی عن المنکر رؤیه تحدید المقاصد والوسائل» توسط عوید بن حمود عطوی، به هدف تحلیل معنایی آیات قرآن صورت گرفته است. پژوهش حاضر به دنبال بررسی مقاصد امر به معروف و نهی از منکر در قرآن می‌باشد.

امر به معروف و نهی از منکر در لغت و اصطلاح

امر در لغت به پنج معنا آمده است که عبارتند از: ۱- مفرد امور (کار و شأن) ۲- ضد نهی (دستور) ۳- فراوانی، رشد و برکت ۴- نشانه و علامت ۵- شگفتی (ابن فارس، ۱۳۹۹، ۱/۱۳۷). معروف در لغت: عرف، عارفه و معروف یک معنا هستند: هر خیری که نفس آن را می‌شناسد و بدان آرام می‌گیرد. (رک: ازهری، بی‌جا، ۲/۲۰۸).

امر به معروف در اصطلاح: راهنمایی به راه‌های نجات دهنده است. برخی گفته‌اند: آنچه موافق کتاب و سنت است و گروهی نیز گفته‌اند: اشاره به افعال و اقوالی دارد که خداوند متعال را خشنود می‌سازد. (رک: جرجانی، ۱۴۰۳هـ، ۳۶).

نهی در لغت خلاف امر است. گفته می‌شود: «نهیته عنه» او را نهی کردم. (فراهیدی، بی‌جا، ۴/۹۳). منکر در لغت: «نکر و نکاره و نکراء» و «نکر» بیانگر حيله و زیرکی است. به فردی که زیرک باشد منکر گفته می‌شود. (رک: زبیدی، ۱۳۸۵-۱۴۲۲، ۱۴/۲۸۷).

نهی از منکر در اصطلاح: سرزنش کارهای نامناسب از منظر شرع و گفته شده: ناپسند دانستن آنچه شرع خواستار دفع آن است و در دین جایز نمی‌باشد. (رک: جرجانی، ۱۴۰۳هـ، ۳۶).

حکمت امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از جمله صفات پسندیده و اخلاق ستوده‌ای است که یک مسلمان می‌تواند خود را به آن آراسته نماید، لذا واجب است که این مهم همراه با علم و حکمت باشد و نه با نادانی و سخت‌گیری همراه شود.

در این راستا به سه حکمت عمده اشاره می‌گردد:

۱. خداوند مومنان را به پند و اندرز به یکدیگر سفارش کرده است، پس با انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر امید نفع رساندن و تاثیر مثبت فرد بر جامعه انتظار می‌رود: ﴿وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (ذاریات، ۵۵) (پند و اندرز بده چرا که پند و اندرز به مومنان سود می‌رساند).
 ۲. رفع مسئولیت کردن و خارج شدن از مجازات عقوبت به سبب کوتاهی در این مساله ﴿لَعْنُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ _ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ (مائده، ۷۹-۷۸) (کافران بنی اسرائیل بر زبان داود و عیسی پسر مریم لعن و نفرین شده‌اند. این بدان خاطر بود که آنان پیوسته سرکشی می‌کردند و از حد می‌گذشتند. آنان از اعمال زشتی که انجام می‌دادند دست نمی‌کشیدند و همدیگر را از زشت‌کاری‌ها نهی نمی‌کردند و پند نمی‌دادند و چه کار بدی می‌کردند).
 ۳. دلیل و برهانی برای مردم و زنده نگه داشتن آن به جانشینی از پیامبران خدا ﴿رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ (نساء، ۱۶۵) (ما پیغمبران را فرستادیم تا مژده‌رسان و بیم‌دهنده باشند و بعد از آمدن پیغمبران حجت و دلیلی بر خدا برای مردمان باقی نماند و خدا چیره‌ی حکیم است).
- فواید امر به معروف و نهی از منکر
- مطالعه در مورد مقاصد امر به معروف و نهی از منکر دارای فواید فراوانی است از جمله:
۱. دوست داشتن معروف و ناپسند دانستن منکرها موافق با حب و بغض الهی می‌گردد. (ابن تیمیه، ۱۴۰۴، ۲/۲۲۰).
 ۲. لزوم آگاهی قبل از امر به معروف و نهی از منکر و نرمی همراه آن و صبر بعد از آن از فواید این مسأله است. (ر.ک: ابن تیمیه، ۱۴۰۴-۱۴۰۳، ۲/۲۳۳).
 ۳. ایجاد امنیت، اتحاد و یک‌پارچگی. (ر.ک: جامعه المدینه العامه، ۲۳).

مفهوم و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در قرآن

امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه مهم در اسلام هستند که به منظور حفظ سلامت اخلاقی و اجتماعی جامعه در قرآن کریم مورد تاکید قرار گرفته‌اند. امر به معروف به معنای دعوت به اعمال شایسته و نیکو، و نهی از منکر به معنای جلوگیری از اعمال زشت و ناپسند است. این دو وظیفه از جمله مهم‌ترین اصول اجتماعی اسلام به شمار می‌آیند.

نظر مفسرین

در این راستا تحلیل آیات مرتبط و تفاسیر مفسرین می‌تواند به روشن سازی اهداف و مقاصد دستورات الهی کمک کند.

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَقِمُوا الصَّلَاةَ وَأَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ عَلَىٰ مَا أَصَابَكُمْ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (لقمان، ۱۷) (ای پسر عزیزم! نماز را چنان که شاید بخوان و به کار نیک دستور بده و از کار بد نهی کن و در برابر مصایبی که به تو می‌رسد شکیبا باش. این‌ها از کارهایی است که باید بر آن عزم را جزم کرد و ثبات ورزید). شخص آمر و ناهی ابتدا باید نفس خود در عبادت خداوند متعال را کامل نماید تا بتواند بر دیگران موثر باشد. (رازی، ۱۴۲۰هـ، ۱۲۱/۲۵).

۲. ﴿الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ (حج، ۴۱) (آن مومنانی که خدا بدیشان وعده یاری و پیروزی داده است کسانی هستند که هرگاه در زمین ایشان را قدرت بخشیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند، و سرانجام همه‌ی کارها به خدا برمی‌گردد). امر به معروف و نهی از منکر تنها به والی تعلق ندارد؛ بلکه به مردم نیز مربوط می‌شود و هر دو نسبت به یکدیگر حقوق و وظایفی دارند. والی باید نسبت حقوق خدا بر مردم و حقوقی که مردم بر یکدیگر دارند توجه نماید و لازم است مردم نیز باید اطاعت نمایند، بی آن که در دل کراهتی به خود راه دهند و در صورت نارضایتی، مخالفت خود را علنی نکنند. (ابن کثیر، ۱۴۲۰هـ، ۴۳۷/۵).

۳. ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (نحل، ۹۰) (خداوند به دادگری و نیکوکاری و نیز بخشش به نزدیکان دستور می‌دهد، و از ارتکاب گناهان بزرگ و انجام کارهای ناشایست و دست‌درازی ستم‌گری نهی می‌کند خداوند شما را اندرز می‌دهد تا این‌که پند بگیرید). نهی از هر منکری که شرع از آن نهی کرده شامل همه گناهانی است که بر انواع آن اختلاف نظر دارند و گفته شده مقصود از منکر شرک است. (قرطبی، ۱۳۸۴ هـ، ۱۰/۱۶۷).

۴. ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران، ۱۰۴) (باید از میان شما گروهی باشند که دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنان خود رستگارانند). گرچه امر به معروف و نهی از منکر بر هر شخصی واجب است، اما برای جلوگیری از جدایی درون امت بهتر است گروهی این مسوولیت را به عهده بگیرند. (ر.ک: ابن کثیر، ۱۴۲۰ هـ، ۲/۹۱).

۵. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (نور، ۲۱) (ای مومنان! گام به گام شیطان راه نروید و به دنبال او راه نیفتید؛ چون هر کس گام به گام شیطان راه برود و دنبال راه بیافتد مرتکب پلشتی‌ها و زشتی‌ها می‌گردد؛ چرا که شیطان تنها به زشتی‌ها و پلشتی‌ها فرمان می‌راند اگر تفضل و مرحمت الهی شامل شما نمی‌شد هرگز فردی از شما پاک نمی‌گردید، ولی خداوند هر که را بخواهد پاک می‌گرداند و خدا شنوای آگاه است). کسانی که خدا و پیامبر را باور دارند راه شیطان را نمی‌گیرند؛ چون شیطان امر به منکر می‌کند (ر.ک: طبری، بی‌جا، ۱۹/۱۳۴).

۶. ﴿الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (توبه، ۶۷) (مردان منافق و زنان منافق همه از یک گروه هستند آنان همدیگر را به کار زشت فرا می‌خوانند و از کار خوب باز می‌دارند و از بذل و بخشش در راه خیر دست می‌کشند خدا را فراموش کرده‌اند خدا هم ایشان را فراموش کرده

است، واقعا منافقان فرمان ناپذیر هستند). منافقین در امر به معروف و نهی از منکر به هم شباهت دارند خداوند آن‌ها را از خیر منع می‌کند و در پاداش دادن فراموش‌شان می‌کند ولی گناهان آن‌ها را فراموش نمی‌کند. (ر.ک: قرطبی، ۱۳۸۴ هـ ۱۹۹/۸).

مقاصد امر به معروف و نهی از منکر

در قرآن کریم آیات متعددی درباره مقاصد امر به معروف و نهی از منکر آمده است از جمله: تحقیق عدالت و مساوات: امر به معروف و نهی از منکر در مقابله با ظلم و ستم، موجب افزایش عدالت و برابری افراد جامعه می‌شود. مسلمانان با تشویق به انجام اعمال شایسته و جلوگیری از ناپسندی‌ها، محیطی عادلانه‌تر و سالم‌تر برای زندگی فراهم می‌کنند. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أُولَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوْا أَوْ تُعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾ (نساء، ۱۳۵) این آیه به مؤمنان دستور می‌دهد که به عدالت قیام کنند و به حقیقت شهادت دهند، حتی اگر علیه خودشان یا خانواده‌شان باشد.

۱. حفظ ارزش‌های اسلامی: این وظیفه الهی به حفظ و ارتقای ارزش‌های اصیل اسلامی در جامعه کمک می‌کند. با تشویق به خیر و جلوگیری از بدی‌ها، فرهنگ اسلامی در جامعه تقویت می‌شود. ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾ (نور، ۵۵). در این آیه خداوند وعده می‌دهد که مؤمنان را در زمین خلیفه می‌کند و دین آنها را مستحکم می‌سازد.

۲. پیشگیری از فساد: امر به معروف و نهی از منکر به جلوگیری از فساد و منکر کمک می‌کند. با توجه به اینکه فساد و منکر، عامل اصلی بسیاری از مشکلات اجتماعی است، این فریضه نقش مهمی در حفظ آرامش و ثبات جامعه ایفا می‌کند.

﴿لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّائِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِنَّمُ وَأَكْلِهِمُ السَّحْتَ لَئِنْ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ (مائده، ۶۳)

این آیه به نکوهش علماء و رهبران دینی که از منع مردم از گناه و فساد غافل شده‌اند، می‌پردازد.

۳. تقویت تعاون و همبستگی: این وظیفه موجب تقویت همکاری و همبستگی بین افراد جامعه

می‌شود. با تشویق به خیر و جلوگیری از بدی، افراد به سوی یک هدف مشترک حرکت کرده و

جامعه‌ای قوی و همبسته را تشکیل می‌دهند. ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ

رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (انفال، ۴۲) در این آیه، به مسلمانان توصیه شده است که از

نزاع و تفرقه دوری کنند و با صبر و همبستگی به اطاعت از خدا و رسولش بپردازند.

۴. ترویج اخلاق نیکو: امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان راهکاری برای ترویج اخلاق

نیکو در جامعه عمل می‌کند. قرآن کریم به اهمیت اخلاق نیکو اشاره دارد و امر به معروف و

نهی از منکر را به عنوان ابزارهایی برای تقویت این اخلاق‌ها معرفی می‌کند. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَقِمِ الصَّلَاةَ

وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (لقمان، ۱۷) این آیه

توصیه می‌کند که برای ترویج اخلاق نیکو، باید نماز را بر پا کرد، از بدی‌ها جلوگیری نمود و

در برابر مشکلات صبر پیشه کرد.

۵. ایجاد جامعه‌ای با مشارکت اجتماعی بالا: امر به معروف و نهی از منکر، به ایجاد جامعه‌ای

با مشارکت اجتماعی بالا کمک می‌کند که افراد جامعه در فعالیت‌های اجتماعی و دینی مشارکت

دارند.

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ (آل عمران، ۱۱۰).

این آیه توصیه می‌کند که برای ایجاد جامعه‌ای با مشارکت اجتماعی بالا باید به کارهای خوب

دعوت کرد از ناپسندها جلوگیری نمود و ایمان به خدا را تقویت کرد.

امر به معروف و نهی از منکر، نه تنها به ترویج عدالت و نیکی کمک می‌کنند، بلکه نقش مهمی

در مقابله با ظلم و ستم دارند. این دو اصل، موجب افزایش عدالت و برابری افراد جامعه می‌شوند

و آمران به معروف و ناهیان از منکر تحت سرپرستی و نصرت خداوند قرار دارند. ﴿الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (حج، ۴۱).

امر به معروف و نهی از منکر، همکاری و همبستگی بین افراد را برای ایجاد جامعه‌ای قوی افزایش می‌دهد و موجب جلوگیری از ارتکاب کارهای ناشایست و برپایی جامعه‌ای آباد و آرام و خالی از هر گونه بدبختی و تباهی می‌شود. امر به معروف و نهی از منکر همه اقشار جامعه را شامل می‌شود و دوری از راه‌های شیطانی و پیروی کردن از خداوند و پیامبر به وسیله این وظیفه مقدس میسر می‌باشد.

۶. حفظ سلامت معنوی جامعه: امر به معروف و نهی از منکر به حفظ سلامت معنوی و روحانی جامعه کمک می‌کنند. ﴿التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِنُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (توبه، ۱۱۲) این آیه توصیه می‌کند که برای حفظ سلامت معنوی جامعه باید به عبادت خدا پرداخت به کارهای نیک دعوت کرد از بدی‌های جلوگیری نمود و حدود الهی را رعایت کرد.

۷. مبارزه با ظلم و ستم: یکی از مقاصد اصلی امر به معروف و نهی از منکر مبارزه با ظلم و ستم است. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ﴾ (نساء، ۱۳۵) این آیه توصیه می‌کند که مؤمنان باید در مقابله با ظلم و ستم به عدالت و قسط پایبند باشند و حتی در برابر نزدیک‌ترین افراد عدالت را رعایت کنند.

۸. ارتقاء امنیت اجتماعی: امر به معروف و نهی از منکر به ارتقاء امنیت اجتماعی کمک می‌کنند. با ترویج نیکی‌ها و جلوگیری از بدی‌ها، محیطی امن و پایدار در جامعه ایجاد می‌شود. ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ (نور، ۵۵) این آیه توصیه می‌کند که مؤمنان با ایمان و عمل صالح، می‌توانند به ارتقاء اجتماعی و مدیریت بهتری در جامعه دست یابند، همانطور که پیشینیان به چنین مقامی رسیدند.

نتیجه‌گیری

۱. امر به معروف و نهی از منکر در مقابله با ظلم و ستم موجب افزایش عدالت و برابری افراد جامعه می‌شود.
۲. آمران به معروف و ناهیان از منکر تحت سرپرستی و نصرت خداوند قرار دارند.
۳. امر به معروف و نهی از منکر همکاری و همبستگی بین افراد را برای ایجاد جامعه‌ای قوی افزایش می‌دهد.
۴. امر به معروف و نهی از منکر موجب جلوگیری از ارتکاب کارهای ناشایست و برپایی جامعه‌ای آباد و آرام و خالی از هر گونه بدبختی و تباهی می‌شود.
۵. امر به معروف و نهی از منکر همه اقشار جامعه را شامل می‌شود.
۶. دوری از راه‌های شیطانی و پیروی کردن از خداوند و پیامبر به وسیله امر به معروف و نهی از منکر امکان‌پذیر می‌باشد.
۷. امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان دو اصل اساسی و واجب در اسلام، نقشی حیاتی در ایجاد و حفظ یک جامعه سالم و عادلانه دارند. این دو وظیفه، با تحقق عدل و مساوات، حفظ ارزش‌های اسلامی، مصون ماندن از فساد و منکر، تقویت تعاون و همبستگی، ترویج اخلاق نیکو، ایجاد جامعه‌ای با مشارکت اجتماعی بالا، حفظ سلامت معنوی جامعه، مبارزه با ظلم و ستم، و ارتقاء امنیت اجتماعی، به ایجاد یک جامعه اسلامی قوی و پایدار کمک می‌کنند.

منابع

قرآن کریم

ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الاستقامه، تحقیق: محمد رشاد سالم، جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۰۴-۱۴۰۳هـ.

ابن فارس، احمد بن زکریا، مقایس اللغه، عبدالسلام محمد هارون، بی جا، دار الفکر، بی جا، ۱۳۹۹ق.

- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر قرآن کریم، تحقیق: سامی اسامه، دار طیبہ للنشر و التوزیع، چاپ دوم ۱۴۲۰ هـ - ۱۹۹۹ م، ۸ ذو الحجة ۱۴۳۱.
- ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، تحقیق: محمد عوض مرعب، دار احیاء التراث العربی - بیروت، چاپ اول، ۲۰۰۱ م.
- تویجری، محمد بن ابراهیم، مختصر الفقه الاسلامی فی ضوء القرآن والسنة، دار اصحاء المجتمع - المملكة العربية السعودية، چاپ یازدهم، ۱۴۳۱ هـ.
- جامعه المدینه العالمیه، مناهج جامعه المدینه العالمیه، الحسبه، جامعه المدینه العالمیه، بی‌جا، ۲۶ جمادی الآخره ۱۴۳۳.
- جرجانی، علی بن محمد، التعریفات، تحقیق: جمعی از علماء به سرپرستی ناشر، دار الکتب العلمیه، بیروت - لبنان، چاپ اول، ۱۴۰۳ هـ - ۱۹۸۳ م.
- خرم دل، مصطفی، تفسیر نور، چاپ هشتم، نشر احسان، تهران.
- زبیدی، محمدمرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق: جمعی از متخصصین، وزاره الارشاد والانباء فی الكويت، ۱۳۸۵-۱۴۲۲.
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، دار التریبہ والتراث - مکه مکرمه، بی‌جا، ۸ ذو الحجة ۱۴۳۱.
- فخر رازی، محمد بن عمر بن حسن، مفاتیح الغیب - التفسیر الکبیر، دار الاحیاء التراث العربی - بیروت، چاپ دوم ۱۴۲۰ هـ ۸ ذی الحجة ۱۴۳۱.
- فراهیدی، ابو عبد الرحمن خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای، بی‌جا، دار و مکتبه الهلال، بی‌جا، بی‌تا.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تحقیق: احمد بردونی و ابراهیم اطفیش، دار الکتب المصریة - القاهرة، چاپ دوم ۱۳۸۴ هـ - ۱۹۶۴ م، ۲۱ شعبان ۱۴۳۲.

ویژگی‌های آمران به معروف و ناهیان از منکر

عمران هرمودی (طالب العلم ترم سوم رشته دعوت و اصول دین _ بندرعباس)

emran.h5124@gmail.com

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر، فریضه‌ای است که در دین اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. موفقیت در این امر خطیر، مستلزم شناخت دقیق ویژگی‌ها و مهارت‌های لازم برای یک داعی موفق است. این پژوهش با هدف شناسایی و تحلیل این ویژگی‌ها بر اساس آموزه‌های قرآن و سنت انجام شده است تا بدین وسیله، داعیان بتوانند با آگاهی کامل از این خصائص، در مسیر دعوت به سوی حق موفق‌تر عمل کنند. این ویژگی‌ها شامل ویژگی‌های اعتقادی، علمی، عملی و ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی داعی می‌شوند. داعیانی که به این ویژگی‌ها آراسته باشند، قادر خواهند بود با تأثیرگذاری بیشتر، جامعه را به سوی ارزش‌های اسلامی هدایت کنند. شناخت این ویژگی‌ها، به داعیان کمک می‌کند تا نقاط ضعف خود را شناسایی کرده و برای تقویت آن‌ها تلاش کنند. همچنین، این شناخت برای افرادی که قصد دارند در این مسیر قدم بگذارند، راهنمای بسیار مفیدی خواهد بود. در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای-توصیفی استفاده شده است. با مطالعه دقیق منابع اسلامی همچون قرآن، سنت، روایات و آثار بزرگان دین، ویژگی‌های برجسته یک داعی موفق استخراج و تحلیل شده است.

کلیدواژه‌ها: آمران، ناهیان، دعوت‌گران، معروف، منکر.

مقدمه

در شرع به ویژگی‌های زیادی از آمران به معروف و ناهیان از منکر پرداخته شده است، و یک دعوتگر خصوصیات زیادی نیاز دارد تا در دعوتش موفق باشد که در این جستار به مهمترین این ویژگی‌ها به طور خلاصه پرداخته می‌شود.

در قرآن کریم این امت به عنوان بهترین امت‌ها ذکر شده است، زیرا که آمران به معروف و ناهیان از منکری در میان این امت وجود دارند، ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...﴾ (آل عمران، ۱۱۰)، (شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید...)، و این مسئله نشانگر اهمیت بالای شناخت خصوصیات آمران به معروف و ناهیان از منکر است. نگارش این مقاله به صورت کتابخانه‌ای - توصیفی و به پستوانه منابع معتبر می‌باشد.

از جمله کتاب‌هایی که به این ویژگی‌ها پرداخته‌اند عبارتند از: الأمر بالمعروف والنهي عن المنکر از ابن تیمیّه، قواعد مهمه فی الأمر بالمعروف والنهي عن المنکر از حمود الرحیلی، الكنز الأكبر من الأمر بالمعروف والنهي عن المنکر از ابن داود حنبلی.

این نوشتار در پی آن است که به نمونه‌هایی از ویژگی‌ها بپردازد و ویژگی‌های آمران به معروف و ناهیان از منکر را به خواص و عوام بشناساند تا داعیان با مقایسه و تطابق خود با این ویژگی‌ها یک دعوتگر ممتاز باشند و عوام مردم نیز بتوانند با شناخت این ویژگی‌ها داعیان حق را از داعیان باطل تفکیک کنند.

معنای معروف و منکر

معروف؛ واژه‌ایست عربی و معنای آن هر چه از کارهای خیر است که نفس انسانی آن را می‌شناسد و با آن مانوس است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۳۹/۹) و همچنین گفته شده معروف آن فعلی است که عقلاً و شرعاً پسندیده باشد (فیروزآبادی، ۱۹۹۲، ۵۷/۴)، و منکر واژه‌ای است خلاف

معروف و به چیزی اطلاق می‌شود که شرع آن را ناپسند بداند (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ، ۲۳۳/۵) و هر فعلی که شرعاً و عقلاً قبیح شناخته شود. (السعدی، ۲۰۰۰، ۹۷۱).

شناخت قرآن و سنت

از ویژگی‌های اساسی داعی شناخت و فهم قرآن و سنت است، یعنی داعی توانایی فهم نصوص شرعی از جمله قرآن و احادیث را داشته باشد و همچنین نسبت به مصادر و علوم‌ی که به فهم این دو کمک می‌کنند (مانند تفاسیر و شروح معتبر و علم به لغت عرب و...)، آگاهی داشته باشد. خصوصیات اعتقادی دعوت‌گر

مهمترین بخش از خصوصیات داعی، خصوصیات اعتقادی اوست و از آنجایی که وظیفه مهم دعوت را بر عهده دارد، باید از عقیده صحیح و ایمان راسخی برخوردار باشد و این بخش شامل خالصانه بودن نیت داعی و یقین او به حق بودن آنچه بدان دعوت می‌دهد می‌شود.

نیت خالصانه، آمر به معروف و ناهی از منکر باید هدفش از امر به معروف و نهی از منکر خالصانه فقط خداوند باشد و برای او جایز نیست که دعوتش برای جاه و مقام و شهرت و ریا باشد، در حدیث قدسی داریم که الله متعال می‌فرماید: «أَنَا أَعْنِي الشُّرَكَاءَ عَنِ الشُّرْكَ مَنْ عَمِلَ عَمَلًا أَشْرَكَ فِيهِ غَيْرِي تَرَكْنَاهُ وَشُرَكَاهُ» (صحیح مسلم، ۱۳۳۴، ۲۹۸۵)، «من بی‌نیازترین شریک‌ها به شرک هستم، هر کسی عملی انجام دهد که غیر من را در آن شریک کند، او و شرکش را به حال خود رها می‌کنم»، همچنین رسول‌الله ه می‌فرماید: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» (بخاری، ۱۴۳۷، ۱)، همانا اعمال به نیتشان بستگی دارند، و به همین دلیل عمر بن خطاب این‌گونه دعا می‌کند: «اللهم اجعل عملي كله صالحا، واجعله لوجهك خالصا، ولا تجعل لأحد فيه شيئا»، (پروردگارا! تمام اعمالم را صالح بگردان و (هدف از انجام) آنها را خالصانه برای خودت بگردان، و برای هیچ‌کس غیر از خودت قرار مده). (ابن تیمیة، ۱۴۱۸، ۱۹).

یقین به اینکه آنچه بدان دعوت می‌دهد حق است، داعیان باید باور و اعتقادشان بر این باشد که دعوتشان به انجام کاری یا ترک آن کار برحق است و باید معیارش قرآن و سنت باشد و براساس

آن امر به معروف و نهی از منکر کنند و از روی هوا و هوس به چیزی که صرفاً خودشان بدان تمایل دارند، ولی اصلی در دین ندارد امر نکنند و بالعکس (ر.ک: الوعلان، ۱۴۴۲، ۱۴)، همان گونه که الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ﴾ (۵۰، قصص)، و کیست گمراه‌تر از آنکه بی‌راهنمایی خدا از هوسش پیروی کند.

ویژگی‌های علمی داعی

(الف) علم قبل از قول و عمل می‌آید

طبق فرموده خداوند: ﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ﴾ (محمد، ۱۹)، این آیه دلالت بر اولویت علم بر قول و عمل می‌دهد، زیرا الله متعال در این آیه ابتدا به دانستن امر کرده است و ویژگی‌های علمی شامل علم به حسن و قبح افعال، علم به حال مخاطب، علم به اختلافات فقهی می‌باشد.

(ب) تشخیص حسن و قبح افعال

داعی قبل از امر و نهی باید قادر باشد که معروف یا منکر بودن افعال را تشخیص دهد و به علوم اسلامی آگاه باشد تا توانایی تشخیص حلال از حرام را داشته باشد، از عمر بن عبدالعزیز نقل شده است که می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ فِي غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرُ مِمَّا يُصْلِحُ»، (هرکس بدون علم کاری را انجام دهد، خرابکاری‌اش بیشتر اصلاحی‌اش خواهد بود). (ابن عبدالبر، ۱۹۹۴، ۱/۱۳۲).

(ج) علم به حال مخاطب

آمر قبل از امر به معروف مخاطب باید بر اوضاع و احوال او آگاهی داشته باشد و بداند که مخاطب توانایی انجام آن معروف را دارد و انجام معروف برای او مشقتی ایجاد نمی‌کند، همچنین ناهی نیز باید بر وضعیت مخاطب مطلع باشد و بداند که شخص فاعل منکر در حال استفاده از رخصت‌های دینی نیست؛ برای مثال مسافری که روزه‌اش را می‌خورد را توبیخ نکند و او را از خوردن روزه‌اش نهی نکند یا شخصی که از گرسنگی در حال مردن است را از خوردن گوشت خوک منع نکند.

از جابر روایت است که می‌فرماید: «خَرَجْنَا فِي سَفَرٍ، فَأَصَابَ رَجُلًا مِنَّا حَجَرٌ فَشَجَّهُ فِي رَأْسِهِ، ثُمَّ احْتَلَمَ، فَسَأَلَ أَصْحَابَهُ، فَقَالَ: هَلْ تَجِدُونَ لِي رُحْصَةً فِي التَّيْمَمِ؟ فَقَالُوا: مَا نَجِدُ لَكَ رُحْصَةً وَأَنْتَ تَقْدِرُ عَلَى الْمَاءِ. فَاغْتَسَلَ، فَمَاتَ، فَلَمَّا قَدِمْنَا عَلَى النَّبِيِّ أُخْبِرَ بِذَلِكَ، فَقَالَ: قَتَلُوهُ قَتَلَهُمُ اللَّهُ، أَلَا سَأَلُوا إِذْ لَمْ يَعْلَمُوا؛ فَإِنَّمَا شِفَاءُ الْعِيِّ السُّؤَالُ، إِنَّمَا كَانَ يَكْفِيهِ أَنْ يَتَيَمَّمَ وَيَعَصِرَ أَوْ يَعَصِبَ عَلَى جُرْحِهِ خِرْقَةً، ثُمَّ يَمْسَحَ عَلَيْهَا وَيَغْسِلَ سَائِرَ جَسَدِهِ» (ابو داود، ۱۴۳۰، ۳۳۶).

از جابر روایت است که می‌فرماید: «به قصد سفری خارج شدیم، در راه سنگی به سر یکی از همراهان ما خورده و سرش را زخمی کرد، سپس آن مرد احتلام شد و از دوستانش پرسید: آیا در من رخصتی، برای تیمم می‌یابید؟ گفتند: در حالی که می‌توانی با آب غسل کنی رخصتی برای شما در تیمم نمی‌یابیم. پس آن مرد غسل کرد و مرد. وقتی نزد رسول‌الله رفتیم، ایشان را در جریان این مسئله قرار دادند که رسول‌الله فرمود: او را کشتند، خدا آنها را بکشد. چرا وقتی نمی‌دانستند، سؤال نکردند؟ تنها شفای نادانی، پرسش است. کافی بود که تیمم کند و پارچه‌ای بر محل زخم خویش ببندد، سپس بر آن مسح کند و سایر بدنش را بشوید».

در این روایت افرادی از روی نادانی و بی‌اطلاعی از احکام شرعی و حال مخاطب همراهشان را از تیمم نهی می‌کنند و این نهی‌شان باعث مرگ او می‌شود و رسول‌الله نیز آنان را توبیخ می‌کند.

(د) علم به اختلافات در مسائل فقهی

مسائل فقهی مختلف‌فیه را بشناسد و اقوال فقها در مورد آنها را بداند تا با امر و نهی در مسائل کوچک اجتهادی و فقهی باعث نشود که امر و نهی‌اش بجای سبب خیر شدن سبب شر شود، امام سفیان ثوری می‌فرماید: «هنگامی که دیدی مردی کاری را انجام می‌داد که در (درست بودن) آن اختلاف است، و تو بر غیر آن بودی، او را نهی نکن»، قاضی ابو یعلی مسائلی که اختلاف موجود در آنها بر مبنای دلیل ضعیفی بنا شده است، و قول ارجح بیشتر قوت بیشتری دارد را از این قول مستثنی دانسته است. (ر.ک: حمود الرحیلی، ۱۴۳۱، ۲۷).

هـ) عمل قبل از دعوت

داعی باید پیش از دعوت دیگران، خود نیز به آنچه قرار است به آن دعوت دهد پایبند باشد، همانطور که خداوند خطاب به یهود می‌فرماید: ﴿اتَّامُزُونَ النَّاسَ بِالْإِثْرِ وَتَسْتَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (بقره، ۴۴)، آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید با اینکه شما کتاب [خدا] را می‌خوانید آیا [هیچ] نمی‌اندیشید؟

در این بخش از مقاله به شناساندن معروف و منکر به مخاطب، التزام به عمل به اوامر و ترک نواهی، انجام واجبات پیش از امر به معروف، شروع از خود و نزدیکانش و به تقلیل منکر توسط داعی می‌پردازد.

الف) شناساندن معروف و منکر به مخاطب

داعی قبل از امر و نهی ابتدا باید معروف بودن معروفی که می‌خواهد به آن امر کند و منکر بودن منکری که می‌خواهد از آن نهی کند را به مخاطب اثبات کند و حجت را بر او تمام کند، زیرا علم قبل از عمل می‌آید و مخاطب برای عمل به معروف و ترک از منکر ابتدا باید نسبت به آن‌ها شناخت داشته باشد.

ب) التزام به عمل به اوامر و ترک نواهی

خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ۚ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ (صف، ۲-۳)، «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟» نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید.

طبق این آیه، آمران موظفند خود نیز به اوامرشان عمل کنند، از أسامة بن زید روایت است: «سمعت رسول الله، يقول: يُوتَى بِالرَّجُلِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَبُلْقَى فِي النَّارِ، فَتَنَدَلِقُ أَقْتَابَ بَطْنِهِ فَيَدُورُ بِهَا كَمَا يَدُورُ الْحِمَارُ فِي الرَّحَى، فَيَجْتَمِعُ إِلَيْهِ أَهْلُ النَّارِ، فَيَقُولُونَ: يَا فُلَانُ، مَا لَكَ؟ أَلَمْ تَكُ تَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ؟ فَيَقُولُ: بَلَى، كُنْتُ أَمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا آتِيهِ، وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَآتَيْتُهُ». (مسلم، ۱۳۳۴).

از رسول الله روایت است که فرمودند: «روز قیامت مردی را می آورند و در دوزخ می اندازند؛ روده هایش پاره می شود و در آتش می ریزد و او مانند الاغی که به دور آسیاب می چرخد، پیرامون آن می گردد. دوزخیان در اطراف او جمع می شوند و به او می گویند: فلانی، چرا چنین وضعیتی داری؟ مگر تو امر به معروف و نهی از منکر نمی کردی؟! می گوید: بله، من به کارهای نیک و پسندیده امر می کردم و خود آنها را انجام نمی دادم و از منکر و کارهای زشت باز می داشتم، اما خود آنها را انجام می دادم»، این حدیث بیانگر این است که ترک اوامر و انجام دادن نواهی برای آمران و ناهیان حرام است و ترک اوامر و انجام نواهی عقوبت سختی برای آنان در پی خواهد داشت.

(د) انجام واجبات پیش از امر به معروف

﴿يُنْيِ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (لقمان، ۱۷)، در آیه نماز خواندن پیش از امر به معروف و نهی از منکر ذکر شده است.

(هـ) شروع از خود و نزدیکانش

آمران و ناهیان ابتدا باید امر به معروف و نهی از منکر را از خود و اطرافیان خود شروع کنند، ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾ (تحریم، ۶)، ای کسانی که ایمان آورده اید خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن مردم و نگهاست حفظ کنید.

(و) داعی در نهی از منکر باید باعث تقلیل منکر شود

یعنی به گونه ای عمل کند که منجر به کاهش و تضعیف منکر شود و نه اینکه آن را تقویت کند. هدف از نهی، دور ساختن مخاطب از منکر و سوق دادن او به سوی معروف است، نه ایجاد دافعه نسبت به معروف و سوق دادن مخاطب به سمت منکرات بیشتر؛ همان گونه که خداوند می فرماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدْلُهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (نحل، ۱۲۵)، با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه ای] که نیکوتر است مجادله نمای.

ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی داعی

اخلاق و شخصیت داعی در دعوت از اهمیت بالایی برخوردارند و شایسته است که داعی این خصوصیات را مدنظر قرار دهد، برخی از این خصوصیات عبارتند از؛ صبر در راه امر به معروف و نهی از منکر، ملایمت و نرمی، عدم تجسس و حفظ آبروی دیگران که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد.

صبر در راه امر به معروف و نهی از منکر؛ یک داعی باید در مسیر دعوت و مشکلاتی که در راهش قرار می‌گیرد صبور باشد و آزارهایی که به او می‌رسد باعث سستی‌اش در راه امر به معروف و نهی از منکر نشود، «وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ» (لقمان، ۱۷)، "و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند باز دار و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است شکیبا باش"، «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْخُوْتِ» (قلم، ۴۸)، "پس در [امتنال] حکم پروردگارت شکیبایی ورز و مانند همدم ماهی [=یونس] مباش..."

ملایمت و نرمی در امر به معروف و نهی از منکر؛ رسول‌الله می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفْقَ، وَيُعْطِي عَلَى الرَّفْقِ مَا لَا يُعْطِي عَلَى الْعُنْفِ، وَمَا لَا يُعْطِي عَلَى مَا سِوَاهُ» (مسلم، ۱۳۳۴، ۲۵۹۳)، "الله مهربان و آسان‌گیر است و نرمی و ملایمت را دوست دارد و در برابر نرمی و خوش‌رفتاری، پاداش یا نتایجی می‌دهد که در برابر خشونت و چیزهای دیگر نمی‌دهد"، آمران و ناهیان با آسان‌گیری و با ملایمت رفتار کردنشان می‌توانند نتایج بهتری را مشاهده کنند.

عدم تجسس؛ آمران و ناهیان جهت امر و نهی در امور خصوصی و پنهان دیگران نباید تجسس کنند، «وَلَا تَجَسَّسُوا» (حجرات، ۱۲)، "و جاسوسی مکنید"، از ابن مسعود روایت است: «إِنَّا قَدْ نَهَيْنَا عَنِ التَّجَسُّسِ، وَلَكِنْ إِنْ يَظْهَرُ لَنَا شَيْءٌ نَأْخُذُ بِهِ» (ابو داود، ۱۴۳۰، ۴۸۹۰)، ما از تجسس و کنکاش در کار دیگران منع شده‌ایم، ولی اگر چیزی برای ما نمایان شد، به موجب آن (به مجازات شرعی یا تعزیر) عمل می‌کنیم.

حفظ آبروی دیگران؛ از دیگر ویژگی‌های آمران و ناهیان حفظ آبروی دیگران است، رسول الله می‌فرماید: «لَا يَسْتُرُ عَبْدٌ عَبْدًا فِي الدُّنْيَا إِلَّا سَتَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (مسلم، ۱۳۳۴، ۲۵۹۰)، (هیچ بنده‌ای (عیب) بنده‌ای را نمی‌پوشاند، مگر اینکه خداوند در قیامت (عیوب) او را می‌پوشاند).

نتیجه‌گیری

- آمران به معروف و ناهیان از منکر نقش مهمی در احیا و یا زنده نگه داشتن جامعه دینی دارند، از این رو باید به بهترین شکل وظایف خود را انجام دهند.

- از ویژگی‌های ضروری آمران و ناهیان شناخت و فهم قرآن و سنت است، زیرا بدون شناخت آنها شناخت معروف و منکر ممکن نیست و بدون شناخت معروف و منکر نمی‌توانند بدان‌ها امر و یا از آنها نهی کنند.

- ویژگی‌های شاخص آمران و ناهیان را می‌توان به چهار دسته اصلی تقسیم کرد: ویژگی‌های اعتقادی، ویژگی‌های علمی، ویژگی‌های عملی، ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی. پیشنهاد می‌شود آمران به معروف و ناهیان از منکر برای تقویت و تعمیق شناخت خود نسبت به ویژگی‌های یک داعی موفق، با شرکت در کارگاه‌های آموزشی تخصصی که براساس آموزه‌های قرآن و سنت طراحی شده‌اند، اقدام نمایند.

منابع

قرآن کریم.

- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- ابو داود، الأزدی، سلیمان بن الأشعث، سنن أبی داود، چاپ اول، دار الرسالة العالمية، بیروت، ۱۴۳۰ هـ.ق.
- بخاری، محمد بن إسماعیل، صحیح البخاری، چاپ پنجم، دار البیامة، دمشق، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- حرانی، أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام بن عبد الله بن أبی القاسم بن محمد ابن تیمیة، الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر، چاپ اول، وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، سعودی، ۱۴۱۸ هـ.ق.

- حنبلې، عبد الرحمن بن أبى بكر بن داود، الكنز الأكبر من الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، چاپ اول، دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤١٧هـ.ق.
- رحيلې، حمود بن احمد، قواعد مهمة فى الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، بى.جا، موقع وزارة الأوقاف السعودية، بى.جا، ١٤٣١هـ.ق.
- سعدى، عبد الرحمن بن ناصر، تيسير الكريم الرحمن فى تفسير كلام المنان، چاپ اول، مؤسسة الرسالة، بى.جا، ١٤٢٠هـ.ق.
- فولادوند، محمدمهدى فولادوند، قرآن كريم (ترجمه فولادوند)، چاپ اول، دفتر مطالعات تاريخ و معارف اسلامي، تهران، ١٣٧٦ هـ.ش.
- فيروزآبادى، محمد بن يعقوب، بصائر ذوى التمييز فى لطائف الكتاب العزيز، چاپ اول، المجلس الأعلى للشئون الإسلامية، قاهره، ١٤١٢هـ.ق.
- قشيري نيشابورى، مسلم بن الحجاج، الجامع الصحيح «صحيح مسلم»، چاپ اول، دار الطباعة العامرة، تركيه، ١٣٣٤هـ.ق.
- وعلان، عبد المجيد بن محمد، قواعد وفوائد فى الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر من كلام شيخ الإسلام ابن تيمية، بى.جا، بى.نا، بى.جا، ١٤٤٢هـ.ق.
- يوسف بن عبد البر، جامع بيان العلم وفضله، چاپ اول، دار ابن الجوزى، سعودى، ١٤١٤هـ.ق.

واکاوی دستور العمل‌های امر به معروف و نهی از منکر در امور

دینی از زبان غیر انبیاء در قرآن کریم

فاطمه نعمتی (طالب العلم ترم چهارم رشته تفسیر_بندرلنگه)

Fatemehnemati848@gmail.com

دریا نیک سرشت (طالب العلم ترم چهارم رشته تفسیر_بندرلنگه)

nsdarya998@gmail.com

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک راهبرد مهم، در تقویت و توسعه جامعه اسلامی، از جهت بهبود زندگی اجتماعی و اخلاقی افراد، بسیار حائز اهمیت بوده است. از این رو قرآن کریم به این امر بسیار توصیه نموده، تا مسلمانان با بکارگیری این مهم بتوانند موجب ارتقای اخلاق و ارزش‌های اسلامی در جامعه خویش بشوند. این پژوهش با تکیه بر موضعی از قرآن، این امر مهم را که توسط مصلحانی غیر انبیاء اجرا شده و نیز دستورالعمل‌ها و کیفیت انجام آن را مورد بررسی قرار داده است. پس از بررسی آیات و تقسیمات صورت گرفته تنها به جنبه دینی آن که شامل دعوت به توحید و یکتاپرستی، دعوت به رسالت و قبول پیام الهی، عدم توجه به آخرت، صبر و استقامت در برابر امتحان الهی است پرداخته شد.

کلیدواژه‌ها: مصلحان، جامعه اسلامی، امر به معروف، نهی از منکر، قرآن.

مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر دو اصل اساسی اسلام می‌باشد و وظیفه‌ای است که هر مسلمانی باید در قبال جامعه خود انجام دهد. مسئولیتی است اجتماعی که به بهبود و سلامت جامعه کمک می‌کند. این مسئله از آن جهت مهم است که سبب حفظ ارزش‌های اخلاقی، پیشگیری از فساد و نیز سبب تقویت و همبستگی اجتماعی و مسئولیت‌پذیری افراد جامعه می‌شود.

خداوند در تاکید جایگاه و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در اسلام آن را جزء صفت صالحان می‌داند. (آل عمران: ۱۱۳-۱۱۴).

و آمران به معروف و ناهیان منکر را بهترین مردم می‌نامد. (آل عمران، ۱۱۰). احادیث بسیاری نیز در این راستا از پیامبر وارد شده است. (حقیل، ۳۵، ۱۴۱۷-۳۸؛ رک: ابن تیمیه، ۱۴۱۸، ۱۰).

مطالعات پیشینی که در این زمینه صورت گرفته است، شامل: «نقش امر به معروف و نهی از منکر در پیشگیری جرائم مرتبط با شبکه‌های اجتماعی، مبانی، منابع، فرصت‌ها و چالش‌ها» نوشته روح اله دهقانی، مهدی شیدائیان آرانی، سید محمود میر خلیلی و شهرداد دارابی، این مقاله با روش تحقیقی تحلیلی و توصیفی در کنار مبانی و منابع شرعی، مبانی و منابع عقلی و حقوقی را نیز مورد کنکاش قرار داده‌اند و نشان می‌دهند که برای پیشگیری از جرائم، نیازمند آگاه کردن مردم و فرهنگ‌سازی است. همچنین مقاله «واکاوی اهمیت و شرایط امر به معروف و نهی از منکر در آیین اسلام»، نوشته حسن فضل، که در این مقاله نویسنده بر آن است که با بهره‌گیری از آیات و احادیث، لزوم اجرای دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر را اثبات نموده و شرایط و موقعیت انجام آنها را متذکر شده است.

با توجه به مطالعات پیشین، پژوهشی که به بررسی دستورالعمل‌ها و کیفیت انجام امر به معروف و نهی از منکر توسط مصلحانی غیر انبیاء صورت گرفته باشد، یافت نشد. نوآوری پژوهش این است که با تکیه بر مواضعی از قرآن، این مهم را که توسط مصلحانی غیر از انبیاء اجرا شده را

مورد بررسی قرار داده است. هدف از پژوهش آن است که دستورالعمل‌ها و کیفیت‌های انجام امر به معروف و نهی از منکر توسط غیر انبیاء که در قرآن مطرح شده است آگاهی به عمل آید و الگویی برای افراد جامعه، در انجام این وظیفه اجتماعی باشد.

این پژوهش با استقراء آیات قرآن که در این زمینه می‌باشد با روش تحلیلی-توصیفی به بررسی موارد ذیل می‌پردازد:

الف) مفهوم شناسی امر به معروف و نهی از منکر

ب) اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

ج) رابطه امر به معروف و نهی از منکر با انذار و تبشیر

د) امر به معروف و نهی از منکر از جهت نوعیت آن

ه) بررسی آیات امر به معروف و نهی از منکر در امور دینی از زبان غیر انبیاء

۱- مفهوم شناسی امر به معروف و نهی از منکر

در ابتدا برای فهم بیشتر اصطلاح امر به معروف و نهی از منکر، آن را به دو بخش مفهوم امر به معروف و مفهوم نهی از منکر تقسیم بندی نموده و سپس در هر بخش به بررسی لغوی و اصطلاحی هر کدام از واژه‌ها پرداخته شده است.

۱-۱ - مفهوم امر به معروف

امر در لغت: از دیدگاه ابن فارس به معنای؛ کار، نقیض نهی، پر برکت، زیاد شدن چیزی، نشانه جایگاه و تعجب می‌باشد. (ر.ک: ابن فارس، ۱۳۹۹، ۱/۱۳۷) از نظر راغب، امر به معنای کار، همچنین امر کردن با صیغه افعّل، به صورت خبری و اشاره می‌باشد. (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۸۸).

امر در اصطلاح اصولیین: ایجاب فعل یا درخواست انجام فعل با قول از کسی که پایین‌تر است. در این تعریف گفته شده که درخواست با قول باشد، زیرا که اشاره و رمز جز امر محسوب نمی‌شود و امر باید برای کسی پایین‌تر از خود باشد، زیرا وقتی بنده به پروردگارش

می‌گوید: "اغفر لی، وتجاوز عنی، وکفر سیئاتی" امر نیست، بلکه درخواست و طلب است. (ابویعلی، ۱/۱۴۱۰، ۱۵۷). هنگامی که گوینده به پایین‌تر از خود بگوید: "انجام بده" و اراده و جوب داشته باشد امر به شمار می‌آید. (ر.ک: جصاص، ۱۴۱۴، ۲/۷۹). امر قولی است که به وسیله آن در خواست انجام فعل می‌شود از کسی که پایین‌تر از او باشد و بعضی "بر سبیل وجوب" را بر این تعریف افزوده‌اند. (ر.ک: شیرازی، ۱۴۲۴، ۱۲).

معروف در لغت: از عرف گرفته شده و به معنای شناخته شده و ضد منکر می‌باشد. ابن فارس دو اصل معنایی برای آن ذکر نموده است: پی در پی بودن چیزی مثل یال اسب و معنای دیگر آن طمانینه و آرامش می‌باشد. (ر.ک: ابن فارس، ۱۳۹۹، ۴/۲۸۱).

معروف در اصطلاح: شناخت چیزی از روی اندیشه و تدبر به واسطه اثر آن و هر کار خوبی که با عقل و دین شناخته شود، معروف نام دارد. (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۵۶۰). کفوی در تعریف معروف بیان می‌کند: هر آن چیزی که نفس بر آن آرامش یابد و عقل، شرع و عرف نیز آن را بپذیرد. (ر.ک: کفوی، بی تا، ۸۰۴).

امر به معروف در اصطلاح: امر به معروف راهنمایی به راه‌های نجات بخش است و نیز گفته شده: امری که موافق با قرآن و سنت باشد. همچنین امر به معروف افعال و اقوالی است که خداوند از آن باشد. (ر.ک: جرجانی، ۱۴۰۳، ۳۷، ۳۶ و ر.ک: تهانوی، ۱۹۹۶، ۱/۲۶۷).

۱-۲- مفهوم نهی از منکر

منکر در لغت: نکر در لغت به معنای زیرکی، باهوشی، نیرنگ و فریب ذکر شده است. نکره، نقیض معرفه می‌باشد. (ر.ک: خلیل بن احمد، بی تا، ۳۳۵/۵) ابن فارس در تعریف آن چنین می‌گوید: اصل صحیحی است که دلالت بر خلاف معرفه (شناخته شده) می‌دهد. (ابن فارس، ۱۳۹۹، ۵/۴۷۶).

منکر در اصطلاح: راغب در مورد منکر می‌نویسد: منکر هر کاری است که عقل‌های سالم به زشتی آن حکم کنند یا در زشتی و خوبی آن متوقف بمانند ولی شرع به زشتی آن حکم کند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۸۲۳).

نهی در لغت: نهی بر خلاف امر است. گفته می‌شود "نهیه عنه" یعنی او را باز داشتیم. و نیز معنای دیگر آن "النهایه" به معنای غایت است، هنگامی که به نهایت یک چیز می‌رسد. (خلیل‌بن‌احمد، بی‌تا، ۹۳/۴). ابن فارس معنای نهی را چنین بیان می‌کند: اصلی که دلالت بر غایت و بلوغ یک چیزی می‌دهد. مثلاً گفته می‌شود (انهیت الیه الخبر) یعنی خبر را به او رساندم و نیز نهایت هر چیزی غایت آن است. (رک: ابن فارس، ۱۳۹۹، ۵/۳۵۹).

نهی در اصطلاح اصولیین: نهی قولی است که به وسیله آن درخواست ترک فعل می‌شود از کسی که پایین‌تر از او باشد. شیرازی می‌گوید: اصحاب ما بر سبیل وجوب را به این تعریف افزوده‌اند. (شیرازی، ۱۴۲۴، ۲۴). و نیز قول گوینده به پایین‌تر از خود، جهت انجام ندادن فعلی را نهی می‌گویند. (رک: برکتی، ۱۴۲۴، ۲۳۳).

نهی، ایجاب یا درخواست ترک با قول از کسی که پایین‌تر از خودش باشد. گفته شده منع باید از طریق قول باشد، زیرا اگر کسی برده‌ای را ببندد یا اینکه در را بر او قفل کند، او را منع کرده است، در حالی که چنین چیزی نهی نیست. بنابراین نهی باید با قول باشد. (ابو یعلی، ۱۴۱۰، ۱/۱۵۹). نهی از منکر در اصطلاح: مانع شدن از چیزی که با شرع سازگار نیست، همچنین نهی از چیزهایی که نفس و شهوت به سوی آن میل می‌کنند و نیز زشت پنداشتن آنچه شریعت و عفت از آن نفرت داشته باشند و در دین خداوند جایز نباشد. (رک: جرجانی، ۱۴۰۳، ۳۶، ۳۷ و رک: تهانوی، ۱۹۹۶م، ۱/۲۶۷).

اما از دیدگاه این پژوهش، به صورت کلی می‌توان گفت: امر به معروف و نهی از منکر یعنی فرمان دادن به کاری یا بازداری از عملی به صورت موعظه، توصیه و راهنمایی و مطابق با شرع باشد.

هدف از بیان این ترمینولوژی جدید، از این جهت بوده که در تعریف اصطلاحی پیشینیان فقط جانب تعریف اصولی و آمرانه منظور گردیده، در حالی که اصل دعوت بر پایه این حدیث رسول «یسروا ولا تعسروا و بشروا ولا تنفروا» (بخاری، ۱۴۲۲هـ، ۲۵/۱، ش ۶۹). همچنین آیاتی مانند ایه صد و شصت و چهار سورة اعراف که از واژه "موعظه" استفاده شده، دلالت بر خلاف آن دارد.

۲- اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، اصل اساسی دین اسلام بوده که در قرآن و سنت بدان تاکید فراوان شده است. خداوند متعال امت اسلامی را به سبب انجام این امر مهم، بهترین امت معرفی می‌نماید. (آل عمران، ۱۱۰). همچنین در قرآن کریم امر به معروف و نهی از منکر از اوصاف صالحان ذکر شده است. (همان، ۱۱۴)، و آفریدگار به ناهیان از منکر وعده نجات داده است. (اعراف، ۱۶۵). و در آیاتی دیگر، با کامل‌ترین معانی و بهترین تعبیر، امر به معروف و نهی از منکر را از صفات مومنین می‌داند. (توبه، ۷۱). علاوه بر این، خداوند این امر مهم را به خود نسبت داده است (نحل، ۹۰) و فرموده ما به کسانی که قدرت و مکنت در زمین عطا می‌نماییم عهده‌دار این وظیفه خطیر خواهند بود. (حج، ۴۱). پیامبر اکرم نیز امر به معروف و نهی از منکر را همچون صدقه‌ای توصیف نموده است.

حضرت می‌فرماید: شخص به خاطر آن در روز قیامت پاداش داده می‌شود: «أن أناسا من أصحاب النبي ﷺ، قالوا للنبي: يا رسول الله، ذهب أهل الدثور بالأجور، يصلون كما نصلي، ويصومون كما نصوم، ويتصدقون بفضول أموالهم، قال: أوليس قد جعل الله لكم ما تصدقون به؟ أن بكل تسبيحة صدقة، وكل تكبيرة

صدقة، وكل تحميدة صدقة، وكل تهليلة صدقة، وأمر بالمعروف صدقة ونهي عن المنكر صدقة». (مسلم، بی تا، ۶۹۷/۲)، یعنی اینکه این مهم، مانند صدقه‌ای در میزان حسنات شخص مكتوب می‌گردد.

۳ - رابطه امر به معروف و نهی از منکر با انذار و تبشیر

ماده "نذر" ۱۳۰ مرتبه در قرآن ذکر شده است که ۱۲۴ مرتبه مربوط به بحث انذار می‌باشد، (عبدالباقی، ۱۳۸۶، ۸۰۵-۸۰۷) و ماده بشر (به معنای تبشیر) ۸۰ مرتبه در قرآن بکار رفته است. (همان، ۱۵۱-۱۵۴). د. محمد زکی تعداد کلماتی را که از ریشه نذر در قرآن می‌باشد ۱۳۰ مرتبه ذکر کرده است و تعداد کلمات آن را که به صورت مختلف آمده ۵۴ مرتبه نام برده است. (محمد زکی، ۱۴۳۳، ۱/۲۱۲). وی تعداد کلمات واژه بشر را ۱۲۳ مرتبه بیان نموده که ۵۳ مرتبه از آن به صورت مختلف آمده است. (همان، ۲۳/۱). انذار به معنای ارسال پیام توسط انبیاء و رسولان الهی به مردم به منظور هدایت و بیرون آوردن آنها از غفلت و تذکر و اقامه حجت بر مردم هشدار دادن آنها از عواقب بد اعمال است. (سجده، ۳؛ یس، ۶؛ قصص، ۴۶؛ نساء، ۱۶۵؛ نوح، ۱). این انذارها عموماً شامل:

دعوت به تقوا، ترک معاصی، همچون شرک و الحاد، می‌باشد. (نوح، ۲، ۳؛ انعام، ۱۹؛ هود، ۲)، و تبشیر به معنای شادمانی، خبر راست و شادی بخش است. هرگاه کلمه بشارت به صورت مطلق به کار رود به معنی مزدگانی، خیر و شادی است و تنها در صورتی معنای شر می‌دهد که قرینه‌ای برای آن باشد. (جوهری، ۱۴۰۷، ۵۹۱، ۵۹۰) با بررسی آیات انذار و تبشیر، چنین استنباط می‌شود که این اصطلاح و عبارت در کاربست تبلیغ و انتشار اسلام و اعتقادات بکار رفته است؛ مثلاً خداوند در ابتدای دعوت به رسول الله چنین دستور می‌دهد: ﴿قُمْ فَأَنْذِرْ﴾ (المدثر، ۲) «برخیز و انذار بده» و نیز خداوند در آیه ﴿رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ...﴾ (نساء، ۱۶۵).

پیامبران خود را با صفت بشیر و نذیر معرفی می‌کنند، زیرا وظیفه پیامبران تبلیغ و انتشار اعتقادات و دین می‌باشد و نیز در آیه ﴿كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ - بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ

أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ﴾ (فصلت، ۴، ۳) از قرآن به عنوان بشیر و نذیر یاد می‌کند. همچنین انذار و تبشیر بر پذیرش ایمان تاکید دارد و مخاطبان را از جهت عقیدتی به راهی نوین از زندگی هدایت می‌کند (هود، ۲ نوح، ۴، ۳)، اما با بررسی آیات در بحث امر به معروف و نهی از منکر چنین مشاهده می‌شود که این مسئله بیشتر بر پایه اصول اخلاقی و اجتماعی بوده و موضوعاتی همچون عدل و احسان و عفو و گذشت و از این قبیل مسائل اشاره می‌کند (نحل، ۹۰؛ اعراف، ۱۹۹؛ لقمان، ۱۷-۱۹؛ مریم، ۵۵؛ هود، ۸۴، ۸۵؛ اسراء، ۲۳-۲۶) و مخاطبان آن افرادی هستند که رفتارهای مثبت را ترویج می‌نمایند.

همچنین با واکاوی مفهوم "انذار و تبشیر" در قرآن استنباط می‌گردد که این مفهوم بسیار گسترده بوده، در حالی که امر به معروف و نهی از منکر زیر مجموعه این مسئله جای می‌گیرد. به طور کلی می‌توان گفت که بین انذار و تبشیر و امر به معروف و نهی از منکر، عموم خصوص مطلق برقرار است، یعنی هر امر به معروف و نهی از منکر به نوعی جزء انذار و تبشیر بوده، اما عکسش صادق نیست.

۴- امر به معروف و نهی از منکر از جهت نوعیت آن

این مطالعه با بررسی آیات قرآن کریم، از جهت نوعیت آمران به معروف و ناهیان از منکر، چنین استنباط نموده است که آمران به معروف و ناهیان از منکر فقط مختص انسان‌ها نبوده، بلکه به سه دسته انسان‌ها، اجنه و حیوانات تقسیم می‌گردد که بدان پرداخته خواهد شد.

۴-۱- جنیان آمران به معروف و ناهیان از منکر

برخی از آیات قرآن گویای این است که وظیفه امر به معروف و نهی از منکر فقط مختص انسان‌ها نبوده، بلکه اجنه نیز نقش ملموسی در این مهم داشته‌اند. به عنوان مثال خداوند در آیات ۲۹ الی ۳۲ سوره احقاف از گروهی از جنیان سخن به میان می‌آورد که پس از شنیدن قرآن به سوی قوم خویش رفته و ایشان را به سوی آن دعوت می‌کنند. جنیان قرآن را تصدیق کننده

کتاب پیشین خود و هدایتگر به سوی حق و راه راست معرفی می‌کنند تا تاثیرگذاری بیشتر حاصل آید و سرانجام نیک و بد پذیرش آن را برای قوم خود ذکر می‌کنند.

این عمل جنیان نوعی امر به معروف و نهی از منکر دانسته می‌شود. (ر.ک: رازی، ۱۴۲۰، ۲۸/۲۸؛ ر.ک: آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۸۹/۱۳؛ ر.ک: شوکانی، ۱۴۱۴، ۳۱/۵؛ ر.ک: سمرقندی، بی تا، ۲۹۳/۳؛ ر.ک: ابن کثیر، ۱۴۲۰، ۳۰۴/۷؛ ر.ک: طبری، ۱۴۲۰، ۱۴۱/۲۲).

۲-۴- حیوانات آمران به معروف و ناهیان از منکر

با بررسی آیات قرآن مشاهده می‌گردد که در دو موضع از قرآن کریم، امر به معروف و نهی از منکر از زبان حیوانات انجام شده است. در یک موضع نسبت به هم نوعان خود موضوع را مطرح نموده‌اند و در جای دیگر، این مهم را به نسبت انسانها بیان کرده‌اند که هر دو مورد در سورة نمل بیان شده است.

الف) امر به معروف و نهی از منکر توسط مورچه

خداوند توصیه‌ای را از زبان مورچه شرح می‌دهد که هم نوعان خود را ارشاد می‌کند که به خانه‌هایشان وارد شوند تا آسیبی بدیشان نرسد گویا این مورچه دلسوز هموعانش است و آنان را جهت حفظ جانسان دستور به ورود به خانه‌هایشان می‌دهد. خداوند در سورة نمل چنین ذکر می‌کند: ﴿حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنُكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ (نمل، ۱۸)، با توجه به این آیه می‌توان چنین برداشت کرد که امر به معروف می‌تواند شامل امر برای حفظ جان و منافع مادی باشد و نیز عبرتی برای انسانها تا دلسوز همونوعان خود باشند. و برای پذیرش بیشتر اوامر، ذکر دلایل آن سبب مقبولیت بیشتر می‌شود. (ر.ک: قنوجی، ۱۴۱۲، ۲۵/۱۰ و ر.ک: قاسمی، ۱۴۱۸، ۴۸۹/۷).

(ب) امر به معروف و نهی از منکر توسط هدهد

خداوند در قرآن از پرنده‌ای سخن به میان می‌آورد که نسبت به انسانها دلسوز است و برای اینکه آنان را از شرک نجات دهد، مسئله پرستش خورشید توسط اهالی سبا را با سلیمان در میان می‌گذارد. این مسئله در آیات ۲۳ الی ۲۸ سوره نمل ذکر شده است. شاید بتوان گفت از زیباترین امر به نیکی و نهی از منکرهایی که در قرآن ذکر شده این کار هدهد باشد، زیرا با دیدن منکر آن را تحمل نمی‌کند. با توجه به این که افرادی که دچار شرک شده‌اند، انسان هستند و ممنوع او نمی‌باشند باز هم برای تغییر آن اقدام می‌کند. (ر.ک: طبری، ۱۴۲۰هـ، ۴۹۹/۱۹ و ۴۵۰؛ ر.ک: ابن کثیر، ۱۴۲۰هـ، ۱۸۸/۶؛ ر.ک: بغوی، ۱۴۲۰هـ، ۵۰۰/۳).

استنباط مهمی که از آیه مذکور می‌شود این است که در امر به معروف و نهی از منکر نباید تعصب داشت و می‌طلبد که غمخواری و شفقت، خاص اقوام و هم‌کیشان نباشد، بلکه نسبت به همه می‌بایست نیت خیر و دلسوزی به خرج داد. همچنین اگر توان داعی در بحث امر به نیکی و بازداشتن از شر، محدود است، از توانمندان در این راستا استمداد شود.

۳-۴- انسان‌های آمر به معروف و ناهی از منکر

بیشتر آیات متعلق به امر به معروف و نهی از منکر، اشاره به متوجه بودن این تکلیف نسبت به انسان‌ها می‌باشد. این امر مهم منحصر به اسلام نبوده و امت‌های پیشین نیز مأمور به این فریضة الهی بوده‌اند (آل عمران، ۱۱۴). با بررسی صورت گرفته، آیات متعلق به امر به معروف و نهی از منکر در این زمینه، شامل دو دسته می‌شود، آنچه که مختص انبیاء بوده و جزء حیطه بحث مقاله نمی‌باشد و آنچه که داعیان غیر نبی انجام می‌داده‌اند، در ادامه بخش دوم پرداخته خواهد شد.

۵- رویکرد غیر انبیاء نسبت به امر به معروف و نهی از منکر در امور دینی

امر به معروف و نهی از منکر از جوانب مختلفی همچون امور دینی، سیاسی، خانواده (مائه، ۲۸، ۲۷؛ قلم، ۱۷-۳۲؛ قصص، ۹؛ یوسف، ۲۹) در قرآن کریم وارد شده که به علت گسترده بودن این جوانب، این پژوهش بر آن است که این مسئله را فقط در جنبه دینی مورد بررسی قرار دهد. همچنین با جستجو در آیات قرآنی مواردی مشاهده می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر از جانب غیر انبیاء نیز صورت گرفته و مورد توجه قرآن نیز بوده است (بقره، ۲۴۹؛ مائه، ۲۳؛ کهف، ۳۶ و ۳۷؛ یس، ۲۰-۲۷؛ قصص، ۸۰؛ غافر، ۲۸-۴۴) که شامل: دعوت به توحید و یکتاپرستی، دعوت به رسالت و قبول پیام الهی، توجه به معاد و آخرت و صبر و استقامت در برابر امتحان الهی می‌باشد.

۵-۱- دعوت به توحید و یکتاپرستی

خداوند در موارد مختلفی از قرآن بندگان را به توحید و دوری از شرک امر می‌کند (نساء، ۳۶؛ انعام، ۱۵۱؛ حج، ۲۶) و برای گسترش این امر پیامبرانی را از جانب خود به سوی مردم فرستاده است. علاوه بر پیامبران، دعوتگرانی نیز در طول تاریخ از گذشته تا به امروز به این امر مهم اهتمام ورزیده‌اند، نمونه‌ای از آن در آیاتی از سوره کهف مشاهده می‌گردد.

خداوند در آیات ۳۲ الی ۴۴ سوره کهف از دو دوست سخن به میان می‌آورد که یکی از آنها مومن فقیر و دیگری کافری ثروتمند بود که اموال و فرزندان بسیاری داشت و به آنان می‌نازید و به علت کفر و شرک، به برپایی قیامت باور نداشت. شخص مومن دوستش را با گفتگو، پند و نصیحت می‌کند تا به خداوندی که او را از خاک و نطفه بی‌ارزشی آفریده کفر نورزد و شریکی برایش قرار ندهد و از فخر فروشی نسبت به مال و فرزندان دست بردارد. در این داستان امر به معروف و نهی از منکر توسط یک شخص موحد صورت گرفته است. (قرطبی، ۱۳۸۴هـ/۴۰۶/۱۰؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲هـ/۵۱۶/۳؛ ابو حیان، ۱۴۲۰هـ/۱۷۷/۷).

یکی از بهترین و متداول‌ترین روش‌ها برای ارشاد دیگران گفتگو و رد و بدل کردن سخن میان افراد می‌باشد. (کشف، ۳۷).

۵-۲- دعوت به رسالت و قبول پیام الهی

در گذشته افراد بسیاری در کنار پیامبران بوده‌اند و آنان را در امر دعوت به رسالت پشتیبانی می‌کردند، خداوند در قرآن آنان را چنین توصیف می‌کند که ایشان به سبب چیزی که در راه خدا بدانان می‌رسد (از قبیل کشته شدن، مجروح شدن و...) سست و ضعیف نمی‌شوند و زبانی نشان نمی‌دهند. (آل عمران، ۱۴۶).

خداوند در آیات ۲۰ الی ۲۷ سوره یس در رابطه با مردی سخن می‌گوید که تمام تلاش خود را بکار می‌گیرد تا افراد قوم خود را به تبعیت از پیامبران تشویق کند. او یادآور قوم خود می‌شود که پیامبران در برابر دعوت به سوی خدا هیچ مزدی دریافت نمی‌کنند، گویی می‌خواهد نشان دهد که ایشان در این امر صداقت دارند. او پی‌درپی آنان را به پرستش خداوند دعوت می‌دهد و ذکر می‌کند که تنها معبودی که شایستگی پرستش دارد و نفع و ضرر می‌رساند، خداوند است و برای تایید بیشتر پیامبران ایمان خود را در حضور مردم اعلام می‌کنند. و با جدیت نصیحت‌های خود را مطرح کرده و از آنان می‌خواهد که نصیحتش را عملی کنند. دلسوزی او نسبت به قومش نوعی امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. (طبری، ۱۴۲۰، ۵۳۰/۲۰؛ ابن کثیر، ۱۴۲۰، ۵۷۰/۶؛ بغوی، ۱۴۲۰، ۱۱/۴؛ قاسمی، ۱۴۱۸، ۱۷۸/۷؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ۴۱۹/۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ۳۹۸/۱۱؛ رازی، ۱۴۲۰، ۲۶۳/۲۶؛ بقاعی، بی تا، ۱۰۹/۱۶؛ ابن عاشور، ۱۹۸۴، ۳۶۵/۲۲؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲، ۴۵۱/۴؛ ابی‌سعود، بی تا، ۱۶۳/۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۱۰/۴؛ سعدی، ۱۴۲۰، ۶۹۳).

نکته‌ای که از این آیات برداشت می‌شود این است که در بحث امر به معروف و نهی از منکر اگر مسئله با تاکید و تبیین موضوع ذکر شود، بازخورد بهتری در پی خواهد داشت. (یس، ۲۰، ۲۱).

۵-۳- توجه به معاد و آخرت

آخرت هدفی است که انسان‌های مومن و موحد برای آن تلاش می‌کنند، زیرا آخرت بهتر و پایدارتر از زندگی دنیا است (اعلی، ۱۷)، خداوند مومنان را چنین توصیف می‌کند که آنان به آخرت و معاد یقین دارند (بقره، ۴)، دعوتگران در دعوت خود نیز به فناپذیری دنیا و پایداری آخرت تاکید دارند، در ادامه به بیان نمونه‌هایی از آن در قرآن پرداخته شده است.

خداوند در پایان سوره قصص در رابطه با قارون و ثروتش و افرادی که او را ارشاد می‌کردند سخن می‌گوید. آنها قارون را، از اینکه به ثروت خود مغرور شود نهی می‌کردند، اما او این ثروت را حاصل علم و دانش خود می‌دانست و در ادامه آیات چنین ذکر شده است که او با زینت‌های خود بر مردم خارج می‌شد و افرادی که خواستار دنیا بودند می‌گفتند ای کاش ما مانند قارون ثروت داشتیم! در آیه ۸۰ این سوره صاحبان علم، این افراد را از گفتن چنین چیزی نهی می‌کردند. آنان به سبب علمی که داشتند آخرت و پاداش الهی را از مال و ثروت و زندگی فناپذیر دنیا بهتر می‌دانستند و دیگران را سفارش می‌کردند که متوجه آخرت که ماندگارتر است باشند. (رک: طبری، ۱۴۲۰، ۶۲۹/۱۹؛ رک: ابی السعود، بی تا، ۲۶/۷؛ رک: شوکانی، ۱۴۱۴، ۲۱۶/۴؛ رک: ابن عطیه، ۱۴۲۲، ۳۰۱/۴؛ رک: ابن عاشور، ۱۹۸۴، ۱۸۴/۲۰؛ رک: بقاعی، بی تا، ۴۶۸/۱۱).

اهل علم توانایی بهتری در انجام امر به معروف و نهی از منکر دارند؛ لذا بر کسانی که این امر مهم را انجام می‌دهند لازم است علم و دانش خود را بیافزایند. (قصص، ۸۰).

و نیز در سوره غافر در طی آیات ۲۸ الی ۴۴ شخص مومنی از آل فرعون، قوم خود را به گونه‌ای نصیحت می‌کند تا آنان را متوجه آخرت کند او ابتدا به دفاع از موسی می‌پردازد و مانع از قتل او می‌شود (غافر، ۲۸) و پس از آن قومش را از عذاب خدا برحذر می‌دارد (غافر، ۲۹) و عذاب‌هایی را که بر امت‌های پیشین آمده را یادآوری می‌کند، همچنین ترس خود را نسبت به اینکه عذاب دامن‌گیرشان شود ذکر می‌کند (غافر، ۳۰-۳۳) و در ادامه آیات آنان را پند می‌دهد که کارهای

نیک انجام دهند تا وارد بهشت شوند. (غافر، ۳۸-۴۴، ر.ک: طبری، ۱۴۲۰، ۳۷۸/۲۱، ر.ک: ابن کثیر، ۱۴۲۰، ۱۴۲/۷، ر.ک: آلوسی، ۱۴۱۵، ۳۱۸/۱۲، ر.ک: شوکانی، ۱۴۱۴، ۵۶۰/۴، ر.ک: رازی، ۱۴۲۰، ۵۱۱/۲۷، ر.ک: ماوردی، بی تا، ۱۵۳/۵، ر.ک: نسفی، ۱۴۱۹، ۲۰۹/۳، ر.ک: ۱۴۲۰، ۱۱۱/۴، ابن جزی، ۱۴۱۶، ۲۳۱/۲). برای اینکه امر به معروف و نهی از منکر تاثیرگذارتر باشد، می‌توان برای افراد مثال‌ها و نمونه‌هایی که در گذشته رخ داده است را ذکر کرد تا از آن عبرت حاصل کنند. (غافر: ۳۰-۳۳).

۵-۴- صبر و استقامت در برابر امتحان الهی

صبر و استقامت یکی از ویژگی‌های مهم یک دعوتگر است، خداوند انسان‌ها را به شکل‌های مختلفی مثل ترس، گرسنگی، تلف شدن جان و مال و... مورد امتحان قرار می‌دهد و استقامت در برابر این موارد دارای اجر می‌باشد (بقره، ۱۵۵)، پیامبران نیز در مواضع سختی از خود صبر و استقامت نشان می‌دادند و دعوتگران غیر از انبیاء پشتیبان آنان بودند از ایشان الگو گرفته و دیگران را نیز صبر و استقامت در برابر امتحانات الهی سفارش می‌کردند.

در آیه ۲۴۹ بقره داستان طالوت و لشکریانش ذکر شده است که به وسیله نهری مورد آزمایش قرار گرفتند و عده کمی سربلند بیرون آمدند هنگامی که این افراد با لشکر دشمن مواجه شدند گروهی از آنان گفتند ما توانایی مقابله با آنان را نداریم، گروه دیگر که ایمان و یقین بیشتری داشتند بدیشان گفتند چه بسیارند گروه‌های اندکی که بر گروه‌های فراوانی چیره شده‌اند. این گفته به گونه‌ای تشویق برای جنگ و استقامت در برابر سختی‌هاست. ایشان با ذکر جمله (کم من فته قليلة غلبت فته كثيرة باذن الله) موعظه خود را تاثیرگذارتر می‌کنند تا سبب ثابت قدم شدن خود و دوستانشان شوند و در پایان آنان را به صبر دعوت می‌کنند. (ر.ک: قرطبی، ۱۳۸۴، ۲۵۵/۳، ر.ک: ابن عطیه، ۱۴۲۲، ۳۳۶/۱، ر.ک: ابو حیان، ۱۴۲۰، ۵۹۱/۲، ر.ک: سعدی، ۱۴۲۰، ۱۰۸، ر.ک: ابن عاشور، ۱۹۸۴، ۴۹۹/۲).

امر به معروف و نهی از منکر در مواقف سخت، حساس و مواضعی که ایمان افراد مورد امتحان و ابتلاء قرار می‌گیرد می‌تواند از لغزش‌ها جلوگیری کند و سبب ثابت قدم شدن اشخاص و پیروزی آنان گردد. (بقره، ۲۴۹-۲۵۱).

و نیز در آیات ۲۱ الی ۲۴ سورة مائده در رابطه با حضرت موسی و قومش سخن به میان آمده است که موسی قومش را به وارد شدن به سرزمین مقدس امر می‌کند، اما ایشان از انجام آن سرپیچی کردند. در این هنگام دو مرد از قوم موسی ایشان را تشویق به انجام اوامر و توکل بر خدا می‌کنند. این موعظه و پند برای انجام دستورات حضرت توسط دو مرد صورت گرفت که جز انبیاء نبودند. سخنان این دو مرد نشان‌دهنده ایمان و توکل ایشان بر خداوند و انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. (رک: بغوی، ۱۴۲۰، ۳۵/۲، رک: ابن عاشور، ۱۹۸۴، ۱۶۵/۶، رک: ابی سعود، بی تا، ۲۴/۳، رک: قرطبی، ۱۳۸۴، ۱۲۷/۶، رک: آلوسی، ۱۴۱۵، ۲۷۸/۳).

در بحث امر به معروف و نهی از منکر وظیفه هر یک از ماست که اگر معرفی تبلیغ شد آن را تایید کنیم و تمام تلاش خود را به کار گیریم تا آن را عملی نماییم. (مائده، ۲۱-۲۴).

نتیجه‌گیری

۱. امر به معروف و نهی از منکر تنها منحصر به امر و نهی مستقیم نبوده، بلکه به صورت موعظه، پند و نصیحت نیز در آیات قرآنی توسط غیر انبیاء ذکر شده است.

۲. مفهوم "انذار و تبشیر" در قرآن بسیار گسترده بوده و امر به معروف و نهی از منکر زیرمجموعه این مسئله جای می‌گیرد. به طور کلی می‌توان گفت که بین انذار و تبشیر و امر به معروف و نهی از منکر، عموم خصوص مطلق برقرار است.

۳. در قرآن امر به معروف و نهی از منکر فقط مختص انسان‌ها نبوده، بلکه اجنه و حیوانات نیز این امر مهم را اجرایی کرده‌اند.

۴. با بررسی‌های صورت گرفته در رابطه با آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر از زبان غیر انبیاء در امور دینی این پژوهش به شش دسته از آیات دست یافت که آن را به چهار دسته تقسیم کرده است. این تقسیمات شامل: نقض توحید و گرایش به غیر خدا، دعوت به رسالت و قبول پیام الهی، عدم توجه به آخرت، صبر و استقامت در برابر امتحان الهی می‌باشد.

منابع

قرآن کریم

ابن تیمیه، تقی الدین، الامر بالمعروف والنهی عن المنکر، چاپ اول، وزارة الشؤون الإسلامية والاوقاف والدعوة والارشاد، المملكة العربية السعودية، ۱۴۱۸هـ

ابن جزى، محمد بن احمد، التسهيل لعلوم التنزيل، چاپ اول، دار الأرقم بن أبى الأرقم، بيروت، ۱۴۱۶هـ.ق.

ابن عاشور، محمد الطاهر، التحرير والتنوير، چاپ اول، موسسه التاريخ، بيروت_لبنان، ۱۴۲۰هـ.ق.

ابن عجبیه، احمد بن محمد، البحر المديد فى تفسير القرآن المجيد، القاهرة، ۱۴۱۹هـ.ق.

ابن عطيه، عبد الحق بن غالب، المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز، چاپ اول، دار الكتب العلمية،

بيروت، ۱۴۲۲هـ.ق.

ابن فارس، زكريا، معجم مقاييس اللغة، دار الفكر، ۱۳۹۹هـ.ق.

ابن كثير، ابو الفداء، تفسير القرآن العظيم، چاپ دوم، دار طيبة للنشر والتوزيع، ۱۴۲۰هـ.ق.

ابو حيان، محمد بن يوسف، البحر المحيط فى التفسير، دار الفكر، بيروت، ۱۴۲۰هـ.ق.

ابو يعلى، قاضى، العدة فى أصول الفقه، چاپ دوم، بدون ناشر، ۱۴۱۰هـ.ق.

ابى سعود، محمد بن محمد، تفسير أبى السعود _ إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم، دار إحياء

التراث العربى، بيروت، بى تا.

اصفهانى، راغب، المفردات فى غريب القرآن، چاپ اول، دار القلم، الدار الشامية، بيروت، ۱۴۱۲هـ.ق.

ألوسى، محمود بن عبد الله، روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم والسبع المثانى، چاپ اول، دار الكتب العلمية،

بيروت، ۱۴۱۵هـ.ق.

بخارى، محمد بن اسماعيل، صحيح البخارى، چاپ اول، دار طوق النجاة، ۱۴۲۲هـ.ق.

- برکتی، محمد عمیم، التعريفات الفقهية، چاپ اول، دار الكتب العلمية ۱۴۲۴هـ.ق.
- بغوی، محیی السنه، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰هـ.
- بقاعی، ابراهیم بن عمر، نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور، دار الكتاب الإسلامی، القاهرة، بی تا.
- تهانوی، محمد بن علی، موسوعة کشف اصطلاحات الفنون والعلوم، چاپ اول، مکتبه لبنان ناشرون _ بیروت، ۱۹۹۶م.
- جرجانی، علی بن محمد، التعريفات، چاپ اول، دار الكتب العلمية بیروت _ لبنان، ۱۴۰۳هـ.ق.
- جصاص، احمد بن علی، الفصول فی الأصول، چاپ دوم، وزارة الأوقاف الكويتية، ۱۴۱۴هـ.ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، چاپ چهارم، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۷هـ.ق.
- حقیل، سلیمان بن عبدالرحمن، الامر بالمعروف والنهي عن المنکر فی ضوء الكتاب والسنة، چاپ چهارم، ۱۴۱۷هـ.
- خلیل بن احمد، فراهیدی، العين، دار ومکتبه الهلال، بی تا.
- رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب _ التفسیر الکبیر، چاپ سوم، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰هـ.ق.
- زمخشری، محمود بن عمرو، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ سوم، دار الكتاب العربی، بیروت ۱۴۰۷هـ.ق.
- سعدی، عبد الرحمن بن ناصر، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، چاپ اول، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۰هـ.ق.
- سمرقندی، أبو الیث نصر بن محمد بن أحمد بن إبراهيم السمرقندی، بحر العلوم، بی تا.
- شوکانی، محمد بن علی، فتح القدير، دار ابن کثیر، دار الکلم الطیب، دمشق _ بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۴هـ.ق.
- شیرازی، ابو اسحاق، اللع فی أصول الفقه، چاپ دوم، دار الكتب العلمية، ۱۴۲۴هـ.ق.
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، چاپ اول، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۰هـ.ق.
- عبد الباقي، محمد فواد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، چاپ هشتم، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۸۶هـ.ش.
- قاسمی، محمد جمال الدین بن محمد، محاسن التأویل، چاپ اول، دار الكتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۸هـ.ق.

- قرطبي، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن - تفسير القرطبي، چاپ دوم، دار الكتب المصرية، القاهرة، ١٣٨٤هـ.ق.
- قنوجي، محمد صديق خان، فتح البيان في مقاصد القرآن، المكتبة العصرية، صيدا - بيروت، ١٤١٢هـ.ق.
- كفوى، ابو البقاء، الكليات معجم في المصطلحات والفروق اللغوية، موسسه الرساله، بيروت، بى تا.
- ماوردى، على بن محمد، تفسير الماوردى - النكت والعيون، دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، بى تا.
- محمد زكى، محمد خضر، معجم كلمات القرآن الكريم، چاپ دوم، المنحقة، ١٤٤٣هـ.
- مسلم، ابو الحسن القشيري، المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم، دار إحياء التراث العربى، بيروت، بى تا.
- نسفى، عبدالله بن احمد، تفسير النسفى (مدارك التنزيل وحقائق التأويل)، چاپ اول، دار الكلم الطيب، بيروت، ١٤١٩هـ.ق.

صفات آمران به معروف و ناهیان از منکر در قرآن

سمیه پراوران (طالب العلم ترم دوم رشته شریعت _ خنج)

paravaransomaye@gmail.com

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر دو عمل خداپسندانه و فریضه مهم در اسلام است که از جایگاه والایی برخوردار است. این امر، همواره به صورت نهادی از سوی حاکم یا به صورت فردی انجام می‌شود. در این راستا آمران به معروف و ناهیان از منکر باید خود را مزین به صفاتی کنند که سبب تسهیل کار، تأثیرگذاری بیشتر و در نهایت سبب داشتن جامعه ایمانی و بدون هرج و مرج شود. این مقاله به صورت توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه گردآوری شده است. با بررسی‌های موجود، دانسته می‌شود که آمران به معروف و ناهیان از منکر، اگر به ویژگی‌های مذکور در قرآن متصف شوند، نقش به‌سزایی در امنیت جامعه و تحقق ارزش‌ها دارند؛ از جمله صفات: مکلف بودن شخص، علم و با اخلاص و مهربانی، مردم را به امر به معروف و نهی از منکر دعوت کند.

کلیدواژه‌ها: امر به معروف، نهی از منکر، معروف، منکر، قرآن، آمران به معروف.

مقدمه

آمران به معروف و ناهیان از منکر، به کسانی اطلاق می‌شود که به فعالیت‌های مثبت در جامعه تشویق می‌کنند و از انجام اعمال ناسازگار با اخلاق و ارزش‌های اسلامی منع می‌کنند. امر به معروف و نهی از منکر جزء امورات واجب الاجراء در هر جامعه‌ای به خصوص در جوامع اسلامی است که همواره همچون خون، در پیکر دین جریان دارد.

واژه معروف: کلیه اعمال و رفتاری است که در بردارنده تمام خوبی‌ها چه به نسبت خالق و چه به نسبت مخلوق است. منکر: مقابل معروف است و آن چیزی است که با سنت و عقل شناخته شده است. (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۵/۱۵) و طبق آیه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران، ۱۰۴) (و از میان شما باید گروهی باشند که دیگران را به نیکی فراخوانند و به کارهای شایسته فرمان دهند و از کار ناپسند بازدارند و اینانند که رستگارند). این آیه دال بر اهمیت وجود آمران به معروف و ناهیان از منکر است. دانسته می‌شود که عمل امر به معروف و نهی از منکر، یک امر فرض است؛ که در متن اصلی به آن پرداخته می‌شود. وجود آمران به معروف و ناهیان از منکر، سبب تحقق امنیت در جامعه، جلوگیری از انحرافات اجتماعی و بزهکاری، برپایی شریعت و دین و تأمین مصالح عمومی است. این تحقیق درصدد آن است که با بیان صفات آمران و ناهیان از منکر از دیدگاه قرآن، افرادی که صلاحیت این امر دارند برجسته سازد. از جمله تألیفاتی که در این زمینه به رشته تحریر درآمده می‌توان به کتاب: الامر بالمعروف و الناهی عن المنکر. تألیف: محمد رجب البیومی. کتاب: تاریخ و سیره آمران بمعروف. تألیف: احسان افتخاری. در تحقیقات قبلی به صفات اندکی از آمران به معروف و ناهیان از منکر به طور مختصر پرداخته شده است؛ لذا باتوجه به اهمیت موضوع، این مقاله به پیرامون سه سوال زیر پاسخ می‌دهد: ۱- حکم امر به معروف و

نهی از منکر چیست؟ ۲- آمران به معروف و ناهیان از منکر چه کسانی‌اند؟ ۳- ضرورت وجود آمران به معروف و ناهیان از منکر در جامعه چگونه است؟ همچنین به بیان حکم امر به معروف و نهی از منکر و جمع‌آوری تمام شروط و اوصاف لازم آمران به معروف و ناهیان از منکر به صورت توصیفی- تحلیلی گردآوری شده است.

حکم امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، از بارزترین راه‌های هدایت انسان است و از باب قاعده لطف، نزدیک ساختن بندگان به طاعت و دور ساختن آنان از معصیت از سر لطف انجام دادن آن بر همه لازم است؛ ولی فقهاء درباره این که وجوب عینی یا کفایی است، اختلاف دارند. این مسئله غالباً در ذیل آیه ۱۰۴ آل عمران طرح شده است ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند). بیشتر مفسرین «مِنْ» در «مِنْكُمْ» را تبعیضیه دانسته و وجوب کفایی را نتیجه گرفته‌اند. (رک: طبری، ۱۴۲۲هـ/ ۶۶۱/۵)، زیرا همه برای آن شایستگی لازم را ندارند، بلکه گروهی که با امر به معروف و نهی از منکر آشنا هستند به این مهم مبادرت ورزند. در مقابل، بعضی از فقهاء با تمسک به عموم آیات و روایات، به وجوب عینی امر به معروف و نهی از منکر قائل شده‌اند؛ مستند آنان آیه ۱۱۰ آل عمران است، خداوند می‌فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدید آورده شده است که به کارهای شایسته فرمان می‌دهید و از کارهای ناشایست باز می‌دارید)، زیرا خطاب در این آیه به عموم مسلمانان و وظیفه امر به معروف و نهی از منکر بر عهده همه است. این گروه از علما، «مِنْ» را در آیه ۱۰۴ آل عمران بیانیه و به معنای «کُونُوا أُمَّةً» و خطاب آیه را عام دانسته‌اند. به نظر می‌رسد برای اثبات وجوب عینی استدلال به شمول خطاب صحیح نباشد،

زیرا در واجب کفایی- واجب عینی خطاب عام است و می‌توان این‌گونه جواب داد که با تحقق غرض شارع یعنی تحقق معروف و از بین رفتن منکر، فرض عین از دیگران برداشته می‌شود؛ در صورتی که به مقدار کافی اقدام به امر و نهی شود، همه فقهاء قائل به سقوط وجوب از دیگران هستند، اما به طور کلی در این امر مهم باید هر انسانی در حد توانش در برابر دوستان و خویشاوندان خود انجام دهد و نیز بیشتر فقهاء آن را شرط وجوب دانسته و کسب آن را واجب نمی‌دانند. (مانند شرط استطاعت برای حج). (ابن براج، ۱۴۰۶ق، ۳۴۰/۱).

واژه محتسب و متطوع

در حکومت اسلامی، محتسب و متطوع دو مفهوم مهم در زمینه عملکرد شهروندان در جامعه هستند و به ارزشها و اهداف اسلامی در جامعه تلاش می‌کنند. محتسب کسی است که امر به معروف و نهی از منکر را انجام می‌دهد ولی در میان فقهاء رایج است که این نام را بر کسی که از طرف حاکم منصوب شده، می‌نهند و به وی والی حسبیه نیز می‌گویند. کسی که امر به معروف و نهی از منکر را بدون تعیین حاکم انجام دهد او را متطوع (داوطلب) می‌گویند. (زیدان، ۱۴۲۱هـ-۱۷۶).

فرق بین محتسب و متطوع

تفاوت‌های محتسب و متطوع شش تا است که این تفاوت‌ها عبارتند از:

الف) امر به معروف و نهی از منکر به سبب ولایت، بر محتسب، فرض عین است، اما بر شخص دیگری واجب عین نیست. بلکه فرض کفایی است و محتسب فقط باید به عین کار خویش مشغول باشد، اما متطوع جایز است این کار را انجام دهد یا ندهد.

ب) محتسب مأمور شده و آماده کمک در حالت حاجت است، هنگامی که از وی درخواستی شد قبول کند؛ برخلاف شخص متطوع.

د) محتسب حق دارد که انجام‌دهنده سیئات ظاهری را تنبیه کند و اگر از حد تجاوز کرد، شخص را مجازات کند، اما شخص متطوع حق انجام این کار را ندارد.

و) محتسب حق دارد در مسائلی که بر اساس عرف است، سخت‌کوشی کند و آنچه را که مقتضای تأیید می‌داند، تأیید کند و آنچه را که مستحق نفی می‌داند، انکار کند، اما برای شخص داوطلب اینگونه نیست. (ر.ک: زیدان، ۱۴۲۱هـ/۱۷۷).

شروط آمران به معروف و ناهیان از منکر

آمران به معروف و ناهیان از منکر، چندین شرط دارند از جمله:

۱) تکلیف: ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ (بقره، ۲۸۶) خداوند هیچکس را جز به اندازه توانش مکلف نمی‌کند. با این شرط، افراد غیرمکلف مانند دیوانه و بچه از آن خارج می‌شوند. مکلف در اصطلاح فقهاء به شخص عاقل و بالغ گفته می‌شود و این در حقیقت شرط واجب بودن احتساب بر مسلمانان است و امکان و جواز این امر، فقط توسط عقل، محقق می‌شود؛ حتی پسر بچه _ ولو اینکه مکلف نباشد _ هیچ کس نمی‌تواند او را از امر به معروف و نهی از منکر کردن منع کند. (ر.ک: غزالی، بی‌تا، ۳۱۲/۱).

۲) اسلام: امر به معروف و نهی از منکر، نوعی ولایت است، اما نه ولایت کافر بر مسلمان و طبق آیه: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء، ۱۱۴) خداوند هرگونه سلطه کافران بر مسلمانان را نهی کرده؛ سپس اگر کافر امر به معروف و نهی از منکر کند، در صورتی که شرط اسلام محقق نشده باشد، از او پذیرفته نمی‌شود. اعم از اینکه مورد خطاب فروع شرع باشد یا خیر، اما به عنوان نصیحت از آنان قبول می‌شود؛ مثل علم طبابت، مهندسی و... (سعدی، ۱۳۰۷، ۴۴۴).

۳) اجازه امام یا نائب او: این شرطی است که اگر محتسب از طرف ولی امر تعیین شده باشد،

نیازی به اذن ندارد، زیرا او فقط برای امر به معروف و نهی از منکر تعیین شده است. اجازه حاکم برای فرد متطوع، شرط است، اما هر مسلمانی موظف است بدی را در صورت مشاهده رفع کند، حتی اگر بدون اذن امام باشد؛ این امر با استمرار پیشینیان مورد حمایت قرار می‌گیرد. (زیدان، ۱۴۲۱هـ، ۱۸۱).

(۴) قدرت: طبق آیه ﴿لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ (بقره، ۲۸۶) دانسته می‌شود هر کسی که قادر به اجرای امر به معروف و نهی از منکر باشد، باید انجام دهد. مردم از نظر توانایی باهم متفاوت هستند و انسان هرچه توانایی بیشتری داشته باشد، انجام این امر برایش ضرورت بیشتری دارد و اگر نمی‌توانست با دستش قیام کند، از زبانش کمک گیرد و اگر با زبان نتوانست، با قلبش انجام دهد.

(۵) تابعه: هدف از امر به معروف و نهی از منکر، اقامه حق و رفع باطل است و معروف آن چیزی است که حضرت محمد آورده است. محتسب باید این را سرلوحه کار خود قرار دهد و بداند که تبعیت، شرط قبولی عمل است. ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (آل عمران، ۳۱) (اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید؛ تا خدا نیز شما را دوست بدارد؛ و گناهانتان را ببخشد؛ و خدا آمرزنده مهربان است) رویکرد ما برای تغییر، باید حذف انحرافات و ایجاد فضیلت در جامعه باشد. این راهی است که رسول خدا آن را پیموده است، پس بر مسلمانان لازم است که از آن تبعیت کنند.

صفات آمر به معروف و ناهی از منکر

قرآن کریم صفاتی برای آمران به معروف و ناهیان از منکر آورده است که در کنار شرایط که باید داشته باشند، لازم است خود را به این صفات آراسته کنند، که عبارتند از:

(۱) علم: داشتن علم در این مورد چه در زمینه تشخیص معروف و منکر؛ چه در زمینه ضرورت

علم در اجرای آن است. (ر.ک: ابن عاشور، ۱۹۸۴م، ۴/۴۱). این ویژگی به این معنی است که افراد باید با دانش و آگاهی کافی در مورد دستورات خداوند عمل کنند و با احترام از آنها پیروی کنند، علم شامل دانش از تفسیر، حدیث، فقه، روانشناسی، مباحث اجتماعی و... است. منظور از علم، آگاهی داشتن نسبت به هر چیزی که ما را به آن امر می‌کنند و همچنین آگاهی داشتن به چیزی که فرد را از آن نهی می‌کنند ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعْنِي﴾ (یوسف، ۱۰۸) بگو این است راه من که من و هر کس که پیروی ام کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنیم. از این آیه دانسته می‌شود که علم و بصیرت از شروط مهم امر به معروف و نهی از منکر است.

۲) اخلاص: آمر به معروف و ناهی از منکر باید کارش را به وجهی که رضایت خداوند در آن است انجام دهد بدون آن که با کارش قصد ریا یا دست یافتن به مقامی در دل مردم و یا هر چیزی از مادیات دنیا باشد و این امر _ یعنی اخلاص _ که شرط قبولی همه حسنات است، چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ (کهف، ۱۱۰) پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته پردازد و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد. که در این تأکید می‌شود بر اخلاص، در حالی که کار برجسته و قابل رؤیت برای مردم باشد؛ باید در این مورد به رویکرد شیطانی توجه داشت؛ چرا که شیطان از طریق آن در روح برخی از حسودان زمزمه می‌کند و آنها را در صداقت خود دچار تردید می‌کند و از انجام چنین کار بزرگی باز می‌دارد و کم کم به سمت شهرت و غرور و یا ریا سوق می‌دهد. نباید به هیچ یک از این وسوسه‌ها توجه کرد. بنده فقط در صورتی مستحق ثواب است که کارش برای رضای خدای متعال خالصانه باشد و اگر دیگری در آن سهم داشته باشد، خداوند از آن منزّه است. (ر.ک: سمرقندی، ۱۴۲۱هـ ۲۳).

۳) عادل و عامل بودن: آمر به معروف و ناهی از منکر باید عادل باشد و فاسق نباشد و صحبت‌هایش با اعمال او منافات نداشته باشد. خداوند متعال فرموده: ﴿تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (بقره، ۴۴) آیا مردم را به نیکوکاری فرمان می‌دهید و خودتان را فراموش می‌کنید حال آنکه شما کتاب [آسمانی] می‌خوانید؟ آیا خرد نمی‌ورزید؟

۴) مهربانی: محتسب باید تا حد امکان در کار خود مهربان باشد، زیرا این صفت پسندیده و از صفاتی است که برای خلق دوست دارد، همچنان که خالق آن را دوست دارد. از پیامبر ثابت شده است فرمود: «خداوند در همه کارها نرمی را دوست دارد و آنچه را به دیگران نمی‌دهد، به شخص مهربان عطا می‌کند». و از آن جایی که انسان به صورت فطری، احسان را دوست دارد و از بد رفتاری بیزار است، این صفت برای تمام مردم، دوست داشتنی است و آنچه از راه خشونت و سختی پذیرفته نمی‌شود، از راه مهربانی پذیرفته می‌شود، زیرا غالباً اگر انسان به خشونت دستور داده شود، غرور او را به گناه می‌کشاند، لذا لجاجت می‌کند و بر اشتباه خود پافشاری می‌کند و این سبب بیزاری از افراد نامهربان می‌شود و مصداق این فرموده خداوند است: ﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾ (آل عمران، ۱۵۹) اگر تندخو و سخت دل بودی، قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند پس از آنان درگذر و برایشان آموزش بخواه و در کارها با آنان مشورت کن. پس کسی که با رحمت و رفق، امر به معروف و نهی از منکر کند، دعوتش مستجاب می‌شود. (رک: زیدان، ۱۸۵).

نتیجه‌گیری

- ۱) امر به معروف و نهی از منکر در نهایت، تحقق غرض شارع را به همراه دارد.
- ۲) حکام و نمایندگان حکومت وظیفه بیشتری در خصوص امر به معروف و نهی از منکر دارند.

۳) هرکسی می‌تواند در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نقش داشته باشد (ابتدا با دستش، سپس با زبانش و درنهایت با قلبش).

۴) آمران به معروف و ناهیان از منکر، حتی الامکان باید خود را به علم، مهربانی، اخلاص و... مزین کنند تا از بروز لجاجت و سرکشی بین مردم، خودداری شود.

۵) در وهله اول، آمران به معروف و ناهیان از منکر باید عامل و الگوی مردم در تمام زمینه‌ها باشند.

منابع

قرآن کریم.

ابن براج، قاضی، المذهب، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۲ق، بی‌جا.

ابن عاشور، محمدطاهر بن محمد، التحرير و التنوير، الدار التونسية، تونس، بی‌جا،

جرجانی، علی بن محمد بن علی، التعريفات، محقق: جماعت من العلماء، دار الکتب العلمیه بیروت- لبنان، چاپ اول، ۱۴۰۳هـ-۱۹۸۳م.

خرم دل، مصطفی، تفسیر نور، نشر احسان، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۹۹هـ.

زیدان، عبدالکریم، اصول الدعوة، مؤسسة الرسالة، چاپ نهم، ۱۴۲۱هـ-۲۰۰۱م.

سجستانی، ابو داوود سلیمان بن اشعث، سنن ابی داوود، محقق: محمد محی الدین عبدالحمید، مکتبه العصرية، صیدا - بیروت، بی‌جا، بی‌تا.

سعدی، عبدالرحمن بن ناصر، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، مؤسسه الرساله، بی‌جا، ۱۳۷۶-۱۳۰۷هـ.

سمرقندی، ابولیت نصر بن محمد، تنبيه الغافلين باحاديث سيد الانبياء و المرسلين، محقق: يوسف علی بدیوی، دار ابن کثیر، دمشق - بیروت، چاپ سوم، ۱۴۲۱هـ / ۲۰۰۰م.

طبری، محمد بن جریر، تفسیر طبری، تحقیق: د عبدالله بن عبدالمحسن التركي، دار هجر للطباعة و النشر و التوزيع و الاعلان - القاهرة، مصر، چاپ اول، ۱۴۲۲هـ - ۲۰۰۱م.

غزالی، محمد بن محمد، احیاء علوم الدین، دارالمعرفة - بیروت، بی‌جا، بی‌تا.

فراهیدی، خلیل بن احمد بن عمر، العین، محقق: مهدی مخزومی و ابراهیم السامرائی، دار و مکتبه الهلال، بی‌جا، بی‌تا.

ویژگی‌های آمران به معروف و ناهیان از منکر با تکیه بر قرآن کریم

شایسته مظلوم (طالب العلم ترم دوم رشته تفسیر _ بندرلنگه)

shayestehmazloom383@gmail.com

چکیده

در بسیاری از آیات قرآن کریم بر چگونگی امر به معروف و نهی از منکر، به طور مستقیم و آمرانه یا غیرمستقیم و ارشاد گرایانه دلالت دارد. آیات الهی روابط اجتماعی افراد جامعه را بر اساس معروف خواهی و منکر گریزی تبیین نموده و رفتارهای خشن را مذموم دانسته است. لذا این مهم موجب جذب افراد به سوی راه راست خواهد گردید. خلأ ناشی از تالیفات قرآنی پیرامون ویژگی آمران به معروف و ناهیان از منکر و همچنین رفتارهای خشن و زننده بعضی از داعیان در این زمینه انگیزه نوشتن این مقاله بوده است. هدف از این پژوهش بازشناسی خصوصیات آمران به معروف و ناهیان از منکر در قرآن کریم و روشن سازی برخی از مصادیق آن در حیات یک داعی است.

کلیدواژه‌ها: امر به معروف، نهی از منکر، داعیان، مبلغین، دین گریزی.

مقدمه

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام به گونه‌ایست که افراد جامعه را در قبال یکدیگر متعهد و مسئول دانسته است. انسان به عنوان موجودی اجتماعی، برای حفظ روابط و ارزش‌های اخلاقی‌اش ملزم به اجرای قوانین الهی بوده است. از جمله این قوانین، بی‌مسئولیت نبودن نسبت به دستورات الهی می‌باشد. در آیات قرآن کریم، نسل‌های گذشته که سرمایه فکری و روحی شایسته‌ای برای مبارزه با فساد نداشتند. اقوامی محکوم به هلاکت و تباهی نام گرفته‌اند در حالی که صاحبان عقل و فهم بودند، ولی در مواعظ و دلائل خداوند تدبیر نمی‌کردند. (طبری، ۱۰/۴۹۶). خداوند متعال پس از آنکه خود را به عنوان امرکننده به خوبی‌ها و نهی‌کننده از بدی‌ها و ناشایستی‌ها معرفی می‌کند، (نحل، ۹) باز در همین سوره، پیامبر صلی الله علیه وسلم را نیز متصدی این مقام می‌داند و از او می‌خواهد تا با روحیه مدارا و با علم و بصیرت و حق و یقین مردم را به معروف دعوت دهد. (قرطبی، ۱۳۸۴، ۱۰/۳۰۱). و آیات زیادی در قرآن همچون آیه ۱۰۴ سوره آل عمران، سرافرازی را منوط به اجرای امر به معروف و نهی از منکر دانسته و خطاب به مسلمانان می‌فرماید: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾.

و همچنین خداوند در آیه‌ای دیگر نسبت به اقوام پیشین می‌فرماید: ﴿لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ (مائده، ۷۸) کافران بنی اسرائیل بر زبان داوود و عیسی پسر مریم لعنت و نفرین شده‌اند این بدان سبب است که همواره از فرمان خداوند عصیان و سرکشی می‌کردند و از حد می‌گذشتند و نهی از منکر نمی‌کردند و پند نمی‌دادند و چه کار بدی می‌کردند. (چراکه دسته‌ای مرتکب منکرات می‌شدند و گروهی هم سکوت می‌کردند، و بدین سبب همه مجرم می‌گشتند). بغوی در معالم التنزیل فی تفسیر القرآن روایتی را نقل کرده که اگر کسی از

بنی اسرائیل کار شری انجام می داد، نهی کنندگان او را منع می کردند ولی فردا با او مشغول نشست و برخاست و خورد و نوش می شدند در این وقت خداوند دلهایشان را به هم آمیخت و آنها را تبدیل به بوزینه و خوک کرد. (بغوی، ۱۴۲۰ هـ ۷۳/۲).

از دیرباز دانشمندان مسلمان به امر به معروف توجه وافر داشتند و همواره مباحث دقیق قرآنی مورد توجه موشکافانه آنان بوده است قاطبه علمای اهل اسلام از جمله ابن کثیر با استناد به آیه ۱۰۴ آل عمران که ذکر کردیم و حدیثی که امام احمد در مسند خودش ذکر کرده از حذیفه بن یمان که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: (سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست ضرورتاً و حتماً امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه عن قریب خداوند بسوی شما عذابی می فرستد که آن وقت دعا و تضرع می کنید ولی اجابتان نمی کند).

ابن کثیر در تفسیرش امر به معروف و نهی از منکر را برای هر فردی از افراد امت از واجبات می داند. (ابن کثیر، ۱۴۲۰ هـ ۹۱/۲).

طبری و ابن عطیه آن را فرض کفایه دانستند. (ابن عاشور، ۱۹۸۴ هـ ۳۹/۴).

قیام به این مهم در اهل علم و بصیرت از بزرگترین اسباب برای صلاح جامعه اسلامی و نجات آن از عذاب خداوند است. از جهت اینکه شناخت ویژگی های آمران به معروف و ناهیان از منکر می تواند کمک بسزایی در انجام این وظیفه به نحو احسن گردد و امروزه مشاهده می شود که کسانی که خود را آمران به معروف یا ناهیان از منکر و داعی دین می نامند، نتوانستند آن چنان که خداوند خواسته خود را ملبس به صفات یک داعی واقعی کنند و همچنین نبود و خلاء مطالعات کافی در این زمینه انگیزه نوشتن مقالاتی در این مورد بوده است.

در این زمینه مطالعات قابل توجهی تالیف شدند که برخی از آن عبارتند از: مقاله «آسیب شناسی امر به معروف و نهی از منکر با نظر به تجارب تاریخی» نوشته عبدالحسین رضاعی راد. و مقاله «الگوی راهبردی اداره امر به معروف و نهی از منکر» نوشته سید محمد جواد نصرالله زاده، و کتاب «امر به معروف و نهی از منکر» استاد مرتضی مطهری و مقاله «بررسی امر به

معروف و نهی از منکر از منظر فقه اهل سنت» نوشته منبره رشید نسب، و کتاب «ارکان و روش‌های امر به معروف و نهی از منکر» تالیف جهانگیر ولدبیگی. در سوابق پژوهشی مذکور به امر به معروف و نهی از منکر و چگونگی انجام آن اشاره شده است ولی جنبه ویژگی‌های یک داعی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

اما این پژوهش در تلاش است که به ویژگی‌های اصلی و مهم داعی (آمر به معروف و ناهی از منکر) طبق آیات قرآن بپردازد. نخست این مقاله در صدد است که مفهوم امر به معروف و نهی از منکر را بیان کند، دوم تاریخچه امر به معروف و نهی از منکر از عصر رسولان تاکنون را مورد واکاوی قرار دهد. سوم اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر، و چهارم چگونگی و اصول دعوت داعیان و ویژگی‌های یک داعی را با تکیه بر آیات قرآن بیان نماید.

۱ مفهوم امر به معروف و نهی از منکر

۱-۱ معنای لغوی امر

برای واژه امر ۵ معنا بکار برده شده یکی امر که ضد نهی است که جمع آن اوامر است. دوم امر به معنای رشد و نمو، سوم به معنای برکت، چهارم به معنای علامت و پنجم به معنای اشتباه عجیب و بزرگ. ولی در اینجا مراد همان معنای اول است. (ابن فارس، ۱۳۹۹، ۱/۱۳۷).

۱-۲ معنای لغوی معروف

معروف در لغت از ماده عرف است. اصلی که بر معرفت و شناخت دلالت می‌کند و معروف نامیده شده، زیرا که دلها با آن آرامش می‌گیرد و کسی که چیزی را ناشناس بداند از او وحشت دارد. (راغب اصفهانی، بی‌تا، ۲/۲۸۱). خلیل می‌گوید: عریف به کسی می‌گویند که سرپرستی قومی را بر عهده دارد و چون به این کار معروف شده او را عریف می‌گویند. (فراهیدی، بی‌تا، ۲/۱۲۱).

۱-۳ معنای لغوی نهی

نهی اصل صحیحی است که بر نهایت و بلوغ دلالت می‌کند و النُهیّه: به معنای عقل چون از

هر فعل قبیحی نهی می‌کند. (ابن فارس، ۱۳۹۹، ۳۵۹/۵). راغب اصفهانی می‌گوید: نهی یعنی زجر دادن از یک چیزی چه با قول یا غیر آن و به همین خاطر گاهی نهی با دست انجام می‌شود گاهی با زبان و گاهی با قلب. (راغب اصفهانی، بی‌تا، ۵۰۷).

۴-۱ معنای لغوی منکر

منکر از ماده نکر و ضد معرفت می‌باشد و صفت برای امر سختی است، تنکیر یعنی تغییر از حالت شادی به حالت ناخوشایند. (فراهیدی، بی‌تا، ۳۵۵/۸۱). در مقایسه منکر به چیزی گفته شده که قلب آن را قبول نمی‌کند و پیشامد و اتفاق ناگوار را هم نکر گویند. (ابن فارس، ۱۳۹۹، ۴۷۶/۶).

۲- معنای اصطلاحی امر به معروف و نهی از منکر

امر، طلب و خواستن همراه با استعلاء و برتری می‌باشد و نهی دستور به خودداری و عدم اقدام است. (راغب اصفهانی، بی‌تا، ۳۳۴).

معروف به معنای کاری که نیکی آن برای مردم متدین مشخص شده و آن را پسندیده‌اند. (همان، ۵۸۷). منکر از کلمه انکار است و عبارت از فعلی می‌باشد که عقول صحیح یا شرع به زشتی آن حکم می‌کنند. بنابراین منکر به فعلی گفته می‌شود که عرف جامعه از آن ناراضی باشد و آن را قبول نکنند.

پس امر به معروف عبارت است از تشویق دیگران به انجام افعالی که سعادت دنیا و آخرت فرد را تضمین می‌کند؛ مانند: ایمان، تقوی، احسان، تفکر، خوش خلقی، نظم در امور، تحصیل علم و کمالات روحی و روانی و نظایر آن و نهی از منکر باز داشتن از انجام افعالی که از جانب خداوند زشتی آن بیان و معلوم شده است؛ مانند: شرک، نفاق، غفلت، جهالت، ظلم، بی‌نظمی، بی‌حیایی و

۳- تاریخچه امر به معروف و نهی از منکر

از دیدگاه این مقاله، قدمت امر به معروف و نهی از منکر به زمان آفرینش حضرت آدم بر می‌گردد. یعنی از همان بدو تولد حضرت آدم و حوا بحث امر به معروف و نهی از منکر هم پدید

آمد. شاهد ما همان گفت وگویی زیبایی است که خداوند در بخشی از آن به حضرت آدم علیه الصلاة والسلام می‌فرماید، (ای آدم تو و همسرت در بهشت جایگزین و در آنجا از هر نعمت که بخواهید برخوردار شوید ولی به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید بود). ﴿اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ﴾ مصداقی از مصادیق معروف و ﴿لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ﴾ عنوانی از عناوین منکر شمرده شده است. (بقره، ۳۵).

و همینطور بقیه انبیاء علیهم السلام از قبیل شعیب آنجا که الله تعالی در سوره اعراف می‌فرماید: ﴿وَالِیْ مَدَیْنٍ أَخَاهُمْ شُعَیْبًا قَالَ يَاقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهِ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَیِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾. و شعیب را به سوی قوم مدین که از خود آنان بود فرستادیم به آنان گفت: ای قوم من! خدا را پرستید (و بدانید) که جز او معبودی ندارید. معجزه‌ای از سوی پروردگارتان برایتان آمده است اینکه در زندگی به‌ویژه در تجارت و معامله با دیگران راست و درست باشید و ترازو و پیمانه را به تمام و کمال بکشید و پردازید و از حقوق مردم چیزی نکاهید، و در زمین فساد و تباهی نکنید. این کار به سود شما است اگر ایمان دارید. (اعراف، ۸۵). و دیگر انبیاء که کار همه آنها دعوت به سوی الله و نهی از شرک و بت پرستی و رذائل اخلاقی بوده که با سعه صدر و بصیرت در این راه دعوت و منکر زدایی دشواری‌ها را تحمل کردند و هزینه‌های جانی و مالی بسیار دادند. در راس همه آنان حضرت ابراهیم خلیل که داخل آتش نمردیان انداخته شد و همچنین سرورمان محمد صلی الله علیه وسلم که با آمدنش این رکن رکن جایگاه رسمی پیدا کرد و از دایره محدود پیامبران به انسانهای آزاده دیگر گسترش یافت. خود رسول الله صلی الله علیه وسلم در این راه دعوت به معروف و نهی از منکر متحمل مشقات زیادی از جمله ترک دیار و آوارگی و هجرت به دیار غربت شد و صحابه باوفای آن حضرت که دوشادوش او و در

کنارش بودند و انواع شکنجه‌ها را تحمل نمودند و هزینه‌های مالی و جانی زیادی دادند تا انسانیت را از پستی‌ها رهانیده و به سمت و سوی خوشبختی و سعادت رهنمون کردند.

۴- اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

آیات زیادی درباره اهمیت این دو وظیفه مهم و بزرگ اجتماعی وارد شده است که ما تنها به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. در سوره آل عمران آمده است:

باید از شما گروهی وجود داشته باشند که مردم را به نیکویی و خیر (اتباع از محمد و دین محمد) فرا خوانند و به معروف امر کنند و از منکر (کفر به دین محمد و قرآن و معاصی) باز دارند و آنان رستگارانند. طبری در جامع البیان می‌گوید مردم را به سوی اسلام و شریعت اسلام دعوت نمایند. (طبری، ۱۴۲۰هـ، ۹۱/۷).

در این باره در سوره مائده، این کریمه قرآنی به چشم می‌خورد:

چرا دانشمندان و عالمان دین، آنان [مردم] را از سخنان گناه آلود و خوردن مال‌های نامشروع باز نمی‌دارند؛ چه زشت است کاری که می‌کنند. (مائده، ۶۳).

۵- چگونگی و اصول دعوت داعیان و ویژگیهای یک داعی

چگونگی دعوت اسلامی، جزئی از دعوت است و ما نمی‌توانیم با این گمان که اتخاذ اسلوب عاملی فرعی است که ما را به هدف می‌رساند از اهمیت آن بکاهیم. یا اینکه فقط به عظمت و والایی مرام و مسلکی که مردم را به سوی آن دعوت می‌کنیم اعتماد نموده و از برطرف کردن خطایا و اشتباهاتی که در روش‌های اتخاذ شده رخ می‌دهند غفلت ورزیم. لذا خیلی مهم است که چه روش‌هایی را در پیش بگیریم تا دعوت ما موثر واقع شود و برای اجرایی کردن این روش‌ها باید به آموزه‌های آیات شریفه قرآن کریم مراجعه نماییم.

۱-۵ دعوت بر اساس بصیرت

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ (نحل، ۱۲۵).

ترجمه: ای پیغمبر! مردم را با سخنانی به جا و اندرزهای نیکو به سوی پروردگارت دعوت کن و با بهترین روش ممکن با آنها به گفتگو پرداز؛ بی گمان پروردگارت آگاه‌تر از همگان به حال کسانی است که از راه او منحرف و گمراه می‌شوند و یا این که رهنمود و راهیاب می‌گردند. طبری حکمت را به وحی و موعظه را به عبرت‌هایی زیبا و دلائل و حجت‌ها تفسیر نموده استس. (طبری، ۱۴۲۰هـ / ۱۷ / ۳۲۱). ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعِيَ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (یوسف، ۱۰۸).

ترجمه: بگو این راه من است که من (مردمان را) با آگاهی و بصیرت و بینش به سوی خداوند می‌خوانم و پیروان من هم (چنین می‌باشند)، و خدا را منزّه (از انباز و نقص) می‌دانم و من از زمره مشرکان نمی‌باشم.

این کثیر در تفسیر این آیه می‌گوید بگو این روش و منهج و مسلک من و پیروانم در دعوت به سوی لاله الا الله با یقین و برهان است. (ابن کثیر، ۱۴۲۰هـ / ۸ / ۴۲۲).

طبری می‌گوید: کلمه بصیرت در آیه فوق به معنای علم است. (طبری، ۱۶، ۳۱۰، ۲۹۱).

ابن عاشور بصیرت را همان ادله و حجت‌های واضح که دعوت توأم با دلیل باشد، معنا می‌کند. (ابن عاشور، ۱۳۹۳، ۱۳ / ۶۴).

حقیقت این است که هر دو معنا به هم نزدیکند. داعی باید یگانه‌پرست و موحد باشد و از علم مفید برخوردار باشد تا مردم را با شناخت دعوت دهد، به احادیث رسول الله عنایت و توجه خاصی مبذول دارد، و صحت و ضعف احادیث را بیان کند تا مردم به او اعتماد کنند و بدانند که او به حضور و افکار آنان احترام می‌گذارد تا تیرهایش به هدف و سخنانش مفید واقع شود و حجت و دلیلش استوار گردد.

۲-۵ دعوت بر اساس آسان‌گیری و عدم تشدد و به قصد اصلاح و خیرخواهی باشد

هنگامی که می‌خواهیم مردم را به طرف (معروف) دعوت کنیم، لازم است که روش ما نیز معروف باشد، نه اینکه رفتاری شدید و غلیظ نسبت به آنها در پیش گرفته و با احساس سربلندی برای خود و حقارت آنان را توییح کنیم، زیرا رسول خدا به نرمی سخن می‌گفت، خشونت بادیه‌نشینان را تحمل می‌نمود، همیشه در چهره یارانش تبسم می‌نمود و به هیچ کس بدی نمی‌کرد. ﴿فَمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ (آل عمران، ۱۵۹).

ترجمه: به سبب رحمت الهی، تو با آنان نرمش نمودی و اگر درشتخوی و سنگدل بودی، از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. ابن عاشور می‌گوید: چون عربها قومی خوش‌رفتار تیز فهم و دارای فطرتی سالم بودند، پس شدت و درشتی مناسبشان نبود به همین خاطر خداوند اخلاق رسول را بر آنان نرم گردانید تا مطابق طبیعت آنان باشد و این عفو و رحمت سبب دخول افراد زیادی در اسلام گشت. (ابن عاشور، ۱۹۸۴، ۴/۱۴۵).

باید دانست که اگر انسان این کارها را انجام دهد، در میان مردم از کسی که بین آنها طلا و نقره تقسیم می‌کند، محبوب‌تر می‌شود.

﴿قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِنْ قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (یونس، ۱۶). ترجمه: بگو اگر خدا می‌خواست (قرآنی بر من نازل نمی‌کرد و من) آن را بر شما نمی‌خواندم و شما را بر آن آگاه نمی‌کردم. سال‌هایی را در میان شما به‌سر برده‌ام و عمری پیش از این با شما بودم. آیا مطلبی به این روشنی را نمی‌فهمید؟

هدف داعی که همان اقامه دین و غلبه صلاح و نیکی و نابودی و درهم پیچیده شدن فساد در دنیا است، باید برایش روشن باشد: ﴿إِنْ أُريدُ إِلَّا الْإِصْلَاحُ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ﴾ (هود، ۸۸).

یعنی من تا آنجا که می‌توانم جز اصلاح خویشتن و شما را نمی‌خواهم و توفیق من جز با توفیق و یاری الله نیست، تنها بر او توکل می‌کنم و با توبه و انابت به سوی او باز می‌گردم. (القرنی، ۱۴۳۷هـ-۳). یک دعوتگر باید توانایی برقراری رابطه مناسب با افراد جامعه را

داشته باشد و زمان و مکان مناسب برای عرضه دعوت را بدانند. باید هر روشی را که فکر می‌کند بیشتر سبب جذب افراد می‌شود را عملی کند، روش‌های جدیدی ایجاد کند و در ایجاد شیوه‌ها، ابتکار و خلاقیت به خرج دهد و بر تداوم دعوت خود شکیبایی ورزد به کسانی که دعوتشان می‌دهد نزدیک شود و با آنان طرح دوستی بریزد، از احوالشان بپرسد و برای دانستن نامشان پرس و جو کند و با آنان رابطه تنگاتنگ و استوار برقرار کند. (عائض القرنی، ۱۳۸۸، ۸).

۳-۵ دعوت بسوی توحید، نبوت و معاد

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه، ۷۱). ترجمه: مردان و زنان مومن، برخی دوستان و یاوران برخی دیگرند. همدیگر را به کار نیک می‌خوانند و از کار بد باز می‌دارند، و نماز را چنان که باید می‌گزارند، و زکات را می‌پردازند، و از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری می‌کنند. ایشان کسانی‌اند که خداوند به زودی آنان را مشمول رحمت خود می‌گرداند. قطعاً خداوند توانا و حکیم است.

قرطبی در تفسیر این آیه می‌گوید: مردان و زنان مومن بعضی دوستان بعضی دیگرند، یعنی قلب‌هایشان در دوستی، محبت و عطوفت متحد است؛ (یأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ)، یعنی امر به عبادت خداوند و توحید خداوند و هرآنچه تابع اینها است و نهی از عبادت بتها و طواغیت می‌کنند و به همین خاطر مورد رحمت خداوند قرار می‌گیرند. (قرطبی، ۱۳۸۴، ۸/۲۰۲).

دعوت به سوی توحید، نبوت و معاد اصول دعوت همه انبیاء بوده است ﴿وَإِلَىٰ تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ﴾ (هود، ۶۱). ترجمه: به سوی قوم هود یکی از خودشان را فرستادیم که صالح نام داشت. (به آنان) گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید که معبودی جز او برای شما وجود ندارد، اوست که شما را از زمین آفریده است و آبادانی آن را به شما واگذار

کرده است. (و نیروی بهره‌وری و بهره‌برداری از آن را به شما عطا کرده و در شما پدید آورده است). پس از او طلب مغفرت کنید و به سوی او برگردید. بی گمان پروردگار من به بندگان‌ش نزدیک و پذیرنده دعاهاست.

حضرت نوح علیه الصلاة والسلام را می‌بینیم که چگونه قوم خود را امر به معروف می‌کند و می‌فرماید من بر شما می‌ترسم که اگر ایمان نیاورید عذاب روز بزرگ دامن‌گیرتان شود. (بغوی، ۱۴۱۷هـ/۲۴۱/۳). بعد از او ابراهیم خلیل را می‌بینیم که ابتدا قومش را از منکر دور کرد، سپس به معروف رهنمون ساخت و فرمود: ﴿قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَحْتُونَ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ﴾ (صافات، ۹۵-۹۶). آیا آنچه را که به دست خود می‌تراشید، پرستش میکنید؟ حال آنکه خداوند شما را آفریده و هم‌بت‌هایی را که می‌سازید. فخر رازی در تفسیر در مورد این آیه می‌گوید: ابراهیم خیرخواهانه به آنان خطاب کرد که شما و معبوداتان مخلوق خداوند هستید و عبادت مختص ذات الله است. (فخر رازی، ۱۴۰۷هـ/۴۹/۴).

زمانیکه رسول خدا سعد را به سوی یمن فرستاد خطاب به او فرمود: اولین چیزی که مردم را باید به سوی آن فرا می‌خوانی، گواهی دادن به این است که هیچ معبود بر حقی به جز الله وجود ندارد و من محمد رسول خدا هستم. اگر پذیرفتند، آنگاه به آنان اعلام کن که خداوند در شبانه روز، پنج نماز را بر شما فرض گردانیده است. (صحیح بخاری، ۵۲۹/۲).

لقمان حکیم وقتی فرزندش را امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، می‌گوید: ای فرزندم! به خدا شریک قرار نده، زیرا که شرک ظلمی بزرگ است. (لقمان، ۱۳).

همچنین در دعوت به سوی الله اخلاص داشته باشد و در کار خود رضای پروردگار را مدنظر قرار دهد و به دنبال منافع زود گذر و فانی دنیا نباشد، بلکه آیات خداوند را ورد زبان سازد، ﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ﴾. (فرقان، ۵۷). در برابر دعوت هیچگونه پاداشی از شما درخواست نمی‌کنم. ﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرِ فَهُوَ لَكُمْ إِنَّ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ (سبا، ۴۷).

بگو هر مزد و پاداشی که از شما خواستم برای خود شما باشد (من از شما پاداشی نمی‌خواهم، پاداش من نزد خداوند است و او بر همه چیز گواه است). و همچنین بر دعوتگر لازم است که حرف حق را بگوید اگرچه سخنش در ذائقه بعضی از مردم تلخ باشد و جایز نیست که به خاطر کسب مودت و ترغیب مردم تناقض گویی کند و از خودش انعطاف و سستی نشان دهد تا بدین وسیله باعث شود تا مردم حق را بشناسند و از عظمت و جلال آنچه که مردم را به سویش دعوت می‌کند کاسته نشود، چنانچه خداوند رسول گرامی صلی الله علیه وسلم را از این کار بر حذر داشته و می‌فرماید: ﴿وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ﴾ (قلم، ۹).

ترجمه: آنها دوست می‌دارند تا تو سازش کنی تا آنها نیز سازش کنند.

۴-۵ نرم خو و خوش سخن بودن داعی

وقتی خداوند متعال، موسی و هارون علیهما السلام را به سوی بزرگترین طاغوت زمان فرستاد، به آنان دستور داد که با او به نرمی سخن بگویند، چنانچه می‌فرماید: ﴿فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى﴾ (طه، ۴۴). سخنی آهسته و نرم بگویید، شاید پند پذیرد و یا راه خشیت الهی را در پیش بگیرد. ابن کثیر در تفسیر این آیه می‌گوید: دعوت شما دو تا با کلامی نرم و آسان باشد تا در نفس و قلب فرعون نفوذ کند. (ابن کثیر، ۱۴۲۰هـ/۲۹۵/۵). لذا یک داعی، نرمی در گفتار را رعایت کند و از عصبانی شدن و خشونت در قول و عمل پرهیزد و با مردم مانند ستمگران و جباران رفتار نکند، زیرا او به عنوان معلم و حکیم است و باید برای مردم رحمت باشد.

۵-۵ صبور بودن داعی

دعوت به حق و امر به معروف و نهی از منکر، کار انبیاست و مشکلات انبیاء را نیز خواهد داشت، انبیاء تهمت‌ها را با صبر و سعه صدر پشت سر می‌گذاشتند. آنان به کسانی که می‌گفتند ما تو را سفیه می‌بینیم، می‌فرمودند: در من سفاهتی نیست. (اعراف، ۶۷). یا در برابر نسبت گمراهی می‌فرمودند: در من گمراهی نیست. کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، بدی‌ها را با

خوبی دفع می‌کند و اهل انتقام و غیظ نیست و گذشت از صفات برجسته مومنان است. در آیه ۴۸ سوره قلم خداوند به رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: ﴿فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْخُوْتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ﴾. در قبال قضا و قدر و تکذیب قومت صبر پیشه کن و همچون ذالنون یعنی یونس ابن متی نباش که از قومش خشمگین شد و خداوند او را ابتلا کرد، و لقمه ماهی شد. (ابن کثیر، ۱۴۲۰هـ/۸/۲۰۰). و همچنین طبری در تفسیر این آیه می‌گوید: ای محمد! در مقابل حکم و قضای الهی و این دین و تبلیغ آنچه به آن مامور شدی صبر کن و تکذیب و آزارشان تو را از دعوت منصرف نکند تا هم چون یونس بر ترک تبلیغ عقوبت نشوی. (طبری، ۱۴۲۰هـ/۲۴/۵۶۲). قتاده می‌گوید: مثل یونس عجله نکن و ناراحت نشو، لذا یک داعی باید با صبر و شکیبایی و سعه صدر دعوت دهد و از دعوت دادن خسته نشود هر چند مورد تکذیب و تمسخر قرار بگیرد.

نوح علیه السلام نهصد و پنجاه سال قومش را دعوت می‌داد به امید اینکه هدایت شوند، ولی چون تکذیبش کردند، الله عقوبتشان داد و نوح و پیروانش را از آن عقوبت نجات داد.

نتیجه‌گیری

در بررسی اقدامات و شخصیت‌های آمران به معروف و ناهیان از منکر روشن شد که علل و عوامل اختصاصی و مشترکی وجود دارد که در فرایند اجرای امر به معروف و نهی از منکر اثر می‌گذارد و نقش کلیدی دارد. آمران به معروف و ناهیان از منکر باید دارای ویژگی‌هایی چون علم و بصیرت، اخلاق و رفتار نیکو، صبر و بردباری، همدلی و دارای ادبیات صحیح در بیان مطالب باشند. علم و بصیرت به این معنا که فرد باید آگاهانه و با شناخت کامل از موضوع، اقدام به امر به معروف و نهی از منکر کند. همچنین رفتار نیکو در این فرایند سبب جذب دیگران به پیام‌های نیکو می‌گردد و صبر، بردباری، همدلی و درک عمیق‌تری از مشکلات دیگران را فراهم می‌کند و می‌تواند موجب ایجاد محیطی صمیمی و حمایتی گردد. و در نهایت تغییرات مثبت و پایداری را در جامعه ایجاد کرده و از ایجاد تنش جلوگیری کند.

غفلت از آداب و روش‌ها و قوانین امر به معروف و نهی از منکر زیربنای عدم پذیرش است و با هوشیاری و آگاهی در سایه فرامین قرآنی و التزام به رعایت آن امید می‌رود که پذیرش اجتماعی گسترش یابد.

آشنایی با راه‌های رسیدن به موفقیت از عوامل پیشرفت و پیروزی آمران به معروف و ناهیان از منکر و نفوذ در مخاطبان و قبول پذیرش تربیت و هدایت آنان است.

منابع

قرآن کریم.

ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير والتنوير، تونس، دارالتونسيه، ۱۹۸۴م.

ابن فارس، احمد، مقاييس اللغة، بی‌تا.

ابن کثیر، اسماعیل بن محمد، تفسير القرآن العظيم، دارطبيه، چاپ دوم، ۱۴۲۰هـ.

اصفهانى، راغب، مفردات الفاظ القرآن، انتشارات دار الفكر، ۱۳۹۹هـ.

بخاری، محمد بن اسماعیل، صحيح بخاری، دار ابن کثیر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۷هـ.

بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزيل، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۲۰هـ.

رازی، محمد بن عمر، مفاتيح الغیب، داراحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۲۰هـ.

طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، موسسه الرساله، چاپ اول، ۱۴۲۰هـ.

فراهیدی، خلیل بن احمد، العين، بی‌تا.

قرنی، عائض بن عبدالله، فنون دعوت، زاهدان، انتشارات حرمین، چاپ دوم، ۱۳۸۵هـ.

ویژگی داعیان در ترویج امر به معروف و نهی از منکر

(مطالعه موردی سوره نوح)

مسیب محسنی (طالب العلم ترم دوم رشته دعوت و اصول دین _ بندرعباس)

msybmhsny45@gmail.com

چکیده

سوره نوح یکی از سوره‌های مهم قرآن است که داستان پیامبر نوح و تجربیات او را با جزئیات مختلف به ما نشان می‌دهد. چالش اصلی این است که چگونه یک داعی می‌تواند به‌طور مؤثر پیام دینی را به دیگران انتقال دهد؟ مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و پشتوانه منابع معتبر به بررسی و تحلیل؛ داعیان و ویژگی آنان با محوریت سوره نوح می‌پردازد. و سعی دارد تا نشان دهد که موفقیت دعوتگران در عرصه امر به معروف و نهی از منکر به نیروی دعوت و رهبری معنوی آن‌ها نیز بستگی دارد. در این راستا، این جستار ویژگی مهم دعوتگران در ترویج دین اسلام را بررسی کرده و اهمیت دستورات قرآنی در خصوص دعوت به اعتقادات دینی را مورد بررسی قرار داده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ایمان به خداوند، توکل، صبر و استقامت، مهارت ارتباطی که الله عزوجل در سوره نوح به آن اشاره داشته است، می‌تواند ویژگی‌های مهم داعیان را در ترویج امر به معروف و نهی از منکر برجسته کند.

کلیدواژه‌ها: ویژگی داعیان، امر به معروف و نهی از منکر، سوره نوح.

مقدمه

سوره نوح به عنوان یکی از پندهای شگفت‌انگیز قرآنی، داستان زندگی و مأموریت پیامبر نوح را به طور جامع و دقیق به ارمغان می‌آورد. این سوره، به طور گسترده ماجراجویی‌ها و آزمایش‌های پیامبر نوح را روایت می‌کند و نمونه‌هایی از ویژگی‌های اساسی یک داعی را نیز به ما عرضه می‌کند. دعوتگران، افرادی هستند که با مأموریت انتشار دین و اصلاح اخلاق اجتماعی مواجه هستند. سوره نوح به عنوان یک معیار و الگویی برای دعوتگران در هر زمان و مکان می‌تواند به ما در درک بهتر ویژگی‌ها و صفاتی که یک دعوتگر باید داشته باشد، کمک کند.

این مقاله به تحلیل و بررسی این ویژگی‌ها می‌پردازد و سعی دارد تا با بررسی دقیق داستان نوح و نگاهی به تجربیات و آموزه‌های او، ویژگی‌های اصلی یک دعوتگر را برجسته کند. سوال اصلی اینجاست که چگونه می‌توان از تجربیات داعیان، به‌ویژه از آنچه که از داستان پیامبر نوح به دست آمده، برای درک عمیق‌تر نقش داعیان در ترویج امر به معروف و نهی از منکر بهره‌برداری کرد؟ اما با توجه به تجربیات و آموزه‌های داستان، به پاسخی پر ارزش می‌رسیم. با وارد شدن به داستان نوح، رازهایی از عظمت و قدرت تاثیرگذاری داعیان بر جامعه آشکار می‌شود. از آنجا که نوح از نیکوکاران روزگار خود بود، راهبردها و استراتژی‌های او در برخورد با مخاطبانش، چیزی است که می‌تواند نقطه شروعی برای تدقیق در عملکرد داعیان معاصر باشد. همچنین، گسترش ارتباطات و تأثیراتی که نوح بر جامعه‌اش داشت، به عنوان یک الگوی موثر برای داعیان امروزی قابل بررسی است. در ادامه مقاله، تحلیل ویژگی داعیان در ترویج امر به معروف و نهی از منکر از چشم‌اندازی جدید به ماجراجویی‌های پیامبر نوح پرده برمی‌دارد و به دنبال الگوی موفق برای داعیان معاصر است تا ارتقاء و توسعه رسانه‌ها و استراتژی‌هایشان در جهت بهبود اخلاق جامعه را محقق کنند.

در این راستا پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است که هر کدام از آنها از دیدگاه‌های مختلفی به این موضوع پرداخته‌اند، از جمله این پژوهش‌ها: «آیات صفات الداعیه الموتر فی سوره نوح» نوشته: مثنی عیاده حمدان، «اصول الدعوه الاسلامیه فی سوره نوح» نوشته: عصام زهد. این نوشتار در پی آن است که ویژگی‌های داعیان را در سوره نوح به طور خاص بیان کند تا داعیان با خواندن آن بتوانند یک داعی موفق شوند. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی در پی آن است که به نقش ویژگی‌های داعیان در راه امر به معروف و نهی از منکر با تکیه بر آیات سوره نوح بپردازد و مخاطبین را با آن آشنا سازد.

آیات سوره نوح

خداوند متعال درباره حضرت نوح علیه السلام می‌فرماید: ﴿قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا أَمْرًا لَكُمْ مِنْ دُنُوبِكُمْ وَتُؤَخَّرَكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (نوح، ۲).

نوح علیه السلام هنگامی که قوم خود را دعوت می‌داد، آنها را با عبارت "یا قوم" خطاب کرد، زیرا آنها قوم و عشیره او بودند، حتی اگر کافر بودند. سپس به آنها گفت که او هشداردهنده‌ای از جانب خداست که هشدار می‌دهد و آشکارا آنها را متذکر می‌شود. او به آنها آنچه را که خداوند به او دستور داده بود از پرستش و یکتاپرستی خدا و تقوای او آشکارا بیان کرد و آنها را به اطاعت از خودش در این امر فرمان داد. سپس به آنها بشارت داد که اگر چنین کنند، پروردگارشان گناهانشان را می‌آمرزد و در این دنیا به آنها متاع می‌دهد و هلاکت را از آنها تا زمان معین به تأخیر می‌اندازد؛ یعنی تا زمان مرگشان، زیرا هنگامی که اجل الهی فرا رسد، هیچ چیز نمی‌تواند آن را به تأخیر بیندازد یا جلوگیری کند و در زمان معین خواهد رسید.

ویژگی اول: نیکو سخن گفتن

۱- یکی از وسایل دعوت به سوی خداوند، نیکو سخن گفتن، مهربانی و نرمش در هنگام ندا دادن است. حضرت نوح علیه السلام به قومش گفت: (یا قوم)، خطایی با شیوه‌ای که به مخاطب نشان می‌دهد او از آنهاست و خیر آنها را می‌خواهد. چنین شیوه‌ای احساسات آنها را برمی‌انگیزد، آرامششان را تأمین می‌کند و نزدیک‌تر به پاسخ دادنشان است. ابن تیمیه رحمه الله در آغاز سوره در مورد فرموده خداوند ﴿أَنْذَرُ قَوْمَكَ﴾ می‌گوید: "از گفتن "أَنْذَرُ النَّاسَ" به "أَنْذَرُ قَوْمَكَ" تغییر یافته تا نفس نوح برانگیخته شود؛ تا شدیداً مشتاق نجات آنها از عذاب باشد، زیرا در میان آنها فرزندان، خویشان و دوستانش بودند. (ابن عاشور، ۲۹/ ۱۸۷).

۲- از نیکو سخن گفتن، ندا زدن داعی به مدعو با گفتن "ای برادر من"، یا کنیه‌اش است، همانطور که پیامبر صلی الله علیه و سلم به عتبه بن ربیع که کافر بود در حال گفتگو با او فرمود: یا ابا الولید (البیهقی، ۲۶۷/۱). از جمله اینکه داعی مردمان را با یادآوری اصل پاک و سیره نیکویشان و فضایل و دستاوردهایشان اگر لایق آن باشند، مخاطب قرار دهد.

۳- بر داعی است که دین خدا را با وضوح کامل، بدون ابهام و پیچیدگی ابلاغ کند و پیام خود را با زبانی روان و واضح که مدعو آن را درک می‌کند، برساند. از جمله روشنگری و بیان در خطاب داعی این است که در گفتارش شتاب نکند و کلامش فصیح باشد، همانگونه که عایشه رضی الله عنها فرمود: «كَانَ كَلَامُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَلَامًا فَصْلًا يَفْهَمُهُ كُلُّ مَنْ يَسْمَعُهُ» (کلام رسول الله ﷺ کلامی فصیح بود که هر کس آن را می‌شنید، می‌فهمید). (أبوداود، ۲۰۹۷).

۴- از وسایل دعوت، آغاز دعوت با شیوه ترغیب است. حضرت نوح علیه السلام به قومش فرمود: ﴿يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُخْرِجْكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى﴾ (نوح، ۴). پس با ترغیب آنها به آمرزش گناهانشان هنگام پذیرش و ایمان به پروردگارشان آغاز کرد. شیوه ترغیب برای نفس محبوب است، اثرگذاری سریع و پاسخ نزدیک دارد. اگر با شیوه ترساندن آغاز می‌کرد، شاید مورد

پذیرش قرار نمی‌گرفت، بلکه با گریزان شدن و رویگردانی روبرو می‌شد، مگر در برخی موارد خاص.

ویژگی دوم: استقامت و صبر

خداوند متعال درباره حضرت نوح علیه السلام می‌فرماید: ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا﴾ (نوح، ۵-۷).

نوح در دعوتش می‌گوید در تمام اوقات شبانه روز قومش را دعوت کرده است، اما این دعوت جز گریزانسان از او و از ایمان به خدا نبود. و هر زمان قومش را به ایمان به خدا و اطاعت از او که موجب آموزش گناهان است، دعوت می‌کرد، آنها در پاسخ انگشتان خود را در گوش‌ها می‌گذاشتند تا دعوتش را نشنوند، و چهره‌هایشان را با لباس می‌پوشاندند تا او را نبینند، و با سرکشی و استکبار بر آنچه بر آن بودند از شرک و طغیان، اصرار می‌ورزیدند.

۱- از صفات داعی، ناامید و مأیوس نشدن از دعوت دیگران است، هرچند زمان طولانی بگذرد و راه درازی باشد. حضرت نوح علیه السلام در میان قومش ۹۵۰ سال را سپری کرد، اما پس از این مدت طولانی و سال‌های فراوان، جز عده‌ای اندک به او ایمان نیاوردند؛ چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ﴾ (هود، ۴۰). گفته شده آنها ده نفر بودند، و بیشترین چیزی که ذکر شده، هشتاد نفر است. برخی دعوتگران شاید یک یا دو بار خانواده یا نزدیکانشان را دعوت کنند، اگر از آنها پاسخی ندیدند، از آنها ناامید شده و رهایشان می‌کنند و شاید درباره بعضی حکم کنند که در دعوت دادن آنها خیری نیست.

۲- از صفات داعی، شکایت خود را به درگاه خدا بردن و از او یاری خواستن است، زیرا داعی گاهی با رد شدن و دشمنی با دعوتش، عدم پاسخگویی، استهزا و تمسخر از سوی مردم روبرو می‌شود. پس دستان خود را به سوی خدایی که به سوی او دعوت می‌دهد، بلند می‌کند و حال خود و آنچه بر او گذشته را به او می‌گوید.

۳- از صفات داعی، بدی را با بدی پاسخ ندادن است. هنگامی که حضرت نوح علیه السلام قومش را دعوت کرد، آنها با گذاشتن انگشتان در گوش‌ها و پوشاندن آن با لباس تا چیزی از حق را نشنوند، به مقابله برخاستند. این نحوه تحریک‌آمیز و عمل سرکشانه ممکن بود داعی را خشمگین کرده و با پاسخی تند به آنها واکنش نشان دهد، اما نوح علیه السلام چنین نکرد، بلکه بر آنان صبر کرد و دعوتش را ادامه داد.

ویژگی سوم: دعوت واضح و روشن

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جَهَارًا - ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا﴾ (نوح، ۸-۹).

نوح علیه السلام به پروردگارش خبر می‌دهد که قومش را آشکارا در برابر مردم دعوت کرد و آنها را علنی و با گفتار آشکار و صدای بلند دعوت نمود. سپس آنها را در خفا و میان خود و ایشان به صورت پنهانی دعوت کرد.

۱- بقاعی رحمه الله می‌گوید: "چون اعلان و آشکارا دعوت کردن ممکن است در میان گروه‌هایشان نشر و گسترش پیدا نکند، اشاره کرد که این [دعوت] را منتشر ساخت و برای اشاره به شدتی که در آن بود، تأکید نمود و گفت: ﴿ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ﴾؛ یعنی آشکار کردم، فراگیر ساختم و شهرت دادم؛ تا بدانند این حق از سوی پروردگارشان است. (بقاعی، ۱۶۸/۸).

۲- از وسایل دعوت، تنوع وسایل بر حسب حال مدعو است. مردم از نظر توانایی‌ها، احوال، محیط و سلیقه با هم تفاوت دارند. بعضی اگر دعوت آشکارا در برابر مردم به آنها شود، غرور و نفرت آنها را فرا می‌گیرد و از روی تکبر و غرور یا ترس از سرزنش خانواده و قبیله، حق را رد می‌کنند و پاسخ نمی‌دهند. چنین کسی باید پنهانی دعوت شود و این اصل در دعوت است. بقاعی رحمه الله می‌گوید: "دعوت در پنهانی شایسته‌تر است، پس او [نوح علیه السلام] آن را به کار برد و گفت: ﴿وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ﴾؛ یعنی هر یک را به تنهایی دعوت کردم؛ تا برای ایشان بهتر باشد. اما بعضی دیگر هنگامی که حکمت اقتضا کند باید آشکارا دعوت شوند، مانند مناظره در

برابر مردم و آشکار کردن گمراهی گمراه، رسوایش کردن و بیان ضعف دلایلش، به خصوص اگر از کسانی باشد که پیروان و جمعیت زیادی دارد، اما اگر دعوت عمومی به همه مردم باشد، اشکالی ندارد که داعی به صورت آشکارا از طریق سخنرانی‌ها، کلمات و موعظه‌ها دعوت، نصیحت و ارشاد کند؛ زیرا چنین چیزی عمومی است. (بقاعی، ۱۶۸/۸).

۳- نوح علیه السلام تمام وسایل ممکن را برای دعوت قومش به کار گرفت؛ شب و روز، پنهان و آشکار، بلند و آهسته، تکرار و تنوع. بر داعی است که از تمام وسایلی که می‌تواند از طریق آنها دیگران را دعوت کند، استفاده نماید. از فضل و منت خداوند بر ما در این عصر جدید این است که وسایل ارتباطی با دیگران به شکل بسیار زیادی متنوع شده است؛ مانند شبکه‌های اجتماعی (اسنپ چت، فیسبوک، توییتر، واتساپ، تلگرام و بسیاری دیگر)، و هر مدت شنیده می‌شود که برنامه‌های جدیدی آمده است. داعی حریص باید مردم را در وسایلشان همراهی کند- مگر آنکه حرام باشد- و از این برنامه‌ها و وسایل در دعوت به سوی خدا بهره ببرد، و تنها به وسایل سنتی که به آن عادت کرده است اکتفا نکند، هرچند آنها نیز داری اهمیت است.

ویژگی چهارم: استغفار؛ کلید رحمت‌های الهی

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلَ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا﴾ (نوح، ۱۰-۱۲).

هنگامی که حضرت نوح علیه السلام قومش را به ایمان به خداوند عزوجل دعوت می‌کرد، آنها را به آمرزش خواستن ترغیب کرد و به آنها گفت که پروردگارشان بسیار آمرزنده است برای کسانی که توبه کنند و بازگردند. سپس به آنها بیان کرد که آمرزش خواستن و توبه آنها سبب دریافت نعمت‌های دنیوی مانند بارش باران از آسمان، افزایش ثروت و فرزندان، کسب باغ‌ها و نهرها می‌شود که همه این نعمت‌ها از بزرگترین چیزهایی است که انسان در دنیا طلب می‌کند و آرزو دارد.

۱- یکی از وسایل دعوت به سوی خداوند، ترغیب به نعمت‌های دنیوی در ازای انجام اطاعت است. چنانکه حضرت نوح علیه السلام آنها را به آموزش خواستن و توبه به سوی خداوند ترغیب کرد در قبال دریافت نعمت‌های دنیوی؛ مانند بارش باران، افزایش ثروت و فرزندان و افزایش نعمت‌ها و باغستان‌ها، زیرا دعوت شونده به طبیعت انسانی خود نعمت‌های حال و آینده دنیوی را دوست دارد. پس خداوند عزوجل چنین مواردی را انگیزه‌ای برای بندگان قرار داده تا به سوی او روی آورند و او را اطاعت و عبادت کنند. آلوسی رحمه الله می‌گوید: "به همین دلیل خداوند آنها را به آموزش خواستن وعده داد به چیزهایی که نزد آنها محبوب‌تر و در دل‌هایشان نافذتر از امور اخروی است، یعنی آنچه در آیه ﴿يُرْسِلُ السَّمَاءَ﴾ و غیره آمده است و آنها را به همان چیزی که آفریده شده‌اند، پاسخ داد. یعنی عشق به امور دنیوی، و نفس شیفته دوست داشتن چیزهای فوری است. قتاده می‌گوید: آنها اهل دنیا دوستی بودند، پس او آنها را از راهی که دوست داشتند به سوی آخرت دعوت کرد. (آلوسی، ۸۱/۱۵).

۲- تشویق دعوت‌گران به دعوت شوندگان از طریق جوایز نقدی و غیرنقدی در برخی مسابقات قرآن، سنت و علوم مفید و غیره، از باب ترغیب و تشویق مردم به اطاعت است و این امر مباح و جایز است و به اخلاص لطمه نمی‌زند، بلکه از جمله مواردی است که شریعت به آن آمده است.

ویژگی پنجم: اقرار به قدرت و عظمت الله متعال

چرا برای خداوند احترام و بزرگداشت قائل نمی‌شوید؟

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا وَاللَّهُ أَنْبَتُكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ۖ ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا﴾ (نوح، ۱۳-۱۸).

پس از آنکه نوح قومش را با ترغیب دعوت کرد، به تخویف و ترساندن آنها پرداخت. شروع کرد به یادآوری و سرزنش آنها برای عدم بزرگداشت خدای آفریننده و موالیشان که مستحق

پرستش و اطاعت است. او کسی است که آنها را در مراحل مختلف در شکم مادرانشان آفرید؛ ابتدا از نطفه، سپس علقه، آنگاه مضغه، بعد کودک و سپس مرد. سپس آنها را به آنچه می‌بینند از آفرینش هفت آسمان که یکی بر دیگری قرار دارد، یادآور شد. و قرار دادن ماه را در آنها به عنوان نوری، و آفتاب را چراغی. و او سبحان است که آدم را از خاک آفرید و نسل او را پس از آن از صلبش. سپس آنها را می‌میراند و بازگرداندشان به زمین برای بار دیگر، و سپس آنها را از آن بیرون می‌آورد، هنگام رستاخیز و نشر.

۱- دعوتگر دعوتش را با ترغیب و انگیزش شروع می‌کند، و گاهی به تخویف و هشدار و ترساندن منتقل می‌شود، اگر نتیجه و پاسخی نمی‌یابد. ابن عاشور رحمه الله می‌گوید: "خطاب خود را با قومش - یعنی نوح علیه السلام - از روش نصیحت و امر به روش سرزنش با گفتن ﴿مَالِكُمْ لَا تَرَجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا﴾ تغییر داد. (ابن عاشور، ۸/ ۲۳۳، ۷).

۲- از روش‌های دعوت به سوی خدا، استفاده از پرسش انکاری و تقریری است. جایی که نوح علیه السلام می‌گوید: (مَالِكُمْ لَا تَرَجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا، وقارا یعنی بزرگداشت. این پرسش برای سرزنش و انکار بر آنهاست. و اما پرسش تقریری، خداوند می‌فرماید: ﴿أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا﴾ (نوح، ۱۵)، و همه این پرسش‌ها برای گرفتن پاسخ نیست، بلکه دعوت شونده خودش با خودش به آنها پاسخ می‌دهد. این روش پرسش با دو نوع آن یا برای سرزنش دعوت شونده، یا سرزنش او، یا محکوم کردنش، یا اقرار گرفتن از او بر امری و امثال آن استفاده می‌شود.

۳- از روش‌های دعوت به سوی خدا، اعجاز علمی است. نوح علیه السلام به آنها گفت: ﴿وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا﴾، دعوتگر دعوت شوندگان را به مراحل تشکیل آنها در شکم مادرانشان از ابتدای نطفه، سپس علقه، آنگاه مضغه یادآور می‌شود. در آن زمان ممکن است به صورت ظاهری و آنچه برایشان آشکار است از این مراحل آگاه باشند، اما در این زمان با پیشرفت علم، انسان به مراحل در علم دست یافته که قبلا به آن نرسیده بود؛ از جمله مراحل که جنین طی می‌کند و

اسراری در آن وجود دارد که برای انسان آشکار نیست. با پیشرفت تجهیزات و وسایل مدرن، شگفتی و زیبایی‌های آفرینش الهی آشکار شده است. استفاده صحیح از روش اعجاز علمی، دعوت شونده را به وجود آفریدگار توانا و دانا و آگاه جل و علا می‌رساند، آن کسی که این آفرینش را با این شکل شگفت‌انگیز و به‌صورت دقیق آفریده و در آن جان و روح دمیده است. بنابراین استفاده دعوتگر از اعجاز علمی در دعوت کافران و همچنین مؤمنان و یادآوری آفریدگار جل و علا به آنها کافی است که کافر ایمان آورد و تصدیق کند و مؤمن پند و عبرت گیرد و بر ایمانش افزوده شود.

۴- از روش‌های دعوت به سوی خدا، استدلال با آیات کونی بر توحید الوهیت است. خداوند متعال درباره نوح می‌فرماید: ﴿أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا وَاللَّهُ أُنَبِّئُكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا﴾ (نوح، ۱۵-۱۷)، پس آیا آن کسی که بر آفرینش جهان، ستارگان، آسمان‌ها و زمین با این بزرگی و عظمت آفرینششان تواناست، سزاوارتر از دیگران برای پرستش نیست؟ این روش نیز از راه‌های اقناع عقلی است.

۵- از روش‌های دعوت به سوی خدا، یادآوری دعوتگر به دعوت شونده درباره آغاز آفرینش او و توانایی خداوند بر آن است؛ جایی که به آنها گفت: ﴿وَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ أَطْوَارًا﴾، بنده هنگامی که در مراحل تکوین خود بیاندهد، حقیقت و ضعف خود را می‌شناسد و اینکه خدای قوی و تواناست است و او هرچقدر هم در منصب، هوش، ثروت و نیروهای مادی قدرت داشته باشد، در برابر قدرت و توانایی خدا بسیار ضعیف است؛ چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ﴾ (النحل: ۴).

ویژگی ششم: توجه به خانواده

دعای نوح علیه‌السلام درخواست آمرزش برای خودش در اولویت قرار داد، سپس برای کسانی که حقی بر او دارند، یعنی والدینش، و سپس برای کسانی که در خانه‌اش هستند.

۱- یکی از ویژگی‌های داعی اعتراف به گناه و کوتاهی است و درخواست آمرزش از خداوند عزوجل است؛ زیرا نوح علیه‌السلام پس از چنین جهاد طولانی صدها ساله، با هر ابزار و روشی که خداوند می‌خواست و صبر و تحمل هر نوع آزار را می‌کشید، اما هیچ وقت غرور یا خودپسندی نداشت؛ بلکه به ختم همه اینها خود را به تقصیر متهم می‌کرد و آمرزش و رحمت را از خداوند می‌خواست.

۲- داعی باید به نزدیک‌ترین افراد به خود، یعنی والدین و اعضای خانواده‌اش، به خصوص همسر و فرزندان، توجه کند، آنها را با دعوت، هدایت، یادآوری، نصیحت و دعا برای هدایت و آمرزش در هر زمان و موقعیتی مواجه کند؛ زیرا داعی ممکن است به دلیل مشغله با دعوت دیگران، از دعوت آنها غافل شود. خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ و (نخست) خویشان نزدیکت را پند بده. (الشعراء: ۲۱۴).

۳- یکی از ویژگی‌های داعی، علاقه به خیر و برکت برای دیگران است؛ او در دعای خود به یاد دیگران می‌افتد، حتی اگر فاصله و مسافت بین او و آنان دور باشد؛ او ممکن است با شنیدن فاجعه‌ای که در یک شهر به وقوع پیوسته، برای آنها دعا کند و اهمیت دهد، و برای کسانی که حق بر او دارند، مانند مربیان، علماء و معلمان، به ویژه از آنها که در تعلیم کتاب خداوند و حفظ آن موفق شده‌اند، و برای خانواده و دوستان نزدیک خود دعا کند؛ همانطور که پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم می‌فرماید: «مَنْ دَعَا لِأَخِيهِ بظَهْرِ الْغَيْبِ، قَالَ الْمَلِكُ الْمَوْكَلُ بِهِ، آمِينَ وَلَكَ بِمِثْلٍ». (مسلم، ۲۷۳۲).

نتیجه‌گیری

۱. ایمان قوی به خداوند؛ پیامبر نوح در مقابل مخالفت‌ها و سختی‌های فراوان با ایمان عمیق به خداوند مقاومت کرد و به مأموریت خود پایبند بود. این نشان می‌دهد که برای یک دعوتگر، ایمان قوی به خداوند و مؤمن بودن به او امری اساسی است.

۲. صبر و استقامت؛ مواجهه با مخالفت‌ها و سختی‌هایی که دعوتگران در راه انجام مأموریت خود با آن روبه‌رو می‌شوند، نیازمند صبر و استقامت است. پیامبر نوح با صبر و استقامت به مأموریت خود پایبند بوده و این امر نشان می‌دهد که برای دعوتگران، تحمل مشکلات و استمرار در راه خدمت به دین اسلام بسیار اهمیت دارد.

۳. مهارت در ارتباطات؛ دعوتگران باید برای انتقال پیام دینی و ارتباط با مخاطبان خود، مهارت‌های ارتباطی قوی داشته باشند. آن‌ها باید بتوانند پیام خود را به شکلی مؤثر و جذاب انتقال دهند تا برای مخاطبان قابل فهم و جذاب باشد.

این ویژگی‌ها به دعوتگر کمک می‌کنند تا به بهترین شکل ممکن پیام دینی را انتقال داده و مأموریت خود را با موفقیت انجام دهد.

منابع

قرآن کریم.

ابن عاشور، محمد الطاهر، التحرير و التنوير، چاپ اول، مؤسسة التاريخ العربی، لبنان - بیروت، ۱۴۲۰ هـ.
ابو داود، سلیمان بن الأشعث الأزدي السجستاني، سنن ابی داود، چاپ اول، دار الرسالة العالمية، ۱۴۳۰ هـ.
آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم، چاپ اول، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، لبنان - بیروت، ۱۴۱۵ هـ.

بخاری، محمد بن إسماعیل، صحیح البخاری، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، چاپ اول، دارطوق النجاة، بی‌جا، ۱۴۲۲ ق.

بقاعی، ابراهیم بن عمر، نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور، بی‌جا، دار الکتب الإسلامی، القاهرة، بی‌تا.
بیهقی، احمد بن الحسین، الاعتقاد والهدایة إلى سبیل الرشاد علی مذهب السلف وأصحاب الحدیث، چاپ اول، دار الآفاق الجدیدة - بیروت، ۱۴۱۵ هـ.

خرمدل، مصطفی خرمدل، تفسیر نور، بی‌جا، نشر احسان، تهران.

مسلم، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بی‌جا، دار إحياء التراث العربی، بیروت، بی‌تا.

ویژگی‌های آمران به معروف و ناهیان از منکر در قرآن کریم

افسانه محمدی (طالب العلم ترم هشتم رشته شریعت - خنج)

afsane.8974@gmail.com

طیبه عبدلی (طالب العلم ترم چهارم رشته شریعت - خنج)

tayebahabdoli914@gmail.com

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر، از واجبات مهم اسلامی است که در راستای اصلاح جامعه و ارتقای سطح اخلاقی افراد نقش کلیدی ایفا می‌کند. این پژوهش با رویکردی تحلیلی و با تمرکز بر قرآن کریم، به بررسی ویژگی‌های ایده‌آل آمران به معروف و ناهیان از منکر می‌پردازد. بر اساس آیات قرآن، امر به معروف و ناهی از منکر باید علاوه بر ایمان قوی، دارای ویژگی‌هایی همچون حکمت، موعظه نیکو، صبر و بردباری، شجاعت در برابر ظلم و ستم و عمل به آنچه به آن دعوت می‌کند، باشد. همچنین، انگیزه اصلی وی باید خیرخواهی برای جامعه و اصلاح امور باشد. قرآن کریم با تبیین این ویژگی‌ها، الگویی جامع و کامل را برای آمران به معروف و ناهیان از منکر ارائه می‌دهد تا بتوانند با روش‌های مناسب و مؤثر، به اصلاح جامعه و ارتقای سطح اخلاقی آن کمک کنند.

کلیدواژه‌ها: امر به معروف، نهی از منکر، قرآن، امر، ناهی، ویژگی‌های آمران به معروف.

مقدمه

یکی از شروط اساسی تأمین امنیت و آسایش جوامع در دوران باستان و معاصر پایبندی به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر است که زمینه‌ساز نهضت پیامبران و مصلحان به شمار می‌رود. این امر در میان مسلمانان جایگاه ویژه‌ای داشته، زیرا در مقام فریضه قبل از نماز و زکات مطرح می‌گردد و شرط اساسی در کنار ایمان به خدا برای دستیابی به بهترین امت بودن در کلام خدا به خوبی مشهود است. ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ (آل عمران، ۱۱۰)، (شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدید آمده‌اید، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید) امر به معروف و نهی از منکر سببی برای ماقبل خود بوده، اگر ملتی آن را ترک کند صفت خیر بودن را از دست می‌دهد.

قرآن کریم وجوب آن را تصریح کرده و شرط توفیق آن در فرموده خداوند به خوبی نمایان است: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران، ۱۰۴)، (باید از میان شما گروهی باشند که دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند، و آنان خود رستگارانند). صیغه «ولتكن منكم امة» وجوب را رسانده و صریح‌تر از صیغه امر «افعلوا» می‌باشد؛ درمقابل ترک امر به معروف و نهی از منکر از طرف هر گروه انسانی، لعنت و عذاب بر آنان وارد می‌آید ﴿لَعْنُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ . كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ (مائده، ۷۹، ۷۸)، (کافران بنی اسرائیل بر زبان داوود و عیسی پسر مریم لعن و نفرین شده‌اند. این بدان خاطر بود که آنان پیوسته سرکشی می‌کردند و از حد می‌گذشتند. آنان از اعمال زشتی که انجام می‌دادند دست نمی‌کشیدند و همدیگر را از زشت‌کاری‌ها نهی نمی‌کردند و پند نمی‌دادند. و چه کار بدی می‌کردند!) پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: «والذی نفسی بیده، لتأمرن بالمعروف وتنهون عن المنکر أو لیوشکن الله أن یبعث علیکم عقابا منه ثم تدعونه فلا یتستجاب لکم» (ترمذی، ۱۳۹۵، ۴/۴۶۸) (سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، یا امر به

معروف ونهی از منکر می کنید، یا بیم آن می رود که به زودی الله عزایی از سوی خود بر شما فرود آورد و آن گاه او را به فریاد می خوانید، اما دعایتان قبول نمی شود). (آلبانی این حدیث را صحیح دانسته است). در این راستا پژوهش هایی تحت عناوین: *الحسبه فی الدولة العربیة الإسلامیة* توسط: صادق فیحان عزوز و نظرات فی فقه الحسبه د. الهادی عبدالله الحسن؛ و پایان نامه ای با عنوان: *نظام الحسبه والتعزیرات المشروعه فی الفكر الاسلامی* د. طه عبدالله محمد السبعوی نگاشته شده است. در پژوهش نخست به آسیب شناسی دعوتگر و مسلح بودن به صفات لازم در جهت تاثیرگذاری بر مخاطبان پرداخته شده است، پژوهش دوم امر به معروف و نهی از منکر را تعریف نموده و ادله وجوب آن را از قرآن و سنت بررسی کرده، همچنین شروط و وظایف یک دعوتگر را مطرح نموده است و در پایان نامه ای که بدان اشاره شد به این موضوع اشاره دارد که امر به معروف و نهی از منکر در جهت همه شئون زندگی است و تارک آن مستوجب عذاب می باشد. با نگاهی به وضعیت جامعه امروز مشاهده می شود امر به معروف ونهی از منکر تاثیری نداشته؛ بلکه در این زمینه جامعه دچار عقب ماندگی و انحطاط شده است.

با توجه به امر مهم دعوت و ویژگی های یک دعوتگر، پژوهش حاضر ویژگی های دعوتگران را به صورت خاص با محوریت قرآن کریم به روش توصیفی-تحلیلی مورد واکاوی قرار داده و آن را در جهت به ثمر رسانیدن این امر مهم لازم می داند.

واژه یابی معروف و منکر در لغت و اصطلاح

معروف و منکر در معاجم لغوی به معانی مختلفی ذکر شده است. معروف به معنی هر آن چه نفس آن را نیکو دانسته و از آن خشنود گردد آمده است (ر.ک: ازهری، ۲۰۰۱، ۲/۲۰۸). عین، راء و فاء دو اصل صحیح است، که یکی از آن دلالت بر اتصال یک چیز و دیگری حکایت از سکون و آرامش دارد (ر.ک: ابن فارس، ۱۳۹۹، ۴/۲۸۱). معروف در اصطلاح؛ اسمی است برای هر آن چه که توسط عقل و شرع خوب دانسته شود (ر.ک: اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۶۱).

منکر در لغت؛ نون، کاف و راء، اصلی صحیح است که دلالت بر خلاف امر شناخته شده می‌دهد که دل بر آن آرامش می‌یابد (ر.ک: ابن فارس، ۴۷۶/۵). آن چه از نگاه شرع ناپسند است و حکم به تحریم و کراهت آن دارد، منکر دانسته می‌شود (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۳۳/۵). منکر در اصطلاح؛ هر عملی که عقل صحیح آن را زشت بداند، یا عقل بر زشتی یا نیک بودن آن متردد بوده و شریعت هم به بدی و زشتی آن حکم دهد (ر.ک: اصفهانی، ص ۸۲۳). امر به معروف؛ راهنمایی به سوی راه‌های نجات‌بخش است و گفته شده: امر به آن چه موافق با کتاب و سنت باشد همچنین اشاره به افعال و اقوال بندگان که موجب رضایت پروردگار است. نهی از منکر؛ سرزنش آن چه که در شرع لازم نیست بوده و گفته شده نهی از منکر نهی از آن چیزی است که نفس و هوس به آن گرایش پیدا می‌کند و زشت دانستن آن چه مخالف شرع و عفت است و در دین خدا جایز نمی‌باشد. (ر.ک: جرجانی، ۱۴۰۳، ص ۳۶-۳۷).

دلیل مشروعیت از قرآن

آیات زیادی در قرآن کریم مشروعیت امر به معروف و نهی از منکر را می‌رسانند که به برخی آیات اشاره می‌شود:

الف) ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران، ۱۰۴)، (باید از میان شما گروهی باشند که (تربیت لازم را ببینند و قرآن و سنت و احکام شریعت را بیاموزند و مردمان را) دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند، و آنان خود رستگارانند. ولتكن منكم أمة، صیغه به صورت صریح دلالت بر امر و وجوب می‌دهد همچنین دوام و ثبوت را هم می‌رساند. هنگامی که امر به معروف و نهی از منکر قبل از نزول این آیه غیر معلوم باشد نزول آیه من باب تشریع است، در غیر این صورت امر به منزله تاکید به آن است و زیادت امر دعوت به سوی خیر در آیات دیگری نیز اشاره شده است از آن جمله: و تواصو بالحق و تواصو بالصبر؛ و همچنین دستورات پیامبر شاهی بر این مدعاست (ر.ک: ابن عاشور، ۱۹۸۴، ۳۷/۴). وجه دلالت: صیغه ولتكن برای امر بوده و ظاهر امر در

نصوص تشریع اسلامی برای ایجاب است. و قول خداوند: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ الْمَفْلُحُونَ﴾ هم بیان‌گر این است که فلاح و رستگاری منوط به امر به معروف و نهی از منکر است؛ پس رستگار شدن مختص پرچمداران این عرصه می‌باشد.

ب) ﴿كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (آل عمران، ۱۱۰)، (شما ای پیروان محمد) بهترین امتی هستید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اید (ما دام که) امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب (مثل شما به چنین برنامه و آئین درخشانی) ایمان بیاورند، برای ایشان بهتر است (از باور و آئینی که بر آنند. ولی تنها عده کمی) از آنان با ایمانند و بیشتر ایشان فاسق (و خارج از حدود ایمان و وظائف آن) هستند) این آیه امری است به مردم در جهت دعوت به سوی خیر و تاملون بالمعروف حال از ضمیر کنتم می‌باشد و می‌توان گفت امت آن را بر خود فرض گرفته پس از این لحاظ بهترین امت محسوب شده‌اند و اگر آن را فرض بر ایشان نگیریم تأکیدی برای آن‌ها است، و خطاب در ضمیر کنتم می‌توان اصحاب پیامبر (صلی الله علیه وسلم) و نیز همه مسلمانان در هر نسلی که ظاهر می‌شوند را بر شمرد (ر.ک: ابن عاشور، ۴/۴۸). وجه دلالت: تکریم امت مسلمان از میان سایر امت‌ها به دلیل این‌که امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند و این بهترین بودن‌شان محقق نمی‌گردد مگر با سه شرط: امر به معروف، نهی از منکر و ایمان به خداوند.

ج) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَقِمُوا الصَّلَاةَ وَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَوُوا عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرُوا عَلَى مَا أَصَابَكُمْ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (لقمان، ۱۷)، (ای پسر عزیزم! نماز را چنان که شاید بخوان، و به کار نیک دستور بده و از کار بد نهی کن و در برابر مصائبی که به تو می‌رسد شکیبا باش. این‌ها از کارهای (اساسی و مهمی) است که باید بر آن عزم را جزم کرد و ثبات ورزید). اقم الصلاة در این آیه یعنی بر پاداشتن نماز با رعایت حدود، فروض و اوقات آن‌هاست، و نهی از منکر در آیه اشاره به این‌که می‌بایست بر حسب طاقت و تلاش انسان باشد (و اصبر علی ما اصابک) یعنی: این‌که آمر به

معروف و ناهی از منکر از جانب مردم به صورت قطعی مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد از این رو لقمان فرزند خود را به صبر دستور می‌دهد و این صبر در مقابل اذیت مردم به منظور ثبات و پایداری در راه دعوت می‌باشد (ر.ک: ابن کثیر، ۱۴۱۹، ۳۰۲/۶). وجه دلالت: آیه وصیت پیامبر لقمان به فرزندش و اهمیت امر دعوت را می‌رساند.

د) ﴿الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (توبه، ۶۷)، (مردان منافق و زنان منافق همه از یک گروه (و یک قماش) هستند. آنان همدیگر را به کار زشت فرا می‌خوانند و از کار خوب باز می‌دارند و) از بذل و بخشش در راه خیر دست می‌کشند. خدا را فراموش کرده‌اند (و از پرستش او روی گردان شده‌اند)، خدا هم ایشان را فراموش کرده است (و رحمت خود را از ایشان بریده و هدایت خویش را از آنان دریغ داشته است). واقعاً منافقان فرمان ناپذیر (و سرکش و گناهکار) هستند). در این آیه به ذکر صفات منافقان و مومنان پرداخته شده که بر خلاف یکدیگر هستند و منافقان مردم را به بدی‌ها امر و از خوبی‌ها باز می‌دارند و مانع انفاق و صدقه در راه خداوند می‌شوند و اینان کسانی هستند که از راه حق خارج شده و در گمراهی فرو رفته‌اند. (ر.ک: ابن کثیر، ۱۵۲/۴).

ه) ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه، ۷۱)، (مردان و زنان مومن، برخی دوستان و یاوران یکدیگرند. همدیگر را به کار نیک می‌خوانند و از کار بد باز می‌دارند، و نماز را چنان که باید می‌گزارند، و زکات را می‌پردازند، و از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری می‌کنند. ایشان کسانی‌اند که خداوند به زودی ایشان را مشمول رحمت خود می‌گرداند. (این وعده خدا است و خداوند به گزاف وعده نمی‌دهد و از وفای بدان هم ناتوان نیست. چرا که) خداوند توانا و حکیم است).

در این آیات به ذکر صفات منافقان و مومنان پرداخته شده که بر خلاف یکدیگر هستند و منافقان مردم را به بدی‌ها امر و از خوبی‌ها باز می‌دارند و مانع انفاق و صدقه در راه خداوند می‌شوند و اینان کسانی هستند که از راه حق خارج شده و در گمراهی فرو رفته‌اند. مومنان نیز دارای صفات پسندیده‌ای بوده از جمله دوستان یکدیگر هستند و در مودت و مهربانی مانند اعضای یک بدن زمانی که عضوی به درد آید سایر اعضا نیز با آن همدردی می‌کنند؛ کسانی که متصف به چنین صفاتی هستند خداوند آنان را مورد لطف خود قرار می‌دهد (ر.ک: ابن کثیر، ۱۵۴/۴). وجه دلالت: منافقان یکدیگر را به بدی‌ها امر و مانع از انتشار خوبی‌ها می‌شوند و آنان جزء فاسقان شمرده می‌شوند بر خلاف این گروه مومنان دوستان یکدیگر و مشوق در مسیر هدایت و خوبی‌ها و همواره مورد لطف و عنایت پروردگار می‌باشند و این از جمله نتایج امر به معروف و نهی از منکر است.

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر امر مهمی در اسلام می‌باشد و بزرگ‌ترین قطب دین را در برگرفته که خداوند همه پیامبران را برای برپایی آن فرستاده است (ر.ک: قرطبی، ۱۳۸۴، ۴۷/۴). این امر، مصالح بندگان را محقق نموده و آنان را از ضررها دور می‌نماید (ر.ک: شاطبی، ۱۴۱۷، ۹/۲). هدف شریعت حفظ ضروریات پنج‌گانه دین، نفس، عقل، نسل و مال برای بندگان است و هر آن چیزی که حفظ این اصول پنج‌گانه را شامل شود مصلحت نامیده می‌شود. همچنین همه آن چیزی که منجر به از دست رفتن این اصول شده مفسده‌ای می‌باشد و دفع آن از جمله مصالح است و حفظ این اصول در رتبه ضرورات قرار گرفته که قوی‌ترین رتبه در مصالح است (غزالی، ۱۴۱۳، ص ۱۷۴). هنگامی که بنده قصد و مرادش از امر دعوت معطوف به خداوند باشد و با نهایت احسان و نیکی امر و نهی کند در حالی که اعمال او صالح بوده و به خداوند شرک نمی‌ورزد.

عمل صالح همان احسان است که خداوند خواستار آن بوده و چیزی که خداوند به آن امر کند از شریعت اوست؛ پس کسی که در اعمالش احسان به خرج دهد مستحق پاداش و سالم از مجازات است. (ابن تیمیه، ۱۴۱۸، ص ۶۰).

ویژگی‌های آمران به معروف و ناهیان از منکر

با استقرای برخی از نصوص شریعت به ذکر ویژگی‌های آمران به معروف و ناهیان از منکر در قرآن کریم که عبارتند از: امر به معروف و نهی از منکر، وعظ و گفتار نیکو، رعایت اعتدال و مراقبت بر اعمال صالح اشاره می‌گردد:

(الف) ﴿وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاصُوا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَمَ آزَكَىٰ لَكُمْ وَأَطْهَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (بقره، ۲۳۲)، محل شاهد در این آیه: ذلک یوعظ به من کان؛ در این آیه خداوند لفظ ذلکم را به کار نبرده است یعنی: آن چه به مصلحت خودتان است انجام دهید، بلکه راه درست را به افراد نشان می‌دهد و می‌بایست کسانی که ایمان به خدا و روز واپسین دارند گفتار خداوند را بپذیرند (ر.ک: قرطبی، ۱۳۸۴، ۱۵۹/۳).

(ب) ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ (نحل، ۱۲۵)، از جمله اوصاف آمران و ناهیان این است که با گفتار درست به راه پروردگار که همان اسلام باشد دعوت نمایند و در دعوت خویش ابزار پند و اندرز نیکو را به کار گیرند؛ به گونه‌ای که مخاطب قصد و نیت دعوتگر را دانسته و در نزدش هدف بارز او که همان دلسوزی و منفعت رساندن بدیشان است مشخص باشد، همچنین دعوتگر در گفتار به نرمی عمل کرده به طوری که دل‌ها را به سمت خود جذب کند، زیرا در امر دعوت ابتدا باید مخاطب خود را شناخته و اگر مخاطب کسی باشد که دعوت در او اثر می‌کند پند و نصیحتی اندک نیز پاسخگوست و در غیر این صورت خود را زیاد به زحمت نیاندازد (زمخشری، ۳۴/۵۳۸، ۲).

ج) ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا - وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا - وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا - إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا - وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ (فرقان، ۶۳-۶۷). از دیگر صفات بندگان صالح این است که همیشه در امورات خود حد تعادل را رعایت می‌کنند حتی در راه رفتن‌شان نیز میانه رو و آرامش دارند و این ضعف آنان را نرسانیده بلکه از نقاط قوتشان است، هنگامی که با آنان به بدی رفتار شود به همان صورت پاسخ‌گوی طرف مقابل نبوده و این کارشان موجب افزایش بردباری آنان می‌شود، همچنین آنان کسانی بوده که همواره به ذکر و یاد خدا مشغول هستند و با ادای نماز شب یاری و رستگاری روز را برای خود تضمین می‌کنند، و از دیگر اوصاف زیبای این بندگان انفاق در راه خدا به اندازه اعتدال و خارج از اسراف می‌باشد. (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ۶/۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲).

بندگانی که این صفات شایسته را دارا هستند می‌توانند بهترین دعوتگران در راه دین باشند.

د) ﴿فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَى﴾ (اعلی، ۹)، از جمله ویژگی‌های یک دعوتگر؛ زمانی که دعوتگر زمینه دعوت را در مخاطب خود کشف نموده و می‌داند که توان تاثیر گذاشتن در او را دارد، در این صورت بر کار دعوت خود اقدام می‌نماید و این موجب خشنودی فرد شده و با رضایت خاطر انجام وظیفه می‌کند. (ر.ک: ابن عاشور، ۲۸۴/۳۰).

ر) ﴿فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾ (آل عمران، ۱۵۹)، آیه با جمله خبری شروع شده ﴿فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ﴾ از این رو یک دعوتگر باید اخلاقی نیکو داشته باشد و نسبت به جامعه هدف دلسوز باشد، همچنین تواضع و لبخند لطیف دعوتگر و نگاه تسلی دهنده‌ای که در او باشد به شخصیت‌اش زیبایی می‌بخشد، همه این‌ها بر گرفته از اخلاق پیامبر (صلی‌الله علیه وسلم) می‌باشد، در نهایت به این می‌رسیم که یک داعی شغل او آموزش و

انضباط است، و کار او مستلزم این نیست که با هر برخورد نادرستی از طرف مخاطبان عصبانی شود، در غیر اینصورت دعوتگر ناامیده نمی‌شود. فطرت و منش یک دعوتگر باید مبنی بر مهربانی باشد و با رحمت و مهربانی با مخاطبان رفتار شود، زیرا از این طریق اثر آن بر داعی و محبت او بر آنان ظاهر می‌شود، اما اگر برعکس آن عمل کند درشت‌خو و سنگدل باشد کسی در اطراف خود نمی‌یابد. توکل در ایمان یعنی سپردن زمام امور به دست حق و توکل بر حسن مدیریت او، دعوتگر تلاش خود را برای رسیدن به هدف به کار می‌بندد و در نهایت به ذاتی توکل نموده که از ناتوانی به دور است و این همان اعتماد مطلق است. (شعراوی، بی‌تا، ۱۸۳۵/۳).

ز) ﴿فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيْنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى﴾ (طه، ۴۴)، آیه اشاره به این دارد که گفتار ملایم، گفتاری است بیانگر معانی تشویق و پیشنهاد و... که در آن گوینده به مخاطب نشان می‌دهد نظری دارد که مورد قبول اوست و حق و باطل را تشخیص می‌دهد. این گفتار او از بی‌اهمیت جلوه دادن نظر مخاطب یا جهل او اجتناب می‌کند، پس آیه گفتار معانی خوب را به چیز نرم و لطیف تشبیه می‌کند، نرمی در دعوت موسی به فرعون از جمله مثال‌هایی است که می‌توان به آن استدلال نمود. (ر.ک: ابن عاشور، ۲۲۵/۱۶).

ه) ﴿اتَّامُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَعْقِلُونَ﴾ (بقره، ۴۴)، در آیه توبیخ همراه با سوال بوده، زیرا هر کسی کاری را انجام داده که بخاطر آن مستحق مواخذه باشد، مردم از این عمل او تعجب خواهند کرد و از او می‌پرسند؛ از این‌رو سوال به صورت توبیخی بیان می‌شود. فراموشی در این جا کنایه از غفلت عمدی است که انسان را به یاد نیکی می‌اندازد؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾ شما فراموش می‌کنید خود را به نیکی امر کنید؛ ممکن است انسان عیب دیگران را ببیند زیرا آن را مشاهده می‌کند، اما ندیدن عیب خود به دلیل تکرار آن است که باعث شده عیب خود را فراموش کند و درمان این فراموشی این است که خود را محاسبه کند. (ر.ک: ابن عاشور، ۴۷۵-۴۷۶/۱).

شروط، ارکان و آداب آمر به معروف و ناهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر دارای شروط و ارکانی است، و افرادی که در این حیطه مشغول هستند ملزم به رعایت آدابی می‌باشند:

ارکان یک چیز نشان‌گر ماهیت آن است (ر.ک: فیومی، بی‌تا، ۲۳۷/۱). ارکان امر به معروف و نهی از منکر عبارتند از: ۱- شخص دعوتگر (ر.ک: زیدان، ۱۴۲۱، ص ۱۷۶) ۲- مخاطب در امر دعوت (زیدان، ۱۷۶) ۳- امر منکری که زمینه دعوت را فراهم می‌کند (ر.ک: زیدان، ص ۱۷۶) ۴- اقدام به برپایی امر به معروف و نهی از منکر (ر.ک: زیدان، ص ۱۷۶) و در ادامه به ذکر شروط و آداب این امر و مسائل مربوط به آن پرداخته می‌شود.

شرط علامتی برای وقوع هر امر معلومی است (ر.ک: اصفهانی، ص ۴۵۰) از جمله شروط یک دعوتگر: الف) تکلیف (در اصطلاح فقها به شخص عاقل و بالغ مکلف گفته می‌شود). (ر.ک: قرشی، بی‌تا، ص ۸). بنابراین؛ وظیفه امر به معروف و نهی از منکر در نزد او واجب گشته و از غیر مکلف مانند بچه و دیوانه ساقط می‌گردد و این شرط در نزد غیربالغ مندوب محسوب می‌شود.

ب) اسلام (امر به معروف و نهی از منکر به منظور یاری رساندن به دین است و کسی که مخالف اسلام باشد به این فریضه عمل نمی‌کند). (ر.ک: غزالی، بی‌تا، ۳۵۹/۲). امر به معروف و نهی از منکر نوعی ولایت است که تنها از مسلمان قبول می‌گردد.

ج) اخلاص و دوری از ریا و کسب منافع دنیوی (ر.ک: سمرقندی، ۱۴۲۱، ص ۳۱. ر.ک: زیدان، ۱۸۴). دعوتگر با عمل خود می‌بایست رضای خداوند را طلب کند، زیرا شرط قبولی اعمال صالح اخلاص می‌باشد.

د) دعوتگر می‌بایست موافق با راه و روش پیامبر خدا (صلی الله علیه وسلم) اقدام به ایجاد معروف و از بین بردن منکر نماید (ر.ک: ابن تیمیه، ۱۴۱۸، ص ۱۱). عمل صالحی که موافق با راه و روش پیامبر باشد باعث جلب رضایت پروردگار می‌شود و اگر داعی برخلاف راه و روش پیامبر عمل نماید در دعوت خود موفق نخواهد شد.

ه) علم و آگاهی در امر دعوت (ر.ک: سمرقندی، ص ۳۱) و آن علمی است که شناخت از معروف و منکر را حاصل نماید و شرف این علم مقامی است از جانب خداوند که به هر کس بخواهد می‌دهد.

و) قیام به امر معروف و نهی از منکر بر حسب توانایی افراد لازم می‌گردد (ر.ک: زیدان، ص ۴۸۴). مردم در قدرت‌مندی بر این امر دارای تفاوت بسیاری هستند به عنوان مثال: سلطان قدرت بیش‌تری از بقیه مردم در امر و نهی دارد و خداوند بنده را بر آنچه نمی‌تواند مکلف نمی‌گرداند.

نگاهی به آداب دعوت اسلامی

عمل امر به معروف و نهی از منکر سه قسم را در برمی‌گیرد:

اول) قسم مراقبون: کسانی که در بازارها، خیابان‌ها و نقاطی از کشور در ساعاتی از روز و شب مشغول امور مردم هستند.

دوم) نهاد قضائی: وظیفه آن رسیدگی به امورات جامعه است و طبق شرع، حدود و قوانینی را جهت بازدارندگی مردم به کارهای خلاف شرع تنظیم می‌کند.

سوم) قسم تنفیذ: همان مصلحان اجتماعی که تنها کارشان وارد شدن در بین مردم و شناسایی آسیب‌های اجتماعی است.

افراد هر سه بخش باید تقوای خدا را رعایت نموده و با عمل به دستور خداوند همه‌ی بدی‌ها را محکوم کرده و مفساد را بر طرف کنند. (ر.ک: السبت، ۱۴۱۵، ص ۳۸۵-۳۸۶).

آداب جمع ادب از جمله زیبایی‌های اخلاقی است که هر انسانی می‌تواند به آن آراسته گردد (ر.ک: فیومی، ۹/۱). هر امری مهم نیاز به رعایت آدابی دارد؛ از جمله امر حساس دعوت که دعوتگر باید خود را به آن آراسته نماید و این آداب عبارتند از: دعوتگر ابتدا باید دعوت را از خود شروع نماید و در عمل بر خلاف گفتارش نباشد. (ر.ک: سفارینی، ۱۴۰۲، ۴۳۰/۲). نرمی و مهربانی در برخورد با مردم (ر.ک: سفارینی، ۱۴۰۲، ۴۳۰/۲). مساوات و عدم تبعیض بین خویشان و بقیه اقدار جامعه (ر.ک: زیدان، ص ۴۹۷) صبر و بردباری در راه دعوت (ر.ک: زیدان، ص ۵۰۵) به

کارگیری مصالح و محقق نمودن آن و دور کردن مفسد از جامعه. (ر.ک: غزالی، ۱۴۱۳، ص ۲۵۴). شروط کسی که مخاطب در امر دعوت است (ر.ک: ماوردی، ۱۴۱۹، ۵۵۹/۹): امری ممنوع و معصیتی از او مشاهده شود (ر.ک: غزالی، ۳۲۷/۲) اگر چه بلوغ و عقل در او تکمیل نشده باشد، زیرا امر به معروف و نهی از منکر حق خداوند تعالی است. مسئله دعوت امریست که تمام اقشار جامعه را پوشش داده؛ اعم از نزدیکان و غیر از آنها مسلمان یا غیر مسلمان ولی امر باشد یا غیر از آن و محدودیتی در این زمینه وجود ندارد.

حکمت و آثار امر به معروف و نهی از منکر در جامعه

حکمت در دعوت به سوی خدا منحصر به پیروی از یک طریق و اسلوب نیست بدین گونه که دعوتگر همیشه نرمی و مهربانی را در دستور کار خود قرار دهد؛ بلکه حکمت این را اقتضا نموده که یک دعوتگر در کنار گفتار حکیمانه و پندار نیکوی خود قوت و شدت را در برخورد با ظالم نیز به کار بگیرد.

این قیم می گوید: حکمت به دو گونه علمی و عملی می باشد و دعوتگر می بایست این دو را با علم نافع خود تکمیل نموده، کارها را با عقل و درک اجرایی کند و به سرانجام آنها نیز بیاندهد (ر.ک: ابن قیم، ۱۴۱۶، ۴۴۸/۲).

عقوبت برخی از گناهان منحصر به عذاب دنیوی است، اما دسته ای دیگر گناهانی اند که خداوند عذاب و مجازات آن را به آخرت موکول کرده و تا آن زمان به بنده فرصت می دهد؛ سکوت در مقابل منکر موجب عذاب در دنیا از طریق نقصان در اموال و دچار شدن به بیماری و غیره می شود و از جمله گمراهی دچار شدن به ذلت و پستی هاست. (ر.ک: ابن العربی، ۵۴۳، ۱۵/۹).

ترک امر به معروف و نهی از منکر سبب آشکار شدن نادانی و از بین رفتن علم می شود آن چنان که امروزه منکرات بسیاری مشاهده گشته و این امر موجب زیبا جلوه دادن گناهان نزد مردم شده است. مردم به مانند پرندگان مهاجری اند که در تقلید شبیه یکدیگر می باشند (ر.ک: ابن تیمیه، ۱۴۲۵، ۱۵۱/۲۸) خداوند در ستایش امت، بهترین بودن آن را به ایمان معلق می کند که خود

مستلزم قیام به هر آن چیزی است که خداوند به آن امر نموده که با دعوت به‌سوی خیر و بازداشتن از بدی‌ها زمینه جهاد را فراهم کرده همچنین آمر و ناهی در امر دعوت به اندازه توانایی باعث نجات هم‌نوعان خود از گمراهی و عصیان می‌شوند. (ر.ک: سعدی، ۱۳۰۷، ۱/۱۴۳).

نتیجه‌گیری

- ۱- تکریم امت مسلمان به دلیل این است که امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند؛ لذا بهترین بودن‌شان محقق نمی‌گردد مگر با سه شرط: امر به معروف، نهی از منکر و ایمان به خدا.
- ۲- امر دعوت بسیار حساس و مسیری پر فراز و نشیب است که برای موفقیت در آن می‌بایست تقوا و صبر در خود را تقویت نمود.
- ۳- دعوتگر باید با کمال دلسوزی و نفع‌رسانی به مردم و از روی احسان به‌کار خود مشغول شود.
- ۴- از دیگر صفات یک دعوتگر گفتار نرم و نیکویی که دلربا و موثر باشد.
- ۵- گام اول در دعوت شناخت مخاطب است و باید به مقتضای ظرفیت پذیرش او مورد دعوت قرار گیرد؛ همچنین شخص دعوتگر از ابتدا رسیدن به نتیجه را درخواست ننماید و گام به گام در حد اعتدال و با استمداد از خداوند پیش رود.
- ۶- انسان ابتدا در هر کاری باید از خود شروع نماید. شخص دعوتگر نیز پس از اصلاح خویش می‌تواند به دعوت هم‌نوع بپردازد و چیزی نگوید که مخالف عملش باشد.
- ۷- امر به معروف و نهی از منکر تمام اقشار جامعه را پوشش داده و رعایت مساوات شرط قبولی آن است.
- ۸- یک دعوتگر خوب در کنار گفتار حکیمانه و پندار نیکوی خود قوت و شدت را در برخورد با ظالم به‌کار گیرد.

۹- ترک عمل دعوت سبب ظهور نادانی و ازاله علم می‌شود. آن چنان که امروزه منکرات زیادی مشاهده گشته و این امر موجب زیبا جلوه دادن گناهان نزد مردم شده‌است.

منابع

قرآن کریم.

- ابن العربی، ابوبکر، عارضة الاحوذی، دار الکتب العلمیه بیروت- لبنان، چاپ نهم، ۴۳۵-۵۴۳.
- ابن تیمیه، تقی الدین ابوالعباس، الامر بالمعروف و نهی عن المنکر، وزارت الشئون الاسلامیه والاقواف و الدعوه و الارشاد- المملکة العربیة السعودیة، چاپ اول، ۱۴۱۸هـ.
- ابن تیمیه، شیخ الاسلام احمد، مجموع الفتاوی، مجمع الملک فهد لطباعة المصحف الشریف لمدينة المنوره السعودیة، بی‌جا، ۱۴۲۵هـ-۲۰۰۴م.
- ابن عاشور، محمدطاهر بن محمد، التحرير و التنوير، الدار التونسیة للنشر- تونس، بی‌جا، ۱۹۸۴هـ.
- ابن فارس، زکریا، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، دارالفکر، بی‌جا، ۱۹۷۹م.
- ابن قیم، محمد بن ابی بکر، مدارج السالکین، محقق: محمد المعتصم بالله بغدادی، دار الکتب العربی - بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۷هـ-۱۹۹۶م.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، محقق: محمد حسین شمس‌الدین، دار الکتب العلمیه - بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۹هـ.
- ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، محقق: محمد عوض مرعب، دار احیاء التراث العربی - بیروت، چاپ اول، ۲۰۰۱م.
- ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، محقق: احمد محمد شاکر، محمد فواد عبدالباقی، شرکت مکتبه و مطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر، چاپ دوم، ۱۳۹۵هـ-۱۹۷۵م.
- جرجانی، علی بن محمد بن علی، التعریفات، محقق: جماعت من العلماء، دار الکتب العلمیه بیروت- لبنان، چاپ اول، ۱۴۰۳هـ-۱۹۸۳م.
- خرم دل، مصطفی، تفسیر نور، نشر احسان، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۹۹هـ.
- زمخشری، محمود بن عمر بن احمد، الکشاف الحقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التاویل، بی‌جا، ۵۳۸هـ.

- زیدان، عبدالکریم، اصول الدعوة، مؤسسة الرسالة، چاپ نهم، ۱۴۲۱هـ - ۲۰۰۱ م.
- السبت، خالد بن عثمان، الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، المنتدى الاسلامی - لندن، چاپ اول، ۱۴۱۵هـ - ۱۹۹۵ م.
- سعدی، عبدالرحمن بن ناصر، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، مؤسسه الرساله، بی‌جا، ۱۳۷۶ - ۱۳۰۷هـ.
- سفارینی، شمس‌الدین ابوالعون محمد بن احمد، لوامع الانوار البهیة، مؤسسة الخافقین و مکتبتها - دمشق، چاپ دوم، ۱۴۰۲هـ - ۱۹۸۲ م.
- سمرقندی، ابولیت نصر بن محمد، تنبیه الغافلین باحادیث سید الانبیاء و المرسلین، محقق: یوسف علی بدیوی، دار ابن کثیر، دمشق - بیروت، چاپ سوم، ۱۴۲۱هـ - ۲۰۰۰ م.
- شاطبی، ابو اسحاق ابراهیم بن موسی، موافقات، محقق: ابو عبیده مشهور بن حسن آل سلمان، دار ابن عفان، چاپ اول، ۱۴۱۷هـ - ۱۹۹۷ م.
- شعراوی، محمد متولی، تفسیر شعراوی، مطابع اخبار الیوم، بی‌جا، بی‌تا.
- غزالی، ابو حامد محمد بن محمد، مستصفی، محقق: محمد عبدالسلام عبدالشافی، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۳هـ - ۱۹۹۳ م.
- غزالی، محمد بن محمد، احیاء علوم الدین، دارالمعرفة - بیروت، بی‌جا، بی‌تا.
- فیومی، احمد بن محمد بن علی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، مکتبه العلمیه - بیروت، بی‌جا، بی‌تا.
- قرشی، محمد بن محمد ابی زید، معالم القربة فی طلب الحسبه، دار الفنون، بی‌جا، بی‌تا.
- قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد، جامع لاحکام القرآن، دار الکتب المصریه، چاپ دوم، ۱۳۸۴هـ - ۱۹۶۴ م.
- ماوردی، ابو الحسن علی بن محمد، الحاوی الکبیر، محقق: شیخ علی محمد معوض - شیخ عادل احمد عبدالموجود، دارالکتب العلمیه، بیروت - لبنان، چاپ اول، ۱۴۱۹هـ - ۱۹۹۹ م.

البعد المقاصدي لفقه الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر في ضوء الكتاب والسنة

خالد ملاح كنگانى (طالب بقسم الشريعة بالمعهد العالى)

kilid.m79@gmail.com

ملخص

الناظر في فريضة الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، يجدها بمثابة حصن منيع للإسلام إذ هو ركن من أركان الدين وبه صلاح المجتمعات وقوام الأمم، فكم من أمة كثر خيرها بالأخذ به وكم من أمة هبطت بتركه، وإذا عطلت هذه الفريضة لتعطلت النبوة وعمت الفتنة، فبه نشر الله الدين وبه صلاح الدنيا والدين، والمقرر في الشريعة أن الفرائض لها حكم وغايات ومآلات، فمن هذا المنطلق كان معرفة فقه مقاصد الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر يمتاز بأهمية؛ إذ الواقف عليها يجد نفسه مقبلة على هذه الفريضة والشوق يحركه إلى رؤية الأهداف، والغايات المتحققة التي لا تكاد توصف، لقد بيّن هذا البحث مقاصد الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر من خلال الكتاب والسنة، وربط بعض مقاصده بالمقاصد الخمس الكبرى، التي تقوم عليها الشريعة الغراء، وقد سلك هذا البحث المنهج التحليلي الإستقرائي لبيّن المقاصد، نظرا لما توصل إليه هذا البحث، أن هذه الفريضة تقوم على مقاصد حسنة، كحفظ الدين، والنفس، والمجتمع.

الكلمات المفتاحية: الأمر بالمعروف، النهي عن المنكر، مقاصد الشريعة.

المقدمة

الناظر فى الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، يجده بمثابة حصن منيع للإسلام؛ إذ هو ركن من أركان الدين وبه صلاح المجتمعات وقوام الأمم، فكم من أمة فاضت بالأخذ به وكم من أمة هبطت بتركه، وإذا غُطلت هذه الفريضة لتعطلت الشريعة وعمت الفتنة، فيه نشر الله الدين وبه صلاح الدنيا والدين، فالتأمل فى سير أحوال الأنبياء يجد صلاح دينهم ودنياهم منعقداً بالأمر بالمعروف والنهي عن المنكر كما قال جل فى علاه ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ فإن إدراكهم لهذه الفريضة كان نابغاً من فهم مقاصد الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، فأشرقت إصلاحاتهم فى المجتمعات وجلجلت فى بقاع الأرض، ولأجل هذا كلّفنا أن نعبده على علم، فوقع المدح والثناء، على العالمين فقال جل فى علاه ﴿وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ﴾، فمن هذا المنطلق كان واجباً وجدانياً قبل أن يكون شرعياً، أن يتأمل المسلم فى ماهيته وأن يدرك معانيه، إذ الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر من خصائص الشرائع، فدوام الشرائع قائم عليه، ولا يتصور وجوده فى البعد اللادينى إلا لدوي العقول السليمة التى لم تؤمن بعد و ما زالت على فطرتها التى فطر الله عليها الناس.

فإن الباحث قد سلك المنهج التحليلي الاستقرائي ليرفع الإبهام عن هذه الأسئلة: ما أهمية معرفة مقاصد الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر؟ ما مقاصد الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر؟ فالباحث قد أمعن النظر فلم يجد رسالة تطرقت إلى هذا الموضوع بشكل خاص، إلا أن الدكتور: عبدالله محمد يوسف محمود تطرق إلى مقصد من مقاصد الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر فى مقاله (البعد المقاصدى لفقه الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر فى القرآن و السنة، تحقيق الأمن الإجتماعي انموذجاً)، ومما يميز هذا البحث، والبحث السابق أن هذا البحث لم يكتفى بمقصد من مقاصد الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر فى القرآن والسنة، بل درج على ذكر مقاصد أخرى، وتميز بربط بعض مقاصد الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر بالمقاصد الخمس التى تقوم عليها الشريعة الغراء.

التعريف بالمصطلحات الواردة فى البحث

المعروف مشتق من، عَرَفَ وكما يقول ابن فارس: العين والراء والفاء أصلان صحيحان، ويدل على معنيان الأول: تتابع الشيء حال كونه متصلا ببعضه ببعض، الثاني: يطلق ويراد به السكون والطمأنينة، (ابن فارس، ٢٨١/٤) وقال صاحب التهذيب، عرف بمعنى: « ما تعرفه النفس من الخير وتبسأ به وتطمئن إليه » (الأزهري، ٢٠٨/٢)، واصطلاحا: بمعنى « اسم جامع لكل ما عرف من طاعة الله، والتقرب إليه والإحسان إلى الناس، وكل ما ندب إليه الشرع ونهى عنه من المحسنات والمقبحات » (ابن الأثير، ٢١٦/٣) وقال غيره: « اسم لكل فعل يعرف بالعقل أو الشرع حسنه » (راغب، ٥٦١/١)

المنكر مشتق من؛ نَكَرَ يقول ابن فارس: « النون والكاف والراء أصل صحيح يدل على خلاف المعرفة التي يسكن إليها القلب » (ابن فارس، ٤٧٦/٥) ويقال: فلان أنكر ذاك الشيء، أى: لم يقبله قلبه ولم يعترف به لسانه (ابن فارس، المرجع السابق)، واصطلاحا: كل فعل تحكم العقول الصحيحة بقبحه، أو تتوقف في استقباحه واستحسانه العقول (راغب، ٨٢٣/١).

مقاصد جمع مقصد ويقول ابن فارس: « القاف والصاد والدال أصول ثلاثة » (ابن فارس، ٩٥/٥) والأصل الذي يُعنيها هو: قَصَدَتْهُ قَصْدًا وَمَقْصَدًا، وهو الذي بمعنى: إتيان الشيء.

أهمية معرفة مقاصد الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر

قبل الخوض في مقاصد الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر وقطف ثماره، لابد أن نبه على مسألة مهمة وهي أهمية معرفة مقاصد الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر.

إن المقاصد لها دور مهم في فهم الفرائض، وإن الفرائض لم تشرع عبثاً، بل شرعت لحكم وغايات، سواء أدركها العقل أم لم يدركها، وتطبيق هذه الغايات والأهداف على أرض الواقع هو الذي يوصلنا إلى عظم الشريعة وفعالياتها، وهذا الأمر قد نبه عليه الإمام الجويني فقال: « من لم يتفطن لوقوع المقاصد في الأوامر والنواهي فليس على بصيرة في وضع الشريعة » (البرهان: ١٠١/١)، والمراد من المقاصد الشرعية هي الأهداف والغايات والمآلات التي وضعها الشارع لتحقيق سعادة الدنيا والآخرة، فلكذلك مقاصد الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر فإنها تتسع لتشمل كافة أبعاد الوجود الإنساني بما يشمل العقائد، والمشاعر ولا تقتصر على الجانب الفردي في حياة البشر، بل تتوسع لتحقيق أبعاد أخرى، كالبعد العقدي، والبعد الأخلاقي، والبعد العسكري والأمني وغيرها من الأبعاد، إذاً فريضة الأمر بالمعروف

والنهي عن المنكر قائمة على أهداف ومآلات وغايات، وكلما برزت هذه الأهداف والغايات للإنسان المسلم كان إقباله على إقامة هذه الفريضة أكثر، وكان شوقه إلى رؤية هذه الأهداف والغايات متحققة لاتكاد توصف، ويتحقق هذه الأهداف والغايات، يُرفع المؤمن شرفاً ويكون أعلى قدراً بين الناس، ويتغير حال العباد والبلاد إلى أفضل حال، وسينبع منه نورٌ يعم العباد والبلاد، وأما إذا «طوى بساطه، وأهمل علمه وعمله، لتعطلت النبوة، واضمحلت الديانة، وعمت الفتنة، وفشت الضلالة، وشاعت الجهالة، واستشرى الفساد، واتسع الخرق، وخربت البلاد، وهلك العباد، ولم يشعروا بالهلاك إلا يوم التناد» (الغزالي: ٣٠٦/٢)، إذأً على المسلم أن يسعى جاهداً لتحقيق هذه الغايات النفيسة والمآلات الحميدة والله الموفق للخير والصلاح.

مقاصد الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر

حفظ الدين

الناظر في نصوص الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر يجد مقصد حفظ الدين متبلوراً في نصوص الشرع، لأن الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر من مقومات الدين، وعدم مشروعيته مساوٍ لعدم انتشار الدين إذ أنه ينحصر في أفئدة العباد فلا يجد مخرجاً يخرج اليه، وعلى هذا يندثر الدين وتضعف شوكته وتضمحل شرائعه، فمثلاً: من أسباب تحريف الأديان السماوية واندثارها، هو عدم قيام المتدينين من الأبحار والرهبان أو غيرهم بهذه الفريضة كما ذكر الله عزوجل في محكم تنزيله: ﴿كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ (المائدة، ٧٩) ولم يقف عند هذا الحد بل وبخهم توبيخاً شنيعاً فقال عزوجل: ﴿لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَنْبِيَاءُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ (المائدة، ٦٣) حتى قال ابن عباس في هذه الآية: لا توجد آية في القرآن أشد توبيخاً من هذه الآية (ابن كثير، ١٤٤/٣) وهكذا ديننا الحنيف إذا لم يقم على الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر لأصبح غريباً كما قال عليه الصلاة والسلام: «بدأ الإسلام غريباً، وسيعود كما بدأ غريباً، فطوبى للغريباء» (مسلم، ١٣٠/١) فمن أسباب الغربة أن لا يوجد في المجتمع من يأمر بالمعروف وينهى عن المنكر أو يصعب فيه القيام بهذه الفريضة، فيصبح المسلم غريباً تائهاً متشتتاً، كما بين ذلك في الشطر الأول من الحديث، حيث إن المتأمل في سيرة المصطفى يجد في بداية الدعوة عدم تبلور الأمر بالمعروف والنهي

عن المنكر عند الصحابة رضوان الله عليهم كتبوره بعد الإعلان من الله عزوجل بدعوة جهاراً، ففي المرحلة الأولى كانوا غرباء فأصبحوا أعماء أجلاء بقيامهم بهذه الفريضة، فامتثلوا أمره فصارو خيار الخلق كما قال عزوجل ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (آل عمران، ١١٠).

ويقول الله عزوجل في محكم تنزيله: ﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾ (التوبة، ١٢٢) فإن هذه الآية تدل على أن المقصود من التفقه هو التعلم ودعوة الخلق إلى الحق، وإرشادهم إلى الدين القويم والصراط المستقيم (الرازي، ١٧٢/١٦) والمتأمل في هذه الآية الشريفة يجد أن الغاية العظمى من التفقه هو الإنذار، والأمر بالمعروف والنهي عن المنكر داخل في نطاق الإنذار، ويؤيد ذلك: حذف مفعول يحذرون لأجل التعميم، والتقدير: يحذرون ما يحذر، وهو فعل المحرمات وترك الواجبات (ابن عاشور، ٦٢/١١) إذاً على هذا التأويل السابق، تكون الغاية العظمى والمقصد الأعلى من التفقه هو حفظ الدين.

والنبي صلى الله عليه وسلم يبيّن أن فريضة الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر كسهم من سهام الإسلام فيقول: «الإسلام أن تعبد الله لا تشرك به شيئاً، وتقيم الصلاة، وتؤتي الزكاة، وتصوم رمضان، وتحج البيت، والأمر بالمعروف، والنهي عن المنكر، وتسليمك على أهللك، فمن انتقص شيئاً منهن فهو سهم من الإسلام يدعه، ومن تركهن كلهن فقد ولى الإسلام ظهره» (الحاكم، ٧٠/١) فانظر أيها القارئ في بلاغة النبي صلى الله عليه وسلم حيث يشبه الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر كسهم من السهام، فتصور معي؛ أن فارساً لديه عدة سهام وهو في قلب المعركة، فكل سهم من هذه السهام هي بطاقة ربح لرجوعه من المعركة سالماً معافاً، فكلما نقصت هذه السهام، كان احتمال إصابته أكثر، فكذلك الإنسان المسلم إذا لم يحافظ على هذا السهم وهو الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، لتزلزلت ثوابته وأصبح الحفاظ على دينه أمر شاق خارج عن النطاق، ومع مرور الزمن يبتعد المتدين عن دينه ويخرج عن دائرة الإسلام، فتأمل كيف بفريضة واحدة تحفظ دينك ومستقبلك وتنجيك من عذاب الدنيا والآخرة، فهذه هي إحدى مقاصد الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر.

حفظ النفس

من مقاصد الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، الذي يجدها المتأمل في نصوص الشرع؛ هي حفظ النفس، فإن القائم بهذه الفريضة يشعر بأن هذه الفريضة سبب في حفظ نفسه، وجسمه، ومعنوياته، فإذا أمتعنا النظر وجدنا أن هذا المقصد من حيث المحافظة على النفس ينقسم إلى قسمين، منها: المحافظة الخارجية - أي إنها عائدة بالنفع على الجسم وتحفظ الجسم من أنواع التهديدات - وهذا الأثر ملموس في النصوص، ومنها المحافظة الداخلية - أي عائدة بالنفع على النفس وتحفظ المعنويات والطاقت النفسية - وهذا مجرب بالحس، إذ أن القائم بهذه الفريضة لما يرى أثر أمره ونهيها يشرح صدره، وترتفع معنوياته، فإذا الحاصل أن هذين القسمين يقويان المقصد الأعظم من مقاصد الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر الذى هو حفظ النفس.

من أمثلة المحافظات التي تظهر على القائم بهذه الفريضة، قوله تعالى ﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾ (الأعراف، ١٦٥) فبين الله عزوجل أن القائم بفريضة الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر قد نجو من عذاب بئيس، وهذا العذاب كما ذكر أهل التفسير هو المسخ (الشوكاني، ٢٩٣/١)، والدليل على ذلك قوله تعالى ﴿فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ﴾ (الأعراف، ١٦٦) فمسخهم الله قردة فأصبحوا خاسئين، فتأمل كيف نجّاهم الله وحفظ أجسامهم بسبب فريضة واحدة! والنبي صلى الله عليه وسلم قد أشار إلى هذا المعنى بقوله: «إن الناس إذا رأوا الظالم فلم يأخذوا على يديه أوشك أن يعمهم الله بعقاب منه» (الترمذي، ١٦٨/٤) فتأمل التهديد والوعيد في قوله؛ حيث يبين أن المسلم إذا لم يقف أمام الظالم ولم يبين ظلمه ولم يعظه فلينتظر عذاب الرب جل في علاه فإن عذاب الله قريب.

ويقول الله عزوجل في محكم التنزيل ﴿فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ﴾ (هود، ١١٦) فهذه الآية تجيب على هذا السؤال: لماذا وقع العذاب على الأمم الماضية؟ فتذكر سببين رئيسيين (الرازي، ١٨/ ٤٠٩) اما السبب الذي يُعِيننا هنا: أنه ما كان فيهم قوم ينهون عن الفساد في الأرض، فلهذا وقع عليهم العذاب، وفي المقابل نرى الذين قاموا بفريضة الأمر بالمعروف والنهي عن

المنكر أنجاهم الله من عذاب أليم فقال تعالى ﴿إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ﴾ (هود، ١١٦) أي: الذين أنجاهم الله من القرون الماضية من العذاب هم الذين كانوا يقومون بهذه الفريضة فكان القيام بهذه الفريضة سبباً في نجاتهم، فهؤلاء الأقوام كانوا أتعس وأضل قوم لما تركوا هذه الفريضة، وعلى إثر هذا قال صلى الله عليه وسلم «بئس القوم قوم لا يأمرون بمعروف ولا ينهون عن منكر» (عبدالغنى المقدسي، ٤١/١) وايضاً قال صلى الله عليه وسلم «ما من قوم يعمل فيهم بالمعاصي، ثم يقدر على أن يغيروا، ثم لا يغيروا، إلا يوشك أن يعمهم الله منه بعقاب» (ابن داود، ٢٣٨/٤) فالتبى صلى الله عليه وسلم يبين أنه لا بد من وجود من يأمر بالمعروف وينهى عن المنكر وإلا لعمهم العذاب.

ويقول الله عزوجل في محكم آياته ﴿وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ﴾ (العصر، ١-٣) فهذه السورة قليلة الألفاظ لكن عظيمة المعانى ولأجل هذا قال الشافعي رحمه الله «لو لم ينزل غير هذه السورة لكفت الناس، لأنها شملت جميع علوم القرآن» (الألوسي، ٤٥٧/١٥) ومن ضمن المسائل التى اشتملت عليها هذه السورة: هي فريضة الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، فإن التواصي بالحق هو الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، فلا يكفي أن الإنسان يقتصر على إصلاح نفسه، بل لابد أن يعمل على إصلاح غيره، فإذا تأملنا في السورة وجدنا: أن جميع البشر في خسر وضلال، والخسر هو «النقصان وسوء الحال» (ابن عطية، ٥٢٠/٥) إلا الذين وجدت عندهم هذه الصفات، فهم آمنون من الخسران وحالهم بأحسن حال، فذكر من هذه الصفات؛ الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، فأنظر أيها القاري كيف بصفة واحدة أوفريضة عظما تغير حال قائمها من حال الى حال، فبسبب فريضة واحدة حفظ المسلم نفسه من الخسارة والهلاك.

حفظ المجتمع

من مقاصد الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر حفظ المجتمع من انفكاك قوامه وتشتت في أعضائه، فإن المجتمع الإسلامي بنسبة إلى أفراد كالبنيان يشد بعضه بعضاً، فتأمل معي؛ كيف أن الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر يغير المجتمع من شيخ هرم قد بسط الفراش إلى شاب طموح مجتهد قد طوى الفراش، فبهذه الفريضة يصبح المجتمع في قمة السعادة وهو يسعى إلى الإعمار والبناء الحضاري، ويعم الخير

والصلاح جميع مرافق الحياة لسمو المقاصد ونبل الأهداف المراد تقريرها وتحقيقها في الواقع، فيصبح المجتمع الإسلامي بهذه الفريضة قائما بجذوعه وفروعه، فيبث الآمال في الملاء والأكوان.

الناظر في نصوص الشرع يجد هذا المقصد متبلورا واضحا كوضوح الشمس، فمن أمثلة ذلك قوله صلى الله عليه وسلم في الحديث المعروف بالسفينة «مثل المدهن في حدود الله، والواقع فيها، مثل قوم استهموا سفينة، فصار بعضهم في أسفلها وصار بعضهم في أعلاها، فكان الذي في أسفلها يمرون بالماء على الذين في أعلاها، فتأذوا به، فأخذ فأسا فجعل ينقر أسفل السفينة، فأتوه فقالوا: ما لك، قال: تأذيتم بي ولا بد لي من الماء، فإن أخذوا على يديه أجحوه ونحو أنفسهم، وإن تركوه أهلكوه وأهلكوا أنفسهم» (بخارى، ٣/ ١٨١)، فإن هذا الحديث فيه من البلاغة النبوية التي لا تكاد توصف، فالنبي صلى الله عليه وسلم يشبه المجتمع الإنساني بالسفينة وطاقمها، فيضرب مثلا يفهمه النائم واليقظان ويدرك مغزاه الجميع، وهذه المنهجية مُستلة من كتاب الله عزوجل، من قوله تعالى: ﴿وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَصْرِيبِهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالَمُونَ﴾ (عنكبوت، ٢٥)، فالنبي صلى الله عليه وسلم يقسم الركاب إلى قسمين، القسم الأول: «مثل القائم في حدود الله» أي: المدافع عن حدود الله وهو الذي يأمر بالمعروف وينهى عن المنكر، ويغار على دين الله، والقسم الثاني: «والواقع فيها» أي: الذي يتتهك حرمت الله، ويفعل ما حرمه الله، ثم يبين أن هؤلاء القسمين إذا لم يكونوا يداً واحدة، بأن يقوم فريق منهم من شدة خوفه على أخيه ومحبة الله، في نصحهم والأخذ بأيديهم، والفريق الثاني بالسمع والطاعة، لغرقت السفينة و هلكو جميعاً، فكذلك المجتمع الإنساني، خاصة الإسلامي إذا لم يكونوا يداً واحدة ولم يصلحوا ما أفسد الناس ولم ينشرو العلم ولم يقيموا بهذه الفريضة؛ لعم الجهل وكثرت الفتنة ولأصبح الفساد منتشراً شبراً بشيراً، وذراعاً بذراعٍ، وخرج المجتمع من حالته المتوازنة إلى حالته المأساوية كما بين ذلك جل في علاه: ﴿وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (البقرة، ٢٥١)، وقد قال مكِّي بن أبي طالب في تأويل هذه الآية: «أى بدفع أهل الطاعة عن أهل المعصية، وبالبر عن الفاجر، وفساد الأرض، بفساد أهلها» (مكِّي بن أبي طالب، ٨٣٧/١).

وقد قال: محمد بن المنكر: «إن الله ليصلح بصلاح العبد ولده، وولد ولده، ويحفظه في دويرته، والدويرات التي حولها، ما دام فيهم» (النسائي، ٤٠٨/١٠)، فإذا لم تتحقق هذه الفريضة فكيف بهذا المجتمع أن يسلم فيه إنسان من إنسان؟! وجماد يسلم من فساد البشر؟!.

ويقول الله عزوجل في محكم آياته: ﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى حَتَّى يَبْعَثَ فِي أُمَمٍ رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَى إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ﴾ فيبين الله عزوجل أنه لا يعاقب قرية ولا ينزل عليها عذاباً ولا يهلكهم، إلا بعد ما يرسل اليهم رسولا، والرسول مأمور بأن يأمر بالمعروف وينهى عن المنكر، فتأمل كيف تكون هذه الفريضة سبب من أسباب الفلاح، لأن مصير القرى إما أن يعذبوا او يفلحو، فإذا استجابوا إلى أوامر الرسول ونواهيته، فقد نجوا من العذاب، فكان الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر الصادر عن الرسول هو أحد أسباب الفلاح.

فتأمل كيف بفريضة واحدة تكون سبباً في صلاح كل هذه المأساة، وتكونوا سبب في إشاعة الأخلاق الحسنة في العلاقات الاجتماعية لتقوم على قواعد وأسس الشريعة حيث الصدق والوفاء، والتراحم والتناصر، وأداء الأمانة والرفق، والإحسان والإنطلاق لإسعاد المجتمع، فلهذا يقول النبي صلى الله عليه وسلم: «أفضل الجهاد كلمة عدل عند سلطان جائر، أو أمير جائر» (أبو داود، ٤٠٠/٦) فرى أنه صلى الله عليه وسلم جعل الوقوف أمام سلطان جائر ظالم، أفسد العباد والبلاد، هو أعلى رتبة الجهاد، والعلة؛ أن التصدي لهذا السلطان تغير موازين المجتمع من كفة إلى كفة، فكأنما القائم بهذه الفريضة لا يجاهد السلطان فقط، بل إنما يجاهد الأخلاق الذميمة والرذيلة التي تغير نظام المجتمع، فلهذا كان أعظم الجهاد، فتأمل هذا المقصد من هذه الفريضة كيف ستجعل حياتنا رائعة مملوءة بالخير والصلاح والإحسان، وستكون الحياة ألد من ذي قبل.

حفظ التوازن الإقتصادي

من مقاصد الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر حفظ التوازن الاقتصادي، وهذا المقصد يتحقق عن طريق التكافل الاجتماعي والحث على الإنفاق التطوعي في وجوه الخير، فإن القيام بهذه الفريضة من قبل لجنة متخصصة في الأسواق والمحلات، والمصانع والمؤسسات، حيث يأمرهم بالعرف التجاري الشرعي وينهون عن المخطورات التجارية، لأصبح الإقتصاد المحلي، حتى الإقتصاد العالمي في نطاقه الواسع إذا أقيم بهذه

الفريضة، إقتصاداً باهراً ذاخراً، لا ينفد ولا يبيد، فلن ترى بعدها في الأسواق؛ الغش، ولا الكذب، ولا الربا، ولا من يأكل أموال الناس بالباطل، وسيكون الإقتصاد محل رفاهية للمجتمع، لا محل غش وتزوير. ومن الأمثلة التي يحسن ذكرها قصة نبينا شعيب عليه السلام لما قام واعظاً، وداعياً في قومه فقال: ﴿وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾ (هود، ٨٥) وجاء في سورة اخرى: ﴿أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ - وَزِنُوا بِالْقِسْطِاسِ الْمُسْتَقِيمِ - وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾ (الشعراء، ١٨١-١٨٣) فإن قوم شعيب تشعبوا إلى قسمين؛ منهم القوي الذي يطغى ويفسد في الكيل الميزان، ومنهم الضعيف الذي يظلم ويجار عليه، فكان لا بد من وجود من يعظ الناس ويأمرهم بالقسط والميزان، فهنا يظهر دور القائمين بالأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، فكان المقصد من قيام نبينا شعيب عليه السلام أن يوازن الإقتصاد التجاري بهذه الفريضة وأن يخرجوه من حالته المتزلزلة، ولكن شاء الله أن لا يطيعوا وأمر نبينا شعيب عليه السلام وأن يبقوا على ما هم عليه إلى أن يأثم العذاب، فتأمل معي لو أن قوم شعيب استجابوا لدعوته، لعلم الخير والفلاح في الأسواق وغيره، فهكذا مجتمعنا الاقتصادي إذا شكلت فيه لجنة متخصصة تراقب الإقتصاد وتأمّر التجار بأن يراعوا العرف التجاري الديني لزهرة اقتصادنا، وعمّ في الأمة الخير والبركات. وهذا الخير والفلاح والرشاد في الأهل والمال كله راجع إلى الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر.

النتائج

إن فريضة الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر تقوم على مقاصد نفيسة وغايات حميدة، فمن أدركها وظفر بها أدرك لذة الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، وازداد شوقه وتحركت جوارحه للعمل بهذه الفريضة، ومقاصد الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر إذا تحققت، لرأيت العجب العجيب، فالدين يحفظ، والنفس ترفع، والمجتمع ينهض، وبعد البحث والتحري وجدنا أن فريضة الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر تحفظ الدين من الانحراف والزيغ، وتحفظ النفس من الهلاك، وتحفظ المجتمع من خوارم المروءة ورذالة، وتحفظ الاقتصاد من الركود والانكسار، فهذه هي الشريعة الربانية كما عهدناها جاءت من منبع العلوم والحكم وهو الله سبحانه وتعالى فإنه لا يشرع حكماً ولا يضع نظاماً إلا قد راعى فيه حقوق

الإنسان، فعلى المسلم أن يعوّد نفسه على الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، لكي يصلح نفسه ومجتمعه ويظفر بهذه المقاصد، وبعدها تحلو دنياه وآخرته.

المصادر والمراجع

القرآن الكريم.

ابن عاشور، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر بن عاشور التونسي، **تحرير المعنى السديد وتنوير العقل الجديد من تفسير الكتاب المجيد**، الناشر: الدار التونسية للنشر، تونس، سنة النشر: ١٩٨٤ هـ.

أبن عطية، أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن الأندلسي، **المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز**، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢٢ هـ.

ابن فارس، أحمد بن فارس، **معجم مقاييس اللغة**، المحقق: عبد السلام محمد هارون، الناشر: دار الفكر، عام النشر: ١٣٩٩ هـ/١٩٧٩ م.

ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي، **تفسير القرآن العظيم**، المحقق: سامي بن محمد سلامة، الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، الطبعة: الثانية ١٤٢٠ هـ/ ١٩٩٩ م.

أبو داود، سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير السّجستاني، **سنن أبي داود**، المحقق: شعيب الأرنؤوط، محمّد كامل قره بللي، الناشر: دار الرسالة العالمية، الطبعة: الأولى، ١٤٣٠ هـ/ ٢٠٠٩ م.

أبو منصور، محمد بن أحمد بن الأزهرى الهروي، **تهذيب اللغة**، المحقق: محمد عوض مرعب، الناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت، الطبعة: الأولى، ٢٠٠١ م.

الألوسي، شهاب الدين محمود بن عبد الله الحسيني، **روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني**، المحقق: علي عبد الباري عطية، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٥ هـ.

بخاري، **صحيح البخارى**، المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، الناشر: دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي)، الطبعة: الأولى، ١٤٢٢ هـ.

الترمذى، محمد بن عيسى، **سنن الترمذي**، الناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي، مصر، الطبعة: الثانية، ١٣٩٥ هـ/ ١٩٧٥ م.

الجويني، عبد الملك بن عبد الله، **البرهان في أصول الفقه**، المحقق: صلاح بن محمد بن عويضة، الناشر: دار الكتب العلمية بيروت، لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤١٨ هـ/ ١٩٩٧ م.

الحاكم، محمد بن عبد الله، **المستدرك على الصحيحين**، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١١هـ/١٩٩٠م.

الرازي، محمد بن عمر، **مفاتيح الغيب**، الناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت، الطبعة: الثالثة، ١٤٢٠هـ. الأصفهاني، راغب، **المفردات في غريب القرآن**، المحقق: صفوان عدنان الداودي، الناشر: دار القلم، الدار الشامية، دمشق — بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٢هـ.

الشوكاني، محمد بن علي، **فتح القدير**، الناشر: دار ابن كثير، دار الكلم الطيب، دمشق، بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٤هـ.

المقدسي، عبد الغني بن عبد الواحد، **الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر**، المحقق: سمير بن أمين الزهيري، الناشر: دار السلف، الطبعة: الأولى، ١٤١٦هـ/١٩٩٥م.

الغزالي، محمد بن محمد، **إحياء علوم الدين**، الناشر: دار المعرفة، بيروت.

النيسابوري، مسلم، **المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم**، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت.

مكي بن أبي طالب، أبو محمد مكي بن أبي طالب حمّوش بن محمد بن مختار القيسي، **الهداية إلى بلوغ النهاية في علم معاني القرآن وتفسيره**، المحقق: مجموعة رسائل جامعية بكلية الدراسات العليا والبحث العلمي، جامعة الشارقة، بإشراف أ. د: الشاهد البوشيخي، الناشر: مجموعة بحوث الكتاب والسنة - كلية الشريعة والدراسات الإسلامية - جامعة الشارقة، الطبعة: الأولى، ١٤٢٩هـ/٢٠٠٨م.

النسائي، أحمد بن شعيب، **السنن الكبرى**، حققه وخرج أحاديثه: حسن عبد المنعم شلبي، أشرف عليه: شعيب الأرنؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢١هـ/٢٠٠١م.

الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر

(الفضائل، صفات القائمين به، الشبهات)

يسرى آريش (طالبة بقسم الدعوة وأصول الدين _ بندرعباس)

yasalsham93@gmail.com

ملخص

إن الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر هو القطب الأعظم في الدين، وأيسرها عملاً وأسرعها انتشاراً، مع ذلك فلديه ضوابط شرعية وفضائل كثيرة قد وردت في الكتاب والسنة وقد تم ذكر أهمها، وللقائمين بها صفات تميزهم عن غيرهم يجب رعايتها والتحلي بها، فبها يعرف الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر وبالأمرين بالمعروف والنهي عن المنكر يتأثر المدعويين؛ لذا من المهم معرفة أهم هذه الصفات وتعريفها لذلك تم تسليط الضوء على أبرز هذه الصفات، وفي المقابل، في وسط هذا الميدان الكبير يوجد فئة ساعية لتخميد شعلة هذا الأمر عن طريق طرح شبهات لا أصل لها، باستدلالات لا علاقة لها بهذا الموضوع، لأجل ذلك وجب الإشارة إلى الشبهات الأكثر شيوعاً في العصر الحاضر وتم تفنيدها عن طريق النصوص الشرعية التي لا مجال للشك فيها، وقد اتبعت الباحثة المنهج الاستقرائي-التوصيفي في كتابة هذا المقال، ومن ضمن ما تم التوصل إليه أنه لا يوجد تعارض بين النقل والعقل في معرفة المعروف والمنكر، وأيضاً لكل داعٍ يجب عليه أن يتحلى بخلق القرآن ولا ينسى أن الإنسان ليس بكامل ومع نواقصه لا يسقط منه مهمة الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، بل كلٌّ على حسب استطاعته وعلمه، وليعلم أن الشبهات ليست بعائق أمام الدعوة؛ بل يجب ردها بقوة العلم.

الكلمات المفتاحية: الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، فضائل، صفات، شبهات، المعروف، المنكر.

المقدمة

إن الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر من أهم الواجبات الإسلامية التي يترتب عليها صلاح المجتمع وسلامته، ولذلك هي سفينة النجاة، كما في حديث النعمان بن بشير رضي الله عنه قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «مثل القائم على حدود الله والواقع فيها كمثل قوم استهموا على سفينة فأصاب بعضهم أعلاها وبعضهم أسفلها، فكان الذين في أسفلها إذا استقوا من الماء مروا على من فوقهم فقالوا: لو أنا خرقنا من نصيبنا خرقاً ولم نؤذ من فوقنا، قال النبي: «فإن يتركوهم وما أرادوا هلكوا جميعاً، وإن أخذوا على أيديهم نجوا ونجوا جميعاً». (رواه البخاري، رقم: ٢٤٩٣).

فمجتمعنا كالسفينة يوشك أن يغرق بأيدي المفسدين لولا ما يقوم به المصلحون، فإن أعرض المصلحون عن دورهم هلكوا مع المفسدين؛ لأنهم لم يقوموا بدورهم، وهي السفينة التي تنجينا من النار يوم القيامة، وهي أيضاً من الأعمال العظيمة التي جعل الله أجرها كبيراً؛ فالدعوة إلى الله هي رسالة الأنبياء، ويحمل تلك الرسالة قوم قد اختاروا أن يكون منهج حياتهم هو منهج الأنبياء، فيعلمون الناس دينهم ويقودونهم نحو رضى الله.

المعروف و المنكر لغة واصطلاحاً

قبل الخوض في الموضوع، كما هو بين في كل مقال، لفهم الموضوع أكثر، سنعطي نبذة مختصرة عن التعاريف اللغوية والإصطلاحية لكلمتي المعروف والمنكر، حتى يسهل فهم المطالب.

لغة

المعروف في اللغة، هكذا عرفه اللغويون في معاجهم:

معروف: اسم المفعول من العرف، والعرف كما قال ابن فارس يدل على أصلين صحيحين: أحدهما: تتابع الشيء متصلاً بعضه ببعض... والأصل الآخر: يدل على السكون والطمأنينة ومن هذا الباب: هذا أمر معروف وهذا يدل على السكون إليه؛ لأن من أنكر شيئاً توحش منه). (ابن فارس، ٢٠٠٨م، ٢/٢٤٦).

وقال ابن منظور: عرف؛ العرفان، أى العلم. (ابن منظور، ١٥٣/٩).

إذا ما رأينا بين المعاني وما جاء أيضا في العين، كل المعاني متقاربة مع بعضها و تدل على شيء معلوم، أي يعرفه الناس ولا يجهلون، وإذا أردنا أن نبني تناسباً بين المعنى الأول الذي يدل على التتابع والارتفاع وبين معنى العلم، وكأن الشيء المعلوم هو معروف عند الجميع كونه لشدة معرفته فهو مشهور بهذا الشيء وبه أصبح علماً بين الناس، أي يتميز عن غيره من الأشياء الغير معلومة، بعلميته واشتهاره بين الخلق.

وفي الاصطلاح، كما قال ابن كثير: المعروف، هو كل ما يعرفه الشرع ويأمر به، ويمدحه ويثني على أهله، ويدخل في ذلك جميع الطاعات، وفي مقدمتها توحيد الله عز وجل والإيمان به. (الشريف: ٢١/٢٠٢م). إذا، كما اتضح لنا، المعروف هو كل شيء شمل الحسن الشرعي والعقلي والفطري، ويكون معروفاً عند الناس ولا يجهله أحد كونه علماً بين الأشياء الأخرى.

لغة

المنكر لغة: جاء في اللغة معاني متنوعة للمنكر، لكن كلها قريبة من بعض ومترادفها. قال ابن فارس: المنكر من نكر، هو خلاف المعروف، وكل ما قبحه الشرع وحرمه وكرهه، وكل شيء لم يقبله القلب ولم يعترف به اللسان. (ابن فارس، ٢٠٠٨م، ٢/٥٨١). و بهذا المعنى أيضاً عرفه ابن منظور والفراهيدي والفيروزآبادي. (ابن منظور، ١٤/٢٨٢؛ الفراهيدي، ١٤٢٥ق، ٣/١٨٣٨؛ فيروز آبادي، ١٤٢٨هـ، ١٣١٤). إذن، المنكر يدور معناه حول كل شيء مستنكر وغير معروف، سواء كان مستنكراً في الشرع أو العرف أو الفطرة السليمة.

في الاصطلاح:

قد اختلف العلماء في التعريف الاصطلاحي للمنكر، فمنهم من عرفه من منظور عرفي، ومنهم من عرفه من منظور شرعي و منهم من عرفه بمنظور الفطرة السليمة والآخر من منظور فقهي، سنذكر التعريف الأشمل والأعم وهو: قال عبدالعزيز الراجحي في تعريفه للمنكر في الشرع: كل ما ينكره الشرع وينهى عنه ويذمه ويذم أهله، ويدخل في ذلك جميع المعاصي والبدع، وفي مقدمتها الشرك بالله

عز وجل وإنكار وحدانيته أو ربوبيته أو أسمائه أو صفاته. (الراجحى، <https://www.arabic-book-keyboard.info/books/ar/read>).

كما اتضح لنا، المنكر في تعريفه الاصطلاحي، يشمل كل ما نهى عنه الشرع وقبحه العقل السليم وتتنافر منه الفطرة السليمة، ولا تنافي بين ما يقبحه العقل والشرع، فكل ما نهى عنه الشرع، الفطرة السليمة لا تقبله.

كما هو واضح، ليس هناك اي تعارض بين الشرع والعقل والفطرة السليمة، فكل ما كان في الشرع حسنا او حسنه، فهو عند العقل والفطرة السليمة حسن ولا مجال للنقاش فيه، وكل ما قبحه الشرع، فهو مستنكر عند العقل والفطرة السليمة ولا مجال للنقاش فيه، ومن الناحية الأخرى نستطيع ان نشير الى شمولية الشرع و سعته لكل شئ، حيث أنه ربط بين العقل السليم والفطرة السليمة، ولا يكاد يوجد شئ قبيح في الشرع إلا وقد استنكره العقل السليم والفطرة السليمة و عكس ذلك ايضا، وهذا يدل على أن الشرع لم يأت بمحالات الأمور، وإنما اتى بمحارات العقول السليمة، حتى يجتد الانسان ويستفيد من عقله السليم للتأمل والتفكر في آيات الله، ومن ثم يصل الى الصواب بعقله السليم ومنها ما هو الحسن وما هو القبح.

مفهوم تركيب (الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر)

الإرشاد إلى المراسد المنجية، والنهي عن المنكر: الزجر عما لا يلائم في الشريعة، وقيل: الأمر بالمعروف: أمرٌ بما يوافق الكتاب والسنة، والنهي عن المنكر: نهيٌ عما تميل إليه النفس والشهوة. وقيل: الأمر بالمعروف: إشارة إلى ما يرضي الله تعالى من أفعال العبد وأقواله، والنهي عن المنكر: تقبيح ما تنفر عنه الشريعة والعفة، وهو ما لا يجوز في دين الله تعالى. (المرجاني).

فضائل الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر

إذا، الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر من أبسط العبادات وأعظمها أجرا وأعلاها منزلة، ووصفت خيرية الأمة بها، وعدّه بعض العلماء الركن السادس من أركان الإسلام لأهميتها. سنذكر فيما يلي بعض فضائل الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، منها:

١ _ من أحسن الأقوال:

قال تعالى: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ (فصلت، ٣٣).

فالدعوة إلى الله أحسن القول وأفضله فلا بد أن نحرص على هذه الفريضة على قدر حسناتها وفضلها.

قال ابن جرير في تفسير هذه الآية: يقول تعالى ذكره، ومن أحسن أيها الناس قولاً ممن قال ربنا الله ثم استقام على الإيمان به، والانتهاه إلى أمره ونهييه، ودعا عباد الله إلى ما قال وعمل به من ذلك. (نورالحق بن الشيخ، ١٤٣٣هـ).

٢ - قرينة الخيرية لأمة النبي محمد صلى الله عليه وسلم:

قال الله تعالى: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ (آل عمران، ١١٠). ويقول ابن عطية الأندلسي: وهذه الخيرية التي فرضها الله لهذه الأمة، إنما يأخذ بحظه منها من عمل هذه الشروط، من الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، والإيمان بالله. (صلاح عامر قمصان).

٣ - من أخص صفات المؤمنين:

الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر هو من أخص صفات المؤمنين، كما وفهم الله سبحانه وتعالى بقوله ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (التوبة، ٧١).

ذكر الله سبحانه وتعالى المؤمنين بهذه الصفات الحميدة - أولها الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر - مثنيًا عليهم بها، واعدًا لهم بالرحمة عليها، وكان ذكر هذه الصفات بعد صفات المنافقين الذميمة، حيث كانوا ضد ما عليه المؤمنون من الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر،

وقد ورد وصف المؤمنين بالأمر بالمعروف والنهي عن المنكر في آيات أخرى، منها قوله تعالى ﴿التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (التوبة، ١١٢).

ولو تأملنا هذه الصفات الواردة للمؤمنين في الآيات المذكورة لوجدنا أن الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر اقترن بأعظم الأعمال وأجلها، اقترن بالإيمان بالله، وبالصلاة والزكاة ونحوها.
(<https://www.alukah.net/sharia>)

٤- من أسباب الفلاح:

قال الله تعالى: ﴿وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران، ١٠٤). قال ابن باز: «والمعنى أنهم هم المفلحون على الكمال والتمام، وإن كان غيرهم من المؤمنين مفلحاً إذا تخلّى عن بعض هذه الصفات لعذر شرعي، لكن المفلحون على الكمال والتمام هم هؤلاء الذين دعوا إلى الخير وأمروا بالمعروف وبادروا إليه، ونهوا عن المنكر وابتعدوا عنه». (ابولكأرم).

٥- أن الله سبحانه قدمه في الذكر على الإيمان به:

قال الله تعالى: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾.

قال ابن باز رحمه الله: «ولا نعلم السر في هذا التقديم إلا عظم شأن هذا الواجب وما يترتب عليه من المصالح العظيمة العامة ولا سيما في العصر، فإن حاجة المسلمين وضورتهم إلى الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر شديدة؛ لظهور المعاصي وانتشار الشرك والبدع في غالب المعمورة». <http://www.alminbar.net/malafilmy/ma.htm>

٦- أنه صدقة من الصدقات:

فعن أبي ذر رضي الله عنه قال: إِنَّ أَنَسًا قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ ذَهَبَ أَهْلُ الدُّثُورِ _ يَعْنِي الْمَالُ الْكَثِيرَ _ بِالْأَجُورِ، يَصَلُّونَ كَمَا نَصَلِّي، وَيَصُومُونَ كَمَا نَصُومُ، وَيَتَصَدَّقُونَ بِفُضُولِ أَمْوَالِهِمْ. قال صلى الله عليه وآله وسلم: «أوليس قد جعل الله لكم ما تصدقون به؟ إِنَّ بَكلَ تَسْبِيحَةٍ صدقة، وبَكلِ تَكْبِيرَةٍ صدقة، وبَكلِ تَحْمِيدَةٍ صدقة، وبَكلِ تَهْلِيلَةٍ صدقة، وأمرٌ بالمعروف صدقة، ونهي عن منكر صدقة». (فضائل الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر)، شبكة رافد للتنمية الثقافية <https://rafed.net> > reyhana > article

٧- من أهم وظائف الدولة المسلمة:

إن مقصود الإمامة وإقامة الدولة المسلمة هو حراسة الدين، وحماية البيضة، وإقامة الحدود، ورعاية الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، والجهاد في سبيل الله، قال تعالى: ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (الحج، ٤١). (الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر موقع: معهد تراث الأنبياء، <https://hz.turathalanbiaa.com/pub/pdf.832lic>). كما اتضح لنا فإن لهذه الوظيفة الدينية فضائل كثيرة قد وردت منها في الكتاب والسنة، وبما أن المجال لايسع لذكر جميع ما ذكر من فضائلها، اكتفينا بذكر سبعة فضيلة.

صفات الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر

إن الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر عبادة من العبادات، يجب فيها ما يجب في غيرها من العبادات، من إخلاص العمل لله وحده، والمتابعة فيه لرسوله صلى الله عليه وسلم. ثم إن الأمر والنهي يتميز بأنه نياحة عن النبيين في الإصلاح والتغيير والتوجيه والنصيحة، ومواجهة للناس بغير ما هم عليه؛ بل بما هو غريب عليهم، مخالف لمألوفهم؛ فهو إما طلب ترك منكر قائم موجود، أو طلب فعل معروف غائب مفقود. ولذلك؛ فقد يتصدى للأمر والنهي قوم غير مستجمعين للشروط كلها، ولا متّصّفين بالعلم والحكمة، فيكون ما يفسدون أكثر مما يصلحون، ويكون سكوت هؤلاء في بعض الأحيان عن المنكر أولى من الإنكار، إذ إن من الإنكار المتعجل غير الحكيم ما يثير منكرًا أكبر من المنكر الأول، مع بقاء المنكر الأول، أو مع زواله.

والأصل أن القائمين بتغيير المنكر هم من الطائفة المنصورة، ولكن يُضاف إلى ذلك أنه لا بد من وجود صفات للفرد، أو للجماعة، حال القيام بالأمر والنهي، وقبله، وبعده؛ منها:

_ الاخلاص:

وهو تصفية الفعل عن ملاحظة المخلوقين وقد جاءت نصوص شرعية كثيرة تأمر بالإخلاص ومنها: قوله تعالى: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾ ويحسن بالداعية المحتسب أن يكون هدفه مرضاة الله عز وجل، ولا يرجو من جراء أمره أو نهيهِ جزاءً ولا شكوراً، وهكذا أنبياء الله عز وجل. (عبدالهادي، ٤٣).

— العمل بما يعلم:

إحدى صفات الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، أن يكون عاملاً بما يعلم مطبقاً لما يقول، تصدق أفعاله أقواله.

وقد عاب الله على من اتصف بالضد أو النقيض فقال تعالى: ﴿تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (البقرة، ٤٤).

كما ذم سبحانه وتعالى من أمر بالمعروف ونهى عن المنكر وخالف فعله قوله فقال تعالى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ (الصف، ٦)، والسنة مليئة في ذم من يتصف بهذه الصفة. (صفات الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، تحت قسم: الرسول يأمر وينهى، ١٣/٠٥/٢٠٢٤، موقع نصرة رسول الله على العنوان التالي:

<https://rasoulallah.net/ar/articles/article/276>).

فعن أسامة بن زيد قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «يؤتى بالرجل يوم القيامة فيلقى في النار فتندلق أفتاب بطنه فيدور بها كما يدور الحمار في الرحى فيجتمع إليه أهل النار فيقولون: يا فلان مالك: ألم تكن تأمر بالمعروف وتنهى عن المنكر؟ فيقول بلى كنت آمر بالمعروف ولا آتية وأنهى عن المنكر وآتية». (مسلم، رقم: ٢٩٨٩، ٤/٢٢٩١).

— المعرفة بحال من يأمره أو ينهاه:

وهذا نحو من دخل بلداً وهو لا يعرف عاداتهم أو لهجاتهم أو مذاهبهم الفقهية وسوى ذلك، وخاصة ما قد يكون ممن حاله الاضطراب كمن جاز له أكل الميتة، وكمسافر أفطر في رمضان ونحو ذلك.. واخت معرفة أحوال من تأمره بمعروف أو ننهيه عن منكر قد يتسبب في الخطأ أو الحرج أو الوقوع في منكر آخر. (محمد مصطفى الشامي، ضوابط وآداب الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، موقع أكاديمية مكة المكرمة على العنوان التالي:

<https://makkahacademy.org/standard-aadab->

- الصبر:

قال تعالى في محكم تنزيله بلسان لقمان: ﴿وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (لقمان: ١٧).

وقال شيخ الاسلام ابن تيمية: «ولا بد أيضا أن يكون حليما صبوراً على الأذى: فإنه لا بد أن يحصل له أذى، فإن لم يلجم ويصبر كان ما يفسد أكثر مما يصلح»، ولهذا أمر الله الرسل وهم أئمة الأمر بالمعروف والنهي المنكر بالصبر. (ابن تيمية، ٢/٢٣١).

- التريث والتحقق والتثبت وعدم الاستعجال:

لا بد للآمر بالمعروف والنهي عن المنكر أن يتحقق من أن ما يريد إنكاره هو منكر محقق دالٌّ على إنكاره نصٌّ من كتاب الله الكريم، أو سنة رسوله صلى الله عليه وسلم، لأن البعض قد يرى فعلاً من الأفعال، أو يسمع قولاً من الأقوال، يظنه منكراً بحسب ماجرت عليه عادات الناس وتقاليدهم، ولكنه في الشريعة الإسلامية ليس بمنكر. ومن الملاحظ على بعض الأمرين بالمعروف والنهي عن المنكر في هذا الوقت عدم الانطلاق من هذه القاعدة، وانسياقهم وراء الظن والتخمين بدلاً من التأكد والتحقق، والله جل ثناؤه يقول: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾ (الحجرات، ١٢) كما قال تعالى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَتَبَيَّنُوا﴾ (النساء، ٩٤) وقال سبحانه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ﴾ (الحجرات، ٦). (آل سعود، ٢٠٠٩م، رقم: ١٤٩٤٩).

- القدوة الحسنة:

من السمات الحسنة المؤثرة التي ينبغي أن يتحلى بها الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، أن يكون قدوة حسنة للآخرين؛ لأن التأثير بالافتداء والتقليد له قيمة كبيرة في نفوس المدعويين، ولذلك كان رسول الله أسوة حسنة، وقدوة صالحة ليحتذي الناس بأقواله وأفعاله، فمن أسرته نفسه وأصبح عبداً لهواه، فلا يمكن أن ينكر على الآخرين. (يحيى بن ابراهيم أبوشريفة، كيف تأمرين بالمعروف وتنهين عن المنكر).

وفي ختام هذا البحث، يستحسن أن نشير إلى قول الإمام سفيان الثوري حيث قال: «لا يأمر بالمعروف ولا ينهى عن المنكر إلا مَنْ كان فيه ثلاث خصال: رفيق بما يأمر رفيق بما ينهى، عدل بما يأمر عدل

بما ينهى، عالم بما يأمر عالم بما ينهى»، (رواه أحمد، رقم: ١٦٦). فالعلم قبل الأمر والنهي، والرفق والحلم والعدل معهما، والصبر بعدهما.

والمقصود بالعلم:

- العلم بالمعروف والمنكر بمقتضى الشرع، إذ إن الأمر والنهي؛ إذا لم يكن متبعا للشرع؛ كان متبعا للهوى، وكثير من الناس ينكرون ما لا تهواه نفوسهم، ولو كان معروفا، ولو كان من السنة، وهؤلاء يفسدون أكثر مما يصلحون.

- وكذلك: العلم بالطريق الصحيح للإنكار؛ بحيث يفهم المحتسب آداب الأمر والنهي وأصوله وضوابطه.

- ومثله: العلم بحال المأمور وحال المنهي وما يناسب هذا الحال. (سلمان بن فهد العودة، وسائل دفع الغربة).

و قال شيخ الإسلام ابن تيمية أيضا في هذا الشأن: «الْفَقْهُ قَبْلُ الْأَمْرِ لِيُعْرِفَ الْمَعْرُوفَ وَيُنْكِرَ الْمُنْكَرَ، وَالرَّفْقُ عِنْدَ الْأَمْرِ لِيَسْئَلَكَ أَقْرَبَ الطَّرِيقِ إِلَى تَحْصِيلِ الْمَقْصُودِ، وَالْحِلْمُ بَعْدَ الْأَمْرِ لِيَصْبِرَ عَلَى أَدَى الْمَأْمُورِ الْمُنْهَى؛ فَإِنَّهُ كَثِيرًا مَا يَحْصُلُ لَهُ الْأَذَى بِذَلِكَ». (ابن تيمية، ١٦٧/١٥).

شبهات حول الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر

هناك بعض الأمور التي يعدها بعض الناس عوائق أمام قيامهم بالأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، وهي في الحقيقة ليست أمورا عائقة أمام هذا العمل العظيم، ولكن الشيطان يضخمها في نفوس بعض الناس ليصدhem بذلك عن هذا الأمر الجليل الذي فيه صلاح البلاد والعباد، ومن هذه الشبه ما يلي:

الشبهة الأولى: ترك الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر بسبب التقصير

يقول بعض الناس لا ينبغي لي أن آمر بالمعروف وأنهى عن المنكر وأنا مقصر في فعل المأمور به، وترك المنهي عنه، ويستدل على قوله هذا بالكتاب والسنة. فمن الكتاب قوله سبحانه وتعالى: ﴿اتَّامِرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تُلَوْنُ الْكِتَابَ أَفْلا تَعْقِلُونَ﴾ (البقرة، ٤٤).

وقوله: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ * إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ﴾ (الصف، ٢ - ٤)

ومن السنة ما رواه أسامة بن زيد (رضي الله عنه) قال: «سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: يجاء بالرجل يوم القيامة فيلقى في النار فتندلق أقتابه في النار فيدور كما يدور الحمار برحاه فيجتمع أهل النار عليه فيقولون أي فلان ما شأنك أليس كنت تأمرنا بالمعروف وتنهانا عن المنكر قال كنت آمركم بالمعروف ولا آتية وأنهاكم عن المنكر وآتية». (البخارى، ١٤٢٢هـ، رقم: ٣٢٦٧).

الرد:

الوعيد على ترك المعروف وليس على الأمر بالمعروف:

لا شك أن في الآيات والحديث تهديداً ووعيداً شديداً، ولكن لتأمل من هو الذي يستحق التهديد والوعيد المذكور في الآيات والحديث.

إن الذم في الآية الأولى ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾ (البقرة، ٤٤) إنما هو على ترك البر لا على الأمر بالبر، كما يقول ابن كثير في ذلك: «وليس المراد ذمهم على أمرهم بالبر مع تركهم له، فإن الأمر بالمعروف معروف وهو واجب على العالم، ولكن الواجب والأولى بالعالم أن يفعله مع من أمرهم به ولا يتخلف عنهم...».

وقال القرطبي في تفسير قوله تعالى ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ﴾ الآية: اعلم وقلك الله تعالى أن التوبيخ في الآية بسبب ترك فعل البر لا بسبب الأمر بالبر، ولهذا ذم الله تعالى في كتابه قوماً كانوا يأمرون بأعمال البر ولا يعملون بها وبخهم به توبيخاً يُثَلَّى على طول الدهر إلى يوم القيامة.

وفي حديث أسامة (رضي الله عنه) نجد أن الأمر والمأمور اجتماعاً في النار، فالمأمور لأنه لم يمثل ما أمر به، والأمر لأنه لم يفعل ما يأمر الناس به، ولم يجتنب ما ينهاهم عنه. قال الطبري: «فإن قيل كيف صار المأمورون بالمعروف في حديث أسامة المذكور في النار؟ الجواب أنهم لم يمثلوا ما أمروا به، فعذبوا بمعصيتهم، وعذب أميرهم بكونه يفعل ما ينهاهم عنه».

وليس دخوله النار لمجرد أمره ونهي، فالأمر بالمعروف والنهي عن المنكر من الطاعات التي يستحق المسلم عليها ثواباً لا عذاباً. (سليمان بن قاسم بن محمد العيد، ٢٠٠٧م).

الشبهة الثانية: الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر حيث لا يضرنا ضلال الضالين
يقول بعض الناس: لا يجيب علينا الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر حيث أمرنا الله تعالى بالاهتمام بأنفسنا وبآئنا أنه لا يضرنا ضلال الآخرين واستدلوا على ذلك بقوله تعالى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ﴾.

الرد:

لو تدبر أصحاب هذه الشبهة في الآية نفسها لما نطقوا بها. اشترط الله تعالى لعدم إصابة الضرر بسبب ضلال الآخرين أن يكون الشخص مهتدياً حيث قال تعالى: ﴿لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ﴾. ولا يصير الشخص مهتدياً إلا إذا أدى ما أوجبه الله عليه. ومما أوجب عليه أن يأمر بالمعروف وينهي عن المنكر. فالذي لا يقوم بهذا لا يكون مهتدياً لأن فوات الشرط يستلزم فوات المشروط. وقد بين هذا بعض الصحابة والتابعين وكثير من المفسرين والعلماء القدامى والمتأخرين. فعلى سبيل المثال فقد نقل الإمام ابن جرير الطبري عن حذيفة رضي الله عنه في تفسير هذه الآية أنه قال: ﴿إِذَا أَمَرْتُمْ وَنَهَيْتُمْ﴾.

كما نقل الإمام الطبري عن سعيد بن المسيب في تفسير الآية أنه قال: «إِذَا أَمَرْتُ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتُ عَنِ الْمُنْكَرِ، لَا يَضُرُّكَ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتَ».

ويقول شيخ الإسلام ابن تيمية في هذا الصدد: «والاهتداء إنما يتم بأداء الواجب، فإذا قام المسلم بما يجب عليه من الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر كما قام بغيره من الواجبات لم يضره ضلال الضال». (فضل الهى، ١٤١٢هـ، ١/ ٩-١).

الشبهة الثالثة: ترك الاحتساب بسبب عدم استجابة الناس

يقول بعض الناس: ينبغي أن لا نضيع جهودنا وأوقاتنا في أمر الناس بالمعروف ونهيهم عن المنكر حيث إنهم لا يستجيبون.

الرد:

لا يُشترط لوجوب الاحتساب قبول الناس:

لم يشترط الله تعالى ولا رسوله لوجوب الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر استجابة الناس، بل أوجب الله تعالى على نبيه الكريم وعلى أمته تبليغ الناس أوامره ونواهيه سواء استجابوا أم لم يستجيبوا، وقد وردت نصوص كثيرة تبين هذا، منها على سبيل المثال قوله تعالى: ﴿فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾ (النور، ٥٤).

ومنها قوله تعالى: ﴿فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ﴾ (آل عمران، ٢٠).

ومنها قوله تعالى: ﴿فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾ (المائدة، ٩٢).

فمهمة الرسول الكريم وهكذا مهمة أمته أن يبلغوا الناس أوامر الله تعالى ونواهيه ويذكروهم سواء استجابوا أم لم يستجيبوا ولا عذر لهم عند الله لترك هذه المهمة الجليلة بسبب إعراض الناس عنهم، وفي هذا الصدد يقول الإمام النووي: «قال العلماء رضي الله عنهم: ولا يسقط عن المكلف الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر لكونه لا يفيد في ظنه، بل يجب عليه فعله فإن الذكرى تنفع المؤمنين». وقد قدّمنا أن الذي عليه الأمر والنهي لا القبول، وكما قال تعالى: ﴿مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ﴾ (المائدة، ٩٩).

ومما يؤكد هذا ما قصّه الله تعالى عن أصحاب السبب حيث استمر الصالحون في نهي العصاة عن التحايل للصيد يوم السبت، ولم يتركوا الاحتساب بسبب عدم استجابة العصاة، بل صرّحوا أنهم يقصدون من وراء احتسابهم أمرين: أن يُقبل عذرهم عند الله تعالى.

لعل العصاة يستجيبون فيتركون التحايل ويتوبون إلى الله تعالى.

يقول سبحانه وتعالى عن قصتهم: ﴿وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لَمَّ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَىٰ رَبِّكُم وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾ (الأعراف، ١٦٤).

ويقول الإمام ابن العربي في تفسير الآية: «لما فعلوا هذا نهاهم كبارؤهم، ووعظهم أحبارهم فلم يقبلوا منهم فاستمروا في نهيهم لهم، ولم يمنع من التمادي على الوعظ والنهي عدم قبولهم لأنه فرض قُبَل أو لم يُقبل، حتى قال لهم بعضهم: ﴿لَمَّ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ﴾ يعني في الدنيا أو ﴿مُعَذِّبُهُمْ

عَدَاباً شَدِيداً» قال لهم الناهون: «مَعْدِرَةٌ إِلَى رَبِّكُمْ» أي نقوم بفرضنا ليثبت عذرنا عند ربنا».

(https://jameataleman.com/main/articles.aspx?article_no=٤٢)

الشبهات في هذا الصدد كثيرة، لذا اقتصرنا على ذكر أبرزها شيوعاً في عصرنا الحالي وأكثر ما يتم طرحه و الاستدلال به للهروب من القيام بهذا الأمر.

الخاتمة

وفي الختام، سنجمل أهم النتائج المتوصل إليها إختصاراً، وهي كالتالي:

- ١ - الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر من أعظم العبادات أجراً وأعلىها منزلة
- ٢ - الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، قائم في كل زمان ومكان ولا يختص بزمان خاص.
- ٣ - الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر لا يقتصر على العلماء أو فئة معينة، بل هو يسري في جميع الناس، لكن كلٍّ بحسب علمه ومنزلته.
- ٤ - الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر نيابة عن النبيين في الإصلاح والتوجيه والنصيحة
- ٥ - لا يشترط لوجوب الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر استحابة الناس
- ٦ - لا يجب على الدعاة أن ينحرفوا عن مسيرهم الأصلي ألا وهو الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، إلى الطرق الفرعية ونسيان هدفهم الأصلي، للرد على الشبهات، فهناك أفراد مختصون لهذا الأمر ولا ينبغي أن يتساهل الدعاة في الدعوة من أجل الخوض في الشبهات.

المصادر المراجع

القرآن الكريم.

- ابن فارس، احمد، معجم مقاييس اللغة، دار الكتب العلمية، لبنان، بيروت، الطبعة الثانية، ٢٠٠٨م.
- ابن منظور، محمد بن مكرم، معجم لسان العرب، دار احياء التراث العربي، لبنان، بيروت، الطبعة الثالثة.
- مبارك بن حمد الحامد الشريف، منهج ابن كثير في الدعوة الى الامر بالمعروف والنهي عن المنكر، تاريخ النشر: ٢٠٢١/٤/١١م، موقع اللوكة على العنوان التالي: <https://www.alukah.net>.
- الفراييدي، خليل بن احمد، العين، الطبعة الثانية، انتشارات اسوة، ١٤٢٥ق.
- فيروز آبادي، معجم القاموس المحيط، الطبعة الثانية، دارالمعرفة، لبنان، بيروت، ٢٠٠٧م / ١٤٢٨هـ.

العنوان التالي : <https://www.arabic-book-keyboard.info/books/ar/read>

الجرحاني، التعريفات، شبكة مشكاة الاسلامية، موقع مشكاة الإسلامية على العنوان التالي:

.tarif-jurjani < arabic < <https://www.ghazali.org>

نور الحق بن الشيخ، الرقاق والآداب والأذكار، نثر اللؤلؤ والدرر في ذكر فضائل الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، موقع جامع الكتب الإسلامية، ١٤٣٣هـ.

صلاح عامر قمصان، سفينة النجاة الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر.

سليمان بن قاسم بن محمد العيد، الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، موقع الألوكة على العنوان التالي: <https://www.alukah.net/sharia>.

محمد عبدالعاطي فهمي ابوالمكارم، ضوابط الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر.

موسوعة السحوت المنيرة: <http://www.alminbar.net/malafilmly/ma.htm>.

https://rafed.net › reyhana › شبكة رافد للتنمية الثقافية: (فضائل الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر)،
 .article

الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، على العنوان التالي:
<https://hz.turathalanbiaa.com/public/pdf.۸۳۲>

صفات الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، تحت قسم: الرسول يأمر وينهي، ١٣/٠٥/٢٠٢٤، موقع نصرة رسول الله على العنوان التالي: <https://rasoulallah.net/ar/articles/article/> ٢٧٦.

البخارى، صحيح البخاري، جامع المسند الصحيح المختصر من امور رسول الله صلى الله عليه وسلم، المحقق: محمد زهير بن ناصر، دار طوق النجاة- بيروت، الطبعة الأولى، ١٤٢٢هـ.

مسلم، صحيح المسلم، المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل، المحقق: محمد زهير فؤاد عبد الباقي، دار احياء الكتب العربية_ بيروت، الطبعة الأولى، ١٤١٢هـ.

حسن آل عبدالهادي، الحسبة ٣٨١، جامعة أم القرى، موقع جامعة أم القرى على العنوان التالي:

https://drive.uqu.edu.sa/_/tsbahwirth/fil.

محمد مصطفى الشامي، ضوابط وآداب الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، موقع أكاديمية مكة المكرمة على العنوان التالي: <https://makkahacademy.org/\-standard-aadab>.

بدر محمد الدريس، صفات الداعية من خلال مفهوم الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر عند شيخ الإسلام ابن تيمية، مجلة كلية دار العلوم، العدد ١٤٥، ٢٠٢٣م، على العنوان التالي:

https://mkda.journals.ekb.eg/article_.html.٣١٨.٣٧

سلمان بن سعود بن عبدالعزيز آل سعود، الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر والحسبة (٢/٢)، الجمعة ٥ جمادي الآخر ١٤٣٠هـ / ٢٩ مايو ٢٠٠٩م - العدد ١٤٩٤٩.

موقع جريدة الرياض على العنوان التالي: :
https://mkda.journals.ekb.eg/article_.html.٣١٨.٣٧

يحيى بن ابراهيم أبوشريفة، كيف تأمرين بالمعروف وتنهين عن المنكر، دار القاسم، على العنوان التالي:
<https://www.kalemat.org/sections.php?so=va&aid>

رواه أحمد في الورع (ص: ١٦٦)؛ انظر: جامع العلوم والحكم في شرح خمسين حديثاً من جوامع الكلم (ص: ٦٠٩ - ٦١٠)، مجموع الفتاوى (١٥ / ١٦٧) [.

سلمان بن فهد العودة، وسائل دفع الغربة، موقع صيدالفوائد على العنوان التالي:
<http://saaid.org/alsafinh/>

سليمان بن قاسم بن محمد العيد، الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، تاريخ الإضافة: ٢٠٠٧/١٢/١، شبكة الألوكة على العنوان التالي: <https://www.alukah.net/sharia/>

فضل الهي، شبهات حول الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، الطبعة الثانية، ١٤١٢هـ، موقع جامع الكتب الإسلامية على العنوان التالي: <https://ketabonline.com>

مركز البحوث، أبحاث الإيمان، ندوة الإيمان السابعة (١٤٣١هـ)، شبهات حول الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، عبدالمجيد الزنداني، موقع جامعة الإيمان على العنوان التالي:

https://jameataleman.com/main/articles.aspx?article_no